کتاب : کلید سعادت

نام مؤ لف : رحمت الله عرب نوکندی

فهرست مطالب

تعریف دعا

دعا به طور کلی بر چند نوع است ؟

دعای تشریعی بر چند قسم است ؟

مدعو کیست ؟

داعی کیست ؟

مردم از نظر دعا کردن بر چند گروهند؟

انگیزه ی انسان در دعا چیست ؟

آیا اساسا نیازی به دعا هست ، و توجه به دعا ضروریست یا خیر؟

دعا از امتیازات شیعه

فلسفه دعا و نیایش

فضیلت دعا و نیایش از دیدگاه قرآن

فضیلت دعا و تشویق بر آن از دیدگاه روایات

سخن امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره ی دعا

سخن امام خمینی درباره دعا

درخواست توفیق دعا

دعا و نیایش امری فطریست

چرا امر شده که در هر حال (سختی و آسایش) دعا کنیم ؟

اعتدال و میانه روی در دعا

آیا دعا جای کار و کوشش را می گیرد؟

آیا دعا با مقام قضا و قدر منافات دارد؟

آیا دعا با مقام رضا منافات دارد؟

تعریف دعا، ادعیه ی ماءثوره (منقوله ، وارده) و ادعیه ی مطلقه (غیر وارده)

مهم ترین تفاوت این دو دسته از دعاها در چیست ؟

فضیلت دعاهای ماءثوره بیشتر است یا دعاهای مطلقه ؟

چرا برخی دعاها به زمان و مکان خاصی اختصاص یافته است ؟

چرا ائمه ی معصومین با آنکه معصومند، از خداوند طلب آمرزش و مغفرت از گناهان را می‌کردند؟

آیا می توان با توسل جستن به معصومین ، از آنها حاجت خواست ؟

آیا دعا کردن نوعی جسارت به درگاه پروردگار است ؟

اگر خدا حاجت ما را بی دعا برآورده می کرد بهتر نبود؟

چرا اولیای خدا معمولا به هنگام دعا و نیایش سخن خود را با ربنا شروع می‌کردند؟

دعایی که مردم درباره ی یکدیگر می کنند، آیا مؤ ثر است ؟

چرا امر شده که در موقع دعا دست ها را به سوی آسمان دراز کنیم ؟

چرا به صورت جمع دعا کنیم ؟

آیا هر چه را که از خدا بخواهیم ، به ما می دهد؟

دعا کردن در خواب به چه معناست ؟

چرا در دعا باید اصرار و پافشاری کنیم ؟

چرا باید دعا را مطلق به ماشاءالله لاحول و لاقوۀ الا بالله کرد؟

برای اینکه افراد را به دعا و نیایش ترغیب و تشویق نماییم ، چه کنیم ؟

آیا دلیلی بر التماس دعای افراد از یکدیگر داریم ؟

اگر خداوند از باطن و ظاهر انسان آگاهی کامل دارد، پس چه نیاز است که ما حاجت خویش رابه زبان بیاوریم ؟

چرا فرزند باید در حق و مادرش ، چه در حیات و چه در ممات دعا کند؟

آیا مؤ من باید در حق برادر مؤ منش دعا کند؟ چرا؟

فواید دعا و نیایش

۳. دعا، در مبارزه با طاغوت و برقراری قسط و عدالت سلاح مؤ من است

.

ضرورت دعا در حق امام زمان (عج)

کیفیت دعا برای تعجیل فرج صاحب الزمان (عج)

فواید دعا در حق اما زمان (عج)

وظیفه ی ما در قبال برخی افراد که دعایشان مستجاب می شود، چیست ؟

دعای چه کسانی مستجاب می شود؟

دعای نکوئی دیده برای نکوکار

دعای زائر کعبه تا باز گردد

دعای جهاد رونده تا برگردد

دعای اطفال تا وقتی گناه نکردند

دعای روزه دار تا وقتی افطار کند

دعای مریض تا شفا یابد

چهار موجود صدای مردمی را که درباره ی آنها دعا می کنند، می شنوند

اگر دعایتان مستجاب شد، مواظب چهار حالت باشید

مضطر چه کسیست ، و آیا خداوند دعای مضطر را اجابت می کند؟

دعای چه کسانی مستجاب نمی شود؟

علل عدم استجابت دعا

اگر دعایتان مستجاب نشد، مواظب سه حالت باشید

علت تاءخیر اجابت دعا

ظرفیت نیایشگر

انواع محال

اینک به چند مورد از محالات ذاتی و وقوعی اشاره می شود:

از خدا چه باید خواست ؟

برای چه کسانی دعا کنیم ؟

دعای به موقع

دعای بی موقع

آداب و شرایط دعا از نظر دعا کننده

آداب و شرایط دعا از نظر اوقات مخصوص

آداب و شرایط دعا از نظر رعایت حالات مناسب

آداب و شرایط دعا، از نظر مکان های خاص

نفرین

نفرین در چه صورتی مؤ ثر واقع می شود؟

در چه زمانی نفرین کنیم ؟

نفرین و لعنت نمودن چه اشخاصی جایز است ؟

لعن و نفرین چه اشخاصی مؤ ثر واقع می شود؟

مباهله

احادیثی از ائمه (ع) درباره ی مباهله

رویداد مباهله

رویداد مباهله

عن انس مالك قال رسول الله (ص): المؤ من اذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترا فيما بينه و بين النار و اءعطاه الله تبارك و تعالى بكل حرف مكتوب عليها مدينة اءوسع من الدنيا سبع مرات و مامن مؤ من يقعد ساعة عند العالم الا ناداه ربه عز و جل جلست الى حبيبى و عزتى و جلالى لاء سكنت الجنة معه و لااءبالى . (۱)

انس بن مالك روايت می كند از پیامبر اكرم (ص) كه ، آن حضرت فرمود: مؤ منی كه از دنیا برود و برگ دانشی از خود به جا گذارد، آن ورقه روز قیامت پرده یی میان او و آتش جهنم می گردد و خداوند متعال به هر حرفی كه در آن نوشته شده ، شهری به هفت مرتبه وسیع تر از دنیا به او عطا می كند؛ و هیچ مؤ منی ساعتی در نزد عامل ننشیند، مگر اینكه خدای عز و جل او را ندا كند كه : پیش حبیب و دوستم نشستی ، قسم به عزت و جلالم ! تو را در بهشت ساكن نمایم و باكی ندارم .

قال رسول الله (ص)، سبعة اسباب يكسب للعبد ثوابها بعد وفاته : رجل غرس نخلا او حفر بئرا او اجرى نهرا او بنى مسجدا او كتب مصحفا او ورث علما او خلف ولدا صالحا يستغفر له بعد وفاته . (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هفت چیز است که اگر شخص یکی از آنها را انجام داده باشد، پس از مرگ ، ثوابش به او می رسد:

۱. کسی که نخلی را نشانده باشد.

۲. یا چاهی را کنده باشد.

۳. یا نهری را جاری ساخته باشد.

٤. یا مسجدی را بنا نموده باشد.

٥. یا قرآنی را نوشته باشد.

٦. یا علمی را از خود بر جای گذاشته باشد.

۷. یا فرزند صالحی را بر جای نهاده باشد که برای او استغفار نماید.

به مفاد حدیث شریف نبوی تمام اعمال انسان به وسیله ی مرگ از وی منقطع می شود، مگر آن دسته از اعمالی که آن را فقط برای خدا انجام داده باشد؛ از جمله آن اعمال ، علم و دانشیست که از خود بر جای گذاشته و مردم از آن استفاده نمایند. از این جهت ، حقیر رحمت الله عرب نوکندی کتابی را که هم اکنون در پیش رو دارید از خود به یادگار گذاردم تا ذخیره یی باشد برای روز قیامت ، روزی که لا ینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم و از استفاده کنندگان این کتاب استدعا دارم بنده را از دعای خیرشان محروم نفرمایند.

2 O. پاسخ به پرسش های نسل جوان

از وصایا و سفارش های موکد امامان این بوده است که ، پیش از آنکه دزدان ، فکر و عقیده و اخلاق جوانانتان را بربایند، آنان را مسلح به سلاح ایمان سازید، تا از دستبرد در امان بمانند، امام صادق (ع) فرمود:

بادروا احدائکم بالحدیث قبل ان یسبقکم الیهم المرجئۀ . یعنی : احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه ی تربیتی تسریع نمایید، پیش از آنکه فرقه ی منحرف مرجئۀ بر شما پیش گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جا دهند و گمراهشان سازند.

در سخنی دیگر از امام صادق (ع) فرمود: احذروا علی شبابکم الغلاۀ لایفسدوهم : یعنی مراقب جوانانتان باشید، مبادا غلات آنها را به فساد بکشند.

3 O. آشنایی بیشتر مردم به مساءله دعا و تاءثیرات آن در زندگی دنیا و آخرت

دعا و نیایش امری فطری و ضروری است و مساءله ییست که خداوند بندگان را به آن دستور داده و، هم او وعده داده کسانی را که از عبادت من سرپیچی کنند و امتناع بورزند، به دوزخ و جهنم بیفکند.

اهمیت و ارزش دعا و نیایش و تاءثیرات آن در زندگی دنیا و آخرت به قدری واضح و روشن است که ، حتی دانشمنداند غیر مسلمان ، امروزه به این نتیجه رسیده اند که دعا و نیایش دافع و رافع بلاها و آلام روحی و جسمی می باشد.

بنابراین ، عدم تفسیر صحیح و لازم و کافی درباره ی دعا و نیایش برای عموم افکار بشری از یک طرف و، وجود افراد خودکامه و سود جو از طرف دیگر، در طول تاریخ سبب شده است که بسیاری از انسان ها از این موهبت الهی بی بهره و لااقل کم نصیب بمانند.

اصولا در طول تاریخ به تجربه ثابت شده است که دو علت سبب سقوط و نابودی ملت ها و دولت ها گردیده است : فخلف من بعدهم خلف اءضاعوا الصلاۀ و اتبعوا الشهوات . (۳) بعد از انبیا نسلی به جای آنان آمدند که نماز را با نخواندن ؛ بد خواندن ؛ دیر خواندن ؛ گاهی خواندن و گاهی نخواندن ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند.

۱. اضاعوا الصلوۀ : کسانی که نماز را ضایع کردند.

۲. واتبعوا الشهوات : کسانی که به دنبال شهوات رفتند و خدا را از یاد بردند.

ویلیام جیمز که از زمره ی دانشمندان با انصاف است ، در این زمینه می گوید: ایمان یکی‌از قواییست که بشر به مدد آن زندگی می کند و فقدانکامل آن در حکم سقوط انسان است . 4 O. دسترسی آسان به مطالب و جلوگیری از بهدر رفتن وقت

(٤)

همه شخصیت های بزرگی که به اهداف عالیه ی خود رسیده اند و در طول زندگی موفقیت های شایانی به دست آورده اند، در سایه ی استفاده از عمر و غنیمت شمردن وقت بوده است . آنها از اتلاف وقت دوری کرده و از فرصت هایی که پیش می آمد، بهترین استفاده را

نموده اند. حضرت علی (ع) می فرماید: بادر الفرصۀ قبل ان تکون غصۀ . (۵) یعنی : از فرصت ها استفاده کن قبل از آنکه مایه ی افسوس شود.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا کان یوم القیامۀ لم تزل قدما عبد حتی یسال عن اربع : عن عمره فیم اءفناه و عن شبابه فیم اءبلاه و عما اکتسبه من اءین اکتسبه و فیم اءئفقه و عن حبنا اهل البیت . (٦)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی روز قیامت شود، بنده قدم بر نمی دارد، مگر اینکه به چهار سؤ ال پاسخ دهد، اول : عمرش را در چه راهی مصرف کرده است . دوم : جوانی اش را در کجا سپری نموده است . سوم : مالش را از کجا به دست آورده و در کجا مصرف کرده است . چهارم : از دوستی و عشق ما اهلبیت .

روی همین اساس ، بنده ی حقیر با مطالعه کتب فراوان در زمینه دعا و نیایش کتابی را که هم اکنون پیش رو دارید به رشته ی تحریر در آوردم ، که تا حدود زیادی افراد را از مراجعه به کتب دیگر بی نیاز کند.

انتخاب نام کتاب

در روزهایی که دروس حوزه ی علمیه تعطیل بود، تحقیقاتی را در زمینه ی دعا و نیایش انجام دادم . بعد از تمام شدن تحقیقات ، تصمیم گرفتم آن را به صورت کتابی در آورم تا عموم مردم از آن استفاده نمایند؛ چون شروع نوشتن این کتاب با ولادت علی بن ابیطالب (ع) مصادف شد، نام این کتاب را از سخنان گهربار حضرت بر گرفتم . (۷)

قال امیر المؤ منین (ع): الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح و خیر الدعاء ما صدر عن صدر نقی و قلب نقی و فی المناجاۀ سبب النجاۀ و بالاخلاص یکون الخلاص فاذا اشتد الفرع فاءلی الله المفرع . (۸)

حضرت علی (ع) فرمود: دعا کلید سعادت و رمز رستگاریست و بهترین دعا، دعاییست که از سینه ی پاک و قلب با تقوا بیرون آید. و مناجات با خدا موجب نجات می شود و به وسیله ی اخلاص از مهالک و بدی ها نجات حاصل می گردد؛ پس هنگامی که گرفتاری ها شدت یافت ، باید به خدا پناه برد.

تقدیر و تشکر

در پایان ، از همه فضلا و اساتید و دوستانی که در این امر خیر، راهنما و مشوق بنده بودند، بخصوص از پدر و مادر عزیزم و همسر گرامی ام که در نوشتن این کتاب کمک بسزایی کرد، تقدیر و تشکر می نمایم و آرزوی توفیق و سلامتی همه آنان را از سر صدق و اخلاص از خداوند متعال خواهانم .

رحمت الله عرب نوکندی

تعریف دعا

دعا در لغت

به معنای خواندن است ، خواه این خواندن منضم با خواستن باشد و خواه به صورت سرود و نیایش .

در قرآن و روایات نیز هر جا لفظ دعا به صورت مصدر یا ماضی و مضارع و سایر مشتقات آن استعمال شده ، به معنای خواندن آمده است ؛ مانند آیات زیر:

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغدوۀ و العشی یریدون وجهه . (۹)

همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می خوانند و رضای او را می طلبند، وادار کن !

اءمن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء . (۱۰)

آیا بت ها بهترند یا آنکه دعای بیچارگان را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می سازد؟

ادعوا ربکم تضرعا و خفیۀ انه لا یحب المعتدین . (۱۱)

پروردگار خود را آشکارا و پنهانی بخوانید که او متجاوزان را دوست ندارد.

دعا در اصطلاح

در خواست کردن چیزی توسط شخص پست و پایین ، با خضوع و فروتنی ، از شخص بلند مرتبه را دعا می گویند. (۱۲)

دعا به طور کلی بر چند نوع است ؟

دعا را می توان به دو نوع کلی تقسیم کرد:

۱. تکوینی (غیر اختیاری)

همه موجودات اعم از گیاهان ، حیوانات ، جمادات و انسان با زبان تکوین و هستی خویش که چیزی جز فقر و نیاز نیست ، همواره از خدای هستی بخش کمک خواسته و هر موجودی به اندازه استعداد خود رفع نیازش را می طلبد. و ان من شی ء الا یسبح بحمده .

۲. دعای تشریعی (اختیاری)

یعنی اینکه موجود مختار، با اراده و اختیار خود به طور آگاهانه – پس از شناخت نیرویی که توان برآوردن حاجات او، و رساندن نفع یا دفع ضرر را از او دارد – همه چیز را از او بخواهد.

دعای تشریعی بر چند قسم است ؟

دعای تشریعی بر دو قسم است :

۱. دعای خوب و نیکو

۲. دعای بد و ناپسند، که از آن به نفرین و لعنت تعبیر شده است .

مدعو کیست ؟

مدعو (خوانده شده) در دعا خداوند متعال است ، آن هم خداوندی که :

۱. بی نیاز مطلق است

اءلم تعلم اءن الله له ملک السموات و الاءرض . (۱۳)

آیا نمی دانی که خداوند مالک زمین و آسمان هاست .

ولله ملک السموات و الارض و ما بینهما . (١٤)

آسمان و زمین و آنچه بین آن دو است ، ملك خداوند است .

قل هو الله احد، الله الصمد، لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد . (۱۵)

ای رسول ! بگو او خدای یکتاست ؛ آن خدایی که از همه بی نیاز و همه عالم به او نیازمند است ؛ نه کسی فرزند او، و نه او فرزند کیست ، و نه هیچ کس مثل و همتای اوست .

۲. اجر نیکوکاران در پیشگاه او ضایع نمی شود

قال الله تبارك و تعالی فی کتابه الکریم :

فاستجاب لهم ربهم اءنی لااءضیع عمل عامل منکم من ذکر او اءنثی . (١٦)

پس خداوند دعای اهل ایمان را مستجاب کرد؛ که البته من عمل هیچ عمل کننده یی از مرد یا زن را بدون مزد نمی گذارم و زحمت احدی در پیشگاه من ضایع نمی شود.

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات انا لانضیع اءجر من احسن عملا . (۱۷)

آنان که به خدا و قیامت ایمان آوردند و کار شایسته یی انجام دادند، بدانند که ما هم اجر ایشان را که عمل نیکو به جا آوردند، ضایع نمی کنیم .

مولای متقیان علی (ع) در همین زمینه می فرماید:

ما هکذا الظن بك و لااخبرنا بفضلك عنك یا کریم یا رب . (۱۸)

به وجود مقدست این گمان نمی رود که اجری در پیشگاهت ضایع شود و کسی بدون علت در معرض بی لطفی تو قرار گیرد و چنین خبری از جانب خود تو و فرستادگانت به ما بندگان نرسیده که تو ضایع کننده ی اجر باشی !

۳. از آنچه می بخشد، چیزی کم نمی شود

ان هذا لرزقنا ماله من نفاد. (۱۹)

به درستی که این روزی را ما می دهیم و پایان پذیر نیست .

در دعای ایام ماه رجب می خوانیم :

فانه غیر منقوص ما اءعطیت .

به درستی که هر چه می بخشی ، چیزی کم نمی شود.

در دعای افتتاح می خوانیم :

لاتزیده کثرۀ العطاء الا جودا و کرما.

هر چه خداوند بیشتر می بخشد، جود و کرمش افزون می شود.

٤. بر خواسته ی همه واقف و آگاه است

محیط بکل شی ء.

خداوند بر همه چیز احاطه ی کامل دارد.

در دعای ماه رجب می خوانیم :

لکل مسئلۀ منک سمع حاضر و جواب عتید .

برای هر خواسته یی از تو، گوشی و پاسخی مهیا کرده ای .

۵. بر افراد نالایق هم لطف می کند

در دعای شب جمعه می خوانیم :

یا دائم الفضل علی البریۀ ، یا با سط الیدین بالعطیۀ .

ای خدایی که فضل و کرمت بر خلق دائم ، و دو دست عطا و بخششت به جانب بندگان دراز است .

و باز در ایام ماه رجب می خوانیم :

عادتک الاحسان الی المسیئین .

عادت تو احسان به گناهکاران است .

یا من یعطی من لم یسئله و من لم یعرفه .

ای آن (خدایی) که به کسی که از او درخواست نمی کند و به او معرفتی ندارد، عطا و بخشش می کند.

داعی کیست ؟

۱. متکبر

ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین ان الله لا یحب المتکبرین . (۲۰)

به راستی کسانی که از عبادت من (دعا) استکبار می ورزند، به زودی با ذلت و خواری وارد می شوند. همانا خداوند تکبر کنند گان را دوست ندارد.

حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید: عجبت لابن آدم نطفۀ و اخره جیفۀ و هو قائم بینهما و عاء للغائط ثم یتکبر . (۲۱) یعنی : تعجب می کنم از کسی که اولش نطفه و آخرش لاشه ی گندیده است ، در این بین هم حامل نجاست و عذره است ، چگونه تکبر می کند!

۲. عجول

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

و اعرف طریق نجاتک و هلاکک کی تدعوا الله بشی ء عسی فیه هلاکک و اءنت تظن اءن فیه نجاتک قال الله تعالی و یدع الانسان بالشر دعائه بالخیر و کان الانسان عجولا . (۲۲)

راه نجات و هلاک خود را درست بشناس . مبادا از خدا چیزی بخواهی که نابودی تو در آن است ، در حالی که گمان می بری نجات تو در آن است ! خداوند متعال می فرماید: انسان بر اثر شتابزدگی ، بدی ها را می طلبد، آن گونه که خوبی ها را می طلبد؛ چرا که انسان ، عجول است .

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

انما اءهلک الناس للعجلۀ و لو اءن الناس تثبتوا لم یهلک اءحد . (۲۳)

مردم را عجله هلاک می کند! اگر مردم با صبر و حوصله کارها را انجام می دادند، کسی هلاک نمی شد.

۳. نیازمند و محتاج

دعا کننده ، بنده ی محتاج و نیازمندیست که حتی برای اظهار احتیاجش هم محتاج لطف و امداد الهیست .

يا ايها الناس اءنتم الفقراء الى الله و الله هو الغنى الحميد . (٢٤)

ای مردم ! همه شما نیازمندید به خدا و محتاج او هستید، تنها خداوند است که از هر کس و هر چیز بی نیاز و ستوده است .

و ربك الغنى ذوالرحمة ان يشاء يذهبكم و يستخلف من بعدكم من يشاءكما انشاءكم من ذرية قوم آخرين . (٢٥)

پروردگار تو بی نیاز و مهربان است ؛ اگر بخواهد شما را می برد و به جای شما هر کسی را بخواهد جانشین می سازد، همان گونه که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد.

٤. ناسپاس و سرکش

ان الله لذ و فضل على الناس ولكن اكثرهم لايشكرون . (٢٦)

خداوند نسبت به مردم ، صاحب فضل و کرم است ؛ هر چند اکثر مردم شکرگزاری نمی کنند.

قتل الانسان ما اكفره . (٢٧)

مرگ بر این انسان که چه قدر کافر و ناسپاس است !

وءاتيكم من كل ما ساءلتموه و ان تعدوا نعمة الله لاتحصوها ان الانسان لظلوم كفار . (٢٨)

و از هر چیزی که از خدا تقاضا کردید و به آن نیاز داشتید، در اختیار شما قرار داد و اگر نعمت های خدا را بخواهید بشمارید، هرگز نمی توانید، اما با این همه لطف و رحمت الهی ، باز این انسان ستمگر و کفران کننده ی نعمت است !

وکلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی . (۲۹)

چنین نیست که نعمت های الهی روح شکرگزاری را همیشه در انسان زنده کند، بلکه او مسلما طغیان می کند، به خاطر اینکه خود را مستغنی و بی نیاز می بیند.

۵. نماینده ی خدا در روی زمین

و اءذ قال ربک للملائکهٔ انی جاعل فی الاءرض خلیفهٔ . (۳۰)

به خاطر آور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت : من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات . (۳۱)

خداوند انسان ها را جانشینان و نمایندگان خود در زمین قرار داده و بر طبق لیاقت ها و شایستگی ها بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است .

٦. بخیل

و لاتجعل یدک مغلولهٔ الی عنقک و لاتبسطها کل البسط فتقعد ملوما محشورا . (۳۲)

هرگز دست خود را بر گردن خویش بسته قرار مده (به خاطر بخل ترک بخشش و انفاق منما) و بیش از حد دست خود را گشاده مدار و بذل و بخشش بی حساب مکن تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار بمانی و از مردم جدا شوی .

اءللهم قنی شح نفسی . (۳۳)

خدایا! مراد از صفت بخل که در نفسم واقع شده است نگهدار!

امام صادق (ع) در این خصوص می فرماید:

خیارکم سمائکم و شرارکم بخلاؤ کم .

بهترین شما کسانی هستند که از مردم دستگیری می کنند و بدترین شما بخیل های شما می باشند. (٣٤)

مردم از نظر دعا کردن بر چند گروهند؟

مردم از نظر دعا کردن بر سه گروهند:

١. گروهی اعتقاد به دعا ندارند و دعا نمودن را عملی لغو و بیهوده می پندارند.

٢. افرادی اعتقاد به دعا دارند، ولی هنگام برخورد با مشکلات و سختی ها دعا می کنند؛ مثلا وقتی ککه دانستند گرفتار بیماری صعب العلاج و یا لاعلاج شدند، درست نیاز به سوی قادر علی الا طلاق بر می دارند و وقتی نجات و رهایی یافتند دیگر با خدا سر و کاری ندارند، چنان که در قرآن مجید آمده :

و اذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجیهم اللی البر اذا هم یشرکون . (٣٥)

زمانی که در کشتی می نشینند، خدا را با اخلاص می خوانند، ولی وقتی نجات یافتند و به ساحل نجات رسیدند، باز به حالت شرک بر می گردند.

و یا در آیه دیگر می خوانیم :

و اذا مس الاءنسان الضر دعانا لجنبه اءو قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه زين للمسرفين ما كانوا يعملون . (٣٦)

وقتی که به انسان آسیبی می رسد، از هر جهت ما را می خواند (خوابیده و نشسته و ایستاده) اما زمانی که آسیب و ناراحتی را از وی بر طرف کردیم ، می رود، مثل آنکه اصلا درباره ی گرفتاری اش با ما تماس نگرفته است .

۳. افرادی که پیوسته در دعا هستند و دعا را اسلحه خود در مبارزه با طاغوت و برقراری قسط و عدالت می دانند و به دعا عشق می ورزند، شایسته ستایشند و خداوند متعال هم به آنها وعده ی استجابت دعا داده است ، آن جایی که می فرماید:

اءدعونی اءستجب لکم . (۳۷)

دعا کنید، تا مستجاب کنم .

انگیزه ی انسان در دعا چیست ؟

علت یا عللی که باعث می شود انسان روی به درگاه خداوند متعال آورد، در افراد به حسب مرتبه ی ایمان و اعتقادشان متفاوت است ؛ عده یی خدا را می خوانند تا نیازهای مادی ایشان را بر آورد. این نیازها گاهی خیلی جزئی و ساده است و گاهی مهم و حیاتی . عده یی دیگر خدا را می خوانند، تا در راه رسیدن به قرب الی الله سریع تر حرکت کنند و دعای آنان تنها برای رفع نیاز مادی نیست ، بلکه به خاطر عشق و علاقه ییست که به خداوند متعال دارند و خود دعا کردن برای آنان موضوعیت دارد.

امام صادق (ع) در این زمینه فرمود:

(ان) العباد ثلاثۀ قوم عبدوا الله عزوجل خوفا فتلك عبادۀ العبید و قوم عبدوا الله تبارك و تعالی طلب الثواب فتلك عبادۀ الاءجرآه و قوم عبدوا الله عزوجل حبا له فتلك عبادۀ الاءحرار و هی افضل العبادۀ . (۳۸)

عبادت کنندگان سه دسته اند:

۱. گروهی که خدای عزوجل را از ترس عبادت کنند؛ و این عبادت بردگان است .

۲. مردمی که خدای تبارك و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند؛ و این عبادت مزدوران (و سوداگران) است .

۳. دسته یی که خدای عزوجل را برای دوستی اش عبادت کنند؛ و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است .

آیا اساسا نیازی به دعا هست ، و توجه به دعا ضروریست یا خیر؟

اول اینکه : انسان در هر حال نیازمند و محتاج امداد و لطف الهیست ، و این نیازمندی قابل انکار نیست ؛ از طرفی هم ، انسان کمال طلب است و می خواهد نیازهایش را برطرف نماید، بنابراین چون خود او به تنهایی نمی تواند موانع را از سر راه خویش بر دارد و نیازهایش را برطرف نماید، بناچار به درگاه خداوند متعال که بی نیاز مطلق است روی می آورد.

دوم اینکه : دعا و درخواست از خدا، عبادت است و یکی از صفات بندگان مقرب خدا تلقی می گردد و آنان که از دعا کردن امتناع می

ورزند و حاضر نیستند در برابر خدای متعال سر تعظیم فرود آورند و نیازهای خود را از او بخواهند، در حقیقت متکبرانی هستند که در مقابل عظمت خدا برای خود شخصیتی قایلند و این گناهی بزرگ و نابخشودنیست ، و نتیجه اش جهنم و آتش قهر الهی .

سوم اینکه : دعا نتیجه و مطلوب را به همراه دارد و باید طلب کرد، تا رحمت و لطف خدا برسد.

امام صادق (ع) فرمود:

دعا وسیله ی اجابت است ، چنان که ابر وسیله ی باران ؛ یعنی همان طور که اگر ابر نباشد، باران نخواهد بارید، اگر دعا هم نباشد، نتیجه یی که انسان می خواهد (رفع نیاز مادی و معنوی) نخواهد بود.

در این روایت امام صادق (ع) تصریح می فرمایند که دعا، عطاست و تا دعا و طلب از خدا نباشد، عنایات و فیوضات الهی شامل حال انسان نمی گردد.

چهارم اینکه : غفلت و فراموشی یاد خدا، موجب انحراف ما در مسیر زندگی دنیا و ارتکاب زشتی ها می شود و دعا و نیایش مانع این غفلت و زشتی هاست : ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر. امام علی (ع) می فرماید:

ذکر الله راءس مال کل مؤ من و ربحه السلامة من الشیطان .

یاد خدا سرمایه ی هر مؤ منیست ، و سود آن ، سلامت از شیطان . (۳۹)

پنجم آنکه : روح و روان آدمی با دعا و نیایش آرام می گیرد.

الا بذکر الله تطمئن القلوب . (٤٠)

دعا از امتیازات شیعه

از ویژگی هایی که شیعه دارد و دیگران ندارند و به وسیله ی آن توانست از سایرین امتیاز پیدا کند، دعا و نیایش است .

دانشمندان تشیع پیرامون اهمیت و فضیلت ، آداب و شرایط دعا کتاب هایی را نگاشته اند و درباره دعاهایی که از اهل بیت (ع) وارد شده ، بیش از ده ها کتاب بزرگ و کوچک تاءلیف کرده اند. در این کتاب ها توجه عمیق پیامبر (ص) و دودمانش به دعا و نیایش و تاءکیدهای فراوانشان یادآوری شده است ، تا آنجا که از آنها نقل گردیده :

افضل العبادۀ الدعاء.

دعا بهترین عبادت هاست .

احب الاعمال الی الله عزوجل فی الاءرض الدعاء .

دعا و نیایش محبوب ترین اعمالیست که در روی زمین به سوی خدا عرضه می شود.

ان الدعاء شفاء من کل داء.

دعا درمان هر دردیست .

درباره ی امیر المؤ منین علی (ع) نقل شده که آن بزرگوار دعاء بود یعنی بسیار دعا و نیایش می کرد.

عن الصادق (ع) قال : کان امیر المؤ منین (ع) رجلا دعاء . (٤١)

دعاهای آن حضرت همانند خطبه هایش نشانه یی از نمونه های بلاغت عربیست ؛ مانند دعاهای مشهوری که به کمیل بن زیاد آموخت . این دعا محتوا معارف الهی و حقایق پر مغز دینیست که شایستگی آن را دارد تا برای هر فرد مسلمانی تابلو و برنامه عالی و صحیح دینی و تربیتی باشد.

درباره ی امام حسین (ع) نقل شد که ، آن بزرگوار به هنگام حمله ی دشمن در عصر تاسوعا به قمر بنی هاشم فرمود: به سوی آنان برو، و اگر توانستی ، امشب را مهلت بگیر، تا به نماز و استغفار و مناجات با پروردگارمان بپردازیم . خدا می داند که من به نماز و تلاوت قرآن و استغفار و مناجات با خدا علاقه ی شدید دارم . (٤٢) امام حسین (ع) از لشکر عمر سعد مهلت گرفت ، اما نه به خاطر اینکه یک روز بیشتر زنده بماند و یا راه فرار یا چاره یی پیدا کند، بلکه امام می خواست :

١. یک شب از عمر باقی مانده اش را با معبود و معشوقش به راز و نیاز و مناجات بپردازد، چنان که خودش این مطلب را بیان فرمود.

٢. به پیروانش بخصوص شیعیان بفهماند که در همه حال ، حتی در بحبوحه ی جنگ و سختی ها، با قرآن همدم و ماءنوس باشند و از دعا و استغفار غفلت نورزند.

٣. صدای قرآن خواندن و استغفار و مناجاتش را به گوش لشکر دشمن برسانند که شاید دست از ضلالت و گمراهی بردارند. نقل می کنند که ، به واسطه ی این عمل امام ، در آن شب سی نفر از لشکر دشمن به سپاه امام پیوستند.

درباره ی امام سجاد (ع) نقل شده که ، آن بزرگوار زین العابدین بود و این لقب را پیامبر اکرم (ص) به او داده است .

امام سجاد (ع) در دوران حکومت بنی امیه ، وقتی در بن بست واقع شد و نتوانست تبلیغ کند و حق را بگوید مبارزه ی خویش را در قالب :

۱. دعا و نیایش .

۲. گریه و شیون .

۳. برده داری و برده فروشی شروع می کند.

مجموع دعاهای امام سجاد (ع) به نام صحیفه سجادیه معروف است که به آن :

۱. اخت القرآن .

۲. انجیل اهل البیت .

۳. زبور آل محمد.

لقب داده اند. در سال ۱۳۵۳ (ه ق) مرجع فقید و مرحوم آیت الله العظمی مرعشی (ره) نسخه یی از صحیفه ی سجادیه را برای علامه ی معاصر، مؤ لف تفسیر طنطاوی (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد. وی پس از دریافت این هدیه ی گرانبها و ستایش فراوان از آن ، در پاسخ چنین نوشت :

این از بدبختی ماست که تاکنون بر اثر گرانبهای جاوید که از مواریث نبوت است ، دست نیافته بودیم ، من هر چه در آن می نگرم ، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق پایین تر می یابم .

حضرت امام خمینی (ره) می فرماید:

شما اگر ادعیه ی امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمایید، مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای امری بالاتر از آنکه ، مردم عادی تصور می کنند (دعوت به توحید) (دعوت به اعراض از دنیا). شیعه علاوه بر صحیفه ی سجادیه ، مصباح امتهجد شیخ طوسی و اقبال سید بن طاووس و مفاتیح محدث قمی و زادالمعاد علامه مجلسی دارد.

حضرت امام خمینی (ره) در وصیتنامه ی سیاسی و الهی خویش می فرماید:

ما مفتخریم که ادعیه ی حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند، از ائمه ی معصومین ماست . ما به مناجات شعبانیه ی امامان و دعای عرفات حسین بن علی (علیهما السلام) و صحیفه ی سجادیه ، این زبور آل محمد و صحیفه ی فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است ، از ما است .

پس مفاتیح از نظر امام ، کتاب اخلاق ، کارخانه ی انسان سازی و کلام صاعد است ، یعنی کلامی که از طرف بندگان به محضر مقدس خدا می رود؛ و قرآن کلام نازل است ، یعنی از طرف خدا بر بندگان نازل شده است ، از حجاب های نورانی و ظلمانی تنزل کرده است ، تا بالآخره قابل فهم شده و قابل دیدن و شنیدن شده است .

دعاهایی که از پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) وارد شده ، بهترین مکتب و مسلک تربیتی و سرمشق و الگو برای هر فرد مسلمان در زندگانی خواهد بود؛ مکتبی که نیروی ایمان و عقیده ی

راسخ و روح سلحشوری و فداکاری و ایثار در راه حق و حقیقت را در انسان به وجود می آورد. رمز عبادت و پرستش حق را می شناساند و مزه ی مناجات و دلبستگی به خداوند را می چشاند و وظیفه شناسی و پیروی از دین و کسب عواملی که انسان را به خدا نزدیک می کند و رستگار و سعادتمند می سازد، به بشر می آموزد و انسان را از تباهی ها و هواپرستی و بدعت های غلط دور می سازد. (۴۳)

فلسفه دعا و نیایش

هدف از آفرینش انسان عبادت است : ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون ، و هدف از عبادت تقواست : لعلکم تتقون و هدف از تقوا فلاح و رستگاری می باشد: و اولئک هم المفلحون .

علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان می فرماید: هر عبادتی دعاست ، و با توجه به کلام نورانی خداوند که فرمود: و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون باید گفت : دعا هدف خلقت است . (٤٤)

دعا از یک نظر عملی مستقل ، عبادتی بذاته مطلوب و از گرانسنگ ترین پرستش هاست ، که از آن به مخ العبادۀ یعنی مغز عبادت و پرستش تعبیر شده است ؛ و از نظر دیگر، وسیله بر آمدن خواسته ها، سبب رسیدن به هدف ها و دارای آثار و ثمرات و نتایج فراوانیست .

دعا حالت انس و الفت روح و دل باذات اقدس باری تعالی و حصول آرامش و سکون برای نفس است ؛ همانند مشتاقی که دوست خود را یافته ، از دیدارش خوشحال و از سخنانش لذت می برد، مشکلاتش را با کمال احتیاط در میان گذارده ، پرده از رازهای دل بر می دارد،

آرزوهایش را مطرح می سازد و برای انجامش از وی یاری می طلبد، از دیدارش خوشوقت و از گفت و گویش خرسند می گردد. غبار غفلت از چهره ی جسم و زدوده ، حجاب ما و من را کنار می زند، دیده دل به محبوب و معشوق می دوزد و در انتظار مهر و انعامش می نشیند.

دعا سبب می شود که انسان نعمت ها را از او ببیند و به او عشق بورزد و رابطه ی عاطفی او از این طریق با ساحت مقدسش محکم و استوار گردد؛ چون انسان خود را محتاج و نیازمند و مرهون نعمت های خدا می بیند، موظف به اطاعت فرمانش می شود، و چون می داند استجابت این دعا مطلق و بی قید و شرط نیست ، بلکه خلوص نیت و صفای دل و دوری از گناه و برآوردن خواسته های نیازمندان و مستمندان از آداب و شرایط آن است ، خودسازی می کند و در طریق تربیت و آموزش خویشتن گام بر می دارد.

دعا سبب ندامت و پشیمانی از نافرمانی ها و وسیله ی عروض حالت انفعال و شرمندگی در درون دعا کننده است ؛ زیرا هر چه انسان با خدای خویش بیشتر انس و الفت بگیرد، به او نزدیک تر می شود و بیشتر خواهد کوشید که در انجام وظایف بندگی و پیروی از فرمان های الهی آماده تر باشد و عملی بر خلاف رضا و خشنودی او انجام ندهد و از آنچه دده ، پشیمان گردد؛ و هر چه دعا و توجه بیشتر باشد، حالت ندامت شدیدتر و افزون تر می شود. حصول این حالت ، خود حقیقت توبه است ؛ چه آنکه جز ندامت و پشیمانی و شرمندگی چیز دیگری نیست . این توبه وسیله ی آمرزش هر گناهیست که شخص از ارتکاب آن پشیمان گشته است .

دعا شجاعت بخش ، تحریک آور به سوی انقلاب ، عامل پیدایش دوستی و محبت در دل ها نسبت به خدا و دوستان او و موجب به وجود آمدن و کینه نسبت به دشمنان خدا و مخالفان راه حقیقت و جانبداران باطل است .

دعا تمییز دهنده (جدا کننده ی) فضایل و رذایل از یکدیگر، آموزنده ی اخلاق فاضله ، آداب معاشرت ، اتصاف به فضایل انسانی ، اجتناب حیوانی و قبایح روانیست . در این باره دعای مکارم اخلاق و بعضی دیگر از دعاهای صحیفه ی سجادیه را ملاحظه کنید.

برخی از دعاهای وارده عامل تلقین اعتقاد به نبوت و امامت و لزوم رهبری معصومین و عدول در جامعه مولد امید و آرزوی صلح و صفا در جوامع بشری و مژده ی پیاده شدن قوانین حیات آفرین و سعادت بخش اسلام در میان همه ملت ها و تشکیل مدینه ی فاضله در جهان است . برای نمونه ، به مضامین دعای ندبه ، دعای افتتاح و غیر آن رجوع شود.

دعاهای وارده علاوه بر آنکه روشنگر حقایق و آموزنده ی بعضی از علوم و معارفند، انسان معتقد را به انجام آنچه که باید به جا آورد و ترک اعمالی که باید از آنها دوری نماید، وادار می کنند.

دعا پدیده آورنده ی حالت بیم و امید در باطن ، زنده کننده ی روح ، نیروبخش اندیشه ، مولد مهر و عطوفت به همنوعان ، هم کیشان و مؤ منان و بالآخره محرک درونی شخص به انجام اوامر الهی و مراعات اخلاقی انسانی و اسلامیست . (٤٥)

دعا نوعی عبادت و خضوع و خشوع و بندگیست و انسان به وسیله ی دعا توجه تازه یی به ذات خداوند پیدا می کند؛ و همان طور که همه عبادات اثر تربیتی و آموزشی دارد، دعا هم دارای چنین اثری خواهد بود.

دعا انسان را به شناخت پروردگار معرفۀ آلله که برترین سرمایه هر انسانیست ، دعوت می کند. دعا عامل تقویت ارتباط و دوام با ذات عظیم و مبداء بی نهایتیست که همه امور مادی و معنوی انسان وابسته به عنایت او و متعلق به فضل و کرم اوست ؛ البته انسان هر چه بیشتر با خالق و مربی خود ماءنوس و هم صحبت گردد، این ارتباط نیز افزون تر و مؤ ثرتر خواهد بود.

دعا وسیله ییست که انسان به وسیله ی آن خود را به قدرت لایزال الهی که تدبیر جهان به دست اوست ، مرتبط و متصل می سازد.

دعا یعنی بریدن از خلق و خلوت کردن با خالق ، و قطع امید از ما سوی الله و عرض نیاز به درگاه الله .

دعا سبب می شود که انسان به فقر و نیازمندی خود واقف گردد و در برابرش خضوع و خشوع کند، و از مرکب غرور و تکبر که سرچشمه ی بسیاری از بدبختی ها و مجادله در آیات الله است ، فرود آید و در برابر ذات پاک او موجودیتی قایل نشود.

دعا به انسان اعتماد به نفس می دهد، از یاءس و ناامیدی باز می دارد، چراغ امید را در دل انسان روشن می سازد و به تلاش و کوشش بیشتر

دعوت می کند. در واقع دعا مخصوص نارسایی ها و بن بست هاست ، نه عاملی به جای عوامل طبیعی .

دعا نوعی خود آگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبداء همه نیکی ها و خوبی هاست .

دعا سبب خودسازی ، خود شناسی و خداشناسیست . دعا وسیله ی دفع آسیب ها و حوادث ناگوار، سپری محکم در برابر مصیبت ها، بلاها و گرفتاری ها، تحقق بخشنده ی شرایط قبولی اعمال و سبب شمول رحمت حق است .

دعا مولد صفت توکل و التجا به مبداء قدرت اوست ؛ مبدئی که بر همه چیز مسلط، و در همه موجودات متصرف می باشد.

اگر شرایط خاص دعا در نظر گرفته شود، دعا و نیایش وسیله ی مؤ ثریست برای خودسازی ، و پیوند نزدیکیست میان انسان و خدا. دعا هم وسیله یست برای شناخت پروردگار و صفات جمال و کمال او، هم وسیله یی بای توبه از گناه و پاکسازی روح ، هم عاملی برای انجام نیکی ها و خوبی ها، و هم سببیست برای جهاد و تلاش و کوشش بیشتر، تا آخرین حد توان . اصولا در زندگی انسان حوادثی رخ می دهد، که از نظر اسباب ظاهری ، او را در یاءس فرو می برد. دعا می تواند دریچه یی باشد به سوی امید پیروزی ، و وسیله ی مؤ ثری برای مبارزه با یاءس و ناامیدی .

فضیلت دعا و نیایش از دیدگاه قرآن

و اذا ساءلک عبادی نی فانی قریب اءجیب دعوۀ الداع دعان فلیستجیبوا لی و لیومنوا فی لعلهم یرشدون . (٤٦)

چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسند، بگو: من نزدیکم ؛ نزدیک تر از آنچه تصور کنید؛ نزدیک تر از شما به خودتان ، و نزدیک تر از شریان گردن هایتان . چنان که در جای دیگر می خوانیم : نحن اءقرب الیه من حبل الورید. (٤٧) یعنی : من دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، اجابت می کنم . بنابراین باید بندگان من دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که راه خود را پیدا کنند و به مقصد برسند.

در این آیه ی شریفه هشت مطلب درباره ی دعا نهفته است :

١. در این آیه ی کوتاه ، ضمیرها به صورت متکلم آمده و خداوند هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره کرده ، و از این راه ، هفت بار نهایت پیوستگی و قرب و ارتباط و محبت خود را نسبت به بندگان مجسم ساخته است ؛ و این نکته در هیچ جای قرآن نیست .

٢. فرموده عبادی و نفرموده الناس ؛ یعنی وقتی بندگان من از تو بپرسند، نه همه مردم .

٣. واسطه نیاورده و نفرموده فانه قریب (پس به درستی که او نزدیک است .) بلکه فرموده : فانی قریب (پس بدرستی که من نزدیکم .)

٤. خداوند نزدیکی خویش به بندگان را با ان تاءکید می کند؛ یعنی بدانید که حتما من نزدیکم .

۵. قرب را با فعل نیاورده ، بلکه با صفت آورده است ، تا ثبوت و همیشگی قرب را بیان فرماید.

٦. اءجیب را با فعل آورده ، تا نشان دهد، همواره و در هر حال و در تمام زمان ها دعایتان را اجابت می کنم .

۷. جواب را به اذا دعان مقید فرمود: وقتی مرا بخوانند. و این تکرار است ، زیرا قبلا فرمود: دعوۀ الداع (درخواست دعا کننده را استجابت می کنم .) نکته ی این تاءکید و تکرار این است که می خواهد بفرماید: اگر از روی حق و حقیقت مرا بخواند، بدون هیچ شرطی اجابت را به همراه دارد. (٤٨)

۸. اجابت دعا مطلق و بی قید و شرط نیست ، بلکه مقید است ؛ چون فرمود: فلیستجیبوا لی و لیؤ منوا بی .

و منهم من یقول ربنا اتنا فی الدنیا حسنۀ و فی الاخرۀ حسنۀ و قنا عذاب النار . (٤٩)

و بعضی می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش دوزخ نگه دار!

در آیه شریفه درباره ی دعا هفت مطلب مطرح شده است :

۱. برخی از مردم اعتقاد ندارند و آن را عملی لغو و بیهوده می پندارند.

۲. شروع کردن دعا با ربنا به استجابت نزدیک تر است .

۳. دعای اجتماعی مؤ ثرتر از دعای انفرادیست .

٤. درخواست سبب اعطا و نزول برکات و رحمت الهیست ، همان طور که ابر سبب نزول باران است .

٥. طلب سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت از خداوند.

٦. در دعا باید امید و پناهگاه انسان فقط خداوند باشد و از دیگران به طور کلی قطع امید کرد.

٧. دعا سبب دوری از آتش دوزخ و جهنم است .

فاذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجیهم الی البر اذاهم یشرکون . (٥٠)

هنگامی که بر کشتی سوار می شوند، خدا را اخلاص کامل می خوانند و غیر او از نظرشان محو و نابود می شود، اما هنگامی که آنها را از طوفان و گرداب رهایی می بخشد و به خشکی می رساند، باز مشرک می شوند.

نکاتی که در این آیه ی شریفه مطرح است ، عبارتند از:

١. دعا یک فضیلت است .

٢. ذات آدمی با خدا پیوند ناگسستنی دارد، و خدا آشناست .

٣. دعا و نیایش امری فطریست .

٤. انسان در هنگامه ی سختی ها و رنج ها به قدرت لایزال الهی پی می برد و از او استمداد می جوید.

٥. انسان در هر حال (چه سختی و چه آسایش) باید به یاد خدا باشد.

٦. حل مشکلات تنها به دست خداست ، لذا باید از مردم قطع امید کرد و به او پناه برد.

٧. ارزش و شخصیت آدمی به دعاست ، و ترک آن مساوی با شرک و نابودیست .

و قال ربکم ادعونی اءستجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین . (٥١)

پروردگار شما گفته است که : مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت کنم . کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی با ذلت و خواری وارد دوزخ می شوند.

در این آیه ی شریفه درباره ی دعا پنج مطلب مطرح شده است :

١. دعا کردن محبوب خداست . او فرمان می دهد که دعا کنید و اهل مناجات و راز و نیاز باشید.

٢. بعد از دعا وعده ی اجابت داده شده است ، ولی می دانیم این وعده ، مشروط است ، نه مطلق .

٣. دعا عبارت است و پاداش عبارت را دارد، و از نشانه های عبودیت و بندگیست ؛ بلکه مطابق پاره یی از روایات ، دعا بهترین عبادت است .

٤. دوری کنندگان از دعا و نیایش ، مستکبرند و در صف مستکبران و خودکامگان هستند.

٥. آنان که اهل دعا و مناجات و راز و نیاز نیستند، عذاب خوارکننده ی دوزخ در کمینشان است .

يسئله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شاءن . (۵۲)

تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، همواره نیازهای خود را از او می خواهند و از وی سؤ ال می کنند. هر روز خداوند در شاءن و کاریست .

نکاتی از این آیه استفاده می شود:

۱. این آیه نیاز مستمر ما را به ذات پاک او روشن می کند.

۲. پرده های یاءس و ناامیدی را از دل کنار می زند، و چراغ امید را روشن می سازد.

۳. غرور و غفلت را در هم می شکند.

قل ما یعقبؤ بکم ربی لولا دعاؤ کم فقد کذبتم فسوف یکون الزاما . (۵۳)

ای رسول ! به امت بگو: پروردگار من برای شما اجری قایل نیست ، اگر دعای شما نباشد. شما آیات خدا و پیامبران را تکذیب کردید، و این تکذیب ، دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد.

بنابراین آنچه در پیشگاه خدا به انسان ارزش و قیمت و شخصیت می دهد، همان ایمان و توجه به پروردگار و بندگی اوست .

و یستجیب الذین امنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب شدید . (٥٤)

خداوند درخواست کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، اجابت می کند، بلکه از فضل و کرم خود بر ثواب آنها می افزاید و

حتی مطالبی را که درخواست نکرده اید، به آنها می بخشد؛ اما برای کافران عذابی سخت خواهد بود.

نکاتی در آیه مطرح شده است :

۱. خداوند وعده ی اجابت دعا را داده ، و هیچ دعایی بی تاءثیر نخواهد بود.

۲. اجابت دعا بی قید و شرط نیست ، بلکه مشروط به ایمان و عمل صالح است .

۳. دعا عمل خیر به شمار آمده ، و انسان را به مقامات عالی صعود می دهد.

٤. دعا نتیجه و مطلوب را به همراه دارد؛ باید طلب کرد، تا رحمت و لطف خدا برسد.

٥. دوری کنندگان از دعا، مستکبرند، و بر ایشان عذابی سخت مهیاست .

یا ایها الناس اءنتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید . (٥٥)

ای مردم ! همه شما به خدا نیازمند هستید؛ تنها خداوند است که از هر کس و هر چیزی بی نیاز و ستوده است .

نکاتی که در آیه ی شریفه مطرح شده است ، عبارتند از:

۱. ذات پاک الله مستجمع جمیع صفات کمالیه است .

۲. غنای مطلق ، برای خدا، و فقر مطلق ، متعلق به انسان است .

۳. شناخت و آگاهی انسان از فقر مطلق و نیازمندی همه جانبه اش و از غنای مطلق و بی نیازی خداوند، باعث نجات از رذایل اخلاقی و آراسته شدن به فضایل و مکارم اخلاقی می گردد.

٤. انسان ها نیازمند او هستند، نه غیر او؛ لذا هرگز نباید سر تعظیم و تسلیم بر آستان غیر او بگذارند و رفع نیازمندی خود را از غیر او بخواهند، چون آنها نیز مانند خودش نیازمند و محتاجند.

٥. اگر ارتباط انسان با خداوند لحظه یی قطع شود، هیچ و پوچ است . امام سجاد (ع) در این زمینه فرمود: خداوند! به اندازه ی یک چشم بر هم زدن ، مرا به حال خود وامگذار.

٦. خداوند هم غنیست و هم حمید؛ یعنی در عین بی نیازی ، آن قدر بخشنده و مهربان است ، که شایسته ی هر گونه حمد و سپاسگزاریست ، و در عین بخشندگی و بنده نوازی ، از همگان بی نیاز می باشد.

۷. با اینکه فقر در عالم هستی جنبه ی عمومی دارد، به دو دلیل در این آیه تنها سخن از انسان ها و نیاز آنان به خدا مطرح شده :

۱. اگر انسان که اشرف مخلوقات و خلیفه ی خدا در این جهان است ، سراپا نیازمند اوست ، بالطبع ، وضعیت بقیه ی موجودات روشن است ؛ و به تعبیر دیگر، بقیه ی موجودات نیز در علت فقر، که همان امکان وجود است ، با انسان شریکند.

۲. هدف این بوده که انسان از مرکب غرور پیاده شود، و در همه حال چیز و همه جا به نیازش نسبت خدا توجه کند.

وءاتئكم من كل ساءلتموه ان تعدوا نعمت الله لاتحصوها ان الانسان لظلوم كفار . (٥٦)

و از انواع نعمت هایی که از او درخواست کردید، خداوند به شما اعطا فرمود، که اگر نعمت های بی انتهای خدا را بخواهید به شماره در آورید، هرگز حساب آن نتوانید کرد. با همه ی اینها، انسان سخت ستمگر است .

نکاتی که در آیه ی شریفه مطرح شده ، عبارتند از:

١. هر چه را از خدا بخواهیم ، به ما نمی دهد؛ چون خداوند حکیم است و از روی مصلحت کار می کند. و به تقاضای نامعقول انسان پاسخ مثبت نمی دهد.

٢. سؤ ال در جمله ی ماساءلتموه هم سؤ ال به زبان قال را شامل است و هم زبان حال را. (٥٧)

٣. نعمت های خدا بی انتها و نامحدود است . دعا و مناجات از بهترین آن نعمت هاست .

٤. دعا و نیایش یکی از راه های سپاسگزاری و تشکر از نعمت های خداوند است .

و اءیوب اذنادی ربه اءنی مسنی الضر و انت اءرحم الراحمین فاستجبناله فکشفنا ما به من ضر و آتینا اءهله و مثلهم معهم رحمۀ من عندنا و ذکری للعابدین . (٥٨)

به یاد آور ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند و عرضه داشت : ناراحتی ، درد، بیماری ، مشکلات و گرفتاری به من روی آورده است ؛ و تو ارحم الرحمینی . پس ما دعای او را مستجاب کردیم و درد و رنجش را برطرف ساختیم ، و به لطف و رحمت خود، اهل و فرزندانش را با عده یی دیگر به مثل آنها به او عطا کردیم ، تا اهل عبادت ، متذکر لطف و احسان ما شوند.

در این آیه ی شریفه چند مطلب مطرح شده است :

۱. تکیه گاه و پناهگاه انسان در هر حال باید خداوند باشد، چون حل مشکلات تنها به دست اوست .

۲. در همه حال (چه سختی و چه راحتی) باید به درگاه خدا دعا کرد.

۳. دعا هم دفع کننده ی بلاست ، و هم رفع کننده .

٤. دعا سبب اعطاست ؛ همان طور که اگر ابر نباشد، بارانی نخواهد بود.

٥. خداوند دعای مضطر را اجابت می کند.

قال قد اءجیبت دعوتکما فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون . (٥٩)

خداوند به موسی و برادرش هارون خطاب کرد: اکنون شما آماده ی تربیت و سازندگی جمعیت بنی اسرائیل شده اید، دعایتان نسبت به دشمنانتان اجابت شده ؛ پس محکم در راه خود بایستید و ثابت قدم باشید و از انبوه مشکلات نهراسید و در کار خود جدی و قاطع باشید و هرگز در برابر پیشنهادهای افراد نادان و از خدا بی خبر تسلیم نشوید و از

راه جاهلان نروید، بلکه با شناخت و آگاهی کامل برنامه های انقلابی خود را ادامه دهید.

نکات این آیه :

۱. تحقق دعا، غیر از آن اوقات ممکن است دعای بنده یی مستجاب شود، ولی به علل و عواملی لباس تحقق نپوشد.

۲. دعا جای کار و کوشش را نمی گیرد.

رب السجن ءحب الی مماتد عوتنی الیه و الا تصرف عنی کیدهن ءصب الیهن و ءکن من الجاهلین . (٦٠)

پروردگار من ! زندان برایم بهتر است از آن گناهی که مرا به آن دعوت می کنند. اگر مکر و حیله ی اینها را از من دور نکنی ، به سویشان میل پیدا خواهم کرد و از گروه جاهلان می شوم .

و لاتفسدوا فی الءرض بعد اصلحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین . (٦١)

هرگز در زمین به فساد و تباهکاری برنخیزید، بعد از آنکه اصلاح شده است . و خدا را با بیم و امید بخوانید، زیرا لطف و رحمت او به نیکوکاران نزدیک است .

قل من ینجیکم من ظلمات البر و البحر تدعونه ، تضرعا و خفیفهٔ لئن ءنجینا من هذه لنکونن من الشکرین - قل الله ینجیکم منها و من کل کرب ثم ءنتم تشرکون . (٦٢)

بگو ای پیغمبر! چه کسی شما را از تاریکی ها و سختی های بیابان و دریا نجات می دهی ؟ گاهی که او را به تضرع (آشکارا) و زاری (پنهانی) می خوانید که : اگر ما را از این مهلکه نجات داد، همیشه شکرگزار او هستیم . بگو: خداست که شما را از آن سختی ها نجات می دهم و از هر هم و غم می رهاند. باز هم به او شرک می آورید.

فضیلت دعا و تشویق بر آن از دیدگاه روایات

احادیث و روایات متعددی که از پیامبر اکرم (ص) و سایر پیشوایان اسلام نقل شده است ، اهمیت ، ارزش و ضرورت دعا و نیایش و درخواست مشکلات را از حضرت حق نشان می دهد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الدعاء جند من اءجناد الله مجند یرد القضاء بعد اءن یبرم . (٦٣)

رسول خدا (ص) فرمود: دعا سپاهی از سپاهیان مجهز خداوند است و به اندازه یی قدرت دارد، که قضای محتوم را دفع می کند.

و نیز آن حضرت فرمود: و قال الدعاء سلاح المؤ من . (٦٤) یعنی : دعا اسلحه ی مؤ من است .

و قال : الدعاء عمود الدین . (٦٥) یعنی : دعا ستون دین است .

و قال : اءفضل العبادۀ الدعاء. (٦٦) یعنی : برترین عبادت دعاست .

و قال : الدعاء مخ العبادۀ . (٦٧) یعنی : دعا مغز و روح عبادت است .

و قال : الدعاء هو العبادۀ . (٦٨) یعنی : دعا همان عبادت است .

و قال : الدعاء مفتاح الرحمة و الوضوء مفتاح الصلاة و الصلاة مفتاح الجنة . (٦٩) يعنى : دعا كليد رحمت ، وضو كليد نماز، و نماز كليد بهشت است .

و قال : الداعى و المؤ من فى الاجر شريكان و القارى و المستمع فى الاءجر شريكان و العالم و المتعلم فى الاءجر شريكان . (٧٠)

آن كه دعا مى كند و آن كه آمين مى گويد، در پاداش شريكند؛ قارى و مستمع نيز در پاداش دانشمند و دانش آموز هم در پاداش شريكند.

و قال الدعاء ينفع مما نزل و مما لم ينزل فعليكم عباداللّه بالدعاء .(٧١)

دعا درباره ى آنچه فرود آمده و آنچه نيامده ، مفيد است . بندگان خدا! از دعا غافل نشويد.

و قال : ان اءعجز الناس من عجز عن الدعاء . (٧٢)

عاجزترين مردم كسيست كه از دعا كردن عاجز و ناتوان باشد.

و قال : ليس شى ء اكرم عنداللّه من الدعاء . (٧٣)

هيچ چيز نزد خدا گرامى تر از دعا نيست .

عن اءبى عبداللّه (ع) - فى رسالة طويلة - قال : و عليكم بالدعاء فان المسلمين لم يدركوانجاح الحوائج عند ربهم باءفضل من الدعاء و الرغبة اليه و التضرع الى اللّه و المساءلة فاءرغبوا فيما رغبكم اللّه فيه و اءجيبوا اللّه الى ما دعاكم لتفلحوا و تنجحوا من عذاب اللّه . (٧٤)

امام صادق (ع) در ضمن نامه يى طولانى ، به شيعيانش مى نويسد: بر شما باد به دعا كردن ؛ چون مسلمانان براى اينكه خداوند حوايج آنان را برآورد، راهى بهتر از دعا سراغ ندارند؛ و در مقام اظهار رغبت و اشتياق

به لطف و مرحمت پروردگار، کمال ذلت و خواری را انجام دهند. بنابراین به رغبت و اشتیاق آیید، در آنچه که خداوند شما را ترغیب و تشویق کرده است ، و خواسته ی خدا را که دعا کردن باشد، انجام دهید، تا رستگار شده و از عذاب او رهایی یابید.

من کتاب معاویۀ بن عمار قال : قلت له : رجلان دخلا المسجد جمیعا افتتحا الصلاۀ فی ساعۀ واحدۀ فتلا هذا من القرآن و کانت تلاوته اکثر من دعائه و دعا هذا و کان دعاؤ ه اکثر من تلاوته ثم انصرفا فی ساعۀ واحدۀ اءیها اءفضل ؟ قال : کل فیه فضل کل حسن قال : قلت : انی قد عملت اءن کلا حسن و ان کلا فیه فضل قال : فقال : الدعاء اءفضل اءما سمعت قول الله تعالی : ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین و هی و الله اءفضل هی والله اءفضل هی والله اءفضل اءلیس هی العبادۀ اءلیست اءشد هی و الله اشد هی والله اءشد هی والله اشد ثلاث مرات .

از کتاب معاویۀ بن عمار چنین نقل شده که می گوید: به امام صادق (ع) گفتم : دو نفر با هم وارد مسجد شدند و در یک وقت شروع به نماز خواندن کرده و همزمان از نماز فارغ شدند. با این تفاوت که یکی قرآن زیاد خواند و کم دعا کرد، و دیگری بر عکس ، کم قرآن خواند و زیاد دعا کرد. عمل کدامیک از این دو بهتر است ؟ فرمود: کار هر دو خوب است ؛ عمل هر دو شایسته است . معاویه می گوید: گفتم : من می دانم هر دو کار شایسته است ، می خواهم بدانم کدامیک بهتر است . فرمود: دعا بهتر و برتر است . مگر سخن خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: دعا کنید، تا مستجاب کنم . همانا کسانی که از عبادت من

سرپیچی کنند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. والله ! دعا افضل و برتر است . والله ! دعا افضل و برتر است . والله ! دعا برتر است . مگر دعا عبادت نیست ؟ مگر دعا سخت تر و استوارتر است ؟ والله ! دعا سخت و استوارتر است . والله ! دعا سخت و استوارتر است . والله ! دعا سخت و استوارتر است .

عن سلیمان بن عثمان بن الاسواد قال : قال رسول الله : یدخل الجنهٔ رجلان کانا یعملان عملا واحدا اءفیری اءحدهما صاحبه فوقه فیقول : یا رب بما اءعطیته و کان عملنا واحدا؟ فیقول الله تعالی : ساءلنی و لم تساءلنی ثم قال : اساءلوا الله و اءجزلوا فان الله یتعاظمه شی ء . (۷۵)

سلیمان بن عثمان می گوید پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو نفر که اعمال و عباداتشان یکسان و یکنواخت است ، وارد بهشت می شوند، ولی یکی از آن دو رفیقش را از نظر مقام و مرتبه بالاتر از خود می بیند. آن گاه می پرسد: خدایا! چه شد با آنکه عملمان یکسان بود، او را برتر و بالاتر قرار دادی ؟ خداوند فرماید: او از من در خواست کرد، و تو نخواستی . سپس پیامبر (ص) فرمود: دعا کنید، و چیزهای مهم و بزرگ از خداوند بخواهید؛ چون هیچ چیز در برابر عظمت خدا مهم و بزرگ نیست .

عن عمرو بن جمیع عن اءبی عبدالله (ع) قال : من لم یساءل الله عزوجل افتقر . (۷٦)

عمرو بن جمیع از امام صادق (ع) روایت می کند که ، آن حضرت فرمود: هر کسی که از خدا چیزی نخواهد، فقیر و نیازمند خواهد شد.

عن ابی عبدالله (ع) قال : قال امیر المؤ منین (ع) اءحب الاعمال الی الله عزوجل فی الارض الدعاء و افضل العبادۀ العفاف قال : و کان امیر المؤ نین رجلا دعاه . (۷۷)

امام صادق (ع) فرمود: امیر المؤ منین (ع) می فرماید: محبوب ترین کارها در روی زمین برای خدا عزوجل ، دعا است ، و بهترین عبادت ، پرهیزکاری و پارسایست . امیر المؤ منین (ع) مردی بود که بسیار دعا می کرد.

عن میسربن عبد العزیز عن ابی عبدالله (ع) قال : قال لی : یا میسر اءدع و لا تقل ؛ ان الاءمر قد فرغ منه ان عندالله عزوجل منزلۀ لاتنال الا بمسالۀ ولو اءن عبدا سد فاه و لم یسئل لم یعط شیئا فاسئل تعط انه لیس من باب یقرع الا یوشک اءن یفتح لصاحبه . (۷۸)

میسر بن عبدالعزیز می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای میسر! دعا کن ، و نگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده ، همان شود (و دعا اثری ندارد) همانا نزد خداوند مقامیست که نمی توان به آن رسید، جز با دعا و تقاضا. اگر بنده یی دهان خود را از دعا فرو بندد و چیزی درخواست نکند، چیزی به او داده نخواهد شد. پس از خداوند درخواست کن ، تا به تو عطا شود؛ چون هر دری را زیاد بکوبید، سرانجام گشوده خواهد شد.

عن حنان ابی سدیر عن اءبیه قال : قلت لاءبی جعفر (ع): اءی العبادۀ اءفضل ؟ ما من شی ء اءفضل عندالله من اءن یسئل و یطلب مما عنده و

ما احد اءبغض الی الله عزوجل ممن یستکبر عن عبادته و لایسئل ما عنده . (۷۹)

سدیر می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم : کدام عبادت بهتر است ؟ فرمود: چیزی نزد خداوند عزوجل افضل و بهتر از این نیست که از او درخواست شود، و از آنچه نزد اوست بخواهند؛ و هیچ کس نزد خداوند از کسانی که از عبادت او تکبر می ورزند و از مواهب او تقاضا نمی کنند. مبغوض تر و منفورتر نیست .

عن سیف التمار قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول : علیکم بالدعاء فانکم لاتقربون بمثله و لاتشرکوا صغیرها اءن تدعوا بها ان صاحب الصغار هو صاحب الکبار . (۸۰)

سیف تمار می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: بر شما باد به دعا؛ زیرا هیچ چیز مانند دعا شما را به خداوند نزدیک نمی کند. هیچ حاجت کوچکی را به خاطر کوچکی اش رها نکنید، از اینکه برای آن به درگاه خداوند دعا کنید؛ زیرا آن کس که حوایج کوچک به دست اوست ، همان کسیست که حوایج بزرگ در اختیار اوست ..

سخن امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره ی دعا

و اعلم اءن الذی بیده خزائن السموات و الارض فیه اءذن لک فی الدعاء و تکفل لک بالا جاهٔ و اءمرک اءن تساءله لیعطیک و تسترحمه لیرحمک و لم یسجعل بینک و بینه من یحجبه عنک و لم یلجئک الی من یشفع لک الیه و لم یمنعک ان اءسات من التوبهٔ و لم یعا جلک بالنقمه و لم یفضحک حیث الفضیحهٔ بک اءولی .

بدان ، خداوندی که خزاین آسمان ها و زمین به دست اوست ، به تو رخصت و اجازه ی دعا داده ، و خود اجابت آن را بر عهده گرفته است ، و به تو امر کرد که از او بخواهی ، تا عطایت کند، و از او رحمت و مهربانی بطلبی ، تا مهربانی ات کند، و بین تو و خود هیچ کس را حجاب و مانع قرار نداد؛ تو را ناچار نگردانیده که در نزد او شفیع و میانجی ببری . و اگر مرتکب گناهی شدی ، در توبه را به رویت نبست و در کیفر گناهت شتاب نکرد، و آنجا که شایسته ی رسوایی بودی ، رسوایت نساخت .

و لم یشدد علیک فی قبول الانابۀ و لم یناقشک بالجریمۀ و لم یؤ یسک من الرحمۀ بل جعل نزعک عن الذنب حسنۀ و حسب سیئتک واحدۀ و حسب حسنتک عشرا و فتح لک باب المتاب و الاءستعتاب فاذا ناديته سمع نداءک و اذا ناجيته علم نجواک قاءفضيت اليه بحاجتک و اءبثثته ذات نفسک و شکوت اليه همومک و استکشفته کربک ، واستغنته ، علی اءمورک و ساءلته من خزائن و ساءلته من خزائن رحمته مالا يقدر علی اعطائه غيره من زيادۀ الاعمار و صحۀ الا بدان وسعۀ الارزاق .

و در قبول توبه و بازگشت بر تو سخت نگرفت ، و به سبب گناهی که از تو سرزده ، به تنگنایت نیفکند و از رحمت خود ناامیدت نساخت ؛ بلکه روی گردانیدن تو را از گناه ، حسنه و کار نیک شمرد، و گناهت را یک بار کیفر و کار نیکت را ده بار جزا دهد و در توبه را به رویت گشود. پس هر وقت او را بخوانی ، صدایت را می شنود، و هرگاه با او راز و نیاز و مناجات کنی ، راز دلت را می داند؛ پس حاجت و درخواست خود را به سوی او ببر و راز دلت را نزد او بگشای و از اندوهایت به او شکایت و

درد دل کن و از او چاره ای گرفتاری هایت را بخواه و در کارهایت از او یاری بجوی و از خزاین رحمت او چیزی بخواه ، که غیر او را توان بخشیدنش نیست ، از قبیل : افزودنی در عمر، سلامت جسم و گشایش در روزی .

ثم جعل فی یدک مفاتیح خزائنه بما اءذن لک فیه من مساءلته فمتی شئت استفتحت بالدعاء اءبواب نعمته و استمطرت شایبب رحمته فلا یقنطنک ابطاء اجابته فان العطیۀ علی قدر النبیۀ و ربما اءخرت عنک الاجاحۀ لیکون ذلک اءعظم لاءجر السائل و اءجزل لعطاء الامل و ربما و ساءلت الشی فلا تؤ تاه و اوتیت خیرا عاجلااو آجلا اءو صرف عنک لما هو خیر لک فلرب اءمر قد طلبته فیه هلاک دینک او اءو تیته فلتکن مساءلتک فیما یبقی لک جماله و ینفی عنک وباله فما لمال لایبقی لک و لاتبقی له .

خداوند کلیدهای خزاین خود را در دستانت نهاده است ؛ زیرا به تو رخصت و اجازه داده که از او بخواهی ، و هر زمانی که بخواهی ، درهای نعمتش را به دعا بگشایی و ریزش باران رحمتش را طلب کنی . اگر دعایت را دیر اجابت فرمود، ناامید مشو؛ زیرا بخشش و عطای او به اندازه ی نیت و تصمیم است . چه بسا در اجابت تاءخیر روا دارد، تا پاداش سؤ ال کننده بزرگ تر و عطای آرزومند افزون تر گردد. چه بسا چیزی را خواسته ای و آن را به تو نداده اند، ولی بهتر از آن را در این جهان یا در آن جهان به تو می دهند، یا صلاح تو در این بوده که آن را از دریغ دارند. چه بسا چیزی را از خداوند می طلبی ، که اگر به تو داده شود، تباهی دینت در آن است . پس همواره چیزی را از خداوند بخواه

، که نیکی آن برایت بر جای ماند و رنج و مشقتش از تو دور باشد؛ نه مال برای تو باقی می ماند، و نه تو برای مال باقی می مانی .

سخن امام خمینی درباره دعا

تمام عبادات وسیله است . تمام ادعیه وسیله است . همه وسیله ها برای این است که انسان لبابش ظاهر بشود آنکه بالقوه است و لب انسان است به فعلیت برسد، و انسان بشود؛ انسان بالقوه ، انسان بالفعل ، انسان طبیعی ، انسان الهی بشود، به طوری که همه چیزش الهی شود؛ هر چه می بیند، حق ببیند. انبیا هم برای همین آمده اند.

مردم را نباید از دعا جدا کرد. نباید گفت حالا که ما رسیدیم که قرآن را می خواهیم بخوانیم ، پس دعا هیچ . خیر! مردم باید با دعا، به خدا انس پیدا کنند. آنها که انس به خدا دارند، دنیا در نظر آنها این طور جلوه ندارد؛ کسانی هستند که برای خودشان ارزش شمشیر زدند، کسانی که همین ادعیه را می خواندند و همین حالات را داشتند، آنان برای خدا شمشیر می زدند. نباید مردم را از این برکاتی که هست ، جدا کرد. قرآن و دعا از هم جدا نیستند؛ مثل اینکه پیغمبر هم از قرآن جدا نیست .

... قرآن هم به آن قدری که وارد شده است ، مثل سفره ییست که هر کس به اندازه ی خودش باید از آن استفاده کند. برای یک دسته نیست ، برای همه است ، مال همه مردم است ؛ همه مردم باید از آن استفاده کنند، هر کس به اندازه ی خودش . ادعیه هم همین طور است ؛ ادعیه ی ائمه (علیهم السلام). این قدر معارف در ادعیه هست . ادعیه لسان قرآن می باشد.

دعاها شارح قرآن هستند، راجع به مسائلی که دیگران دستشان به آنها نمی رسد؛ ائمه ی طاهرین بسیاری از مسائل را با لسان ادعیه بیان فرموده اند. لسان ادعیه با لسان های دیگری که آن برگواران داشتند و احکام را بیان می فرمودند، خیلی فرق دارد. اکثر مسائل روحانی ، مسائل ماورای طبیعت و آنچه را که مربوط به معرفة الله است ، با لسان ادعیه بیان فرموده اند. ولی ما ادعیه را تا آخر می خوانیم ، و متاءسفانه به این معانی توجه نداریم . (۸۱)

... همین دعاها، همین توجهات به خدا، انسان را به مبداء غیبی متوجه می کند، و نه تنها مانع فعالیت نمی شود، بلکه فعالیت هم می آورد؛ فعالیتی که برای خودش نیست ، برای بندگان خداست ، و می فهمد که فعالیت برای بندگان خدا، خدمت به خداست .

اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می کنند، برای این است که نمی دانند این کتب ادعیه چه طور انسان می سازد؛ نمی دانند این دعاهایی که از ائمه وارد شده ، مثل : مناجات شعبانیه ، دعای کمیل ، دعای عرفه ، سمات و غیره ، چه جور انسان درست می کنند... آنها که برای دور کردن مردم از ادعیه ، کتب دعا را آتش می زدند و روزی را برای آتش سوزی کتاب عرفانی و دعا داشتند، نمی فهمیدند دعا یعنی چه ؛ تاءثیر دعا را در نفوس انسان نمی دانستند؛ نمی دانستند که همه خیرات و برکات از همین دعا خواندن هاست . (۸۲)

و از هین روست که می بینیم حضرت امام در آغاز تبعید به ترکیه ، در یکی از اولین نامه هایی که برای خانواده ی خود که در ایران بودند، نوشت ، از آنها خواست کتاب مفاتیح و صحیفه ی سجادیه برایش

بفرستند، و هیچ گاه از این امر همچون سایر ابعاد اسلام غافل نبوده است (۸۳) .

و نیز یکی از اساتید معروف اخلاق حوزه ی علمیه ی قم فرمودند: هنگامی که امام خمینی در فرانسه بودند، سه نامه به سه نفر از علمای قم نوشتند و فرمودند: انقلاب ما نیاز به دعا دارد. برای پیروزی انقلاب دعا کنید!

علامه امینی (رحمهٔ الله) می گوید: اسلام برای مسلمانان مدرسه یی تاءسیس کرده است ، که در این مدرسه دو لنگه ی آن در عالم لنگه ندارد: یکی دعا، و دیگری زیارت .

درخواست توفیق دعا

انسان در انجام کارهای خیر، نیاز به عنایت و توفیق از جانب خداوند بزرگ دارد، و تا توفیق خدایی شامل حال او نشود، به انجام کارهای خداپسندانه موفق نخواهد شد. بر این اساس ، به خاطر موفقیت در برنامه ها و رسیده به اهداف عالی ، لازم است از خداوند درخواست کنیم به ما توفیق دعا عنایت نماید، تا رسیدن به هدف های مهم و ارزنده برای ما امکان پذیر و آسان شود.

قال رسول الله (ص): کسی که به دعا توفیق یابد، بدبختی ندارد. وقتی خدا توفیق خود را برای دعا فراهم نموده ، علامت آن است که درهای رحمت را به روی او گشوده است . امام جواد (ع) می فرماید:

(۸٤)

المؤ من یحتاج الی توفیق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ینصحه . (۸۵)

انسان مؤ من به سه چیز محتاج است :

۱. توفیقی که از جانب خداوند به دست آورد.

۲. از طریق نفس خویش ، موعظه گر خود باشد.

۳. نسبت به کسی که او را نصیحت می کند، حالت قبول و پذیرش داشته باشد.

بنابراین ، توفیقی الهی یکی از نیازهای هر فرد مؤ من است ، تا به کمک آن ، به تصمیم و اراده ی خود جامه ی عمل بپوشاند؛ لذا باید از خداوند بزرگ درخواست توفیق نماییم ، تا ما نیز از توفیقات الهی که نصیب مردان خدا شده است ، بهره مند شویم . در دعاهای بسیاری به این مساءله (توفیق) اشاره شده است :

۱. در دعای پس از نماز جعفر طیار (ع) می خوانیم :

اللهم انی اءسالک توفیق اهل الهدی و اعمال اهل التقوی . (۸٦)

خدایا! از تو توفیق اهل هدایت و رفتار اهل تقوا را درخواست می کنم .

۲. از امام حسن عسکری (ع) در تفسیر قول خداوند (صراط الذین انعمت علیهم) نقل شده که فرمودند:

قولوا اهدنا الصراط الذین انعمت علیهم بالتوفیق لدینک و طاعتک (۸۷)

بگویید: ما را به راه آنان که نعمت بر آنها بخشیده ای ، به وسیله ی توفیق برای قبول دین تو و اطاعت تو هدایت فرما!

خلاصه اینکه ، یکی از راه های کسب توفیق (دعا) خواستن از خداوند است . باید از صمیم دل دست به دعا برداشت و از پروردگار مهربان و درخواست موفقیت برای رسیدن به مقاصد عالی را کرد. توجه داشته باشید پس از آنکه توفیق دعا پیدا شد، باید دست به تلاش و کوشش زد، وگرنه دعای شما نوعی استهزا و تمسخر به شمار می آید.

حضرت رضا (ع) می فرمایند:

من ساءله التوفیق و لم یتهجد فقد استهزء بنفسه . (۸۸)

کسی که از خداوند داشتن توفیق را مساءلت نماید، ولی کوشش نکند، خود را به تمسخر گرفته است .

دعا و نیایش امری فطریست

دعا و نیایش امری فطری است و اجتناب ناپذیر است ؛ یعنی مسلمانان و غیرمسلمان هنگام سختی ها و مشکلات در درون خود قدرتی را حس می کند، که آن قدرت می تواند مشکل با مشکلاتش را حل نماید.

فاذا رکبوا فی الفلک دعوا الله له الدین فلما نجیهم الی البر اذا هم یشرکون . (۸۹)

هنگامی که بر کشتی سوار می شوند، خدا را با توجه و اخلاص کامل می خوانند و غیر او در نظرشان محو می شود، اما هنگامی که آنها را از

طوفان و گرداب نجات و رهایی می بخشد و به ساحل و خشکی می رساند، باز مشرک می شوند.

در سالنامه ی نور دانش (سال ۱۳٤۲، ص ٥۲) آمده است که :

بعد از غرق شدن کشتی پنتانیک ، یکی از مسافران کشتی دیگر می گوید: در آن کشتی به افرادی منکر برخوردم ، که در همین باب سخن می گفتند. ناگهان ! از هر دو طرف کاپیتان گزارش دادند چند کوه یخی بر سر راه قرار گرفته ؛ و چون مسافران ماجرای کشتی پنتانیک را شنیده بودند. برای دعا به طرف کلیسای کشتی هجوم آوردند. من دیدم از همه جلوتر، آن افرادی آمدند که منکر خدا بودند. پرسیدم : شما اینجا چه می کنید؟ گفتند: ما حالا فهمیدیم حق با شما خداپرستان است و انسان پناهگاه می خواهد.

داستان مرد سرگردانی را که در امر خداشناسی گرفتار شک و تردید شده بود، و امام صادق (ع) از همین راه فطری و درونی او را ارشاد و راهنمایی فرمود، همه شنیده ایم . عرض کرد.

یابن رسول الله ! دلنی علی الله ما هو؟ فقد اکثر علی المجادلون و حیرونی !

ای فرزند رسول خدا (ص)! مرا به خدا راهنمایی کن ! او کیست ؟ زیرا وسوسه گران مرا حیران و سرگردان ساخته اند.

فقال له الامام (ع): یا عبدالله ! هل رکبت سفینهٔ قط؟ قال نعم قال فهل کسر بک حیث لاسفینهٔ تنجیک و لا سباحهٔ تغنیک ؟ قال نعم !

امام فرمود: ای بنده ی خدا! آیا هرگز سوار کشتی شده ای ؟ عرض کردم : آری ! فرمود: هرگز کشتی تو شکسته است ، در آنجا که هیچ کشتی دیگری برای نجات تو نبوده و قدرت بر شناگری نداشته باشی ؟ عرض کردم : آری !

قال فهل تعلق قلبک هنالک ان شیئا من الاشیاء قادر علی اءن یخاصک من ورطتک ؟ قال : نعم .

فرمود: در آن حالت ، آیا قلب تو به این امر متوجه شد که وجودی هست که می تواند تو را از آن مهلکه نجات دهد؟ عرض کردم : آری !

قال الصادق (ع): فذلک الشی هو الله القادر علی النجاء حیث لامنجی و علی الاغاثۀ حیث لا مغیث .

امام صادق (ع) فرمود: او خداوندیست که قادر بر نجات است ، در آنجا که هیچ نجات دهنده و فریاد رسی نیست . (۹۰)

چرا امر شده که در هر حال (سختی و آسایش) دعا کنیم ؟

1 O. مورد مذمت و نکوهش خداوند قرار نگرفتن

تشریع دعا تنها برای موقع گرفتاری و شداید نیست ، بلکه خدای متعال کسانی را که فقط در سختی ها و محنت ها به درگاه او رفته و دعا می کنند، مذمت و نکوهش کرده و می فرماید:

و اذا مس الانسان الضر دعانالجنبه او قاعدا فلما کشفنا عنه ضره مر کاءن لم یدعنا الی ضر مسه ، و کذالک زین للمسرفین ما کانوا یعملون . (۹۱)

هنگامی که به انسان ضرر و زیانی می رسد و دستش از همه جا کوتاه می شود، دست به سوی ما دراز می کند، و ما را در همه حال ، در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده است ، می خواند، اما این افراد چنان کم ظرفیت و بی خردند، که به مجرد اینکه بلا و ناراحتیشان را برطرف می سازیم ، آنچنان در غفلت فرو می روند، که گویا هرگز از ما تقاضایی نداشتند و ما نیز به آنها کمکی نکردیم . آری ! این چنین اعمال مسرفان در نظرشان جلوه داده شده است .

اذا اءنعمنا علی الانسان اءعرض و نابجانبه و اذا مسه الشر فذ و دعاء عریض (۹۲) .

هرگاه به انسان نعمتی دهیم ، روی می گرداند و با تکبر از حق دور می شود، اما هرگاه مختصر ناراحتی به او برسد، تقاضای فراوان و زیادی برای طرف شدن آن دارد و دعای مستمر (بسیار و مفصل) می کند.

دیل کارنگی روان شناس آمریکایی در این زمینه می گوید: بسیاری از ما وقتی که از زندگی به ستوه می آییم و به آخرین حد نیروی خود می رسیم ، در ناامیدی و یاءس رو به سوی خدا بر می گردانیم . البته در موقع گرفتاری هیچ کس منکر خدا نیست ، اما چرا تا مرحله ی ناامیدی و یاءس تاءمل می کنیم ؟ چرا هر روز تجدید قوا ننماییم ؟ چرا برای عبادت منتظر فرا رسیدن روز معینی بشویم ؟ (۹۳)

2 O. مستجاب شدن دعا

پیشوایان بزرگوار اسلام به زبان های مختلف به پیروان خود دستور داده اند که ، در هر حال به درگاه خدا بروید و دعا کنید. حتی در برخی از

روایات آمده : اگر کسی فقط در وقت گرفتاری و محنت دعا کند، دعایش مستجاب نمی شود.

عن اءبی عبدالله : من تقدم فی الدعاء اءستجیب به اذا نزل به البلاء و قالت الملائکهٔ صوت معروف و لم یحجب عن السماء و من لم یتقدم فی الدعاء لم یستجب له اذا انزل البلاء و قالت الملائکهٔ ان ذا الصوت لانعرفه . (٩٤)

کسی که پیشگیری در دعا کند و همیشه و در هر حال به درگاه خدا دعا نماید، در وقت نزول بلا دعایش مستجاب می گردد و فرشتگان می گویند: صدایی آشناست . و دعایش باز نمی گردد. و کسی که پیشدستی در دعا نکند و فقط در وقت نزول بلا دعا نماید، دعایش در آن وقت مستجاب نمی گردد و فرشتگان می گویند: این آواز را نمی شناسیم .

و در روایت دیگری فرمود: قبل این کنت قبل الیوم . یعنی : به او می گویند: تا به امروز کجا بودی ؟ (٩٥)

و قال : من سره اءن یستجاب له فی الشدهٔ فلیکثر الدعاء فی الرخاء .(٩٦)

و نیز آن حضرت فرمود: کسی که دوست دارد دعایش در حال سختی به اجابت برسد، باید در حال آسایش و راحتی بسیار دعا کند.

اءوحی الله الی داود صلوات علیه : اذکرنی فی ایام سرائک حتی اءستجیب لک فی ایام ضرائک . (٩٧)

خدای متعال به حضرت داود (ع) وحی کرد: مرا در روزهای خوش و آسایش یاد کن ، تا من دعای تو را در روزهای گرفتاری و سختی اجابت نمایم .

قال الفضل بن عباس : قال لی رسول الله (ص): احفظ الله یحفظک احفظ الله تجده اءمامک تعرف الی الله فی الرخاء یعرفک فی الشدۀ . (۹۸)

فضل بن عباس می گوید: پیغمبر (ص) به من فرمود: دستور خدا را حفظ کن ، خداوند نیز تو را حفظ می کند. تو خدا را در نظر داشته باش ، تا همواره او را پیش روی خود بیابی . در زمان آسایش ، با خدا آشنا باش ، تا در زمان شدت و سختی تو را بشناسد.

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: قال : کان علی بن الحسین علیهما السلام یقول : الدعاء بعد ما ینزل البلاء لاینتفع . یعنی : (به) علی بن حسین (ع) همیشه می فرماید: دعا پس از رسیدن بلا سودی ندارد. (۹۹)

3 O.نامشخص یودن زمان استجابت دعا

علی بن حسین (ع) انه کان یقول : ام اءر مثل التقدم فی الدعاء فان العبد لیس تحضره الاءجابۀ فی کل ساعۀ . (۱۰۰)

امام سجاد (ع) فرمود: چیزی را مانند تقدم و پیشدستی کردن در دعا را ندیدم ؛ چون در هر ساعت و هر وقتی دعای بندگان مستجاب نمی شود.

4 O.تحصیل حوایج دنیا و آخرت

قال رسول الله (ص):

ثلاث یدرک بهن العبد رغائب الدنیا و الاخرۀ الصبر علی البلاء، و الرضا بالقضا، و الدعاء فی الرخاء . (۱۰۱)

حضرت رسول (ص) فرمود: سه چیز است که بنده به وسیله ی آن ، حوایج دنیا و آخرت را به دست می آورد:

۱. صبر بر بلا.

۲. رضا به قضا.

۳. دعا در حال آسایش و خوشی .

عن هارون بن خارجهٔ عن اءبی عبدالله (ع) قال : ان الدعاء فی الرخاء یستخرج الحوائج فی البلاء . (۱۰۲)

هارون بن خارجه می گوید: امام صادق (ع) می فرماید: همانا دعا در حال آسایش و راحتی ، احتیاجات و نیازمندی های حالت بلا و سختی را برطرف می کند.

اعتدال و میانه روی در دعا

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: واقصد فی مشیک . یعنی در گفتار و کردارت میانه رو باش .

قال رسول (ص): اکلفوا من العمل ما تطیقون فان الله لایمل حتی تملوا و ان اءحب العمل الی الله تعال اءدومه و ان قل . (۱۰۳)

رسول خدا (ص) فرمود: به قدر توانایی خود عبادت کنید؛ زیرا وقتی شما ملول گشتید، خدا نیز ملول می شود. در نظر خدا بهترین کارها آن است که بادوام تر باشد، اگر چه اندک است .

امام صادق (ع) فرمود: لاجبر و لاتقویض بل امر بین الامرین . یعنی در گفتار و کردارت نه افراط و نه تفریط کن ، بلکه همواره معتدل باش و حد اعتدال را رعایت نما.

قال موسی بن جعفر (ع):

اجتهدوا فی اءن یکون زمانکم اربع ساعات :

ساعۀ لمناجاۀ الله و ساعۀ لامرار المعاش و ساعۀ لمعاشرۀ الاءخوان و الثقات الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعۀ تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم و بهذه الساعۀ تقدرون علی الثلاث الساعات . (۱۰٤)

تلاش کنید، تا اینکه زمان زندگی شما در چهار چوب بخش سپری شود:

۱. بخشی برای مناجات با خدا

۲. بخشی برای امرار معاش

۳. بخشی برای معاشرت و آمیزش برادران و دوستان مورد اعتماد، تا عیب هایتان را به شما گوشزد نمایند و در دل با شما صمیمی باشند.

٤. و بالاخره بخش دیگر وقت خود را آزاد کنید، برای لذت های حلال و مشروع ؛ و به وسیله ی این بخش ، برای بخش های سه گانه ی دیگر نیرو بگیرید.

امام علی (ع) فرمود: ساعات روز و شب گنجایش تمام نیازهای تو را ندارد، پس آنها را در میان کار و استراحت تقسیم کن . میان خود و

خدای سبحان بهترین اوقات را برای عبادت و راز و نیاز قرار داده . (۱۰۵)

عن حنان بن سدیر قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول : ان الله عزوجل اذا اءحب عبدا فعمل (عملا) جزاه بالقلیل الکثیر و لم یتعاظمه اءن یجری بالقلیل الکثیر له . (۱۰٦)

حنان بن سدید می گوید: شنیدم امام صادق می فرمود: چون خدای عزوجل بنده یی را دوست دارد، و او عمل کوچکی انجام دهد، خدا به او پاداش بزرگ دهد؛ و به عمل کم ، پاداش بزرگ دادن برای خدا سنگین نیاید.

عن اءبی عبدالله (ع) قال : اجتهدت فی العبادۀ و اءنا شات فقال لی اءبی (ع): یا بنی دون ما اءراک تصنع فان الله عزوجل اذا احب عبدا رضی عنه بالیسیر . (۱۰۷)

امام صادق (ع) فرمود: من جوان بودم و در عبادت کوشا. پدرم به من فرمود: پسر جان ! کمتر از آنچه می بینم ، عبادت کن ؛ که خدای عزوجل چون بنده یی را دوست دارد، به عمل اندک او راضی شود.

قال رسول الله (ص): یا علی ان هذا الدین متین فاءوغل فیه برفق لاتبغض الی نفسک عبادۀ ربک (ف) ان المنبت - یعنی المفرط - لاظهرا اءبقی و لااءرضا قطع فاعمل من یرجو اءن یموت هرما واحذر حذر من یتخوف اءن یموت غدا . (۱۰۸)

رسول خدا (ص) فرمود: ای علی ! همانا این دین متین و محکم است . در آن با نرمی وارد شو و عبادت پروردگارت را مبغوض خود مگردان

زیرا خسته کننده مرکوب (کسی که در راندن مرکوب زیاده روی کرده) نه مرکوب باقی گذاشته ، و نه مسافت پیموده . پس عمل کن ، مانند عمل کسی که امید دارد در پیروی بمیرد، و پرهیز کن ، مانند کسی که می ترسد فردا بمیرد. (یعنی نسبت به پرهیز از محرمات خیال کن فردا می میری و کوچکترین آنها را هم به خود اجازه نده ، و نگو وقت مردن توبه خواهم کرد.

مردی از اهل ایمان ، همسایه یی نصرانی داشت . او را به اسلام دعوت کرد و در نظرش جلوه داد، تا پذیرفت . هنگام سحر نزد تازه مسلمان رفت ، در زد و گفت : کیست ؟ گفت : من فلانی هستم . گفت : چه کار داری ؟ گفت : وضو بگیر و جامه هایت را بپوش و همراه ما به نماز بیا. آن مرد وضو گرفت ، جامه هایش را پوشید و همراه او روانه شد. هر چه خدا خواست ، نماز خواندند (نماز بسیاری خواندند) و سپس نماز صبح گزاردند، و بودند، تا صبح روشن شد. نصرانی برخاست به خانه اش برود، آن مرد گفت : کجا می روی ؟ روز کوتاه است . چیزی تا ظهر باقی نمانده . همراه او نشست ، تا نماز ظهر را هم به جا آورد. باز آن مرد گفت : بین ظهر و عصر مدت کوتاهیست . و او را نگه داشت تا نماز عصر را هم خواند. سپس برخاست تا به منزلش برود، آن مرد گفت : اکنون آخر روز است و از اولش کوتاه تر است . او را نگه داشت تا نماز مغرب را هم به جای آورد. باز خواست به منزلش برود، به او گفت : یک نماز بیشتر باقی نمانده . آن مرد ماند، تا اینکه نماز عشا را هم خواند، آن گاه از هم جدا شدند. چون سحرگاه شد، آن مرد نصرانی رفت و در زد. گفت : کیست ؟ گفت : من فلانی هستم . گفت : چه کار داری ؟ گفت : وضو بگیر، جامه

هایت را بپوش و بیا با ما نماز بخوان . تازه مسلمان گفت : برای این دین ، شخصی بی کارتر از مرا پیدا کن ؛ زیرا من مستمند و عیال وار هستم .

آیا دعا جای کار و کوشش را می گیرد؟

با رجوع به آیات و روایات و توجه به نقش تربیتی متون ادعیه ، به خوبی متوجه می شویم که لازمه ی دعا تلاش و کوشش است و دعای بدون عمل ارزشی ندارد. خداوند در قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: و اءن لیس للانسان الا ما سعی . (۱۰۹) یعنی : انسان مالک چیزی که برایش تلاش نکرده نیست .

ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم . (۱۱۰)

به راستی که خداوند سرنوشت هیچ قومی و ملتی را تغییر نمی دهد، مگر آنکه تغییراتی در خود ایجاد کنند.

عن اءبی ذر عن النبی (ص) فی وصیهٔ له و قال : یا اءباذر یکفی من الدعاء مع البر ما یکفی الطعام من الملح یا اباذر مثل الذی یدعو بغیر عمل کمثل الذی یرمی بغیر وتر . (۱۱۱)

اباذر از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که ، آن حضرت فرمود: ای اباذر! در صورتی که کارهای انسان نیک و شایسته باشد، زیاد دعا کردن لزومی ندارد، بلکه همان اندازه که نمک برای خوراک کفایت می کند، همان اندازه دعا نیز کفایت می نماید. ای اباذر! شخصی که بی عمل و کارهای نیک دعا کند، مانند کسیست که بی کمان تیراندازی نماید.

قال رسول الله (ص): الداعی بلا عمل کالرامی بلاوتر . (۱۱۲)

رسول خدا (ص) فرمود: شخصی که بی عمل و کارهای نیک دعا کند، مانند کسیست که بی چله کمان ، تیر می اندازد.

نابرده رنج ، گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت که جان برادر! که کار کرد

گویا بیشتر مردم می پندارند که دعا و نیایش ، عبادت هاییست مانند ورد و طلسم ، که هنگام گره خوردن کارها باید خوانده شود، تا به سبب اثر تکوینی ، آن گره از مشکلات باز شود و حاجت ها روا گردد. بنابراین عقیده ، دعا غالبا نقشی جز مقدمیت برای خواسته های دنیوی ندارد، و اسلام که درباره ی آن ترغیب و تشویق فراوان نموده ، آن را به جای کار و کوشش دانسته و جانشین اقدامات عملی انسان در زندگی قرار داده است .

و برخی نیز گفته اند: دعا در برنامه های اسلامی ، وسیله ی تخذیر اذهان ملت ، مانع از حرکت و جنبش علیه ستم ، و مهمترین دستاویز برای توجیه سستی و تنبلیست ؛ به این دلیل که چون بیشتر دعاها و یا حداقل به بعضی از آنها به هدف اجابت نمی رسد، پس وقت و زحمت دعا کننده به هدر رفته است .

فساد و بطلان این پندار روشن است ؛ زیرا اولا: دعا تنها جنبه مقدمیت ندارد، بلکه خود عبادتیست مستقل ، دارای آثار مخصوص و نتایج فراوان ؛ به قول شهید مطهری : دعا هم طلب است و هم مطلوب ، هم وسیله است و هم غایت ، هم مقدمه است و هم غایت . ثانیا: اگر فرض کنیم که دعا فقط وسیله ییست برای رسیدن به هدف ، باز هم این اشکال که دعا

در اسلام جانشین کار و کوشش است و اذهان عمومی را تخذیر می کند، وارد نیست ؛ زیرا این تصور ناشی از غفلت و عدم توجه به موضع و محل و انگیزه ی دعاست .

توضیح اینکه : تحقق یافتن هدف ها و خواسته های انسانی غالبا به مقدماتی احتیاج دارد، و بسا می شود که هدف اصلی ، پس از انجام گرفتن ده ها مقدمه و گذشت مدتی از زمان ، جامه ی عمل می پوشد. از طرفی هم می دانیم که انجام بعضی از مقدمات ، در دایره ی قدرت و اختیار انسان نیست ، بلکه تابع علل و اسباب تکوینی و غیر ارادی می باشد.

اگر کلید کاری به دست ما باشد. در اینجا دعا به تنهایی اثر ندارد؛ زیرا دعا برای تحصیل تواناییست . به عبارت ساده تر، دعا برای آن نیست که ما بی کار بنشینیم و منتظر باشیم که همان دعا همه کارها را رو به راه کند، و نباید انتظار داشته باشیم که دعا برخلاف مسیر طبیعی و نوامیس فطری کاری انجام دهد، گرچه از قدرت و مهربانی خداوند دور نیست که کارهایی برخلاف اسباب عادی انجام دهد، و اتفاقا از این گونه کارها بسیار انجام داده ، ولی بنای گردش روزگار را بر تنبلی و سستی نگذاشته است ؛ به عنوان مثال ، اگر زارعی در ایام پاییز و زمستان در خانه بنشیند و زمین خود را شخم نزند و بذری در آن نکارد و آبیاری ننماید، فقط هر روز دعا کند، در فصل بهار و تابستان نباید انتظار خرمن و گندم داشته باشد؛ و یا شخص بیماری که دسترسی به دکتر و دارو دارد و برای بهبودی خویش به دکتر مراجعه نکند و دارو را طبق دستور پزشک استعمال ننماید، نباید انتظار خوب شدن را داشته باشد.

در روایت آمده است که : مردی فقیر و قرضدار به حضور امام صادق (ع) شرفیاب شد و عرض کرد: یابن رسول الله ! درباره ی من دعایی بفرمایید، که خداوند به من وسعت عنایت بفرماید و روزی ام فراوان گردد، زیرا خیلی فقیر و تنگدستم .

امام صادق (ع) فرمود: من هرگز چنین دعایی درباره ی تو نمی کنم ؛ زیرا خداوند متعال برای به دست آوردن روزی راهی فراهم کرده ، و به ما دستور داده آن را تعقیب کنیم ، ولی تو می خواهی در خانه ات بنشینی و با دعا روزی بخوری ؟ (۱۱۳)

البته هر جایی که انسان می تواند از راه عمل به هدف و منظور خود برسد، باید دست به عمل بزند و به دعا اکتفا نکند. بلی ! دعا می تواند به عنوان مکمل و متمم عمل باشد، که انسان عمل را انجام بدهد، و از خدا خیر و خوبی آن را بخواهد؛ مثل اینکه زارع زمین را شخم بزند و بذر بپاشد و آبیاری هم بکند، آن گاه برای خوبی محصول و سلامت آن از آفت و زیادی برکت و امثال آنچه از قدرت او خارج است ، مانند: باران مناسب ، تابش آفتاب ، مصونیت از سیل و تگرگ و غیر اینها دعا کند، و آنها را از خدا بخواهد. ما وقتی به زندگانی خود پیغمبر اکرم و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) نگاه می کنیم ، می بینیم آنها تا جایی که کاری از دستشان ساخته بود، فقط به دعا اکتفا نمی کردند، و هر جا کار از دستشان خارج بود، دعا می نمودند.

پیغمبر اکرم در جنگ بدر با سیصد و سیزده نفر مردمانی که همه فقیر و فاقد وسیله و ابزار جنگی بودند، به جنگ نهصد و پنجاه نفر مردمان ثروتمند، آماده و مسلح رفتند. رسول خدا (ص) در آنجا آنچه تدبیر

جنگی بود، از نظر صف بندی و تاکتیک های جنگی آن روزگار انجام داد؛ خود نیز لباس رزم پوشید و همچون سرداری ورزیده عمل کرد و به میدان جنگ آمد، و البته پس از انجام همه کارها، برای پیروزی سپاه اسلام به درگاه خدا دعا کرد، و خدا هم بزرگترین پیروزی را نصیب او نمود. همچنین رسول خدا در سایر جنگ ها و دیگر رویدادهای اسلام و در همه جا، هر کاری را که در اختیار داشتند، انجام می دادند، و سپس دعا می کردند.

بنابراین واضح است که نه تنها میان دعا و سعی و کوشش تضادی نیست ، بلکه هر دو به هم مرتبط و با هم متلازمند؛ یعنی دعا بدون کار و کوشش ، بی نتیجه ، و تلاش بدون دعا و توسل به آفریدگار، غفلت و خلاف شکر نعمت است .

آنچه که از آیات و روایات به دست می آید، آن است که ، پیغمبران و امامان و عالمان دین ، رو گردان از اسباب ظاهری و عادی نبودند و تمام اعتمادشان هم بر دعا نبود، بلکه حداکثر استفاده را از آن می نمودند، آن گاه برای برآمدن حاجت و مقصود خویش ، از خداوند استمداد می طلبیدند.

آیا دعا با مقام قضا و قدر منافات دارد؟

ممکن است برخی نادانان ، دعا را کاری لغو و بیهوده پندارند، به خیال اینکه مسلما همه کارها مورد علم خداوند و قضا و قدر قرار گرفته و هیچ کاری بر خلاف آنچه در ازل مقرر شده ، نخواهد شد؛ بنابراین آنچه که مورد درخواست و موضوع دعا واقع می گردد، مثل صاحب فرزند شدن

، اگر مقدر است ، دیگر احتیاج و نیازی به دعا نخواهد بود، و اگر مقدر نشده است ، دعا حتما بی اثر خواهد بود.

اما اینان از سه نکته غافلند:

اول اینکه ، دعا، عبادت و بندگی خداست ، و هر بنده یی وظیفه دارد که در برابر عظمت و جلال خداوندی اظهار خاکساری و بندگی کند. وگرنه در شمار متکبران خواهد بود. در روایت چندی اشاره به پاسخ اشکال فوق شده است :

عن حماد بن عیسی عن اءبی عبدالله (ع) قال : سمعته یقول : ادع و لاتقل : قد فرغ من الامر الدعاء هو العبادۀ ان الله عزوجل یقول : ان الذین یستکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین و قال : اءدعونی اءستجب لکم . (١١٤)

حماد می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرماید: دعا کن و مگو کار از کار گذشته . به فرض ، اگر اثر هم نداشته باشد، با دعا کردن خود عبادتی انجام داده ای ؛ چه اینکه دعا عبادت است ، که خداوند در قرآن می فرماید: کسانی که از عبادت من تکبر ورزند، با ذلت و خواری وارد دوزخ خواهند شد. و همچنین فرمود: مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم .

عن رجل قال : قال اءبو عبدالله (ع): الدعاء هو العبادۀ التی قال الله : ان الذین یستکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین اءدع الله عزوجل و لاتقل : ان الاءمر قد فرغ منه قال زرارۀ : انما یعنی : لایمنعک ایمانک بالقضاء و القدر اءن تبالغ بالدعاء و تجتهد فیه . (١١٥)

زراره از کسی نقل می کند که ، امام صادق (ع) فرمود: دعا همان عبادتیست که خداوند درباره اش فرمود: همانا کسانی که از عبادت و پرستش من تکبر کنند، به زودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند گشت . سپس امام فرمود: دعا کن و خدا را بخوان ، و مگو کارها بر حسب تقدیر الهی خواهد انجام شد.

زراره می گوید: مقصود امام این است که ، مبادا در اثر ایمان به قضا و قدر، ناامید گشته ، دست از جدیت و مبالغه در دعا کردن بر داری !

عن الحسین المغیرۀ عن اءبی عبدالله (ع) قال : اءدعه و لاتقل : قد فرغ من الاءمر فان الدعاء هو العبادۀ ان الله عزوجل یقول : ان الذین یستکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم داخرین . (١١٦)

امام حسین (ع) از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: دعا کن ، و مگو کارها بر طبق مقدرات جریان دارد؛ چه اینکه همانا دعا کردن عین عبادت و پرستش خداست ، به گواهی گفتار خدا: حقا کسانی که از عبادت من روی گردانند، چیزی نخواهد گذشت که با خواری و ذلت وارد دوزخ خواهند شد.

دوم اینکه ، ممکن است خداوند متعال مقدر کرده باشد که شخص فقط به وسیله ی دعا کردن صاحب فرزند شود، و تا دعا نکند، به او اولاد ندهد، هر چند که به همه وسیله ظاهری متوسل شود، همچنان که مقدر کرده است تا ازدواج نکند به او اولاد ندهد، با اینکه برای خداوند امکان دارد بدون ازدواج برای بشر تولید مثل و ایجاد نسل کند، چنان که ندرتا چنین کاری کرده ؛ پس با فرض مقدر بودن صاحب فرزند شدن باز هم

به دعا احتیاج است . یا مقدر شده که فقط به وسیله ی معالجه بیماری برطرف شود، و تا درمان نکند، بهبودی نیابد، با اینکه خداوند می تواند بدون دوا و درمان به آسانی شفا بخشد. و همچنین نعمت هایی دیگر دنیایی و اخروی .

سوم اینکه ، ممکن است قضا و قدر به اولاددار نشدن و کوتاهی عمر تعلق گرفته باشد، و تا آخر هم تغییر نکند، ولی در همین حال ، دعا و درخواست بی نیازی باعث می شود که خداوند مهربان در برابر این محرومیت ، نعمت دیگری در دنیا یا آخرت به بنده ی محرومش تفضل کند، که خود بنده ، به هنگام رسیدن به آن نعمت ، از مستجاب نشدن دعایش راضی و از کوتاهی عمر و نیازمندی خود خوشنود شود؛ چنان که در این روایت آمده :

عن اسحاق بن عمار عن ابی عبدالله (ع): ان المؤ من لیدعوا الله عزوجل فی حاجته فیقول الله عزوجل : اءخروا اجابته شوقا الی صوته و دعائه فاذا کان یوم القیامهٔ قال الله عزوجل عبدی دعوتنی فاخرت اجابتک و ثوابک کذا و کذا، و دعوتنی فی کذا و کذا فاخرت اجابتک و ثوابک کذا و کذا قال : فیتمنی المؤ من انه لم یستجب له دعوهٔ فی الدنیا مما یری من حسن الثواب . (۱۱۷)

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت می کند: همانا بنده ی مؤ منی درباره ی حاجتی خدای خود را خوانده و دعا می کند، در آن حال خداوند به فرشتگان می گوید: حاجت او را دیرتر برآورید، چون مشتاق شنیدن صدای دعای او هستم . و در روز قیامت خدای عزوجل به آن بنده خواهد گفت : بنده ی من ! دعا کردی ، و من برآوردن حاجت تو

را مدتی به تاءخیر انداختم ، و ثواب دیر برآوردن حاجت ، الان چنین و چنان خواهد بود. و درباره ی فلان مطلب دعا کردی ، با هم دعایت را دیر مستجاب کردم ، و اکنون به عوض دیر مستجاب شدن دعایت ، مزد و پاداش فراوانی خواهم داد.

امام صادق (ع) فرمود: همین که مؤ من ، خوبی نتیجه را می بیند، آرزو می کند که ای کاش هیچ یک از دعاهایش در دنیا مستجاب نمی شد! (۱۱۸)

آیا دعا با مقام رضا منافات دارد؟

قال رسول الله (ص): اول ما کتب الله تعالی فی اللوح : انی انا الله ، و لا اله الا انا من لم یرض بقضائی و لم یشکر لنعمائی و لم یصبر علی بلائی فلیطلب ربا سوائی . (۱۱۹)

رسول خدا می فرماید: اولین مطلبی که خداوند در لوح محفوظ نوشت این بود: همانا من پروردگار عالم هستم ؛ جز من معبودی نیست . هر کس به قضا و حکم من راضی نباشد و بر نعمت هایم شکر نکند و بر بلا و آزمایش هایم صبر ننماید، پس باید خدایی غیر من را طلب کند.

امام حسین (ع) وقتی که در گودال قتلگاه با بدنی مجروح و در شدت تشنگی افتاده بود، و در مقابل خود هفتاد و یک بدن قطعه قطعه شده می دید، که هر یک از آنها جزو اولیای خاص الهی بودند، و با گوش خویش صدای ضجه و ناله ی اهل بیت را می شنید، صورت به خاک گذاشت و از صمیم قلب با شوری عاشقانه به درگاه دوست چنین زمزمه کرد: الهی ! رضی بقضائک صبرا بلائک ، تسلیما لامرک لامعبود لی سواک

. یعنی : خداوندا! آنچه از جانب تو به من رسیده ، آنچنان زیبا و نیکو می بینم ، که نسبت به آن در کمال خشنودی و رضایت هستم ، و بر امتحانت صابر و در برابر امرت تسلیم می باشم ، که مرا معبود و معشوقی جز تو نیست .

چنان که خواهر گرامی اش حضرت زینب (ع) در پاسخ پسر مرجانه ، وقتی که از آن حضرت پرسید: کار خدا را با خاندانت چه گونه دیدی ؟ فرمود: ما رایت الا جمیلا. یعنی : چیزی جز زیبایی ندیدم .

فیض کاشانی می گوید: رضا یعنی رفع کراهت و استحلال مرارت احکام قضا و قدر. (۱۲۰)

بنابراین مقام رضا به این است که انسان در برابر پیشامدهای زندگی و خواست خدا راضی و شاکر باشد و لب به اعتراض نگشاید. بعضی ها سؤ ال می کنند که اگر انسان باید نسبت به آنچه خدا می خواهد، راضی و خشنود باشد، پس دعا کردن چه معنی دارد؟ آیا دعا با مقام منافات ندارد؟

جواب :

هرگاه ما دعا می کنیم ، در واقع برای آیند مطلبی را می خواهیم که واقع شود؛ و ما خواست خدا را در آینده اطلاع نداریم ، یعنی نمی دانیم خداوند در آینده چه چیزی برای ما خواسته ، تا نسبت به آن راضی باشیم . بنابراین شخص دعا کننده چند حال دارد: یا اینکه انگیزه اش برای دعا این است که چون خود دعا کردن عبادت است ، دعا می کند؛ در این صورت ، دعا کردن هیچ منافاتی با مقام رضا ندارد، چون به امر

خدا دعا می خواهد. در این صورت ، چون خواست خدا را در آینده نمی داند، دو فرض پیش می آید: یا اینکه حاجتش را می خواهد، به شرطی که مورد رضا و صلاح خدا باشد؛ یعنی می گوید: خدای ! هر چه تو صلاح می دانی و رضای تو در آن است ، برای من مقدر فرما! و این دعا حقیقی و باارزش است و هیچ منافاتی هم با مقام رضا ندارد. و یا اینکه حاجتش را می خواهد، هر چند مخالف رضا و صلاح خدا باشد؛ در این صورت دعا، دعا با مقام رضا منافات دارد.

تعریف دعا، ادعیه ی ماءثوره (منقوله ، وارده) و ادعیه ی مطلقه (غیر وارده)

برخی از ادعیه از زبان پاک معصومین (علیهم السلام) از طریق کتب حدیث به ما رسیده است ، به گونه یی که الفاظ و محتوای آنها از غیر معصوم نیست . این دسته از دعاها را به نام ادعیه ی ماءثوره یا ادعیه ی وارده نامگذاری کرده اند، که بعضی از آنها باید در وقت مخصوص و محل معلومی خوانده شود، و برای بعضی دیگر زمان و مکانی تعیین نشده است .

دسته یی دیگر، مطلق دعا و نیایش را می گویند، که آدمی بر زبان می راند و بنا به نیاز خود، حدیث نفس خویش را می گوید، و در حقیقت ، خود دعاهایی را خلق می کند، نه اینکه از دعاهای وارده سود و آنها را نقل کند. این دسته از دعاها را ادعیه ی مطلق یا دعاهای غیر وارده می نامند.

مهم ترین تفاوت این دو دسته از دعاها در چیست ؟

عن رزارۀ قال : قلت لابی عبدالله (ع) علمنی دعاء فقال : ان اءفضل الدعاء ماجری علی لسانک . (۱۲۱)

زراره می گوید: به امام صادق (ع) گفتم : دعایی به من بیاموز! فرمود: به درستی که بهترین دعا، همان است که بر زبانت جاری شود.

عن ابیعبدالله (ع) انه ساءله یعلمه دعاء فقال ان افضل الدعاء ماجری علی لسانک . (۱۲۲)

روایت شده که ، کسی از امام صادق (ع) در خواست تعلیم دعایی کرد، آن حضرت فرمود: به درستی که بهترین دعا، همان دعاییست که بر زبانت جاری شود.

عن عبدالله بن سنان عن اءخیه محمد قال : قال جعفربن محمد (ع): مامن اءحد یخوف بالبلاء فتقدم فیه بالدعاء الا صرف الله عنه ذلک البلاء اما علمت اءن امیر المؤ منین (ع) قال : ان رسول الله قال : یا علی قلت : لبیک یا رسول الله قال : ان الدعاء یرد البلاء و قد ابرم ابراما قال الوشاء قلت لعبد الله بن سنان : هل فی ذلک دعاء موقت ؟ قال : اءما انی فقد ساءلت عن ذلک الصادق (ع) فقال : نعم اءمادعاء الشیعۀ المستضعفین ففی کل علۀ من العلل دعاء موقت و اءما المستبصرین فلیس فی شی ء من ذلک دعاء موقت لاءن المستبصرین البالغین دعاءهم لایحجب . (۱۲۳)

عبدالله بن سنان از برادر خود محمد نقل می کند که ، امام صادق (ع) فرمود: ممکن نیست کسی به هنگام ترس از پیشامد ناگواری دعا کند و رفع آن را از خدا بخواهد، مگر آنکه خداوند دعایش را مستجاب نموده

و آن بلا را از او دور خواهد کرد. آیا نمی دانی که امیر المؤ منین (ع) فرمود: پیغمبر (ص) فرمود: یا علی ! گفتم : لبیک یا رسول الله ! فرمود: دعا بلا را بر می گرداند، هر چند که بلای سخت و استواری باشد. راوی می گوید: به عبدالله بن سنان گفتم : آیا در این باره دعای محدود و معینی هم وارد شده ؟ عبدالله گفت : اتفاقا همین سؤ ال تو را از من از امام صادق (ع) پرسیدم ، حضرت در جواب فرمود: تا دعا کننده چه شخصی باشد! اگر شیعیان مستضعف (کم معرفت و ضعیف در آداب و رسوم شریعت باشد) آری ! برای چنین شخصی در مورد هر پیشامد ناگواری دعای خاص وارد شده ، و حق ندارد به دلخواه خود و هر چه بر زبانش جاری شد، دعا کند؛ چون ممکن است (در اثر نادانی و کم اطلاعی) طوری دعا کند، که گذشته از مستجاب نشدن دعا، اثر سوء دیگری داشته باشد؛ به عنوان مثال ، بر خلاف ادب با خدا صحبت کند، یا چیزهای حرام و نشدنی را از خدا بخواهد، که شرعا و عرفا به صلاح واقعی او نیست . اما مستبصرین (اشخاص بافضل و کمال و با بصیرت در امور دینی) احتیاج و نیازی به تعیین و تحدید ندارند، چه آنکه (در اثر معرفت و آگاهی به آداب و شرایط دعا، طوری دعا می کنند که) دعایشان پشت پرده ی حجاب نمانده ، فورا مستجاب خواهد شد.

بنابراین ، مهم ترین تفاوت بین این دو دسته از دعاها، آن است که در دعاهای غیر وارده ، اگر دعا کننده از شیعیان مستبصر باشد، محدودیتی برایش وجود ندارد و در هر زمان و مکانی ، به فراخور علاقه و رغبت خویش می تواند هر دعا و نیایشی را انشا کند؛ اما اگر دعا کننده از شیعیان مستضعف باشد، در مورد هر پیشامد ناگواری دعای خاص از ائمه

ی معصومین وارد شده ، که باید بدون کم و زیاد خوانده شود و حق ندارد به میل خود هر چه بر زبانش جاری شد، دعا کند. و نیز برخی از دعاهای وارده مختص به زمان و مکان خاصیست .

فضیلت دعاهای ماءثوره بیشتر است یا دعاهای مطلقه ؟

ثواب و فضیلت دعاهای ماءثوره و وارده برای کسی که آشنا به معنای آنها باشد، بیش از دعاهای مطلقه و غیر وارده است ؛ زیرا ائمه ی معصومین به امراض روحی و روانی فرد و جامعه ، آشناتر، و در نحوه ی درخواست حاجت و چه گونگی بیان و طرح آن و کیفیت راز و نیاز با خدای متعال ، آگاه تر و بیناتر بوده اند.

آنان می دانستند که بشر چه نقصی را واجد، و چه کمالی را فاقد است ؛ چه باید بکند و چه باید بخواهد. اما سایر انسان ها چون معصومند، گاهی به جای خیر، شر، و به جای سود، زیان ، و به جای سعادت ، شقاوت می طلبند؛ و یدع الانسان بالشر دعائه الخیر و کان الانسان عجولا . این انسان گاهی از روی نادانی و ناآگاهی ، شر خود را می طلبد، همانند آن که خیرش را درخواست می کند؛ و او موجودی شتابکار است .

به همین جهت ، سزاوار و شایسته است که دعا کننده طرز بیان و حاجت و کیفیت در خواستمطالب خود را از معصوم فرا بگیرد، تا امید برآمدن حاجتش بیشتر، و اجر و پاداششافزون تر باشد. البته این در صورتیست که دعا کننده معنی آن را بفهمد، وگرنه طلبکردن حاجت به زبان خود، با توجه قلبی ، بهتر از خواندن دعاهای ماءثوره به لقلقهی زبان است . آیا می توان به همه ادعیه ی ماءثوره اعتماد کرد؟

(۱۲٤)

اصولا تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی یافتن از اینکه سخن از آن معصوم است ، خالی از صعوبت و دشواری نیست و کار همه مردم نمی باشد. فاسئلوا اهل الذاکران کنتم لاتعلمون . یعنی : آنچه را که نمی دانید، از اهل خبره سؤ ال کنید.

اگر کسی بتواند از مدارک موجود با موازین علمی ، صحبت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، آن را به قصد ورود بخواند؛ ولی اگر نتواند دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا کند، و در پژوهش ها و بررسی های خود به این نتیجه برسد که ، سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اطمینان است ، نباید آن را به طور جزم و یقین به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش مخصوص آن بخواند، که ان شاءالله آن را خواهد یافت ، اگر چه در تشخیص خود به خطا رفته باشد؛ زیرا در روایات معتبر آمده است که ، اگر استحباب عملی از طریق غیر معتبر برسد، به عامل پاداش عطا خواهد شد، اگر چه مطابق واقع نباشد. این مطلب را قاعده ی من بلغ می نامند. این قاعده راهیست برای طالبان عمل خیر، که خودشان اهل تحقیق نیستند، و می خواهند دعاها و زیارت ها را به صرف اینکه از معصوم نقل شده و در کتابی یافت گشته است ، انجام دهند و از ثوابش بهره مند شوند؛ البته با توجه به اینکه مفاد و مضامینش از دیدگاه شرع و عقل ، مقطوع البطلان و معلوم الکذب نباشد. (۱۲۵)

چرا برخی دعاها به زمان و مکان خاصی اختصاص یافته است ؟

چرا برخی دعاها به زمان و مکان خاصی اختصاص یافته است ، با آنکه خداوند محدودیت زمانی و مکانی ندارد، و در بعضی آیات ، از نزدیکی خود با بندگان سخن گفته است ؛ به عنوان مثال : و نحن اقرب الیه من حبل الورید. (۱۲٦) یعنی : و ما از رگ گردنش به او نزدیک تریم .

ان الله یحول بین المرء و قلبه . (۱۲۷)

خدا بین انسان و قلبش حایل است .

و هو معکم اینما کنتم . (۱۲۸)

پاسخ :

همه می دانیم که معنای قرب و نزدیکی به خدا، قرب و نزدیکی معنوی و وجودیست ، نه قرب و نزدیکی زمانی و مکانی ؛ زیرا محدودیت های زمانی و مکانی ، بر ماده حاکمیت دارد، و خدا غیر ماده است ، لذا تقرب الهی تقرب معنویست ، که خود مراتبی دارد، و هر کس با استفاده از وسایل و امکانات و تلاش و سعی خود به مرتبه یی از این تقرب دست پیدا می کند. آنچه از قرآن و روایات استفاده می شود، نشان دهنده ی آن است که ، برخی زمان و مکان ها در کسب این مقام قرب ، از شرافت خاصی برخوردارند؛ به عنوان مثال ، قرآن شب قدر را بهتر از هزار ماه می داند، و یا فضیلت و تقدس مکان کعبه خاص ، بدان معناست که معصومین (علیهم السلام) خواسته اند:

اولا: اهمیت آن را گوشزد کنند، تا اگر انسان در اوقات یا در اماکنی به غفلت به سر می برد، با آگاهی یافتن بر این زمان و مکان ، از غفلت بیرون آید و ارتباط خود را با خدا مستحکم تر سازد.

ثانیا: با ارائه ی بهترین درخواست ها و نیایش های متناسب آن زمان و مکان ، به داعیان الی الله کمکی کرده باشند. مثل آدمیان در این خصوص ، مثل کورچشمانی می باشد که به مغازه ها وارد می شوند، و چون نمی دانند که به هر مغازه یی که وارد می شوند، چه اجناسی عرضه می گردد، احتیاج به راهنمایی دارند تا آنان را آگاه سازد.

دعاهای مختص به زمان و مکان خاص نیز دارای چنین کفایت آگاهی دهنده ییست .

ثالثا: این طور نیست که به هیچ وجه این دسته از دعاهای مختص به زمان و یا مکان خاص را نتوان در زمان یا مکانی دیگر خواند. آری ! این گونه دعاها نیر می تواند به قصد رجا و برخورداری از اجر مورد استفاده قرار می گیرد.

آیه الله مشکینی در این مورد می گوید: گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد، مربوط به زمان یا مکان خاصیست ، مانند: دعاها ماه رمضان یا مناجات شعبانیه ، یا مناجات مسجد کوفه . اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا غیر آن مکان انجام دهد، در این صورت باید آن را فقط به عنوان رجا و درک ثواب به جا آورد، و نه به قصد استحباب ثابت یا ثواب ثابت ؛ یعنی چنین نیت کند: به جا می آورم ، به احتمال اینکه مطلوب باشد و ماءجور باشم . و این همان معناییست که در کلمات فقها یا رساله های علمیه دیده می شود. و خواندن زیارت های مخصوصه ، مشاهده مشرف ، مانند: زیارت جامعه ی کبیر، امین الله ، وارث و غیر اینها، که در هر یک خصوصیتی از نظر شخص معصوم یا از نظر زمان و مکان ،

ملحوظ شده ، در غیر محل مخصوص باید به این طریق باشد؛ و همچنین دعاهای مختص ، مانند: کمیل و افتتاح .

چرا ائمه ی معصومین با آنکه معصومند، از خداوند طلب آمرزش و مغفرت از گناهان را می‌کردند؟

بر حسب آنچه از دعاها و مناجات انبیا و سایر معصومین (علیهم السلام) نقل شده ، ایشان خودشان را گنهکار می دانسته اند و از گناهانشان استغفار می کردند. این مطلب ، با یک اصل مسلم کلامی ، که مورد اتفاق علمای تشیع و معتقدات مذهب امامیه است ، سازش ندارد، و آن اینکه ، پیغمبران و امامان همگی معصومند و از بدو تولد تا هنگام مرگ ابدا گناهی از ایشان صادر نشده ، چه گناه صغیره ، چه کبیره .

به عنوان مثال : میثم تمار می گوید: شبی از شب ها مولای من امیر المؤ منین (ع) مرا با خود از کوفه بیرون برد و به سوی صحرا رفتیم ، تا آنکه چون به مسجد جعفی رسیدیم ، رو به قبله شد و چهار رکعت نماز گزارد. چون سلام داد و تسبیح گفت ، دست های خود را برای دعا گشود و چنین گفت :

الهی ! کیف اءدعوک و قد عصیتک و کیف اءدعوک و قد عرفتک و حبک فی قلبی مکین مددت الیک یدا بالذنوب مملوءۀ و عینا بالرجاء ممدودا .

خدای من ! چه گونه تو را بخوانم ، در حالی که معصیت تو را کردم ؟ و چه گونه تو را بخوانم ، در حالی که تو را شناخته ام و محبتت در دل

من جا گرفته است ؟ من دست های پر گناه خود را به سوی تو گشوده ام ، و چشمان پر از امیدم را به سوی تو دوخته ام .

الهی انت مالك العطایا و اءنا اسیر الخطایاو من کرم العظماء الرفق بالاسراء و انا اسیر بجرمی مرتهن بعملی . (۱۲۹)

خدای من ! تو مالك بخشش ها هستی ، و من اسیر لغزش ها. و از اخلاق کریمانه ی بزرگان است که ، با اسیران مدارا می کنند؛ و من اسیر جرم و جنایت ، و گروگان عمل خود هستم .

جواب :

برخی از علما بدین طریق جواب داده اند که ، صدور این دعاها:

۱. برای تعلیم و تفهیم دیگران و آموختن کیفیت درخواست است ؛ یعنی مردم چنین بگویند، نه اینکه خود آنها برای خویش دعا می خواندند.

۲. و یا آنکه به زبان امت و شیعیان سخن می گفتند. پس اعتراف ایشان به گناه ، اعتراف به گناه امت و شیعیان است .

اما این جواب صحیح نیست ؛ چه آنکه بنابراین باید گفت ، معصومین خودشان ، دعا و مناجات جدی و حقیقی نداشته اند، و یا اینکه دو رقم دعا می خواندند:

۱. حقیقی .

۲. تعلیمی ؛ و چنین تقسیمی از دعاها و روش آنها استفاده نشد.

به علاوه ، از حالات آنها معلوم شده که ، وقت خواندن دعا آنچنان متوجه معبود خود می شدند، که گویا از این جهان منقطعند. انقلاب حال و گریه و اشکشان شاهد صادق این مدعاست .

عجبا! چه گونه می توان گفت شخصی کلماتی را که مفهوم آن انطباق به حال خود ندارد و فقط برای تعلیم دیگران است ، در حال ترس و لرز و تواءم با اشک چشم بگوید!

جواب صحیح :

هر گناه و بلکه هر عمل زشت یا زیبایی ، به تناسب مقام انسان ها و تفاوت دانش و خرد آنها، متفاوت است . زشتی یک عمل قبیح ، از فرد عادی و بی دانش کمتر است تا انسانی دانا و خردمند.

و در نهایت ، خوبی و بدی کرداری که از انسان دارای اراده و اختیار صادر می شود، مطلق نیست ، بلکه نسبی و اضافی می باشد؛ و ممکن است عملی از شخصی صادر شود و سزاوار ملامت و سرزنش نگردد، در حالی که از شخص دیگر سبب توبیخ و ملامت باشد.

معروف است که ، مضمون اشعار زیرا را چوپانی در مقام مناجاتش با خداوند می گفته ، و حضرت موسی می شنیده است :

تو کجایی تا شوم من چاکرت چارقت دوزم کنم شانه سرت

دستکت بوسم ، مالم پایکت وقت خواب آید به رویم چایکت

چوپان گرچه مورد بی مهری و عتاب حضرت موسی (ع) قرار گرفت ، ولی مسلم است این کلام از آن چوپان اگر مبغوض هم باشد، بدان مرتبه نیست که فرضا اگر از خود حضرت موسی (ع) صادر شود.

حال می گوییم ممکن است کاری از پیغمبر و امام صادر شود، که از نظر حکم شرعی و قوانین عمومی ، نه حرام باشد و نه مکروه ، لیکن متناسب شاءن و مقام آنها، امری نالایق باشد، به عنوان مثال : اگر شخص معصوم مقداری از وقت خود را بدون اشتغال به وظیفه بگذراند و یا عمل مستحبی را ترک کند گرچه مشغول انجام مستحب پایین تری شود، قهرا بعد از توجه به موضوع ، کار خود را خلاف ادب و جرم می شمارد و خود را ظالم به نفس می بیند، و ناراحت می شود و بسا هست که گریه کند!

حال می توان گفت ، مواردی که معصومین (علیهم السلام) اقرار به گناه کرده اند یا استغفار و توبه نموده اند، از این قبیل بوده ، نه از جمله گناهانی که دیگران انجام می دهند، زیرا آنان خود می دانستند دارای مقام ولایت و عصمتند، و خود می فرمودند که صاحب این مقام ، از گناه صغیره و کبیره مصون است .

بنابراین می توان گفت ، گناه بر دو قسم است :

۱. گناه حقیقی ؛ یعنی عملی مخالف اوامر و نواهی خداوند

۲. گناه نسبی و اضافی ؛ یعنی عملی که با ملاحظه ی مقام و شخصیت عامل ، نامناسب است .

آنچه مسلم است این است که ، گناه قسم اول قطعا از معصومین سر نمی زند، ولی قسم دوم که به تعبیر اهل فن ، ترک اولی نامیده می شود، صدورش از معصومین ممکن است ، و البته کیفر این قسم ، اگر بخشوده نشود، به تناسب خودش خواهد بود. علی الظاهر، گرفتاری های بعضی از انبیا، مانند ابتلای حضرت یعقوب به فراق فرزندش یوسف ، نزول حضرت آدم به زمین ، به زندان افتادن حضرت یوسف برای مدت طولانی ، رفتن نور نبوت از دست های حضرت یوسف (ع)، و گرفتار شدن حضرت یونس به حبس و تبعید دریایی ، کیفر این رقم اعمال بوده ؛ گرچه احتمالات دیگری هم هست .

آیا می توان با توسل جستن به معصومین ، از آنها حاجت خواست ؟

برخی از مسلمین راجع به درخواست حاجت از معصوم و متوسل شدن به ارواح مطهر آنها، ایراد و اعتراضی دارند و سخت تقبیح می کنند. معترضان چنین می پندارند که ، این اعمال نوعی بدعت ، و یکی از گناهان کبیره است . عده یی از آنان افراطی اند و می گویند: به حکم صریح قرآن ، ما نباید در مقام دعا، غیر خدا را بخوانیم ؛ و در خواست شفاعت از غیر او، نوعی درخواست حاجت از غیر خداست . قرآن می فرماید: فلا تدعو مع الله احدا. یعنی : با خدا غیر خدا را نخوانید. لذا این اعمال را شعبه یی از کفر و شرک می بینند؛ چه آنکه این کارها پرستش مخلوق است ، و عبادت مخلوق ، کفر و شرک می باشد.

جواب :

این نوع پندارها غیر صحیح و بی دلیل است ؛ بلکه صادر شدن چنین فتوایی ، ریشه ی سیاسی و استعماری دارد، و منشاءش ایجاد تفرقه و اختلاف میان مسلمین است ، زیرا بسیار روشن است که ، صرفا یاد کردن از ارواح و احترام و عرض ادب به آنها، اگر از نظر شرع و عقل پسندیده نباشد، بدون تردید نه کفر است و نه فسق .

توضیح مطلب :

درخواست حاجت از معصوم بر دو قسم است :

۱. اگر اعتقاد پیدا کنیم که فردی مستقل و تواناست ، و بدون استمداد خداوند می تواند حوایج و نیازهای ما را برآورده کند، به طوری که او هم در مقابل الله ، معبودیست مستحق خضوع و پرستش ، و به عبارت دیگر، معصوم را خدا و کارگردان جهان آفرینش و صاحب کارهای خدایی بدانیم ، این اعتقاد قطعا شرک و کفر است ؛ ولی بی تردید، کسی از اهل تشیع یعنی فرقه امامیه چنین عقیده یی ندارد. این شما و این کتاب های کلامی و فقهی شیعه ، که بحمدالله ، کتابخانه ها را پر کرده است و در دسترس همه اهل تحقیق قرار دارد.

۲. توسل جستن به این عقیده که ، معصومین بندگان مقرب درگاه الهی و مخلوقات برگزیده ی خدا و حجت حق در روی زمین هستند و مشمول عنایات الهی و دارای منصب و نبوت یا امامت و مقامی بلند در مراحل دانش و تقوا و ایمان هستند، و به اعلی درجه ی انسانیت رسیده اند، و پس از مرگشان نیز در جوار رحمت حق زنده و منعم اند، نه خدا هستند و نه صاحب کارهای خدایی (مانند مغفرت و شفاعت به آنان تعویض شده

، که بدون اذن الهی درباره ی هر کسی بخواهند می توانند شفاعت کنند یا از گناه او در گذرد) بلکه از خود چیزی ندارند؛ هر چه بخواهند، از خدا می خواهند. لذا اگر کسی با این عقیده (متوسل شدن به مقام او در پیشگاه خداوند) از معصوم بخواهد که در حق او دعا کند که خدا گناهان او را بیامرزد و حاجاتش را برآورده کند، این درخواست نه شرک است و نه فسق ، بلکه این رویه از شؤ ون اعتقاد به نبوت و امامت و از لوازم تجلیل مقام آنهاست .

از آیات قرآنی به خوبی دریافت می شود که ، متوسل شدن به مقام معصوم در پیشگاه خداوند و طلب چیزی از خدا به خاطر او، به هیچ وجه ممنوع نیست و منافاتی با توحید ندارد. در آیه ی ٦٤ سوره ی نساء می خوانیم :

ولو اءنهم اذ ظلموا اءنفسهم جاؤ وک فاستغفر وا الله و استغفر لهم الرسول لوجد وا الله توابا رحیما .

اگر آنها هنگامی که به خویشتن ستم کردند و مرتکب گناهی شدند، به سراغ تو می آمدند و از خدا طلب عفو و بخشش می کردند، و رسول نیز برای آنها طلب عفو می کرد، خدا را توبه پذیر و رحیم می یافتند.

آری ! معصومین در طول حیات خود از خداوند حاجت می طلبیدند، و برآورده می شد. حضرت نوح (ع) هلاکت همه کفار را طلب کرد، به اجابت رسید: رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا! (۱۳۰) حضرت ابراهیم (ع) درخواست زنده شدن مرده نمود، اجابت یافت رب اءرنی کیف تحی الموتی . (۱۳۱)

برادران یوسف از پدر تقاضا کردند که در پیشگاه خداوند برای آنها استغفار کند، و یعقوب نیز این تقاضا را پذیرفت . (۱۳۲)

و نیز موضوع استغفار حضرت ابراهیم (ع) در مورد پدرش (عمویش . (۱۳۳)

حضرت موسی طلب کرد که خداوند اموال فرعونیان را نابود سازد و دریا را بشکافد. حضرت یوسف (ع) زندان را طلبید. حضرت زکریا (ع) فرزند صالح خواست . حضرت عیسی (ع) مائده خواست . حضرت یونس (ع) برای قومش کیفر طلبید. و بالاخره پیامبر اسلام تغییر قبله خواست . همه این خواسته ها به درجه ی اجابت رسید.

حال اگر شخصی آنها را پس از رحلت نیز زنده و جاوید و والاترین مصداق آیه ی زیر بداند:

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون . (۱۳٤)

و به این امید، متوسل به ارواح مطهر آنها بشود که وساطت کنند و خواسته هایش را از خدا بطلبند، آن هم با علم به اینکه ممکن است آنها وساطت را نپذیرند، و یا اینکه خداوند وساطت آنها را نپذیرد و برآوردن هدفش را صلاح نبیند. آیا می توان گفت این عمل حرام یا کفر است ؟ (۱۳۵)

خداوند در قرآن می فرماید: وابتغوا الیه الوسیلهٔ . هنگام درخواست حاجت ، تنهایی رو به سوی من نیایید، بلکه با وسیله بیایید (یعنی با معصوم و اولیای الهی).

پس بهترین وسیله ی ارتباط ما با خدا، ائمه معصومین و اولیای الهی هستند؛ زیرا اینها خاندانی هستند که خداوند آیه عصمت و طهارت را درباره ی ایشان نازل فرمود و آنان را به پاکی ستود و از هر گونه پلیدی پاک کرد؛ خداوند جهان را به خاطر اینها آفرید. لذا ما از فرق سر تا نوک انگشتانمان غرق در گناه هستیم ، باید آنها را شفیع درگاه خداوند قرار دهیم ، تا بتوانیم از این طریق به خواسته هایمان برسیم .

آیا دعا کردن نوعی جسارت به درگاه پروردگار است ؟

بعضی ها می گویند، دعا کردن نوعی جسارت به درگاه پروردگار است . مگر خداوند مصلحت ما را نمی داند، که باید به خداوند تذکر بدهیم ؟ مگر خداوند را عادل نمی دانیم ، که برای او وظیفه تعیین می کنیم ؟

پاسخ :

اول اینکه : خداوند به ما دستور داده که دعا کنیم : اءدعونی اءستجب لکم . (١٣٦)

دوم اینکه : دعا منحصر به درخواست حاجت نیست ، بلکه نوعی ارتباط و آشنایی با خالق است .

سوم اینکه : همان طور که دنبال رزق و روزی رفتن و کار و تلاش برای امرار معاش منافاتی با رازقیت خداوند ندارد، دعا هم همین طور است .

چهارم اینکه : این گونه افراد معنا و مفهوم دعا را درک نکرده اند. دعا تعیین تکلیف از جانب مادون به مافوق نیست ، بلکه درخواست شخص فقیر و گدا از غنی بالذات است .

اگر خدا حاجت ما را بی دعا برآورده می کرد بهتر نبود؟

برخی انسان ها می گویند: چه خوب بود خدا آدمی را به گونه یی خلقت می بخشید، تا دیگر نیازمند و محتاج نبود و دست حاجت به سوی او دراز نمی کرد! این نیازمندی و این فقر و بیچارگی که در قالب دعا و درخواست تجلی پیدا می کند، گاه باعث می شود که انسان تن به عمل پست و زشتی بدهد؛ به عنوان مثال ، منت افراد لئیمی را بکشد، بردگی سلاطین را گردن نهد، به قتل و غارت بپردازد و... پس اگر خداوند آدمی را بی نیاز خلق می کرد، بسیاری از ناگواری ها و ظلم و تعدی ها به وقوع نمی پیوست .

در پاسخ این گروه باید گفت :

آنچه توجه بدان مهم و ضروری می باشد، بحث معرفت و شناخت خالق و مخلوق است . در مباحث توحیدی ثابت شد که تنها خداوند متعال ، بی نیاز مطلق است ، و هر مخلوق و موجودی نیازمند اوست و فقر جودی بر او حاکمیت دارد؛ چنان که خداوند در قرآن می فرماید:

یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله غنی حمید .

ای مردم ! همه شما نیازمند و محتاج خدا هستید، و تنها خداست که از هر کس و هر چیز بی نیاز و ستوده است .

بی نیاز کردن مخلوقات یعنی شریک قرار دادن آنان با خالق ، که امریست محال .

ما للتراب و رب الارباب ؟ خاک را با افلاک چه کار؟

خداوند تبارک و تعالی از دریچه ی خویش ، برای هر موجودی همگام با خلقتش هدایتش را نیز فراهم ساخته است ؟ (هدایت تکوینی) چنان که خداوند در قرآن مجید به این امر اشاره می فرماید:

ربنا الذی اءعطی کل شی خلقه ثم هدی . (۱۳۷)

در خصوص آدمی ، با دادن عقل و فرستادن وحی و راهنما و انزال کتب آسمانی ، در حقیقت هم به پاسخگویی نیاز آدمی پرداخته ، و هم به نیازهای او جهت بخشیده است ، تا به اتکای آن معرفت و شناخت ، در را از خاشاک تشخیص بدهد و به هر چه بدی و زشتیست ، پشت پا بزند و با پلیدان و ستمگران به مبارزه برخیزد و شیاطین درونی و بیرونی را در بند ایمان الهی خود گرفتار و اسیر سازد (هدایت تشریعی). اینجاست که برای بندگان صالح خدا هیچ لذتی برتر والاتر از لذت نیازمندی نخواهد بود، و از همین دریچه است که ، آنان به مقامی فوق تصور می رسند.

رسد آدمی به جای که جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

تا نگرید ابر، کی خندد چمن ؟ تا نگرید طفل ، کی نوشد لبن ؟

بنابراین بهترین وسیله ی ارتباط و پیوند بین خالق و مخلوق ، چیزی جز دعا و نیایش نخواهد بود. افرادی که شهد گوارای دعا و مناجات را چشیده اند، آن را عین اجابت دانسته اند و نغمه ی هم دعا از تو، اجابت هم زتو در سراسر وجودشان طنین انداز است .

اگر واقع نگر و منصف باشیم ، با اندک تاءملی در می یابیم که ، حاجت و نیازهای آدمی بیش از آن است که قابل شمارش و احصا باشد و خدای

متعال بنا بر رحمانیت و فیض بی نهایتش بسیاری از آنها را بی آنکه دعایی کرده باشیم ، برآورده می سازد.

چرا اولیای خدا معمولا به هنگام دعا و نیایش سخن خود را با ربنا شروع می‌کردند؟

مطالعه آیات قرآن کریم نشان می دهد که ، اولیای خدا، اعم از پیامبران و فرشتگان و بندگان صالح به هنگام دعا سخن خود را با ربنا شروع می کردند.

حضرت آدم می گوید: ربنا ظلمنا انفسنا... پروردگارا! من و همسرم بر خود ستم کردیم .

حضرت نوح عرض می کند: رب اغفر لی ولو الدی ... پروردگارا! من و پدر و مادرم را بیامرز!

حضرت ابراهیم می گوید: رب اغفرلی ولو الدی و للمومنین یوم یقوم الحساب .

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤ منات را در روزی که حساب بر پا می شود، ببخش .

حضرت یوسف (ع) می گوید: رب قد آتیتنی من الملک . پروردگارا! بهره یی از حکومت به من رحمت فرموده ای .

حضرت موسی (ع) می گوید: رب بما انعمت علی فان الکون ظهیرا للمجرمین .

پروردگارا! به خاطر نعمتی که به من داده ای ، پشتیبان مجرمان نخواهم بود.

حضرت سلیمان (ع) می گوید: رب هب لی ملکا لایبتغی لاءحد من بعدی .

خداوندا! حکومتی به من ببخش ، که شایسته ی کسی بعد از من نباشد.

حضرت عیسی (ع) عرض می کند: رب انزل علینا مائدۀ من السماء. پروردگارا! بر ما مائده های از آسمان فرو فرست .

و پیامبر بزرگ اسلام (ص) عرضه می دارد: رب اعوذبک من همزات الشیاطین .

پروردگارا! من از وسوسه های شیطان به تو پناه می برم .

مؤ منان طبق آیات آخر سوره ی آل عمران ، چندین بار این تعبیر را تکرار می کنند؛ از جمله می گویند: ربنا ما خلقت هذا باطلا. پروردگارا! این آسمان و زمین پهناور را بیهوده نیافریده ای .

از این تعبیرات به خوبی استفاده می شود که ، بهترین دعا آن است که از مساءله ی ربوبیت پروردگار آغاز شود. درست است که نام مبارک الله جامع ترین نام های خداوند، و مستجمع جمیع صفات کمالیه است ، ولی از آنجا که تقاضا از محضر پر لطف او با مساءله ی ربوبیت تناسب دارد، ربوبیتی که از ناحیه ی خداوند، از نخستین لحظات از وجود انسان آغاز می شود، و تا آخر عمر او و بعد از آن ادامه دارد و انسان را غرق الطاف الهی می کند، خواندن به این نام در آغاز دعاها از هر نام دیگر مناسبتر و شایسته تر است . (۱۳۸)

رب ، به معنای مربی و پروردگار است ، چون ذات مقدس حق ، مربی جمیع موجودات است . تربیت این است که هر چیز را از مرتبه ی استعداد و قابلیت ، به مقام فعلیت برساند؛ و موجود تحت تربیت حدوثا و بقاءا نیاز به مبقی و مربی دارد. و خداوند با این تعبیر خط بطلان بر تمام رب النوع ها می کشد. چرا که ما وقتی تاریخ ادیان و مذاهب را مطالعه می کنیم ، منحرفان از خط توحید راستین همواره برای این جهان رب النوع هایی قایل بودند؛ و سرچشمه ی این تفکر غلط این بوده که ، گمان می کردند که هر یک از انواع موجودات نیاز به رب النوع مستقلی دارد؛ گویا خداوند را برای تربیت این انواع کافی نمی دانستند. (۱۳۹)

دعایی که مردم درباره ی یکدیگر می کنند، آیا مؤ ثر است ؟

۱. دعاهایی که مردم معمولا درباره ی یکدیگر می کنند، اگر لفظی و سر زبانی باشد، اثر ندارد و تعارفاتی بیش نیست ، مگر این که گوینده ضمن لفظ، قلبا هم از خدا بخواهد.

۲. آن که مورد دعا واقع شده ، استحقاق لطف و رحمت الهی را داشته باشد؛ به عنوان مثال ، اگر کسی کار خیری کرد و از بیچاره یی دستگیری نمود، و او قلبا طول عمر و عاقبت بخیری او را خواست ، خداوند بخشنده و مهربان هم دعای خواهنده را رد نمی کند.

چرا امر شده که در موقع دعا دست ها را به سوی آسمان دراز کنیم ؟

در حالی که خداوند همه جا حاضر و ناظر است و با همه کس است و هو معکم اینما کنتم ؟

به دو دلیل امر شده است که در موقع دعا دست را به سوی آسمان بلند کنیم :

۱. طلب روزی از محل و موضعش

قال امیر المؤ منین (ع): اذا فرغ احد کم من الصلاۀ فلیرفع یدیه الی السماء و لینصب فی الدعاء فقال عبدالله بن سبا یا امیر المؤ منین اءلیس الله فی کل مکان ؟ قال بلی قال : فلم یرفع العبد یدیه الی السماء قال : اءماتقرا و فی السماء رزقکم توعدون فمن اءین الرزق الامن موضعه و موضع الرزق و ما وعدالله عزوجل السماء . (۱٤۰)

حضرت علی (ع) فرمود: هنگامی که نمازت را به اتمام رساندی ، در موقع دعا دست ها را به طرف آسمان بلند کن . عبدالله بن سبا عرض کرد: یا امیر المؤ منین ! مگر خداوند در همه جا حاضر و ناظر نیست ؟ حضرت فرمود: بله ! عرض کرد: پس برای چه انسان باید دستش را به سوی آسمان بلند کند؟ حضرت فرمود: آیا قول خداوند را در قرآن نخوانده ای که فرمود: روزی شما با همه ی وعده ها که دادند، در آسمان به امر خدا مقدر شده است . پس انسان باید روزی را از محل و موضعش طلب کند، و موضع روزی و وعده ها هم در آسمان است .

امام صادق در پاسخ زندیقی (منکر به خدا) که از آن حضرت در ضمن سؤ الاتی پرسید: چرا در وقت دعا دست به طرف آسمان بلند می کنیم ؟ فرمود: به جهت اینکه خدای تعالی عرش را معدن رزق و روزی قرار داده است . (۱٤۱)

۲. اظهار بندگی خالص و ذلت و بیچارگی

عن الرضا (ع) - فی حدیث - اءن اءباقرۀ قال له : مابالکم اذا دعوتم رفعتم اءیدیکم الی السماء؟

قال ابوالحسن (ع): ان الله استعبد خلقه بضروب من العباد - الی اءن قال - واستعبد خلقه عند الدعاء و الطلب و التضرع ببسط الاءیدی و رفعها الی السماء لحال الاء ستکانۀ علامۀ العبودیۀ و التذلل له . (۱۴۲)

ابا قره به امام رضا (ع) عرض کرد: چرا در حال دعا دست ها را به سوی آسمان بلند می کنید؟ حضرت فرمود: خداوند بندگان خود را به عبادت های گوناگون وادار نمود (تا آنجا که فرمود) و در حال دعا و درخواست و زاری ، آنها را به عبادت مخصوصی واداشت ، که دراز کردن دست ها و برداشتن به سوی آسمان باشد؛ و آن هم به خاطر این است که در این هنگام ، حالت بیچارگی و بندگی خالص و ذلت و خاکساری خود را در نظر بیاورند.

چرا به صورت جمع دعا کنیم ؟

فخر رازی می گوید: چرا خدا گفت اهدنا، و نگفت اهدنی ؟ به خاطر اینکه :

اولا: هر چه دعا عمومی تر باشد، به اجابت نزدیک تر است ؛ زیرا به اخلاص نزدیک تر و از ریا و خودنمایی دورتر است .

ثانیا: در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده : خداوند را بخوانید، به زبانی که گناه او نکرده باشید. عرض کرد: یا رسول الله ! مقصود شما چیست ؟ فرمود: به اینکه برای یکدیگر دعا کنید. (۱۴۳)

ثالثا: دست خدا (لطف و رحمت او) همراه جماعت است .

قال رسول الله (ص): يدالله على الجماعة و الشيطان مع من خالف الجماعة يركض . (١٤٤)

حضرت رسول (ص) فرمود: دست خدا بر سر جمعيت است ؛ و شيطان هم قدم كسيست كه با جماعت مخالفت كند.

رابعا: مسلمين وحدت و يكپارچگى خود را در برابر دشمنان اسلام حفظ كنيد. قال الرسول الله (ص): ايها الناس عليكم بالجماعة و اياكم و الفرقه . (١٤٥) يعنى : اى مردم ! بر شما باد به جماعت ، و بپرهيزيد از تفرقه و پراكندگى .

آيا هر چه را كه از خدا بخواهيم ، به ما مى دهد؟

خداوند متعال در قرآن كريم مى فرمايد: و ءاتكم من كل ما ساءلتموه . يعنى : و از هر چيزى كه از او تقاضا كرديد، به شما داد.

جواب :

خير! چون گاهى اوقات انسان از خدا چيزى مى خواهد، كه قطعا براى او ضرر و زيان دارد و يا حتى هلاك او در آن است ، و حال آنكه خود نمى داند، اما خداوند حكيم و رحيم كه به مصالح و مفاسد كارهاى انسان احاطه ى كامل دارد، هرگز به چنين تقاضايى پاسخ مثبت نمى دهد.
يكى از بزرگان در اين باره گفته :

لو استجيب للعبد فى كل ماسئل لخرج من حد العبوديهٔ وانما امر بالدعاء ليكون عبدا و الله يفعل ما يشاء . (١٤٦)

اگر هر چه بنده ی خدا بخواهد، به او بدهند، از حد بندگی حق بیرون خواهد رفت ؛ و اینکه او را امر به دعا کرده اند، به خاطر آن است که از مرز بندگی خارج نشود. و خداوند هر چه را بخواهد، انجام می دهد.

ولو اتبع الحق اهو ائهم لفسدت السموات و الارض و من فیهن . (۱۴۷)

اگر عطای حق تابع هوای نفس انسان شود، همانا آسمان ها و زمین و هر چه در آنهاست ، فاسد و تباه خواهد شد.

دعا کردن در خواب به چه معناست ؟

ابن سیرین می گوید: دعا در خواب ، دلیل آن است که حاجت انسان برآورده می شود. اگر در خواب ببیند که خود را دعا می کرد و آمرزش می خواست ، دلیل آن است که عاقبتش به خیر بوده و حاجتش روا می گردد. اگر ببیند به کسی دعا می نمود، دلیل آن است که به ظلم و فساد گرایش پیدا می کند و امر به معروف به جا نمی آورد. اگر ببیند که مظلومی را دعا می کرد، دلیل بر آن است که خیر و خوبی همه مردم را می خواهد و بدی کسی را در فکر خویش نمی پروراند، و حاجت مردم همه مردم را برآورده می کند. اگر ببیند که دعای خاصی می نمود، دلیل آن است که خداوند فرزندی به او عنایت خواهد کرد. اذ نادی ربه نداء خفیا.

کرمانی می گوید: اگر مصلح و پارسا بود، خدا او را می آمرزد و حاجتش را روا می کند؛ و اگر مفسد بود؛ گناهش را عفو نموده و او را توبه می دهد؛ و اگر کافر بود، اسلام به وی را کرامت می کند. (۱۴۸)

چرا در دعا باید اصرار و پافشاری کنیم ؟

شایسته است که انسان زیاد دعا کند و هرگز آن را قطع نکند؛ به چند دلیل :

۱ – دعا کننده باید از هر گونه عجله و شتاب خودداری کند، و خویشتن را در باقی ماندن و تلبث بر دعا وا دارد؛ زیرا عجله کار شیطان است .

۲. دعا کننده باید بفهمد که با خدا سخن می گوید و با حضرت حق همنشین گشته است ؛ پس قدر و ارزش آن را بداند و خود دعا را بهترین اجابت تلقی کند، و این گونه برداشت نماید که ، چون خدا به او علاقه دارد، خواسته است تا او را بیشتر بپذیرد و همنشین خود گرداند.

۳. دعا خود عبادت است ، بلکه مغز عبادت می باشد.

٤. وقتی دعایت زیاد شود، صدایت در آسمان آشنا می گردد؛ لذا هنگام نیازمندی محجوب واقع نمی شود.

٥. بلایی که قرار است بر تو نازل شود و تو نمی دانی ، آن را رد می کند.

٦. وقتی دعا می کنی ، بهره و نصیبی از دعای پیامبر (ص) خواهی برد؛ چون پیامبر (ص) فرموده است : رحم الله عبدا طلب الی الله حاجۀ فاءلح . یعنی : خداوند بنده یی را که از او طلب و حاجتی دارد و بر آن پافشاری می کند، مورد رحمت خویش می دهد.

۷. گاهی خدا صدایت را دوست می دارد؛ پس با اصرار بر دعا، اراده ی خود را به آنچه که دوست دارد، مطابق می کند، و حتی اگر هم صدایت را دوست نداشته باشد و یا در دادن حاجت اجابت نکند، خود تکرار دعا محبت آفرین است و اجابت را به دنبال دارد.

۸. گاهی به تاءخیر افتادن اجابت به خاطر آن است که بنده اصرار بر دعا داشته باشد.

۹. اصرار بر دعا، محبت الهی را کسب کردن است .

۱۰. اصرار بر دعا، نوعی تاءسی و پیروی و سرمشق گرفتن از امام است . امام صادق (ع) می فرماید: و کان امیر المؤ منین (ع) رجلا دعاء. (۱۴۹) یعنی : امیر المؤ منین مردی بسیار دعا کننده بود.

چرا باید دعا را مطلق به ماشاءالله لاحول و لاقوۀ الا بالله کرد؟

شایسته است انسان هنگام طلبیدن حاجت ، برآورده شدن آن را موقوف بر صلاحدید پروردگارش قرار دهد، آن هم به چند دلیل :

1 O. واقع نشدن در مفسده

علامه مجلسی در مرءاۀ العقول از شیخ طبرسی نقل می کند که ، محققان گفته اند:

سزاوار است که انسان هنگام دعا، به زبان یا در اندیشه ی خویش مطلوب و حاجتش را معلق به شرط مصلحت سازد، وگرنه ممکن است تقاضایش نابجا و زشت باشد؛ چه در این صورت احتمال می رود که خواستار چیزی شود که مستلزم مفسده باشد.

2 O. تاءخیر نیفتادن دعا

روایت شده است که ، پیامبر روزی هنگام طلبیدن حاجت ، برآورده شدن آن را معلق به شرط مصلحت نساخت ؛ به همین علت ، خداوند بر آورده شدن حاجتش را تا چهل روز به تاءخیر انداخت .

3 O. دستور ندادن به خداوند متعال

طبق برخی روایات ، دعا کننده باید به هنگام دعا، برآورده شدن حاجت و مطلوبش را موقوف بر صلاحدید پروردگارش قرار دهد و بگوید: لاحاجۀ من حوائج الدنیا و الآخرۀ لک فیها رضی ولی فیها صلاح الا قضیتها لی یا رب العالمین . اگر این جمله را به زبان نگوید، باید در خاطرش باشد، زیرا اگر حاجتش را در هر حال بخواهد، هر چند خداوند صلاح او را نداند، پس این دعا نیست ، بلکه به نوعی دستور دادن به خداوند نزدیک تر است .

برای اینکه افراد را به دعا و نیایش ترغیب و تشویق نماییم ، چه کنیم ؟

۱. تحکیم و تقویت زیربنای فکری افراد

۲. بیان فلسفه و اسرار دعا و نیایش به اندازه ی فهم هر شخص

۳. ارائه ی الگوهای عملی (ذکر داستان های و قصه های واقعی از بزرگان و اشعار و احادیث آنها)

٤. دوری از تحکیم و اجبار؛ لااکراه فی الدین .

٥. سهل گیری در دین ؛ یرید الله بکم الیسر و لایریدبکم العسر .

٦. طولانی نکردن مراسم و برنامه های دینی و مذهبی .

۷. آرایش ظاهر (نظافت ، نظم و انضباط و...)

۸. حرکت های دسته جمعی (دسته جمعی دعا کردن ، اردو رفتن ، گروه سرود و...)

۹. تشویق کودکان و نوجوانان به طرق مختلف ، اعم از مادی و معنوی .

۱۰. بیان کردن ضررهای مصاحبت با افراد لاابالی .

آیا دلیلی بر التماس دعای افراد از یکدیگر داریم ؟

در میان مردم متعارف و مرسوم است که ، همه از یکدیگر التماس دعا دارند، که البته منشاء این امر می تواند به دو دلیل باز گردد:

۱. دلیل نقلی برخی از روایات ، دعا و نفرین چند دسته از افراد مستجاب است و برگشت ندارد؛ و نیز در این احادیث سفارش شده است :

اول اینکه : به مقام و منزلت این گونه افراد پی ببریم .

دوم اینکه : آنان را در جامعه بشناسانیم ، و مورد تجلیل و تکریم قرار بدهیم .

سوم اینکه : سعی کنیم عوامل و اسباب رضایت و خشنودیشان را فراهم نماییم ، تا درباره ی سعادت و خوشبختی ما در دنیا و آخرت دعا کنند.

چهارم اینکه : تلاش و کوشش نماییم عوامل دلزدگی و آزرده خاطر شدن این عزیزان و اولیای خدا را از خود و جامعه بزداییم ، تا درباره ی ما نفرین نکنند.

پنجم اینکه : سزاوار و شایسته است از این بزرگواران بخواهیم تا درباره ی ما دعا کنند.

در حدیثی خداوند به حضرت موسی فرمود: دعا کن ، با زبانی که گناه من نکرد باشی . چنان که در برخی از روایات به این مطلب اشاره شده است ؛ به عنوان مثال ، درباره ی بیمار هنگام عیادت ، و شخص محتاج و

نیازمند هنگام صدقه دادن ، دستور شرعی داریم که از وی التماس دعا کنیم ؛ زیرا دعای وی مستجاب است . (۱۵۰)

دلیل عقلی : چون دعا کردن دیگری درباره ی انسان به خودی خود از نظر شرع ، عملی مستحب و مفید است ، و خواهش کار سودمند و نافع هم محتاج به دستور شرعی خاص نیست ؛ بر همین اساس ، پس از درخواست شخص سائل ، دعا کردن در حق او به عنوان قضای حاجت مؤ من مستحب خواهد بود.

اگر خداوند از باطن و ظاهر انسان آگاهی کامل دارد، پس چه نیاز است که ما حاجت خویش رابه زبان بیاوریم ؟

۱. عن ابی عبدالله : ان الله تبارک و تعالی یعلم ما یرید العبد اذا دعاه و لکن یحب اءن یبث الیه الحوائج . (۱۵۱)

امام صادق (ع) فرمودند: همانا خداوند از خواسته ی دعا کنندگان در هنگام نیایش آگاه است ، اما دوست دارد خواسته های خود را ذکر کند. به عنوان مثال ، اگر کسی به شما کالایی هدیه کرد، هر چند آن فرد با توجه به قراین و شواهد می داند که شما از این عمل او راضی و خرسند هستید، اما دوست دارد رضایت خود را با زبان ابراز و اظهار نمایید، وگرنه شما را در ذهن خویش فردی ناسپاس تصور می کند. این امر در مورد خداوند نیز صادق است ؛ یعنی با اینکه خداوند از انسان آگاهی کامل دارد، اما دوست دارد در هنگام دعا و نیایش ، حاجت خود را بر زبان بیاورد.

۲. انسان باید همواره به درگاه خدا دعا کند، چون حدوثا و بقاء به خدا نیاز دارد و اگر یک لحظه فیض و لطف خدا قطع ، پوچ و نابود خواهد شد. هر چه به انسان می رسد، از جانب خداست ، پس بنده باید این نیاز تکوینی و طبیعی را با زبان ابراز و اظهار نماید، و فقر و بندگی و نیاز خویش را عملا به اثبات برساند.

چرا فرزند باید در حق و مادرش ، چه در حیات و چه در ممات دعا کند؟

۱. زیرا پدر و مادر در واقع اصل و سبب هستی فرزند می باشند.

۲. نعمت تربیت از آنهاست .

۳. قائده ی شرع و عقل حکم می کند.

٤. تبعیت از پیامبران و امامان و اولیای خدا.

٥. سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت .

٦. خوشنودی و اطاعت خداوند.

آیا مؤ من باید در حق برادر مؤ منش دعا کند؟ چرا؟

از جمله حقوقی که برادران دینی نسبت به هم دارند دعا کردن در حق همدیگر است ؛ و این دعا کردن دارای ثمرات و برکات زیادیست ؛ اول ، برای دعا کننده ، دوم ، برای دعا شنونده . از جمله آن فواید، می تواند موارد ذیل باشد:

۱. خداوند دعای دعا کننده و دعا شنونده را اجابت می کند.

۲. روزی را فراوان می سازد و از ناخوشی و بدی جلوگیری می کند.

۳. احساس مسؤ ولیت نسبت به برادر دینی ؛ کلکم راع و کلکهم مسئول عن رعیته .

٤. جذب قلوب و ایجاد محبت .

٥. شفاعت کردن دعا شونده برای دعا کننده در روز قیامت .

٦. دعا کردن ملائکه در حق او.

فواید دعا و نیایش

1 O. دعا شفا و درمان هر دردیست .

علاء بن کامل می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: علیك بالدعاء فانه شفاء من کل داء . (۱۵۲) یعنی : بر تو باد به دعا کردن ، زیرا آن درمان هر دردیست .

عن حسین بن نعیم عن ابی عبدالله (ع) قال : اشتکی بعض ولده فقال : یا بنی قل : اللهم اشفنی بشفائك و داءونی بدوائك و عافنی من بلائك فانی عبدك و ابن عبدك . (۱۵۳)

حسین بن نعیم می گوید: یکی از فرزندان امام صادق (ع) اظهار دارد و ناراحتی کرد. حضرت به او فرمود: پسر جان ! بگو: خدایا! مرا به شفای مخصوص خود شفا ده ، و به دوا و داروی خود مداوا فرما، و از بلای خود مرا عافیت و تندرستی بخش ! چون من بنده و بنده زاده ی تو هستم .

دانشمندان روان شناس امروز به این نتیجه رسیده اند که ، توجه به خدا و اصل دعا و نیایش ، موجب رفع بسیاری از گرفتاری ها و حتی امراض

می گردد، و اساسا بسیاری از امراض در محیطهایی که دعا و نیایش وجود دارد، رخنه نمی کند.

نیاز به خدا با نیایش تظاهر می کند. نیایش ، فریاد عجز، تقاضای کمک ، سرود عشق است ، و فقط شامل کلماتی نیست که معنایش را نمی فهمیم . اثرش تقریبا همیشه مثبت است ؛ چنان که گویی خداوند به آدمی گوش می دهد و جواب مستقیمی اعطا می کند. حوادث غیر منتظره یی اتفاق می افتد؛ تعادل روحی برقرار می شود؛ دنیا چهره ی خشن و ظالم خود را از دست می دهد و مهربان می شود؛ و قدرت عجیبی از عمق وجود ما سر بالا می کشد. نیایش ، نیروی تحمل غم ها و مصائب را به آدمی می بخشد، و هنگامی که کلماتی منطقی برای امیدواری نمی توان یافت . انسان را امیدوار می کند و قدرت ایستادگی در برابر حوادث بزرگ را به او می دهد.

دنیای علم از دنیای نیایش متفاوت است ، ولی با آن متباین نیست ؛ همان طور که عقلانی یا غیر عقلانی تباین دارد. این کیفیات هر قدر هم غیر قابل درک باشند، بایستی به واقعیتشان معترف بود. (١٥٤)

دیل کارنگی ، روان شناس مشهور آمریکایی می گوید: امروز جدیدترین علم ، یعنی روان پزشکی ، همان چیرهایی را تعلیم می دهند که پیامبران تعلیم می دادند. چرا؟ به علت اینکه پزشکان روحی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن ایمانی محکم به دین ، نگرانی ، تشویق هیجان و ترس را که مسبب بیشتری از ناخوشی های ماست ، برطرف می سازد.

یکی از پیشوایان علم مزبور می گوید: کسی که حقیقتا معتقد به مذهب است ، هرگز گرفتار امراض عصبی نخواهد شد. اگر مذهب حقیقت نداشته باشد، زندگی بی معنی و پوچ است و بازیچه یی بیش نخواهد بود. چند سال قبل از مرگ تری فورد، یک روز به ملاقات او رفتم . پیش از ملاقات انتظار داشتم که آثار خستگی و ملامت سال های متمادی را که در تاءسیس و اداره ی یکی از بزرگترین شرکت های جهان صرف نموده بود، از خود نشان بدهد، ولی با کمال تعجب مشاهده کردم که او در سن هفتاد سالگی ، کاملا آرام و سالم و عاری از تشویش است ! وقتی از او پرسیدم : آیا تاکنون هیچ نگران شده است ؟ در پاسخ گفت : خیر! من عقیده دارم تمام امور را خداوند رو به راه می کند، و آن خدای بزرگ احتیاج به توصیه و راهنمایی من ندارد؛ چون خداوند، حاکم و مسلط بر تمام امور است ، تمام کارها عاقبت به بهترین وجهی انجام خواهد پذیرفت . در این صورت ، چه موجبی برای نگرانی باقی می ماند! امروز حتی پزشکان روان شناس نیز مبلغین متجدد دین شده اند. آنها ما را از آن جهت به دینداری تشویث نمی کنند که از آتش جهنم در آن دنیا رهایی یابیم ، بلکه برای نجات از آتش جهنم همین دنیا، یعنی جهنم زخم معده ، آنژین دوپوازیون ، اختلاف عصبی و جنون است که گرویدن به دین را توصیه می نمایند.

ویلیام جمیز، پدر روان شناس جدید، در نامه یی که به یکی از دوستانش نوشته است ، یاد آور شده که ، هر چه بیشتر از سال های عمرش می گذرد، کمتر می تواند بدون اعتقاد به خداوند زندگی کند. (۱۵۵)

فردریک مایزر در نامه یی که به یکی از دوستان خود نوشته است ، چنین توضیح می دهد: بسیار خوشحالم از اینکه عقیده ی مرا درباره ی دعا پرسیده اند؛ زیرا من در این موضوع عقیده یی محکم و تردید ناپذیر دارم . نخست ببینیم واقعیات در این موضوع کدامند؟

در پیرامون ما جهان معنوی وجود دارد، که ارتباط بسیار نزدیکی با دنیای مادی دارد. از جهان معنوی نیرویی فیضان دارد که عالم ماده را نگهداری می کند؛ و این همان نیروییست که روح ما را زنده نگه می دارد. معنویات ما از آنجا برقرار است که ، سیاله یی لاینقطع از این نیرو در ما وارد می شود. شدت این سیاله ی معنوی مدام متغیر است ؛ درست مانند نیروی غذایی و مادی که در بدن ما وارد می شود، و متغیر می باشد. (۱۵٦)

کارل گوستاویانگ ، روانکاو و پرفسور معروف معتقد است : طبیعت آدمی طوری ساخته شده است که ، خود به خود نسبت به خدا به طور دینامیک در خویش احساس عطش و پرستش می کند؛ از این رو، اگر به صراط المستقیم توحید هدایت نشود، در برابر معبودهای کاذب سر تعظیم فرود می آورد، تا آن عطش درونی خود را سیراب کند. (۱۵۷)

دکتر الکسیس کارل ، فیزیولوژیست جراح و متفکر فرانسوی ، نویسنده یی که در دنیای قدیم و جدید به سر برده و بر اثر تحقیقات و مطالعات گسترده ی جهانی خود، موفق به اخذ دو جایزه ی نویل در دو رشته ی مهم تحقیق شده است ، می گوید: دعا و نماز قوی ترین نیروییست که انسان می تواند تولید کند؛ نیرویست که ، چون قوه ی جاذبه ی زمین وجود حقیقی و خارجی دارد. در حرفه ی پزشکی خود، مردانی را دیده

ام که پس از آنکه تمام معالجات دیگر در حال آنان مؤ ثر واقع نشده بود، به وسیله ی نیروی دعا و عبادت ، از بیماری و مالیخولیا رهایی و نجات یافتند. دعا و نماز چون رادیوم ، منبع نیروی مشعشعی است که خود به خود تولید می شود،. بشر می کوشد از راه دعا نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدود تمام نیروها، افزایش دهد. وقتی که ما دعا می خوانیم ، خود را به قوه ی محرکه ی پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است ، متصل و مربوط می سازیم . ما دعا می کنیم که قسمتی از آن نیرو به حوایج ما اختصاص داده شود. به خاطر همین استدعا، نواقص ما مرتفع می شود، و با قدرتی بیشتر و حالی بهتر از جا بر می خیزیم . هر وقت ما با شور و حرارت ، خداوند را در دعا و نماز مخاطب می سازیم ، هم روح و هم جسم خود را به وجهی احسن تغییر می دهیم . غیر ممکن است مرد یا زنی تنها برای یک لحظه به دعا بپردازد و نتیجه ی مثبت و مفیدی از آن نگیرد. (۱۵۸)

دانشمند مزبور حتی یکی از راه های مبارزه با بی خوابی را، دعا ذکر کرده ، و از قول یکی از دانشمندان انگلیسی نقل می کند که ، وی طی نطق خود در انجمن پزشکی انگلیس اظهار داشت : مؤ ثرترین مولد خواب ، که در اثر سال ها تجربه بر من آشکار شده است ، دعا می باشد. (۱۵۹)

این جمله را نیز از یک دانشمند آمریکایی بشنوید: ماهاتما گاندی فقید که پس از بودا، بزرگترین پیشوای هندوستان بود، چنانچه از نیروی استقامت بخش دعا و عبادت الهام و مدد نمی گرفت ، به طور یقین از پا در آمده بود. من این مطلب را از کجا می دانم ؟ از آنجایی که خودش

می گفت : اگر دعا و نماز نبود، من مدت ها قبل دیوانه و مجنون شده بودم . هزاران نفر دیگر نیر ممکن است بر این نکته گواهی دهند؟ (۱۶۰)

مردی که دعا و نیایش را فراموش کند، با عکس العمل های نامطلوب روانی و اجتماعی مواجه خواهد شد. به تعبیر دیگر یکی از روان شناسان بنام ، الکسیس کارل می گوید: فقدان نیایش در میان ملتی ، برابر با سقوط آن ملت است . اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته ، معمولا از فساد و زوال مصون نخواهد بود. البته نباید این مطلب را فراموش کرد که ، تنها صبح نیایش کردن و بقیه ی روز همچون یک وحشی به سر بردن ، بیهوده است ؛ باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با توجه بود، تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.

با بیان فوق ، این مطلب به خوبی روشن شد که دعا و توجه به خدا (صرف نظر از طلب و درخواست چیزی از او) در رفع آلام و نگرانی ها و حتا امراض ، اثر مهم و غیرقابل انکاری دارد. از این رو، امام محمد باقر (ع) در حدیثی به محمد بن مسلم می فرماید:

اءلا اءخبرک بما فیه شفاء من کل داء حتی السام ؟ قال بلی قال الدعاء . (۱۶۱)

آیا به تو خبر ندهم از چیزی که شفای هر دردیست ، حتی مرگ ؟ عرض کرد: چرا فرمود: آن ، دعاست .

2 O. دعا، بلا و قضا را دفع یا رفع می کند.

قال امیر المؤ منین علی (ع): ادفعوا امواج البلاء بالدعاء . (۱۶۲)

امیر المؤ منین علی (ع) فرمود: امواج بلا را با دعا برطرف کنید.

عن ابن علوان عن الصادق ع عن اءبیه (ع) قال : قال رسول الله (ص): داو و امرضاکم بالصدقۀ و ادفعوا اءبواب البلاء بالدعاء . (١٦٣)

ابن علوان از امام صادق (ع) و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت می کند که ، پیامبر (ص) فرمود: بیماران خود را با صدقه دادن معالجه کنید، و انواع و اقسام بلاها را با دعا کردن از خویش دور نمایید.

قال رسول الله (ص): لایرد القضاء الاالدعاء . (١٦٤)

رسول خدا (ص) فرمود: قضا را به هیچ وجه نمی توان برگرداند، بجز دعا کردن .

قال رسول الله (ص): ان الحذر لاینبغی من القدر و لکن ینجی من القدر الدعاء فتقدموا فی الدعاء قبل اءن ینزل لکم البلاء ان الله یدفع بالدعاء مانزل من البلاء و مالم ینزل . (١٦٥)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: همانا با زرنگی و فراست نمی توان از قضا و قدر برکنار شد. آری ! با دعا نمودن می توان از مقدرات الهی نجات یافت . پس پیش از آنکه بلا بر شما نازل شود، با دعا از خود نگهداری کنید؛ چون خداوند به وسیله ی دعا، بلاهای نازل شده و نازل نشده را از بندگان خویش دور می کند.

عمر بن یزید می گوید: از حضرت ابی الحسین (ع) شنیدم که می فرمود:

ان الدعاء یرد ماقد قدر و مالم یقدر قلت و ماقدر عرفته فمالم یقدر؟ قال :

حتی لایکون . (١٦٦)

همانا دعا بر می گرداند آنچه را مقدر شده و آنچه را مقدر نشده . عرض کردم : مقدر شده را دانستم ، مقدر نشده کدام است ؟ فرمود: تا اینکه تقدیری درباره ی آن نشود.

(جلوی مقدر شدنش را می گیرد.)

عبدالله بن سنان می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرمود:

الدعاء یرد القضاء بعدما اءبرم ابراما من الدعاء فانه مفتاح کل رحمۀ و نجاح کل حاجۀ و لاینال ما عندالله عزوجل الا بالدعاء و انه لیس باب یکثر قرعه الایوشک اءن یفتح لصاحبه . (١٦٧)

دعا، قضای محکم و حتمی شده را بر می گرداند. پس بسیار دعا کن ، که آن ، کلید رحمت و پیروزی در هر حاجت است ؛ و به آنچه نزد خدای عزوجل است ، نتوان رسید، جز به وسیله ی دعا؛ و هیچ دردی بسیار کوبیده نشود، جز اینکه امید به باز شدن آن نزدیک شود.

قال رسول الله (ص): می فرماید: الدعاء جندمن اجناد الله مجند یرد القضاء بعد اءن یبرم . (١٦٨)

دعا سپاهی از سپاهیان مجهز خداست ، و قضای محکم و حتمی شده را بر می گرداند.

3 O. دعا، در مبارزه با طاغوت و برقراری قسط و عدالت سلاح مؤ من است .

دعا سلاح مؤ من است ، که به وسیله ی آن با یاءس و ناامیدی مبارزه می کند، و در حل مشکلات از نیروی غیبی استمداد می جوید. پیامبران و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) همواره از این سلاح استفاده می کردند، و بهره گیری از آن را به مؤ منین توصیه می نمودند؛ چنان که امام سجاد (ع) در دوران حکومت بنی امیه ، وقتی در بن بست واقع شد و نتوانست تبلیغ کند و به گسترش فرهنگ محمدی بپردازد و حق را بگوید، مبارزه ی خویش را در قالب :

۱. دعا و نیایش .

۲. گریه و شیون .

۳. برده داری و برده فروشی شروع می کند.

امام رضا (ع) به اصحابش می فرمود: علیکم بسلاح الانبیاء فقیل : و ما سلاح الانبیاء؟ قال : الدعاء . (۱۶۹)

از سلاح انبیا استفاده کنید. گفته شد: سلاح انبیا چیست ؟ فرمود: دعا.

عن ابی عبدالله (ع): قال رسول الله (ص): الدعاء سلاح مؤ من و عمود الدین و نور السموات و الارض . (۱۷۰)

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده : دعا، سلاح مؤ من ، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است .

قال امیر المؤ منین (ع): الدعاء مفاتیح النجاح و مقالید الفلاح و خیر الدعاء ماصدر عن صدر نقی و قلب نقی و فی المناجاۀ سبب النجاۀ و بالاخلاص یکون الخلاص فاذا اشتد الفرغ فالی الله المفرع . (۱۷۱)

امیر المؤ منین (ع) فرمود: دعا، کلید سعادت و رمز رستگاری می باشد. بهترین دعا، دعاییست که از سینه ی پاک و قلب باتقوا صادر شود. مناجات با خدا موجب نجات می شود، و به وسیله ی اخلاص از مهلک و بدی ها نجات حاصل می گردد. پس هنگامی که گرفتاری ها شدت یافت ، باید به خدا پناه برد.

قال علی (ع): الدعاء مفتاح الرحمۀ و مصباح الظلمۀ . (۱۷۲)

حضرت علی (ع) فرمود: دعا، گشاینده ی در رحمت الهی و زداینده ی ظلمات قلبی از روح انسان است .

قال النبی (ص): اءلا اءدلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم و یدر اءرزاقکم ؟ قال : بلی قال : تدعون ربکم باللیل و النهار فان سلاح المومن الدعاء. (۱۷۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: آیا شما را به سلاحی راهنمایی نکنم ، که شما را از دشمنان رهایی دهد و روزیتان را افزون سازد؟ عرض کردند چرا. فرمود: پروردگارتان را شب و روز بخوانید؛ زیرا سلاح مؤ من ، دعاست .

عن ابی عبدالله (ع) قال : الدعاء اءنفذ من السنان الحدید . (۱۷٤)

امام صادق (ع) فرمود: دعا، از نیزه ی تیز نافذتر است .

4 O. برای دعا، به مؤ من الهام می شود.

هشام بن سالم می گوید: امام صادق (ع) فرمود:

هل تعرفون طول البلاء من قصره ؟ قلنا: لاقال : اذا اءلهم اءحد (کم) الدعاء عند البلاء فاعلموا اءن البلاء قصیر . (۱۷۵)

آیا طولانی بودن بلا را از کوتاهی آن می شناسید (او می فهمید چه بلائی طولانی و چه بلائی کوتاه است ؟ عرض کردم : نه ! فرمود: چون در هنگام بلا به کسی از شما الهام شد که دعا کند، بدانید که بلا کوتاه است و مدت آن سپری شده .

عن ابی ولاد قال : قال اءبو الحسن موسوی (ع): مامن ینزل علی عبد مؤ من فیلهمه الله عزوجل الدعاء الا کان کشف ذلک البلاء و شیکا و مامن بلاء ینزل علی عبد مؤ من فیمسک عن الدعاء الا کان ذلک البلاء طویلا فاذا نزل البلاء فعلیکم بالدعاء و التضرع الی الله عزوجل . (۱۷٦)

ابو ولاد می گوید: امام صادق (ع) فرمود: هیچ بلایی بر بنده ی مؤ من نازل نشود، که خدای عزوجل به او الهام دعا کند، جز اینکه به زودی آن بلا برطرف شود؛ و هیچ بلایی بر بنده ی مؤ من نازل نگردد، که از دعا کردن خودداری کند، جز اینکه آن بلا طولانیست . پس هر گاه بلا نازل شد، بر شما باد که به درگاه خدای عزوجل دعا و زاری کنید، تا آن زودتر برطرف شود.

5 O. دعا، مکالمه با خداست

دعا و نیایش با خدا، قبل از آنکه یک گفتن باشد، نوعی حالت است ، و چون از عمق جان انسان سرچشمه می گیرد، یکی از فضایل و مناقب محسوب می گردد.

دعا فواید و ثمرات بزرگی دارد، که استجابت آن نزد اهل باطن بسیار ناچیز است ؛ از جمله آن فواید، می تواند مکالمه با خداوند باشد. (۱۷۷) انسان اگر با خدا ارتباط نداشته باشد و با او مناجات نکند و یا از مناجات

خویش لذت و بهره نبرد، هیچ ارزش و شخصیتی ندارد. چنین انسانی بیمار است ، دلش سیاه شده و به مصیبت بزرگی دچار گشته است ، و باید تحت مداوا و درمان قرار بگیرد؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم در همین زمینه می فرماید:

قل مایعبؤ بکم ربی لو لا دعاؤ کم یعنی : ای رسول ! به امت بگو: آنچه در پیشگاه خدا به انسان ارز و شخصیت می دهد، همان ایمان و توجه به پروردگار و بندگی اوست .

فویل للقاسیۀ قلوبهم من ذکر الله (۱۷۸) یعنی : وای به آن دلی که در اثر ارتکاب به گناه و اشتغال به امور دنیوی ، سیاه شده است !

من اعرض عن ذکری فان له معیشۀ ضنکا (۱۷۹) یعنی : هر کس که از ذکر و یاد ما اعراض کرد، زندگی سختی خواهد داشت .

در روایات آمده است که ، حضرت موسی به مناجات خدا می رفت ، کسی به ایشان گفت : به خدایت بگو من زیاد معصیت می کنم ، اما چرا مرا عذاب نمی کند؟ حضرت به مناجات رفت . موقع برگشتن خطاب شد. موسی ! چرا پیغام بنده ام را به من نمی دهی ؟ گفت : خدایا! خجالت می کشم . تو می دانی که بنده ات چه گفت : خطاب شد: موسی ! به بنده ام بگو که بالاترین بلاها را به تو داده ام ، اما توجه نداری . به او بگو لذت و شیرینی مناجات و دعای با خودم را از تو گرفته ام .

ارتباط و مکالمه بر دو قسم است :

۱. ارتباط و مکالمه خداوند با انسان .

۲. ارتباط و مکالمه ی انسان با خدا.

در روایت آمده است که ، انسان اگر بخواهد با خدا سخن بگوید و حرف بزند، باید نماز بخواند، ولی اگر بخواهد خدا با او صحبت کند، قرآن بخواند؛ چه اینکه قرآن کلام خداست .

6 O. دعا سبب طول عمر است .

امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که ، دعا و نیایش ، داشتن ایمان محکم به دین رابطه ی مستقیمی با طول عمر انسان دارد؛ و به طور اساسی ، بسیاری از امراض در محیطهایی که دعا و نیایش وجود دارد، رخنه نمی کند. دعا از یک طرف ، بسیاری از امراض روحی و جسمی را که موجب کاهش طول عمر انسان می شوند، برطرف می کند، و از طرف دیگر، چون آرامش دهنده ی جسم و جان ، امیدوار کننده به آینده و زندگی و بالا برنده ی قدرت تحمل مصائب و سختی هاست ، عمر انسان را افزایش می دهد.

در روایت آمده است : از سوی خدا به یکی از پیامبران به نام حزقیل ، که سومین خلیفه ی موسی (ع) در بنی اسرائیل بود، الهام شد که به فلان حاکم بگو: پس از مدت اندکی می میری . حزقیل پیام خداوند را به او ابلاغ کرد. حاکم سخت وحشت زده شد! روی تختش به دعا و راز و نیاز پرداخت ، و به قدری هنگام دعا متوجه خدا بود، که ضعف بر او عارض شد و از روی تحت به زمین افتاد. در دعایش می گفت :

یا رب اءحزنی حتی یشب طفلی و اءقضی اءمری .

ای پروردگارم ! به من آن قدر مهلت بده که کودکم بزرگ شود و زندگی خود را سامان بدهم .

خداوند دعای او را به استجابت رساند و به حزقیل وحی کرد: برو به حاکم بگو: مرگ تو را تا پانزده سال به تاءخیر انداختم .

7 O. دعا عامل بازدارنده از گناه است .

یکی دیگر از فواید و برکات دعا و نیایش این است که ، کنترل کننده است ؛ یعنی اگر انسان در بن بست واقع شد و زمینه گناه و معصیت برایش به وجود آمد، نمی گذارد به طرف گناه برود. بنابراین ، اگر انسان دو رکعت نماز واقعی و با خشوع و خضوع بخواند، این نماز علاوه بر اینکه بهشت را بر او واجب می کند، تا شب مراقب نمازگزار است تا به طرف گناه نرود. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ان الصلوۀ تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذکر الله اکبر .

نماز نیروی کنترل کننده دارد و نمی گذارد به طرف گناه برود، اما ذکر و یاد خدا بیشتر از نماز انسان را از گناه باز می دارد.

عن ابی عبدالله قال : من اءحب ان یعلم اءقبلت صلاته ام لم تقبل فلینظر هل منعته صلاته عن الفحشاء و المنکر فبقدر ما منعته قبلت منه . (۱۸۰)

امام صادق (ع) فرمود: هر کس دوست بداند نمازش قبول شده یا نه ، ببیند که آیا نمازش او را از زشتی باز داشته یا خیر! پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته ، به همان اندازه نمازش قبول شده است .

قال رسول الله (ص): من لم تنهه صلاته عن الفحشاء و المنکر لم تزده من الله الا بعدا . (۱۸۱)

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، هیچ بهره یی از نماز، جز دوری از خدا حاصل نکرده است .

8 O. دعا به خودی خود استجابت دارد.

عن النبی (ص): افزعوا الی الله فی حوائجکم و اءلجئوا الیه فی ملماتکم و تضرعوا الیه و ادعوه فان الدعاء مخ العیادۀ و مامن مؤ من یدعو الله الا استجاب فاءما اءن یعجله له فی الدنیا اءو یؤ جل به فی الآخرۀ و اما اءن یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا مالم یدع بماءثم . (۱۸۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: حوایج و نیازهایتان را به سوی خدا ببرید، و در سختی ها به خدا پناه برده و به سوی او تضرع و زاری کنید و او را بخوانید. همانا مغز عبادت ، دعاست . هرگز هیچ مؤ منی نیست که به درگاه خدا دعا کند، جز اینکه دعایش در یکی از سه صورت مستجاب شود و اثر کند:

۱. یا به زودی در دنیا و ذخیره ی آخرتش می شود.

۲. و یا تاءخیر شود، و ذخیره ی آخرتش می گردد.

۳. و یا به اندازه ی دعایی که کرده است ، از گناهانش آمرزیده می شود.

عن ابی عبدالله (ع) قال : ما اءبر زعبدیده الی الله العزیز الجبار الا استحیا الله عزوجل اءن یردها صفرا حتی یجعل فیها من فضل رحمۀ ما یشاء فاذا دعا احد کم فلایرد یده ، حتی یمسح علی و جهه و راءسه . (۱۸۳)

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: هیچ بنده یی دست به درگاه خدای عزیز جبار نگشاید، جز اینکه خدای عزوجل شرم کند که آن را تهی باز گرداند، تا اینکه از فضل خود در آن بنهد. پس هرگاه یکی از شما دعا کرد، دستش را بر نگرداند، تا آن را به سر و روی خود بکشد.

امیر المؤ منین علی (ع) فرمود: هیچ گاه حق تعالی باب دعا را به روی کسی باز نمی کند که باب اجابت به رویش ببندد؛ زیرا فرموده : مرا بخوانید، تا اجابت کنم .

عن ابی عبدالله (ع) قال : الدعاء کهف الاءجابۀ کما ان السحاب کهف المطر . (١٨٤)

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: دعا مخزن و گنجینه ی اجابت است ، چنان که ابر مخزن باران است .

عن ابی سعید الخدری قال : رسول : ما من مسلم دعا الله سبحانه دعوۀ لیس فیها قطیعۀ رحم و لا اءعطاه الله احدی خصال ثلاثۀ : اما اءن یعجل دعوته و اما اءن یؤ خرله و اما اءن یدفع عنه من السوء مثلها. قالوا: یا رسول الله اذن تکثروا . (١٨٥)

ابا سعید خدری از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که ، آن حضرت فرمود: هر مسلمانی که دعا کند و خدا را بخواند و دعای او درباره ی قطع رحم و گناه نباشد، حتما یکی از سه نعمت به او داده خواهد شد.

١. خواسته اش را به زودی بر آورد.

٢. ذخیره ی آخرتش قرار دهد.

۳. پیشامد ناگواری را از او دور کند.

یاران گفتند: اگر چنین است ، بسیار دعا کنیم . فرمود: بسیار دعا کنید!

عن معاویهٔ بن وهب عن اءبی عبدالله (ع) قال یا معاویهٔ : من اءعطی ثلاثه لم یحرم ثلاثهٔ من اءعطی الدعاء اءعطی الاجابهٔ و من اعطی الشکر اءعطی الزیادهٔ و من اعطی التوکل اعطی الکفایهٔ فان الله یقول فی کتابه : و من یتوکل علی الله فهو حسبه و یقول : لئن شکر تم لاء زیدنکم و یقول : اءدعونی استجب لکم . (۱۸٦)

امام صادق (ع) فرمود: ای معاویه ! هر که بر سه کار دست یابد، از سه چیز محروم نگردد:

۱. دعا کردن ، که فایده اش مستجاب شدن است .

۲. شکر و سپاس ، که ثمره اش فراوانی نعمت است .

۳. توکل بر خدا، که نتیجه اش انجام شدن کارهای خوب است .

همانا خداوند در قرآن می فرماید: هر کسی که خدا را وکیل و نماینده ی خود قرار دهد، خداوند به همه امورش رسیدگی می نماید. و باز می فرماید: هرگاه شکر نعمت های خدا را به جا آورید. هر آینه به نعمت هایتان می افزایم . و در جای دیگر می فرماید: دعا کنید، که مستجاب می کنم .

به حضرت آدم وحی رسید که : تمام مطالب و خیرات در چهار چیز است . آدم عرض کرد: آن چهار چیز کدامند؟ خطاب شد: یکی راجع به

من است و یکی هم راجع به توست ، و یکی هم بین تو و خلق ، و دیگری هم بین تو و من است .

اول : آن یکی راجع به من است ، این است که مرا عبادت نمایی و برایم شریک قرار ندهی .

دوم : آن که راجع به توست ، آن است که به تو را جزا دهم ، به آنچه که تو کمال احتیاج به آن داری .

سوم : آن که بین من و توست ، بر توست دعا کردن ، و بر من اجابت نمودن .

چهارم : آن که بین تو و مردم است ، آن است که همان طور که دلت می خواهد مردم با تو رفتار کنند، تو هم با آنها همان گونه رفتار کن .

9 O. دعا دارای جنبه ی آموزشی و تربیتیست .

در دعای ششم صحیفه ی سجادیه ، از خداوند می خواهیم : خدایا! ما را بر شکرگزاری از نعمت ها و پیروی از سنت های شرع و دوری جستن از بدعت ها و ترویج و حفظ و آیین اسلام و کمک به ناتوانان موفق بدار!

در دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه از خداوند می خواهیم : خدایا! فرزندان مرا صالح گردان ، و آنها را بینای در دین و شنوای حق ، مطیع فرمان خود و دوستدار خیر گردان ، و مرا در تربیت آنها و احسان در حقشان یاری فرما...!

آری ! تربیت و هدایت را باید از خدا خواست ، زیرا اگر اراده ی او به چیزی تعلق نگیرد، آن کار از مخلوقات ساخته نیست .

آیۀ الله مهدوی کنی در این مورد می گوید: چنان که می دانیم ، دعاهای وارده از معصومین (علیهم السلام) ذو ابعاد است ؛ یعنی علاوه بر جنبه ی تمجید و تسبیح و ذکر و دعا و تضرع و عرض حاجت ، جنبه های آموزشی ، عرفانی و تربیتی (نیز) در آن ملحوظ است . در بسیاری از ادعیه ، بعد تربیتی بیشتر از سایر ابعاد است ؛ و به عبارت دیگر، در ادعیه وارده پیامی نهفته است ، که منظور اصلی از دعا، همان پیام است و دعا وسیله ی ابلاغ آن پیام می باشد؛ به عنوان مثال : آن گاه که در تعقیبات نماز در ماه مبارک رمضان می خوانیم .

اللهم اءغن کل فقیر اءشبع کل جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین اللهم فرج عن کل مکروب اللهم رد کل غریب اللهم فک کل اسیر... .

در این دعاها پیامی موجود است که : ای مسلمان ! تو باید در برابر ناراحتی های مردم بی تفاوت نباشی ، و با تکرار و تلقین این جملات و مفاهیم ، روحیه ی فقر زایی و محرومیت زدایی به وجود آوری ؛ یعنی ایده و آرمانت این باشد که ، گرسنه و فقیری در جهان باقی نماند و بیماری بدون دارو و درمان دیده نشود و مقروضان و بدهکاران با شرمندگی ، و سرافکندگی زندگی نکنند و اسیران و گرفتاران ، همه از بندهای اسارت رهایی یابند و...

و نیز آن گاه که در دعاهای سحر می خوانیم :

اللهم انی اعوذبک من الکسل و الفشل و الجبن و النعاث ... .

در این دعاها با این پیام روبه رو هستیم که : انسان مؤ من باید از کسالت و تنبلی و ترس و خواب آلودگی احتراز جوید و خود را از این حالات تهی سازد. و وقتی در زیارت امام حسین (ع) می گوییم : یا لیتنی کنت معهم فاءفوز معکم . این جمله را تنها به عنوان یک آرزوی بی محتوا نمی گوییم ؛ در این جمله پیام شهادت طلبی و تاءسی به امام حسین (ع) و اصحاب فداکار آن حضرت مطرح است ، و تکرار آن ، به منظور ایجاد همین روحیه در زائران حسینیست . (۱۸۷)

10 O. دعا، نابود کننده ی شیطان است

کلمه ی شیطان از ماده ی شطن گرفته شده ، و شاطن به معنای خبیث و پست آمده است .

شیطان ، به هر موجود موذی ، مضر، منحرف کننده ، طاغی و سرکش ، خواه انسانی یا غیر انسانی گفته می شود؛ موجودی که از راه راست برکنار بوده ، و در صدد آزار و اذیت دیگران است ؛ موجودی که سعی می کند دو دستگی ایجاد نماید و اختلاف و فساد به راه اندازد؛ چنان که در قرآن می خوانیم : انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوۀ و البغضاء... (۱۸۸) یعنی : شیطان می خواهد بین شما دشمنی و بغض و کینه ایجاد کند. همچنین در جای دیگر می خوانیم : ان الشیاطین لکم عدو فاتخذوا عدوا انما یدعو حزبه لیکونو امن اصحاب السعیر . (۱۸۹) یعنی : شیطان سخت با شما دشمن است ، شما هم او را دشمن دارید. او حزب و سپاهش را برای اغوای شما مهیا و آماده ساخته ، تا همه را اهل دوزخ گرداند.

بسیاری از افراد می پرسند: شیطان که موجود اغوا گریست ، پس چرا خداوند او را آفرید؟

اولا: خلقت شیطان در آغاز آفرینش ، پاک و بی عیب بود، به همین دلیل همنشین فرشتگان گردید و در صف مقربان درگاه خدا بود، و حدود سه هزار سال خداوند را عبادت و پرستش نمود، اگر چه از نظر آفرینش جزو آنها نبود (چون جنس شیطان از آتش است ، و جنس فرشتگان از نور) ولی بعد، از آزادی خود سوء استفاده کرد و بنای طغیان و سرکشی گذارد و رانده و درمانده ی درگاه خداوند گردید و لقب شیطان را به خود اختصاص داد.

ثانیا: وجود شیطان ، برای افراد با ایمان و بندگان صالح خدا وسیله ی پیشرفت و تکامل است ؛ زیرا وجود دشمنی قوی و نیرومند در مقابل انسان ، باعث پرورش و ورزیدگی او می شود، و اصولا همیشه تکامل و ترقی در میان تضادها صورت می گیرد.

خداوند اگر چه شیطان را در وسوسه هایش آزاد گذاشته است ، ولی انسان ها را در برابر او بی دفاع قرار نداده ، بلکه او را به سه سلاح مجهز ساخته است :

۱. نیروی عقل و خرد.

۲. فطرت پاک و عشق به تکامل .

۳. به کمک فرستادن فرشتگانی ، که الهام بخش نیکی ها هستند. (۱۹۰)

خداوند در قرآن کریم در مورد تسلط شیطان بر انسان ها می فرماید:

انه لیس له سلطان علی الذین امنوا و علی ربهم یتوکلون انما سلطانه علی الذین یتولونه و الذین هم به مشرکون .

در آیات فوق ، مردم به دو گروه تقسیم شده اند، و برای هر یک ، دو صفت بیان گردیده است :

۱. آنها که بیرون از سلطه ی شیطانند، دارای ایمان و توکل بر پروردگارند.

۲. آنها که زیر سلطه ی شیطانند، اولا، رهبری او را از نظر اعتقاد پذیرفته اند (یتولونه) و ثانیا، از نظر عمل ، شیطان را شریک خدا در اطاعت شمرده اند، یعنی عملا پیرو فرمان او هستند. (۱۹۱)

بنابراین با جمع شدن یک سلسله از عوامل در کنار هم ، از قبیل : دعا و نیایش ، ایمان به خدا، تنها او را لایق پرستش و عبادت دانستن و از او کمک خواستن ، و در همه امور به او توکل کردن ، باعث می شود که انسان از زیر سلطه ی شیطان بیرون آید، و در واقع ، این عوامل انسان را در مقابل شیطان نیرومند و قوی می سازد.

دیو چو بیرون رود فرشته در آید

11 O. دعا، لذیذترین لذت هاست

دعا، لذیذترین لذت هاست ، و برای نوع انسان ، لذتش بی نظیر است ، به طور کلی ، دردها و لذت ها به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. دردها و لذت های جسمی ، که بین انسان و دیگر جانداران مشترک است ، مثل : خوردن ، خوابیدن ، نوشیدن ...

۲. دردها و لذت های وهمی و خیالی ، مثل : ارضای غریزه ، مال دوستی ، دوست داشتن فرزند.

۳. دردها و لذت های روحانی و معنوی ، مثل : انفاق کردن ، ثابت کردن حق و از بین بردن باطل ...

نوع آخر: مختص انسان است . بدون شک ، اینکه انسان در برابر مولایش بایستد و با او صحبت کند، دلپذیرترین لذت های معنوی و روحانیست . چه خوش گفته اند که : یک لحظه جدایی ، یک سال است ، و یک سال با تو بودن ، یک لحظه . (۱۹۲)

سلطان محمود غزنوی پس از بازگشت از هند، صندوق جواهرات غنیمتی را شکست و همه را حراج کرد، تا هر کس هر چه خواست ، بردارد. همه به طرف صندوق هجوم بردند. بجز ایاز. وقتی سلطان محمود علت را از او پرسید، ایاز در جواب گفت : یک ساعت با تو بودن از هر چیزی برای من ارزشمندتر است . (۱۹۳)

در احادیث قدسی آمده است :

مردی به موسی بن عمران (ع) گفت : به خدا بگو من شخص گرفتاری هستم ، پس چرا مرا عذاب نمی کنی ؟ خداوند فرمود: به او بگو بدترین بلاها را بر سر تو آورده ام ، و تو خبر نداری ؛ و آن اینکه ، شیرینی و حلاوت یاد مرا نمی چشی و از عبادت و مناجات لذت نمی بری .

و واعدنا موسی ثلاثین لیلۀ و اءتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلۀ و قال موسی لاءخیه هارون اءخلفنی فی قومی و اءصلح و لاتتبع سبیل المفسدین .

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: حضرت موسی (ع) در چهل روز رفت و آمد خود به کوه طور، به خاطر اشتیاقی که به دیدار خدا داشت ، نخورده ، نیاشامید و نخوابید.

12 O. دعا، معرفت است .

یکی از فواید و ثمرات دعا و نیایش این است که ، انسان در دعا، خدا و خودش را درک می کند.

قال علی (ع): من عرف نفسه فقد عرف ربه . یعنی کسی که خودش را بشناسد، خدا را هم خواهد شناخت .

قال رسول (ص) فی الدعاء: اللهم اءرنا الاشیاء کماهی .

رسول خدا (ص) در دعا می فرمود: خدایا! عالم هستی را آن طور که هست ، به ما بنمایان . یعنی : خدایا! مرا آن طوری که هستم ، بنمایان !

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم : یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید. (١٩٤)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: ای مردم ! همه شما در پیشگاه خدا نیازمندید؛ تنها خداست که بی نیاز و ستوده است .

قال رسول الله (ص): من عرف الله و عظمه منع فاه من الکلام و بطنه من الطعام و عفی نفسه بالصیام و القیام . (١٩٥)

کسی که خدا را بشناسد و او را بزرگ شمارد، دهانش را از کلام لغو و بیهوده و شکمش را از طعام حرام و زیادی باز دارد و نفسش را به سبب روزه و قیام به عبادت خدا به رنج و زحمت اندازد.

قال علی : ینبغی لمن عرف الله ان یرغب فیما لدیه . (۱۹٦)

حضرت علی (ع) فرمود: برای کسی که خدا را بشناسد سزاوار است که ، به آنچه در نزد خداست رغبت داشته باشد.

انسان باید همواره به درگاه خدا دعا کند، چون حدوثا و بقاء به خدا نیاز دارد و اگر یک لحظه فیض و لطف خدا قطع شود، پوچ و نابود خواهد شد. هر چه به انسان می رسد، از جانب خداست ؛ پس بنده باید این نیاز تکوینی و طبیعی را با زبان اظهار کند و فقر و بندگی و نیاز خویش را عملا به اثبات رساند.

غنای مطلق برای خداست و فقر محض برای انسان ها؛ به عنوان مثال ، وقتی که انسان گریه و زاری کند و از خدا چیزی بخواهد، خود را با این درخواست در مقابل او کوچک و ذلیل می بیند، و در عمل ، غنای مطلق را برای خدا و فقر مطلق را برای خود با ثبات می رساند.

بنابراین ، دعا یعنی درک کردن انسان به اینکه موجود مستقل و بی نیاز نیست ، وجودش وابسته به حقیقت مطلق است ، هر چیزی غیر از خدا در نظرش پست و ناچیز است ، تمام قدرت ها، کمالات ، اسماء حسنی ، قضا و قدر برای خداست و تنها خدا شایسته ی پرستش و عبادت کردن است .

13 O. دعا، عمل خیر به شمار آمده و انسان را به مقامات عالی صعود می دهد

عن سیف التمار قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول : علیکم بالدعاء فانکم لاتقربون بمثله . (۱۹۷)

سیف تمار می گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: بر شما باد به دعا کردن ! چه اینکه هیچ وسیله یی مانند دعا شما را به مقامات قرب معنوی نزدیک نمی کند.

عن ابی عبدالله (ع) فی رسالهٔ طویلهٔ - و الله مصیر دعاء المؤ منین یوم القیامهٔ لهم عملا یزیدهم فی الجنهٔ . (۱۹۸)

امام صادق (ع) در ضمن نامه یی طولانی به شیعیانش می نویسد: خداوند در روز قیامت دعای مؤ منان را جزو کارهای نیک آنان شمرده است ؛ به همین خاطر در بهشت جای بهتری به آنان خواهد داد.

قال رسول الله (ص): عمل البر کله نصف العبادهٔ و الدعاء نصف فاذا اراد الله تعالی بعید خیرا انتحی قلبه بالدعاء. (۱۹۹)

پیامبر (ص) فرمود: همه اعمال خیر یک نیمه ی عبادت است ، و دعا نیمه ی دیگر. و چون خداوند برای بنده یی خیر و خوبی بخواهد، قلب او را متمایل به دعا کند.

عن میسرین عبدالعزیز عن ابی عبدالله (ع) قال لی : یا میسر ادع و لاتقل : ان اءلا مرقد فرغ منه ان عندالله - عزوجل - منزلهٔ لاتنال الا بمساءلهٔ . (۲۰۰)

میسر می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای میسر! دعا کن ؛ مگو کارها گذشته است ، شدنی ها خواهد شد و دعا تاءثیری ندارد؛ چون دعا فقط به منظور تاءثیر و تغییر مقدرات نیست ؛ بدان که ، بندگان را نزد خداوند مقام و منزلت مخصوصیست ، که جز به دعا کردن به آن درجه نمی توان رسید.

14 O. دعا موجب فرزندار شدن می شود، و با دعا می توان جنسیت فرزند را بهدلخواه تعیین کرد

عن عمر و بن سعید عن اءبیه قال : کنت عند ابی الحسین (ع) حیث دخل علیه داوود الرقی فقال : جعلت فداک ان الناس یقولون : اذا مضی للحامل ستۀ اشهر فقد فرغ الله من خلقه فقال ابوالحسن (ع) یا داوود اءدع و لو بشق الصفا قلت : اءی شی ء الصفا؟ قال : ما یخرج مع الولد قان الله یفعل ما یشاء . (۲۰۱)

پدر عمرو بن سعید می گوید: خدمت حضرت موسی بن جعفر (ع) بودم ، که داوود رقی بر آن حضرت وارد شد و گفت : فدایت شوم ! مردم می گویند اگر شش ماه از مدت حمل زن بگذرد، دیگر مجال دعا نیست ؛ چون خداوند از امر خلقت کودک فارغ شده است . پس حضرت فرمود: ای داوود! دعا کن ، هر چند که هنگام شکافتن صفا باشد. گفتم : صفا چیست ؟ فرمود: آنچه همراه کودک خارج می شود. چون خداوند هر چه بخواهد، انجام دهد. (۲۰۲)

عن الحسن بن الجهم قال : قلت الرضا (ع): یجوز اءن یدعو الله عزوجل فیحول الاءنثی ذکرا و الذکر اءنثی ؟ فقال : ان الله یفعل ما یشاء . (۲۰۳)

حسن بن جهم می گوید: به امام رضا (ع) گفتم : می توان دعا کرد که خدای عزوجل کودک را تغییر داده ، پسر را دختر و دختر را پسر قرار دهد؟ فرمود: ان الله یفعل ما یشاء. یعنی : همانا خداوند انجام خواهد داد، آنچه را که بخواهد.

عن محمد بن اسماعیل و غیره قال : قلت لابی الحسن (ع): الرجل یدعو للحبلی اءن یجعل الله عزوجل ما فی بطنها ذکرا سویا فقال : یدعو ما بینه اربعهٔ اشهر فانه اربعین لیلهٔ نطفهٔ و اربعین لیلهٔ علقهٔ و اربعین لیلهٔ مضغهٔ فذلک اربعهٔ اشهر ثم یبعث ملکین خلاقین فیقولون : یا رب ما تخلق ذکرا اءو اءنثی ؟ شقیا او سعید؟ فقال ذلک . (۲۰٤)

محمد بن اسماعیل می گوید: به حضرت موسی بن جعفر (ع) گفتم : مردی درباره ی زن باردار از خدای عزوجل درخواست می کند که بچه ی در شکم او را پسر و سالم قرار دهد. حضرت فرمود: تا چهار ماه نگذشته ، دعا کند؛ چون بچه در شکم در ابتدا تا چهل شب نطفه است ، و چهل شب دیگر علقه (قطعه خون بسته) است ، و چهل شب دیگر مضغه (قطعه گوشت) است . همین که با گذشت این مدت ، چهار ماهش تمام شود، خداوند دو فرشته ی صورتگر به سوی او می فرستد، آنها می گویند: پروردگارا! چه خلق می کنی ؟ پسر یا دختر؟ بدبخت یا خوشبخت ؟ پس آن گاه از جانب خداوند مهربان به فرشتگان دستور خواهد رسید که درباره ی فرزند چه سرنوشتی در نظر گرفته شود.

از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که : هرگاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد، روی او را به قبله کن و آیهٔ الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللهم انی قد سمیته محمدا. یعنی خدایا! من او را محمد نام نهادم . چون چنین کند، خدا آن فرزند را پسر گرداند. پس اگر او را محمد بنامد، مبارک می باشد، و اگر نام نکند، خدا اگر بخواهد از او می گیرد و اگر بخواهد، به او می بخشد. (۲۰۵)

15 O. دعا عامل افزایش روزیست

خداوند، رزاق است ؛ یعنی روزی و کم و زیاد آن ، دست اوست . در قرآن کریم آمده است :

و ما من دابۀ فی الارض علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین .

هیچ جنبنده یی در زمین نیست ، مگر اینکه روزی او بر خداست ؛ او قرارگاه و محل و نقل و انتقالش را می داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است .

الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر. (۲۰٦) یعنی : خداوند روزی را بر هر کس بخواهد، وسیع می نماید، و برای هر کس بخواهد، تنگ می سازد.

و لو یبسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزل بقدر ما یشاء . (۲۰۷)

اگر خداوند روزی را بی حساب برای بندگانش بگستراند، از جاده ی حق منحرف می شوند، اما به اندازه یی که می خواهد نازل می گرداند.

روزی خداوند به دو قسم است : ۱. مادی ، ۲. معنوی .

در دعاها تعبیر به رزق در مورد روزی های معنوی بسیار به کار رفته است . در مورد حج می گوییم :

اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام .

در مورد توفیق اطاعت و دوری از معصیت آمده است : اللهم ارزقنی توفیق الطاعۀ و بعد المعصیۀ .

قرآن چند امر را برای افزایش روزی بیان کرده است ؛ در یک جا می گوید: لئن شکرتم لازیدنکم . یعنی : هرگاه شکر نعمت ها را به جا آوردید، نعمت را بر شما افزون می کنم . (۲۰۸)

در جای دیگر می گوید: ولو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الاءرض . (۲۰۹) هرگاه مردم روی زمین ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین را به روی آنها می گشاییم .

عن زید الشحام ، عن ابی جعفر (ع) قال : اءدع فی طلب الرزق فی المکتوبهٔ و انت ساجد یا خیر المسؤ لین یا خیر المعطین اءرزقنی و ارزق عیالی من فضلک فانک ذوالفضل العظیم . (۲۱۰)

امام محمد باقر به زید شحام فرمود: برای طلب روزی ، در سجده ی نماز واجب دعا کن :

یا خیر المسؤ لین ! یا خیر المعطین ! اءرزقنی و ارزق عیالی من فضلک ؛ فانک ذوالفضل العظیم .

ای بهترین سؤ ال شدگان ! ای بهترین بخشندگان ! از فضل خود، روزی من و خانواده ام را برسان ؛ چه اینکه تو دارای فضل و فزونی بسیار می باشی .

عن علی بن السری عن ابی عبدالله (ع) قال : ان الله عزوجل جعل اءرزق المومنین من حیث لایحتسبون و ذلک ان العبد اذالم یعرف وجهٔ رزقه کثر دعاؤ ه . (۲۱۱)

علی بن سری از امام صادق (ع) روایت می کند که : خداوند عزوجل روزی های مؤ منان را از راهی قرار داد که خودشان گمان نمی کنند. سرش هم این است که بنده اگر راه روزی خود را نشناسد، زیاد دعا می کند.

عن الحسین ین علوان عن جعفر عن ابیه قال : رسول الله (ص): ان الرزق لینزل من السماء الی الاءرض علی عدد قطرالمطر الی کل نفس بما قدر لها ولکن لله فضول فاءساءلوا الله من فضله . (۲۱۲)

حسین بن علوان از امام صادق (ع)، و آن حضرت هم از پدرش روایت می کند که ، پیغمبر (ص) فرمود: به درستی که رزق و روزی همانا از آسمان به زمین فرود آید، به شماره ی قطره های باران ، برای هر کسی به همان اندازه یی که برای وی مقدر و معین شده ؛ اما خدا را فضل و فزونی هاییست . پس ، از خدا بخواهید که از فضل خود به شما عنایت کند.

عن معمر بن الخلاد عن اءبی الحسین (ع) قال : سمعته یقول : نظر اءبو جعفر (ع) الی رجل و هو یقول : اللهم انی اساءلک من رزقک الحلال فقال ابو جعفر (ع) ساءلت قوت البنیین قل : اللهم انی اسالک رزقا واسعا طیبا من رزقک . (۲۱۳)

معمر بن خلاد می گوید: شنیدم موسی بن جعفر (ع) می فرماید: امام باقر (ع) به مردی برخورد که می گفت : خدایا! روزی حلالت را به من برسان ! امام باقر (ع) به او فرمود: قوت و خوراک پیامبران را درخواست نمودی . چنین بگو: اللهم انی اساءلک رزقا واسعا طیبا من

رزقک . یعنی خدایا! من روزی وسیع و پاکیزه را که از روزی تو باشد، از تو درخواست می کنم .

عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال : قلت للرضا (ع): جعلت فداک اءدع الله عزوجل اءن یرزقنی الحلال فقال : اءتدری ما الحلال ؟ قلت : الذی عندنا المکسب الطیب فقال : کان علی بن الحسین (ع) یقول : الحلال هو قوت المصطفین ثم قال : اللهم انی اءسالک من رزقک الواسع . (٢١٤)

احمد بن ابی نصر می گوید: به امام رضا (ع) گفتم : فدایت شوم ! دعا کن که خدای عزوجل روزی حلال مرا دهد. حضرت فرمود: آیا می دانی که روزی حلال چیست ؟ گفتم : آنکه نزد ماست ، کسبی پاکیزه . پس فرمود: امام سجاد (ع) می فرمود: حلال ، قوت و خوراک برگزیدگان خداست . سپس فرمود: بگو: اللهم انی اسالک من رزقک الواسع . یعنی خدایا! من از تو درخواست روزی وسیع و فراخ دارم .

وسعت رزق دلیل بر محبت ، و تنگی معیشت دلیل بر خشم و غضب خداوند نیست ، زیرا خداوند گاهی انسان را به وسعت روزی اختیار و آزمایش می کند و اموال فراوانی در اختیار او قرار می دهد، و گاهی با تنگی معیشت میزان مقاومت و پایداری او را روشن می سازد و آنها را از این طریق پرورش می دهد.

روزی پیامبر اکرم (ص) در صحرا به شخصی که دارای گله بود، رسید. خواست از او شیر بخرد، آن شخص بخل ورزید و گفت : مال قبیله است . حضرت فرمود: خدایا! مالش را زیاد کن ! به شخص دیگری رسیدند و

شیر خواستند، او ادب کر و شیر آورد و گفت : اگر باز هم می خواهید، بیاورم . حضرت در حقش دعا فرمود: خدایا! به اندازه ی رفع حاجتشان عنایت فرما! اصحاب پرسیدند: این چه گونه دعایی بود که در حق اولی کردی ، و برعکس در حق دومی ؟ فرمود: مال زیاد، بلا هم می شود. (۲۱۵)

ضرورت دعا در حق امام زمان (عج)

بهترین مساءله یی که در این زمان در مورد دعا باید مد نظر قرار گیرد، دعا در حق قطب عالم امکان ، حضرت حجۀ بن الحسن العسگری می باشد؛ چه از جهت سلامتی وجود شریف و چه از جهت تعجیل فرج . اصولا هر دعایی که با یاد و دعای برای آن حضرت قرین نباشد، دعایی بی محتوا و پوچ و بی معنا و بدون هدف است . دلیل این مطلب کاملا روشن است ؛ زیرا در این زمان کلیه ی امورات و مصالح جهان ، به اجازه ی آن وجود مقدس می باشد، و حق تعالی ایشان را حجت خود بر خلایق قرار داده است . پس جهالت و جسارت می باشد که انسان به یاد منافع شخصی خود بوده ، فقط برای خود دعا نموده و صاحب و ولی نعمت خویش را فراموش نماید.

علاوه بر آن حق قرابت و خویشاوندی با پیامبر اکرم (ص) لازم می سازد و در حق ایشان دعا کنیم ؛ چون دعا کردن از نشانه های مودت و دوستیست . امام زمان به اشخاصی که در خواب یا بیداری خدمت حضرت مشرف می شدند، می فرمود: واکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم . (۲۱٦) یعنی : برای تعجیل فرج ، بسیار دعا کنید؛ زیرا همین دعای شما موجب گشایش کارهایتان است .

منظور حضرت از فرج را، به دو گونه می توان تقسیم نمود:

۱. فرج شخصی ؛ یعنی ظهور امام زمان (عج) برای هر فرد مؤ من دارای فواید بسیاری می باشد، مانند: هدایت به صراط مستقیم ، عاقبت بخیری ، ازدیاد روزی ، عافیت از تمام بلاها و امراض ، و به دست آوردن قلب سلیم .

۲. فرج کلی ؛ یعنی با ظهور امام زمان ، جهان از انواع کفر، شرک ، نفاق ، بدعت و ظلم و جور پاک می گردد، زمین آباد شده و همه با آرامش زندگی می کنند، به طوری که همه ثروتمند و سلامت بوده و شخص فقیری پیدا نمی شود.

کیفیت دعا برای تعجیل فرج صاحب الزمان (عج)

عالم ربانی سید محمد تقی موسوی اصفهانی (ره)، طرق مختلفی را برای دعا جهت تعجیل فرج صاحب الزمان (عج) در کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم (عج) استنباط نموده ، و ما عینا آن را از ترجمه ی آن کتاب شریف نقل می کنیم :

اول اینکه : این امر را با صراحت از خدای متعال مساءلت نماید، و به زبان فارسی یا عربی یا هر زبان دیگری تقاضایش را باز بیان کند؛ به عنوان مثال ، چنین دعا نماید: اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان علیه السلام . یعنی : بار خدایا! فرج مولای ما صاحب الزمان را زودتر برسان .

دوم اینکه ، از خداوند (عز اسمه) درخواست کند که فرج و گشایش امر آل محمد (ص) را تعجیل فرماید و زودتر برساند؛ چون فرج آن حضرت

همان فرج آنها است ؛ چنان که در دعاها و روایات این معنی آمده است .

سوم اینکه ، فرج و گشایش امر تمام مؤ منین و مؤ منات یا فرج اولیای خدا را مساءلت نماید؛ زیرا با فرج آن جناب (علیه السلام) فرج اولیای خدا انجام می گردد؛ چنان که در روایت رسیده .

چهارم اینکه ، بر دعای کسی که چنین دعایی می کند، آمین بگوید، چون واژه ی آمین ، یعنی مستجاب کن ؛ که این نیز دعاست ، و دعا کننده و آمین گو، هر دو در دعا شریکند؛ به طوری که در خبر آمده است .

پنجم اینکه ، از خدای عزوجل بخواهد که هر کس که برای تعجیل فرج مولایمان (علیه السلام) دعا می کند، مستجاب سازد. تفاوت بین این با نوع قبلی آن است که ، آمین گفتن فقط در حضور دعا کننده انجام می گیرد، ولی در این مورد، حضور شرط نیست .

ششم اینکه ، فراهم شدن و آماده گشتن اسباب و مقدمات زودتر رسیدن فرج را از خداوند مساءلت نماید.

هفتم اینکه ، درخواست نماید که موانع ظهور آن حضرت (علیهم السلام) رفع و برطرف گردد.

هشتم اینکه ، دعا کنید گناهانی که باعث به تاءخیر افتادن فرج آن حضرت است ، آمرزیده شوند؛ گناهانی که دعا کننده یا غیر او از اهل ایمان مرتکب گردیده اند.

نهم اینکه ، از خدای تعالی درخواست کند که او را از آنچنان که اثر یاد شده را دارد، در آینده ی زندگی اش محفوظ و باز بدارد.

دهم اینکه ، نابودی دشمنان آن حضرت (ع) را که وجودشان مانع از زودتر شدن فرج دوستانش می باشد، از خداوند بخواهد.

یازدهم اینکه ، از خداوند بخواهد که دست ستمگران را از سر همه مؤ منین کوتاه سازد؛ که این امر به برکت ظهور امامشان که در انتظارش هستند، انجام می گیرد.

دوازدهم اینکه ، گسترش یافتن عدالت را در شرق و غرب زمین مساءلت نماید؛ زیرا این امر جز با ظهور آن حضرت (ع) حاصل نمی گردد؛ همچنان که خدای عزوجل و پیغمبران و اولیایش (ع) وعده داده اند.

سیزدهم اینکه ، بگوید: خداوندا! رفاه و خوشی را به ما بنمایان ! و نیتش حصول آن در زمان ظهور باشد؛ زیرا رفاه و خوشی کامل و تمام برای مؤ من حاصل نمی شود مگر به ظهور امام غایب از نظر.

چهاردهم اینکه ، از خدای عزوجل بخواهد که اجر و مزد عبادت ها و کارهایش را، تعجیل در امر و ظهور مولایش ، مطابق خواسته و رضای حضرتش (ع) قرار دهد.

پانزدهم آنکه ، توفیق یافتن به انجام این دعا (یعنی دعا برای مولایمان (ع) و درخواست تعجیل در امر فرجش را) برای همه مؤ منین و مومنات بخواهد؛ زیرا همدلی و اتفاق مؤ منین ، در این کار تاءثیر ویژه ای دارد؛ چنان که در روایت آمده است . بنابراین هرگاه مؤ من مساءلت نماید که

مقدمات مطلوب و هدفش فراهم و آسان گردد، در جهت تحصیل آن ، کوشش بسزایی انجام داده است .

شانزدهم اینکه ، از خدای عزوجل بخواهد که دین و حق و اهل ایمان را بر همه ملل و ادیان چیره و پیروز فرماید؛ زیرا این امر چنان که وعده کرده است ، جز به ظهور مولایمان صاحب الزمان (عج) حاصل نمی گردد؛ همان طور که در روایات در کتاب البرهان آمده است .

هفدهم اینکه ، از خداوند عز اسمه درخواست نماید که از دشمنان دین و ستم کنندگان بر خاندان سید المرسلین (ص) انتقام بگیرد؛ زیرا در اخبار آمده است که ، این امر با ظهور امام غایب از نظر و آخرین امامان بزرگوار (علیهم السلام) انجام می گردد.

هجدهم اینکه ، بر آن حضرت درود بفرستد؛ و منظورش درخواست رحمت ویژه یی از سوی خداوند باشد، که با آن ، زودتر شدن فرجش آسان شود.

در باب زیارت حضرت رضا (علیهم السلام) پس از درود فرستادن بر یک یک امامان (ع)، چنین می خوانیم :

اللهم صل علی حجتک و ولیک القائم فی خلقک صلاۀ تامۀ نامیۀ باقیۀ تعجل بها فرجه و تنصره بها.

بار خدایا! درود بفرست بر حجت خود و ولیت که در میان خلقت به پا خاسته است ، درود فرستادنی تمام ، و با افزایش و همیشگی ، که با آن ، فرجش را زودتر برسانی ، و با آن پیروزش نمایی .

نوزدهم اینکه ، تعجیل در برطرف شدن محنت از چهره اش و دور گشتن هم و غم از قلب مقدسش (علیه السلام) را بخواهد؛ زیرا این از لوازم تسلط آن حضرت و نابودی دشمنانش می باشد.

بیستم اینکه ، از خدای تعالی بخواهد که در امر خود نخواهی برای مولای شهید مظلوممان ، حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) تعجیل فرماید؛ زیرا این در حقیقت دعا برای فرزندش حضرت حجت (ع) است ، که طلب کننده ی خونبهای او و انتقام گیرنده از کشندگان وی می باشد.

فواید دعا در حق اما زمان (عج)

میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی می گوید: در بیان بعضی از فواید دعا کردن به آن حضرت ، و ظهورش را از خداوند عالم (جل شاءنه) طلب نمودن ، آیات و اخبار فراوانی رسیده است ، که من در اینجا به ذکر فایده ی آن اکتفا می کنم :

اول : باعث طول عمر می شود؛ چنان که در خصوص دعای دوم که بعد از هر نماز واجب باید خواند، از حضرت صادق (ع) روایت شده است . (۲۱۷)

دوم : دعا به آن حضرت ، نوعی ادای حق ایشان است . از حضرت امیر المؤ منین (ع) روایت شده است که فرمود: ادای حق مؤ من ، بهترین اعمال است . (۲۱۸) پس چون آن جناب ، رئیس و بهترین همه مؤ منان است ، ادای حق حضرتش ، اهم اعمال و افضل آنهاست .

سوم : دعا در حق آن جناب ، سبب رسیدن شفاعت حضرت رسول (ص) است ؛ چنان که از خود آن حضرت روایت شده است ، و از بعضی

احادیث استفاده می شود که ، موجب فایز شدن به شفاعت حضرت صاحب الاءمر (ع) است . (۲۱۹)

چهارم : خدا دعا کننده به آن حضرت را یاری می کند؛ زیرا دعای به آن جناب ، نوعی از یاری اوست ، و یاری وی ، یاری خداست . و حق تعالی فرمود: و لینصری الله من ینصره ... (۲۲۰) یعنی : خدا البته یاری می فرماید، هر کس که او را یاری کند.

پنجم : باعث سرور آن جناب می شود. امام صادق (ع) می فرماید: هیچ عبادتی نزد خداوند بهتر از مسرور ساختن مؤ من نیست . (۲۲۱)

ششم : اگر تو آن حضرت را دعا کنی ، باعث می شود که ایشان نیز تو را دعا کنند. امام رضا (ع) فرمودند: ما را بر شما حقیست ، که چون آن را ادا نمایید، بر ما حق پیدا می کنید، و ما هم ثواب آن را به شما ادا می نماییم . (۲۲۲)

هفتم : ثواب دعای شما، عاید همه مؤ منین و مؤ منات می شود، چون خیر ظهور آن حضرت به همه می رسد.

هشتم : دعای به آن حضرت ، دلیل بر اظهار محبت و دوستی به آن جناب است . ایشان به ذریه ی پیامبر (ص) می باشند، و محبت به ذریه ی آن حضرت ، امر خدا و مزد رسالت پیامبر است . (۲۲۳)

نهم : دعا در طلب آن حضرت خیرخواهی برای خداست ، خیرخواهی برای پیغمبر است ، خیر خواهی برای کتاب خداست ، خیر خواهی برای دین خداست ، خیر خواهی برای جماعت مسلمانان است . پیامبر (ص)

فرمودند: هر کس این پنج صفت را داشته باشد، من بهشت را برای او ضمانت می کنم . (۲۲٤)

دهم : دعا به آن حضرت ، باعث عبور از پل صراط است ، به سلامتی . (۲۲۵)

یازدهم : دعا در زمان غیبت حضرت ، باعث رفع بلا از شخص می شود. امام عصر (عج) می فرمایند: پس برای ما بسیار دعا کنید؛ زیرا فرج و گشایش امور شما در آن است . دوازدهم : ثواب جهاد در رکاب پیغمبر (ص) و علی (ع) را دارد. (۲۲٦)

(۲۲۷)

سیزدهم : چون حضرت حجت (عج) ظهور کنند، طلب خون سیدالشهدا (ع) می نمایند. پس هرگاه طلب ظهور آن حضرت کنی ، در ثواب آن عمل شریک خواهی بود.

چهاردهم : باعث نجات از هلاکت در زمان غیبت می شود. (۲۲۸)

پانزدهم : کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می شود: ان الحسنات یذهبن السیئات .

شانزدهم : دعا در حق امام زمان (عج) تمسک به ثقلین (کتاب و عترت) است . پیامبر فانها من تقوی القلوب . یعنی : کسی که شعایر و نشانه های الهی را بزرگ و محروم بدارد، چنین کاری نتیجه پاکی دلهاست .

هجدهم : این دعا سبب زیاد شدن نعمت ها و وسعت روزیست .

نوزدهم : تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب ، و رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت . امام صادق (ع) فرمود: هر کس چهل صبح دعای عهد را بخواند، از یاران امام زمان خواهد بود.

بیستم : شایستگی دریافت احادیث ائمه ی اطهار (علیهم السلام) را می یابد.

وظیفه ی ما در قبال برخی افراد که دعایشان مستجاب می شود، چیست ؟

آنچه از روایات به دست می آید، نشان می دهد که اجابت در دعا، غیر از تحقق آن است و هیچ دعایی بی اثر نخواهد ماند، حتی آن دسته از دعاها و خواسته های فرد، که مطابق مصلحت او نیست ؛ زمینه ساز کسب برخی استعدادهای نیک یک حداقل باعث زدودن و پاک شدن گناهانی می شود.

اما بر اساس برخی روایات ، کسانی هستند که وقتی دعا و نیایش می کنند و از خدا درخواست و مساءلتی دارند، هم سریع تر مورد اجابت قرار می گیرد و هم زودتر لباس تحقق به خود می پوشد. اینان چه کسانی هستند، و وظیفه ی ما در قبال آنان چیست ؟

قبل از پرداختن به بخش نخستین این پرسش می گوییم : ما دو وظیفه ی مهم در قبال این افراد داریم :

وظیفه ی اول : معرفتی و شناختی است ؛ شناخت و معرفت بر مقام و منزلت آنان و عامل یا عواملی که باعث شده در نزد خداوند از چنین مقامی برخوردار شوند.

وظیفه ی دوم : احترام و رجوع به آنهاست . اگر این افراد، محبوب خدا به شمار می روند، چرا محبوب ما نباشند؟ حب و دوستی با دوستان خدا، خود نوعی حب و دوستی با خدا به شمار می رود و زمینه ی مساعدی را در تقرب الهی فراهم می سازد.

دعای چه کسانی مستجاب می شود؟

عن ابی عبدالله (ع) قال : کان اءبی (ع) یقول : خمس دعوات لایحجبن عن الرب تبارک و تعالی :

دعوۀ الامام المقسط، و دعوۀ المظلوم یقول الله عزوجل لانتقمن لک و لو بعد حین و دعوۀ الولد الصالح لوالدیه و دعوۀ الوالد الصالح لولده و دعوۀ المؤ من لاءخیه بظهر الغیب فیقول : ذلک مثله . (۲۲۹)

امام صادق (ع) فرمود: پدرم می فرمود: پنج دعاست که از درگاه پروردگار تبارک و تعالی محجوب نگردد، و پرده و حایلی نیست که جلویش را بگیرد:

۱. دعای امام عادل .

۲. دعای ستمدیده ، که خدای عزوجل می فرماید: هر آینه حتما به خاطر تو انتقام می کشم ، هر چند بعد از مدتی باشد.

۳. دعای فرزند صالح و نیکوکار برای پدر و مادر.

٤. دعای پدر و مادر صالح برای فرزندش .

٥. دعای مؤ من برای برادرش در پشت سر او، که خدا می فرماید: بر تو باد، مانند آن !

توضیح موارد فوق :

O دعای امام عادل

قال رسول الله (ص): خیار اءئمتکم الذین تحبونهم و یحبونکم و تصلون علیهم و یصلون علیکم و شرار اءئمتکم الذین تبغضون و یبغضون و تلغنونهم و یلغونهم . (۲۳۰)

رسول خدا (ص) فرمود: بهترین پیشوایان شما، کسانی هستند که آنان را دوست دارید و آنان نیز شما را دوست دارند، شما آنان را دعا کنید و آنان نیز شما را دعا کنند. و بدترین پیشوایان شما، کسانی هستند که آنان را دشمن دارید و آنان نیز شما را دشمن دارند، آنان را نفرین کنید، آنان هم شما را نفرین کنند.

O دعای ستمدیده

عن ابی عبدالله قال : قال رسول الله (ص): ایاکم و دعوۀ المظلوم فانها ترفع فوق السحاب حتی ینظر الله عزوجل الیها فیقول : ارفعوها حتی اءستجیب له و ایاکم و دعوۀ الوالد فانها اءحد من السیف .

امام صادق (ع) فرمودند: از دعای ستمدیده و مظلوم بترسید؛ زیرا از ابرها و پرده های مانع از دعا بالا می روند، تا خدای عزوجل در آن بنگرد، و می فرماید: آن را بالا ببرید، تا برای او اجابت کنم . و بپرهیزید از نفرین پدر، که آن از شمشیر برنده تر است . (۲۳۱)

عن ابی عبدالله (ع) قال : کان ابی (ع) یقول : اتقوا الظلم فان دعوۀ المظلوم تصعد الی السماء . (۲۳۲)

حضرت صادق (ع) فرمود: پدرم می فرمود: از ظلم و ستم بپرهیزید، زیرا دعای ستمدیده به آسمان بالا رود.

قال رسول الله (ص): اتق دعوۀ المظلوم فانها یساءل الله تعالی حقه و ان الله لایمنع ذا حق حقه . (۲۳۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: از دعای مظلوم بپرهیزید، زیرا او به وسیله ی دعا، حق خویش را از خدا می خواهد، و خدا هم حق را از حق دار دریغ نمی دارد.

قال رسول الله (ص): اتقوا دعوۀ المظلوم و ان کان کافرا فانها لیس دونها حجاب . (۲۳٤)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: از نفرین مظلوم بپرهیزید، اگر چه کافر باشد؛ زیرا در برابر نفرین مظلوم ، پرده و مانعی نیست .

قال رسول الله (ص): دعوۀ المظلوم مستجابۀ و ان کان کافرا ففجوره علی نفسه . (۲۳۵)

پیامبر اکرم (ص): فرمود: دعای ستمدیده پذیرفته است ، اگر چه بدکار باشد؛ پس بدکاری او مربوط بخودش است .

قال رسول الله (ص): ثلاثۀ لایرد الله دعائهم : الذاکر الله کثیرا و المظلوم و الاءمام .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: سه کس هستند که خدا دعایشان را رد نمی کند:

۱. آن که بسیار یاد خدا می کند؛ ۲. ستمدیده ؛ ۳. پیشوای دادگر.

عن ابی عبدالله (ع) قال : اءوحی الله الی نبی من انبیائه فی مملکهٔ جبار من الجبائرهٔ اءن ائت هذا الجبار فقل له : انی لم اءستعملک علی سفک الدماء و اتخاذ الاءموال و انما استعملتک لتکف عنی اصوات المظلومین فانی لم اءدع ظلامتهم و ان کانوا کفارا. (۲۳٦)

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت می کند: خداوند در زمان پادشاه ستمکاری به یکی از پیامبرانش وحی نمود که : به این مرد ستمگر بگو: من تو را برای خونریزی و چپاولگری به این مقام و منصب نرساندم ، بلکه تو را فقط به این منظور به این مقام رساندم که از ظلم و ستم جلوگیری نموده ، نگذاری فریاد ستمدیده یی به سوی من بلند شود؛ چه اینکه من از ستمدیدگان دفاع و طرفداری خواهم کرد، هر چند کافر باشد.

عن ابی هریرهٔ عن النبی (ص) انه قال : دعوهٔ المظلوم مستجابهٔ و ان کانت من فاجر مخوف علی نفسه . (۲۳۷)

از ابی هریرهٔ نقل شده است : پیامبر (ص) فرمود: نفرین ستمدیده مستجاب است ، هر چند از شخص نابکاری باشد که بر جان خود رحم نمی کند.

در تاریخ ثبت است که ، یکی از فرعونیان گوشواره یی از گوش دختری از بنی اسرائیل کشید، گوش دختر خونی شد. دختر سر بلند کرد و گفت : یا الله ! تو می بینی . برای همین آه ، خدا مهلت را از قوم فرعون برداشت .

در حالات یکی از سلاطین ایران نوشته اند که ، شبی خوابش نمی برد، با خود گفت : شاید آه مظلومی عقب سر من باشد. لباس مبدل پوشید و بیرون آمد و گردش می کرد، تا ناله ی مظلومی را بشنود. از درون مسجدی ناله یی شنید که می گوید: ای خدا! تلافی کن از سلطان ! سلطان داخل مسجد شد و گفت : من شاه هستم . بگو چه ظلمی در حق تو شده است . مرد گفت : یکی از لشکریانت هر شب می آید با زور به همسرم تجاوز می کند. شاه به درون خانه ی آن مرد رفت ، چراغ را خاموش کرد و آن فرد ظالم و متجاوز را کشت . پس از روشن شدن چراغ ، پادشاه سجده ی شکر به جا آورد. صاحبخانه سؤ ال کرد: چرا چراغ را خاموش کردی ؛ و برای چه سجده ی شکر به جا آورد؟ گفت : برای این چراغ را خاموش نمودم ، که اگر پسرم هم باشد، او را بکشم ؛ و سجده ی شکر نیز برای این بود که دیدم پسرم نیست . (۲۳۸)

O دعای فرزند صالح برای پدر و مادرش

من اعظم الناس حقا علی الرجل قال (ص) والداه . (۲۳۹)

بزرگترین حق مردم بر انسان ، حق کیست ؟ حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: حق پدر و مادرش .

حضرت ابراهیم (ع) برای پدر و مادرش دعا می کند:

ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤ منین یوم یقوم الحساب (۲٤۰)

پروردگارا! من و پدر و مادرم همه مؤ منان را، روزی که حساب بر پا می شود، بیامرز!

و نیز حضرت نوح برای پدر و مادرش دعا می کند:

رب اغفرلی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤ منا و للمؤ منین و المؤ منات و لاتزد الظالمین الاتبارا . (٢٤١)

پروردگارا! مرا بیامرز، و همچنین پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه می شدند و جمیع مردان و زنان باایمان را، و ظالمان را جز هلاکت نیفزا!

معمر بن خلاد می گوید: به امام هشتم (ع) عرض کردم :

ادعوا لوالدی اذا کانا لایعرفان الحق قال ادع لهما و تصدق منهما و ان کانا حیین لایعرفان الحق فدارهما فان رسول الله (ص) قال ان الله بعثنی بالرحمۀ لابالعقوق . (٢٤٢)

آیا برای پدر و مادرم دعا کنم ، با آنکه عارف به حق امامت نیستند؟ فرمود: آری ! دعا کن ، و از جانب آنان صدقه بده ، و اگر آنان عارف به حق نیستند، پس با ایشان مدارا کن ؛ زیرا پیامبر (ص) فرمود: خداوند مرا به رحمت مبعوث گردانید، نه به عقوق ؛ یعنی نافرمانی پدر و مادر و آزار دادن به آنها.

O دعای پدر و مادر صالح در حق فرزند

قال رسول الله (ص): دعاء الوالد لولده کدعاء النبی لاءمته . (٢٤٣)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دعایی که پدر برای فرزند کند، مانند دعاییست که پیغمبر برای امت خود می کند.

قال رسول الله (ص): ثلاث دعوات مستجابات لاشک فیهن دعوۀ المظلوم و دعوۀ المسافر و دعوۀ الوالد علی ولده . (٢٤٤)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: سه دعا بدون شک مستجاب می شود: ۱. دعای ستمدیده ؛ ۲. دعای مسافر؛ ۳. نفرین پدر در حق فرزند.

قال الله تبارک و تعالی و تعالی فی القرآن الکریم : قال رب اءوزعنی اءن اشکر نعمتک التی اءنعمت علی و علی والدی و اءن اعمل صالحا ترضه و اءصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و نی من المسلمین . (۲۴۵)

خداوند در قرآن می فرماید: این انسان لایق و با ایمان هنگامی که به سن چهل سالگی رسید، سه چیز از خدا تقاضا می کند:

۱. پروردگارا! به من الهام بده و توفیق ببخش ، تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشتی ، به جا آوردم !

۲. خداوندا! به من توفیق بده تا عمل صالح به جا آوردم ؛ عملی که تو از آن خشنود باشی !

۳. خداوندا! اصلاح و رستگاری را در فرزندان و دومان من تداوم بخش !

نکته ی جالب توجه در این آیه آن است که ، حضرت در دعای اول ، پدر و مادرش را شریک می کند، در دعای دوم برای خود دعا می کند، و در دعای سوم ، فرزندان را.

آقا احمد، نواده ی وحید بهبهانی در کتاب مرآت الاحوال می نویسد:

از بعضی ثقات شنیدم که ، آخوند ملا محمد تقی مجلسی نقل کرده : در شبی از شب ها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال ، خود را به حالتی دیدم که دانستم هر چه از درگاه احدیت تقاضا کنم ، البته به اجابت مقرون و عنایت خواهد شد؛ و فکر می کردم که چه از

خدا بخواهم : امر دنیوی یا اخروی ؟ ناگاه ! صدای گریه محمد باقی مجلسی از گهواره بلند شد. من گفتم : الهی ! به حق محمد و آل محمد (ص)، این طفل را مروج دین و ناشر احکام سید المرسلین قرار بده ، و او را به توفیقات بی نهایت خود موفق کن !

پس آقا احمد می گوید: مسلم است که این خارق عادات که از آن بزرگوار به ظهور رسیده ، نیست ، مگر از دعای پدر بزرگوارش . (٢٤٦)

بنابراین یکی از حقوقی که پدر و مادر بر فرزندان دارند، این است که در حال حیات و ممات ، برای آنها دعا کنند. پیامبران و ائمه ی معصومین و اولیای خدا همواره مردم را نسبت به این امر تشویق و ترغیب می کردند. ترغیب نمودن و عمل کردن این بزرگواران نشان می دهد که دعای فرزند صالح و نیکوکار در حق پدر و مادرش مستجاب است ، و نیز دعای پدر و مادر صالح در حق فرزندش ؛ وگرنه ، سخن آنان لغو و بیهوده خواهد بود، و این لغو گویی ، از ساحت مقدس آنان به دور می باشد؛ چه اینکه ما عقیده داریم سخن امام ، سخن پیامبر، و سخن پیامبر، سخن خداست ، و خداوند هم حکیم است و کار بیهوده و بی فایده از او سر نمی زند.

O دعای غایبانه ی مؤ من در حق برادر دینی

عن غیر واحد من اصحابنا عن اءبی عبدالله (ع) قال : من قدم اربعین رجلا من اخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه اءستجیب له فیهم و لی نفسه . (٢٤٧)

گروهی از اصحاب از امام صادق (ع) روایت می کنند که ، آن حضرت فرمود: کسی که قبلا درباره ی چهل نفر از برادران دینی خود دعا کند، سپس در حق خود دعا نماید، دعای او هم درباره ی خودش مستجاب می شود.

عن ثویر قال : سمعت علی بن الحسین (ع) یقول : ان الملائکۀ اذا سمعوا المؤ من یدعو لاءخیه المؤ من بظهر الغیب او یذکره بخیر قالوا: نعم الاءخ انت لاءخیک تدعوله بالخیر و هو غائب عنک و تذکره بخیر قد اءعطاک الله عزوجل مثلی ما ساءلت له و اءثنی علیک مثلی ما اءثنیت علیه ، ولک الفضل علیه . (۲٤۸)

ثویر می گوید: شنیدم امام سجاد (ع) می فرماید: به درستی که ملائکه هر وقت بشنوند مؤ منی در حق برادر مؤ منش غایبانه دعا می کند یا اینکه خوبی او را می گوید، خواهد گفت : تو خوب برادری برای برادر خود هستی ! با اینکه او از تو غایب و دور است ، خوبی وی را می گویی و در حقش دعای خیر می کنی . خداوند عزوجل هم دو برابر آنچه برای او خواستی ، به تو داد، و نیز دو برابر آنچه برای او ستایش کردی ، تو را ستود؛ و فضیلت و برتری تو بر او بیشتر است .

عن ابن اءبی عمیر عن بعض اءصحابه قال : کان عیسی بن اءعین اذا حج فصار الی الموقف اءقبل علی الدعاء لاءخوانه حتی یفیض الناس فقیل له : تنفق مالک و تتعب بدنک حتی اذا صرت الی المواضع الذی یبث فیه الحوائج الی الله اءقبلت علی الدعاء لاءخوانک و تترک نفسک ؟ فقال : انی علی یقین من دعاء الملک لی و فی شک من الدعاء لنفسی . (۲٤۹)

بعضی از یاران ابن اءبی عمیر می گویند: عادت عیسی بن اعین چنین بود، همین که به حج می رفت و به موقف عرفات می رسید، تمام همتش این بود که درباره ی برادران ایمانی خود آن قدر دعا کند، که وقت بگذرد و مردم از موقف خارج شوند. کسی او را سرزنش کرد که : آیا سزاوار است این همه مال خرج کنی و این اندازه بدنت را رنج دهی و به زحمت اندازی ، همین که می رسی به جایی که باید حوایج خود را از خدا بخواهی ، به یاد برادران خود باشی و در فکر خودت نباشی ؟ در پاسخ گفت : من اگر برادرانم را دعا کنم و فرشتگان برای من دعا کنند، مطمئنا دعای فرشتگان درباره ی من مستجاب خواهد شد؛ اما اگر برای خود دعا کنم ، چندان اطمینانی به اجابتش ندارم .

عن مسعدۀ بن صدقه عن ابی عبدالله (ع) قال : ان دعاء الاءخ المؤ من لاءخیه بظهر الغیب مستجاب و یدر الرزق و یدفع المکروۀ . (۲۵۰)

امام صادق (ع) به مسعدۀ فرمود: همانا دعای غایبانه یی که برادر در حق برادر غایب خود کند، مستجاب است ، و روزی را فراوان می کند و ناگواری را دفع می کند.

احمد بن فهد - فی عدۀ الداعی - قال : روی ان الله قال لموسی : اءدعنی علی لسان لم تعصنی به قال : یا رب اءنی لی بذلک ؟ قال : ادعنی علی لسان غیرک . (۲۵۱)

احمد بن فهد می گوید: از پیغمبر اکرم (ص) روایت شده است که ، خدا به موسی فرمود: دعا کن و بخوان مرا، با زبانی که با آن گناه نکرده باشی . موسی (ع) گفت : چه گونه توانم چنین کنم ؟ خدا گفت : مرا به

زبان دیگران دعا کن (یعنی از دیگران بخواه که در حق تو دعا کنند، یا کاری کن که دیگران دعاگوی تو باشند).

قال رسول الله (ص): لیس شی ء اءسرع اجابۀ من دعوۀ غائب لغائب . (۲۵۲)

رسول خدا (ص) فرمود: هیچ دعایی زودتر به اجابت نمی رسد، از دعای شخص غایبی که برای غایب دیگری کند.

قال رسول الله (ص): دعاء الاخ لاءخیه بظهر الغیب لایرد . (۲۵۳)

رسول خدا (ص) فرمود: دعایی که برادر پشت سر برادر خود کند، رد شدنی نیست .

قال رسول الله فرمود: دعوتان لیس بینهما و بین الله مجاب دعوۀ المظلوم و دعوۀ المرء لاءخیه بظهر الغیب . (۲۵٤)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو دعاست که میان آن و خدا پرده یی نیست :

۱. دعای ستمدیده .

۲. دعایی که مرد پشت سر برادر خود کند.

قال رسول الله (ص) - دعاء المرء المسلم مستجاب لاءخیه بظهر الغیب عند راءسه ملک موکل به کلما دعا لاءخیه بخیر قال الملک : آمین و لک بمثل ذلک . (۲۵۵)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دعای مرد مسلمان که پشت سر برادر خود کند، پذیرفته می شود؛ و بر سر او فرشته یی موکل است ؛ هر زمان برای برادر

خود دعایی کند، می گویند: پذیرفته باد برای تو، و برای تو نیز نظیر آن باشد!

دعای نکوئی دیده برای نکوکار

قال رسول الله (ص): دعاء المحسن اليه للمحسن لايرد . (٢٥٦)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دعایی که نیکویی دیده ، برای نیکوکار کند، رد شدنی نیست .

دعای زائر کعبه تا باز گردد

عن ابی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص): اربعۀ لاترد لهم دعوۀ حتی تفتح لهم ابواب السماء و تصير الی العرش الوالد لوالده و المظلوم علی من ظلمه و المعتمر حتی يرجع و الصائم حتی يفطر . (٢٥٧)

از امام صادق (ع) نقل است که پیامبر (ص) فرمود: چهار کس هستند که دعایشان باز نمی گردد، تا آنکه درهای آسمان برای آنها باز شود و به عرش رسند.

١. دعای پدر برای فرزندش .

٢. دعای مظلوم بر آن که به او ستم کرده .

٣. دعای عمره کننده ، تا به وطن باز گردد.

٤. دعای روزه دار، تا وقتی افطار کند.

دعای جهاد رونده تا برگردد

قال رسول الله (ص): خمس دعوات يستجاب لهن : دعوة المظلوم حتى ينتصره و دعوة الحاج حتى يصدر و دعوة الغازى حتى يقفل و دعوة المريض حتى يبراء و دعوة الاخ لاخيه بظهر الغيب و اءسرع هذه الدعوات اجابة دعوة الاخ لاخيه بظهر الغيب . (٢٥٨)

پيامبر اكرم (ص) فرمود: دعاى پنج نفر مستجاب مى شود:

١. دعاى مظلوم ، تا يارى شود.

٢. دعاى زائر كعبه ، تا باز گردد.

٣. دعاى كسى كه به جهاد مى رود، تا به اقامتگاه خود برسد.

٤. دعاى مريض ، تا شفا يابد.

٥. دعاى برادرى كه در غيبت برادرى خود براى او كند. و اين دعا از همه دعاها زودتر مستجاب مى شود.

دعاى اطفال تا وقتى گناه نكردند

عن الرضا (ع) عن آبائه (ع) قال : قال رسول الله (ص) دعاء اطفال اءمتى مستجاب مالم يقار فوا الذنوب . (٢٥٩)

از امام رضا (ع) نقل شده است كه ، از پدران بزرگوارش روايت كند: پيامبر (ص) فرمود: اطفال و كودكان امت من تا وقتى كه دست به گناه نزده باشند، دعايشان مستجاب است .

دعاى روزه دار تا وقتى افطار كند

قال رسول الله (ص): الصائم لاترد دعوته . (٢٦٠)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دعای روزه دار رد نمی شود.

الدعوات للراوندی قال ابوالحسن (ع) دعوۀ الصالم تستجاب عند افطاره و قال : ان لکل صائم دعوۀ و قال : نوم الصالم عبادۀ و صمته تسبیح و دعاؤ ه مستجاب و عمله مضاعف و قال : ان للصائم عند افطاره دعوۀ لاترد . (۲٦۱)

شیخ راوندی در کتاب دعوات می گوید: حضرت ابوالحسن (ع) و (امام کاظم و یا امام رضا) فرمود: دعای روزه دار به هنگام افطار مستجاب است . و فرمود: همانا هر روزه داری حق یک دعا دارد و فرمود: خواب روزه دار عبادت است ، و سکوت او تسبیح و دعایش مستجاب ، و عمل او چند برابر وقت های دیگر ثواب دارد. و فرمود: همانا دعای روزه دار به هنگام افطار برگشت ندارد.

دعای مریض تا شفا یابد

از امام صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود:

من عاد مریضا فی الله لم یسئل المریض للعائد شیئا الا استجاب الله له . (۲٦۲)

هر کس برای خدا بیماری را عیادت کند، بیمار برای عیادت کننده چیزی را در خواست نمی نماید، جز اینکه خداوند دعای او را در حق عیادت کننده مستجاب کند.

قال رسول الله (ص): عودوا المریض و مرو هم فلیدعوا لکم فان دعوۀ المریض مستجابۀ و ذنبه مغفور . (۲٦۳)

رسول خدا (ص) فرمود: بیماران را عیادت کنید و به ایشان بگویید که برای شما دعا کنند؛ چه اینکه دعای بیمار، مستجاب ، و گناه او آمرزیده است .

قال رسول الله (ص): اغتنموا دعوة المؤ من المبتلی . (٢٦٤)

رسول خدا (ص) فرمود: دعای مؤ من مبتلا را غنیمت شمارید.

قال الصادق (ع): من قدم اءربعین من المؤ منین ثم دعا استجیب . (٢٦٥)

هر کس چهل مؤ من را در دعا کردن بر خود مقدم بدارد، سپس برای خود دعا کند، دعای او اجابت می شود.

چهار موجود صدای مردمی را که درباره ی آنها دعا می کنند، می شنوند

١. پیغمبر؛ ٢. حورالعین ؛ ٣. بهشت ؛ ٤. دوزخ .

هر کس برای پیغمبر (ص) درود بفرستد یا به او سلام کند، صدایش به آن جناب می رسد. هر کس گوید: خدایا! حورالعین به من ترویج کن ! آنها صدایش را می شنوند و می گویند: پروردگارا! فلان شخص از ما خواستگاری کرده . ما را به وی تزویج نما! هر کس دعا کند: خدایا! مرا وارد بهشت کن ! بهشت صدایش را می شنود و می گوید: خدایا! او را در من مسکن ده ! و هر کس از آتش به خدا پناه ببرد، جهنم می گوید: خدایا! پناهش بده ! (٢٦٦)

O غلام و چهار دعای مستجاب

در زمان منصور بن عمار (که از زمره ی عارفان و اهل باطن بود) ثروتمندی مجلس معصیتی آراست . چهار درهم برای خرید وسایل پذیرایی به غلامش داد و او را روانه بازار کرد. غلام در بین راه از مجلس منصور بن عمار گذشت . گفت : بایستم و گوش فرا دهم که منصور بن عمار چه می گوید؟ شنید منصور برای فردی تهیدست از مجلسیان خود چیزی طلب می کند و می گوید: کیست که چهار درهم انفاق کند، تا چهار دعا در حق او کنم ؟

غلام پیش خود گفت : چیزی بهتر از این نیست که چهار درهم را به جای خرید طعام و شراب برای اهل معصیت ، به او دهم تا در حق من چهار دعا کند. چهار درهم را به منصور پرداخت و گفت : چهار دعا در حق من کن ! منصور گفت : به چه اموری نسبت به تو دعا کنم ؟ دعایت را بیان کن ! گفت : اول دعا کن که خدا مرا از اسارت بندگی نسبت به اربابم آزاد کند؛ دوم آنکه ، به خواجه ی من توفیق تو به عطا فرماید؛ سوم آنکه عوض این چهار درهم انفاق شده را به من عطا کند؛ چهارم آنکه ، مرا و خواجه ام و اهل مجلس خواجه ام را مورد آمرزش قرار دهد. منصور چهار دعا کرد و غلام با دست تهی به سوی خواجه باز گشت . خواجه گفت : کجا بودی ؟ غلام گفت : ای خواجه ! چهار درهم دادم و چهار دعا خریدم . خواجه گفت : چهار دعا کدام است ؟ غلام گفت : دعای اول اینکه از قید بندگی آزاد شوم . خواجه : تو در راه خدا آزادی . دوم آنکه تو ای خواجه ! توفیق توبه از گناه یابی . خواجه گفت : توبه کردم . سوم آنکه خدا عوض چهار درهم را به من عطا فرماید. خواجه چهار درهم را به او عطا کرد. چهارم آنکه خدای مهربان

من و تو و اهل آن مجلس را بیامرزد. خواجه گفت : آنچه بر عهده ی من بود، به جا آوردم ؛ آمرزش من و تو و اهل مجلس از عهده ی من بیرون است . خواجه شبانه در عالم رؤ یا صدای هاتفی را از جانب حق شنید: ای بنده ! تو با این فقر و مسکنت به وظیفه ی خود رفتار کردی ، حاشا به کرم ما، که با وجود کرم بی پایان ، به وظیفه ی خود عمل نکنیم ، ما تو و غلامت و تمام اهل مجلس را آمرزیدم . (۲٦۷)

اگر دعایتان مستجاب شد، مواظب چهار حالت باشید

اول : عجب و تکبر نکنی ، و نگویی معلوم می شود من آدم خوبی هستم که دعایم مستجاب شد؛ زیرا عجب و خود پسندی باعث فساد عمل و غلبه شیطان می گردد.

دوم : شکر و حمد خدا نمایی که ، تفضل کرد بر تو، به اجابت دعایت ؛ بلکه مستجب است و دو رکعت نماز شکر به جا آوری .

سوم : همین که دعای تو مستجاب شد، ترک دعا نکنی و باز به در خانه ی خدا بروی ، تا بیگانه و غریب نشوی و در وقت حاجت خواستن دوباره آشنا باشی . ابی بصر در ضمن حدیثی ، از امام رضا (ع) روایت می کند که ، امام باقر (ع) می فرمود: خوب است بنده ی مؤ من در حال آسایش به اندازه ی اوقات گرفتاری و ناراحتی دعا کند، نه اینکه تا حاجتش روا شد، در دعا کردن سست شود؛ متوجه باشی مبادا از دعا کردن ملول و خسته شوی . زیرا دعا را نزد خداوند مکانت و منزلتی بس عظیم است . (۲٦۸)

چهارم : اگر دعایت مستجاب شد، بترس از اینکه شاید صدایت مبغوض بوده و زود حاجتت را داده اند و از درگاه خود تو را رانده اند؛ و در حقیقت ، این استجابت مکری درباره ی تو بوده است .

مضطر چه کسیست ، و آیا خداوند دعای مضطر را اجابت می کند؟

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

اءمن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء . (۲۶۹)

آیا بت ها بهترند، یا آن که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می رساند و رنج و غم آنان را برطرف می سازد!

فاذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجیهم الی البر اذاهم یشرکون . (۲۷۰)

هنگامی که بر کشتی سوار می شوند، خدا را با توجه و اخلاص کامل می خوانند و غیر او از نظرشان محو می شود، اما هنگامی که آنها را از طوفان و گرداب نجات و رهایی می بخشد و به ساحل و خشکی می رساند، باز مشرک می شوند.

اگر چه خداوند دعای همه را هر گاه شرایطش جمع باشد، اجابت می کند، ولی در آیات فوق ، بخصوص روی عنوان مضطر تکیه شده است ، به این دلیل که ، یکی از شرایط اجابت دعا آن است که ، انسان به حال اضطرار و درماندگی بیفتد و تمام درهای عالم اسباب به روی بسته شود و خواستن واقعا در وجودش پیدا گردد و دست او از زمین و زمان کوتاه شود و کارد به استخوانش رسد و تمام قلب و روحش را در اختیار خدا قرار دهد، همه چیز را از او بداند و حل هر مشکلی را به دست او ببیند.

خداوند در قرآن می فرماید: ان مع العسر یسرا ثم ان مع العسر یسرا ! یعنی : با دشواری ، آسانیست ؛ همانا با دشواری آسانیست .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هرگاه صبر آدمی تمام شد، نوبت فرج و گشایش می شود. حضرت علی (ع) فرمود: نزدیکترین مردم به اجابت ، کسیست که مضطر باشد، به نوعی که ناچار گردد از خدا سؤ ال کند، و بخصوص هنگامی که دیگر نتواند بر بلا و فقر و مصیبت صبر کند. (۲۷۱)

امام صادق (ع) فرمود: اذا اءضیف البلاء الی البلاء کان من البلاء عافیۀ (۲۷۲)

هر گاه بلایی اضافه شود، از آن بلا عافیت خواهد بود.

۱. زنی خدمت امام صادق (ع) آمد و غرض کرد: پسرم مدتیست به سفر رفته ، و من بسیار شوق لقای او را دارم . شما دعا کنید که بیاید! آن حضرت فرمود: ای زن ! صبر کن ! چند روزی صبر کرد. دوباره شرفیاب شد و عرض کرد: دعا کنید! آن حضرت فرمود: صبر را پیشه کن ! آن زن باز چند روز دیگر صبر کرد، و بار دیگر آمد و عرض کرد: دعا کنید بیاید، زیرا نیامدنش طول کشیده . آن حضرت فرمود: مگر نگفتم صبر کن ! عرض کرد: چه قدر صبر کنم ! دیگر نمی توانم صبر نمایم . آن حضرت فرمود: به خانه ی خود باز گرد، که فرزندت پس از ساعتی خواهد آمد. چون آن زن به خانه ی خویش بازگشت ، فرزندش از سفر آمد. آن زن با کمال خوشنودی و خرسندی خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: یا بن رسول الله (ص)! آیا بعد از پیغمبر، به شما وحی نازل می شود؟ فرمودند: آنچنان که تو در نظر داری ، وحی نازل نمی شود، ولیکن

رسول خدا (ص) فرموده : هر گاه صبر آدمی تمام شود، نوبت فرج و گشایش می شود. و چون تو گفتی دیگر نمی توانم صبر نمایم ، دانستم که خدای تعالی فرج و گشایش به تو عنایت خواهد فرمود به آمدن فرزندت (۲۷۳) .

۲. پیرزنی نزد جنید آمد (۲۷٤) و گفت : تنها پسرم به سفر رفته است . از او بی خبر هستم . بیش از این دیگر نمی توانم در فراق او صبر نمایم . جنید گفت : علیك بالصبر؛ بر تو باد به صبر کردن ! پیر زن خیال کرد منظور از صبر، داروی صبر است . (۲۷۵) به بازار رفت و مقداری داوری صبر خرید، و به خانه آورد و آن را در آب حل کرد و خورد؛ دهانش سوخت ، و معده اش از شدت تلخی اش زخم شد. با پریشانی و اضطراب نزد جنید آمد و گفت : صبر را خوردم . جنید گفت : به تو گفتم صبر کن ، نه اینکه صبر را بخوری . پیرزن وقتی این سخن را شنید، پریشانی اش بیشتر شد و بر سر و صورتش زد. جنید دست به آسمان بلند کرد و دعا نمود، سپس به او گفت : به خانه ات برو، که پسرت از سفر باز گشته است . پیرزن به خانه بازگشت ، دید پسرش آمده ، و خرسند شد. سپس نزد جنید آمد و گفت : تو از کجا فهمیدی که پسرم از سفر باز گشته است ؟

جنید گفت : وقتی که اضطراب و پریشانی شدید تو را دیدم ، دانستم که دعایت به اجابت می رسد، زیرا خداوند در قرآن می فرماید: امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء. برای تو که مضطر و درمانده بودی ، دعا کردم ، و اطمینان داشتم که دعای مضطر اجابت می شود.

قال علی (ع): عند تناهی الشدۀ تکون الفرجۀ و عند تضایق خلق البلاء یکون الرخاء . (۲۷٦)

امیر المؤ منان علی (ع) می فرماید: چون سختی ها به آخرین درجه ی شدت برسد، گشایش و فرج نزدیک است ؛ و هنگامی که حلقه های بلا و مصیبت تنگ شود، نوبت آسانی فرا می رسد.

ای دل ! صبور باش و مخور غم ، که عاقبت این شام ، صبح گردد و این شب ، سحر شود

صبر و ظفر، هر دو از دوستان قدیمند بر اثر صبر، نوبت ظفر آید

جناب آقای محمد حسین رکنی نقل کرد که : در سال ٤٢ با خانواده و فرزند به مشهد مشرف شدیم . روزی بعدازظهر به حرم رفتیم و من در صحن نو منتظر بیرون آمدن خانواده و فرزندم بودم . آمدنشان طول کشید، تا اینکه خانواده پریشان و گریان رسید و گفت : بچه (شش ساله بود.) را گم کردم . هر چه تفحص نمودم ، او را نیافتم . به ماءمورین حرم و صحن خبر دادم و کلانتری رفتیم . من به حضرت رضا (ع) عرض کردم : هر چه باشد، مهمان شما هستیم . پیش از آنکه شب شود، بچه را به من برسانید! چند مرتبه در فلکه ی دور صحن گردش کردم و سمت بالا و پایین خیابان ، هر چه پاسبان می دیدم ، سفارش می کردم تا اینکه مغرب شد. متوجه حضرت رضا (ع) شدم و عرض کردم : آقا! شب شد. چه کنم ؟ به فلکه ی بالا خیابان آمدم . در اثر خستگی از ایستادن ، دو دستم را روی نرده ی آهنی که جلوه راه گذاشته بودند تا پیاده از آن راه نرود، قرار دادم ، ناگاه ! دستم لغزید و پایین آمد روی پسر بچه یی که آنجا نشسته بود و من او را ندیده بودم . بچه ناله کرد. سربلند نمود، دیدم فرزندم است . معلوم شد که بچه در اثر خستگی و ترس ، لای نرده آهنی نشسته و به جاده نگاه می کرد. (۲۷۷)

دعای چه کسانی مستجاب نمی شود؟

عن مسعدۀ بن زیاد عن ابی عبدالله (ع) قال ، قال رسول الله (ص): اءصناف لایستجاب لهم : منهم من اءدان رجلا دینا الی اءجل فلم یکتب علیه کتابا و لم یشهد علیه شهودا. و رجل یدعو علی ذی رحم و رجل تؤ ذیه امراءته بکل ماتقدر علیه و هو فی ذلک یدعو الله علیها و یقول : اللهم ارحمنی منها فهذا یقول الله تعالی له : عبدی اءرما قلدتک اءمرها فان شئت خلیتها و ان شئت اءمسکتهاو رجل رزقه الله تعالی مالا ثم اءنفقه فی البر و التقوی فلم یبق له منه شی ء و هو فی ذلک یدعو الله اءن یرزقه فهذا یقول الرب له : اءلم اءرزقک فاءغنیک اءفلا اقتصدت لم تسرف ؟ انی لا احب المسرفین و رجل قاعد فی بیته و هو یدعوا الله اءن یرزقه لا یخرج و لایطلب من فضل الله کما امره الله فهذا یقول الله له : عبدی انی لم اءحظر الدنیا علیک و لم اءرمک فی جوار حک و ارضی و اسعۀ اءفلا تخرج و تطلب الرزق فان حرمتک عذرتک و ان رزقتک فهو الذی ترید (۲۷۸) .

مسعدۀ بن زیاد از امام صادق (ع) روایت می کند که ، پیغمبر (ص) فرمود: چند صنفند که دعایشان مستجاب نمی شود:

۱. کسی که به دیگری مالی قرض داده است به مدت معینی ، نه از او قبض گرفته و نه بر وی گواه گرفته باشد.

۲. مردی که خویشاوندی خود را نفرین کند.

۳. مردی که زنش او را به هر اندازه یی که می تواند اذیت و آزار می نماید، و او در عوض ، زن خود را نفرین می کند و می گوید: خدایا! مرا

از دست او راحت کن ! خدا به چنین کسی خواهد گفت : بنده ی من ! اختیار او را به دست تو دادم . اگر خواستی ، رهایش کن ، و اگر خواستی ، وی را نگه دار.

٤. مردی که خدا به او مال داد، و در نیکی و تقوا و راه خیر انفاق کرد، و چیزی برایش نماند. او در این باره دعا می کند که ، خدا به وی روزی دهد. خدا به چنین شخصی خواهد گفت : آیا به تو روزی ندادم و بی نیازت نکردم ؟ پس چرا اقتصاد و میانه روی نکردی ؟ پس چرا اقتصاد و میانه روی نکردی ؟ چرا اسراف و زیاده روی نمودی ، با اینکه من اسراف کنندگان را دوست ندارم ؟

٥. مردی که در خانه نشسته ، دعا می کند که خدا روزی اش را برساند، نه از خانه بیرون آمده ، و نه در پی فراهم کردن روزی برخاسته ، آنچنان که خدا امرش کرده است . چنین کس خدا به او خواهد گفت : بنده ی من ! من که دنیا را بر تو تنگ نگرفتم ، اعضا و جوارحت را صحیح و سالم قرار دادم . پس چرا در طلب رزق و روزی بیرون نمی روی ؟ تو برو، اگر از روی محرومت کردم ، عذر را خواهم پذیرفت ، و اگر روزی ات دادم ، خواسته ات برآورده است .

عن محمد بن حماد الحارثی عن ابی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله : خمسۀ لایستجاب لهم رجل جعل الله بیده طلاق امراته فهی تؤ ذیه و عنده مایعطیها و لم یخل سبیلها و رجل آبق مملوکۀ ثلاث مرات و لم یبغه و رجل مر یحائط مائل و هو یقبل الیه و لم یسرع المشی حتی سقط علیه و رجل اءقرض رجلا مالا فلم یشهد علیه و رجل جلس فی بیته و قال : اللهم ارزقنی و لم یطلب . (٢٧٩)

پسر حماد حارثی از امام صادق (ع) روایت می کند که پیغمبر (ص) فرمود: دعا و نفرین پنج دسته مستجاب نشود:

۱. مردی که اختیار طلاق زنش را خدا به دست او داده ، با اینکه زنش او را آزار و اذیت می کند و توانایی دادن مهرش را نیز دارد، و رهایش نمی کند.

۲. کسی که سه بار بنده اش فرار کند، و وی را نفروشد.

۳. کسی که با توجه به کج بودن دیواری ، رو به سویش نموده و سریع از کنار آن نگذرد، و در نتیجه ، دیوار بر او فرود آید.

٤. مردی که مال خود را به قرضی داده باشد، و گواه نگرفته باشد.

٥. مردی که در خانه نشسته و بگوید. خدایا! به من روزی بده ؛ و در پی روزی نرود.

عن ابی عبدالله قال : اربعۀ لاتستجاب لهم دعوۀ :

رجل جالس فی بیته یقول : اللهم ارزقنی فیقال : الم آمرک بالطلب ؟ و رجل کانت به امراۀ فدعا علیها فیقال له : اءلم اءجعل اءمرک الیک ؟ رجل کان له مال فاسدها فیقول : اللهم ارزقنی فیقال له : الم آمرک بالاقتصاد؟ الم آمرک بالصلاح ؟ ثم قال والذین اذا انفقوا یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما (۲۸۰) و رجل کان له مال فاءدانه بغیر بینۀ فیقال له : الم آمرک بالشهادۀ ؟ (۲۸۱)

امام صادق (ع) فرمود: چهار کس هستند که دعایشان به اجابت نمی رسد:

۱. مردی که در خانه ی خود نشسته و بگوید: خدایا! به من روزی بده ؛ و در پی روزی نرود. پس به وی گفته می شود: آیا به تو دستور ندادم که به جست وجوی روزی برو؟

۲. مردی که زنی دارد و بر او نفرین کند. به او گفته می شود: آیا کار او را به تو واگذار نکردم ؟ (البته اختیار طلاق و رها کردنش به دست توست ؛ و این در صورتیست که از سازش ماءیوس و ناامید شده و وظیفه را جدایی می بینند، با این وضع طلاق نمی دهد و نفرین می کند.)

۳. مردی که مالی دارد، و آن را از بین برده و فاسد کرده و می گوید: خدایا! به من روزی بده ! پس به وی گفته شود: آیا به دستور میانه روی نداده ام ؟ آیا به تو دستور اصلاح مالت را نداده ام ؟ سپس حضرت به این آیه استشهاد کرد، فرمود: و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف نمایند و نه بر خود تنگ گیرند، و میان این دو قسم (اعتدال و میانه روی) باشند.

٤. مردی که مالی را بدون شاهد و گواه به دیگری وام دهد، و سپس به انکار مدیون و بدهکار برخورد کند، و برای دریافت طلبش از مدیون منکر به درگاه خداوند متعال روی آورد و از او استمداد جوید. پس به او گفته می شود: آیا به تو دستور ندادم که هنگام وام دادن گواه بگیری ؟

عن ابی عبدالله قال : رجل یدعو علی جاره و قد جعل الله عزوجل له السبیل الی ان یتحول عن جوارحه و یبیع داره .

در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود: مردی که در همسایه ی بد نفرین کند با اینکه می تواند خانه را بفروشد و خود را خلاص سازد.

قالرسول الله (ص): ثلاثه لا یجیبهم ربک عزوجلرجل نزل بیتا خربا و رجل نزل علی طریق و رجلارسل دابته ثم یدعو الله ان یحسبها. (۲۸۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: سه کس هستند که دعایشان مستجاب نشود:

۱. مردی که در خانه ی ویران جای گیرد.

۲. مردی که کنار راه اقامت گزیند.

۳. مردی که حیوان خود را رها کند، و سپس دعا نماید که خدا آن را نگه

دارد.

قال رسول الله (ص): ثلاثه لا یقبل لهم صلاه و لا ترفع لهم الی السماء حسنه : العبد الابق حتی الی موالیه و المراه الساخط علیها زوجها حتی رضی و السکران حتی یصحو. (۲۸۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: سه کس هستند که دعایشان پذیرفته نمی شود، و کار نیکشان را به آسمان نمی برند:

۱. بنده ی گریزان ، تا نزد صاحب خود باز گردد.

۲. زنی که شوهر از او ناراضی باشد، تا وی را خشنود کند.

۳. مست ، تا هنگامی که به هوش آید.

علل عدم استجابت دعا

۱ گناه ؛ ۲. حرام خوردن ؛ ۳.ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ ٤. شراب و اسباب لهو و لعب و قمار در خانه نگاه داشتن ؛ ٥. مظالم در ذمه داشتن ؛

٦. میل و محبت به دنیا؛ ۷. بی اعتنایی به نماز؛ ۸. منت گذاشتن ؛ ۹. نافرمانی و رنجاندن پدر و مادر؛ ۱۰. باور نداشتن به اجابت دعا؛ ۱۱ اجابت به دعا و صلاح واقعی دعا کننده نیست .

1 O. گناه مانع استجابت دعا می شود.

یکی از آثار سوء گناه ، سلب توفیق دعا در مرحله ی اول ، و جلوگیری از استجابت آن در مرحله ی دوم است . طبق احادیث و روایاتی که از ائمه بزرگوار دین رسیده است ، از عوامل مؤ ثر و خطرناکی که می تواند این نعمت بزرگ را از دست ما بگیرد و ریشه ی ارتباط ما را با خدا قطع کند، و بخصوص اینکه توفیق دعا و توجه به حق را از ما سلب کند، گناه است .

ائمه ی اطهار (علیهم السلام) این حقیقت را در روایات زیادی بیان فرموده اند؛ از آن جمله ، امام صادق (ع) از پدر بزرگوار خویش روایت کرده :

قال : کان ابی یقول : ما من شی ء افسد للقلب من خطیئته ان القلب لیوقع الخطیئته فلا به حتی علیه فتصیر اعلاه اسفله . (٢٨٤)

چیزی بیشتر از گناه ، دل را تباه نمی کند؛ زیرا دل مرتکب گناهی می شود و بر آن اصرار می ورزد، تا وقتی که گناه بر دل چیره می شود و وارونه اش می کند.

و در روایت دیگری فرمود:

اذا اءذنب الرجل خرج فی قلبه نکته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه فلا یفلح بعدها ابدا. (٢٨٥)

هر گاه شخصی گناه کرد، در دلش لکه ی سیاهی برآید. پس اگر توبه کرد، آن لکه پاک می شود، و اگر بر گناه بیفزاید، آن سیاهی افزایش می یابد، تا وقتی که بر دلش چیره گردد، و دیگر رستگار نمی شود.

قال علی (ع):

و ایم الله ما کان قوم قط فی غض نعمه من عیش فزال عنهم الا بذنوب اجترحوها لان الله لیس بظالم للعبید. (۲۸٦)

به خدا سوگند هیچ جمعیتی غرق نعمت نشدند و سپس آن نعمت از آنها سلب نگردید، مگر به خاطر گناهانی که مرتکب شده بودند. سپس امام به قول خدای متعال استناد کرده که ، در قرآن کریم فرمود: لان الله لیس بظالم للعبید؛ زیرا خدا به بندگان خود ستم نمی کند و از افراد شایسته سلب نعمت نمی نماید. یکی از بزرگترین نعمت خدا بر بندگانش ، دعا و نیایش است .

جاء رجل امیرالمومنین (ع) فقال یا امیرالمومنین (ع) انی قد حرمت الصلوه باللیل قال : امیرالمومنین (ع) انت رجل قد قیدتک ذنوبک . (۲۸۷)

مردی خدمت امیرالمومنین شرفیاب شد و عرض کرد: من از خواندن نماز شب محروم هستم . حضرت فرمود: تو مردی هستی که گناهانت تو را گرفتار و مقید ساخته ، و از این رو موفق به نماز شب نمی شوی .

عن ابی عبدالله (ع) قال : ان الرجل یذنب فبحرم صلاۀ اللیل و ان العمل السی ء اءسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم . (۲۸۸)

امام صادق (ع) فرمود: به راستی که شخص مرتکب گناهی می شود، و بر اثر آن ، از نماز شب محروم می گردد. و تاءثیر کار بد در صاحبش ، از تاءثیر کار بد در صاحبش ، از تاءثیر کارد در گوشت بیشتر است .

و الذین اذا فعلوا فاحشۀ او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا الذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله ... . (۲۸۹)

آنان که چون کار ناشایستی کردند یا به خویشتن ستم نمودند، خدا را یاد کنند و برای گناهان خود آمرزش بخواهند، پاداش آنها آمرزش از پروردگارشان است .

وقتی این آیه نازل شد، ابلیس بالای یکی از کوه های مکه که نامش ثور بود. رفت و به فریاد بلند شیاطین خود را طلبید. همگی گردش جمع شده ، گفتند: برای چه ما را خواستی ؟ گفت : این آیه نازل شده . اکنون کدامیک از شما می توانید در برابر آن قیام کنید؟ یکی از آنها گفت : من چنین و چنان می کنم . گفت : تو اهلش نیستی . دیگری برخاسته ، گفت : من به چنین و چنان کنم . گفت تو اهلش نیستی . تا بالاخره ، وسواس الخناس برخاست و گفت : من ابلیس گفت : با چه وسیله یی و چه گونه ؟ گفت : من به آنها وعده می دهم و آرزومندشان می کنم ، تا گناه کنند، و چون گناه کردند، استغفار را از یادشان می برم . ابلیسان گفت : تو اهل این کار هستی . و او را تا روز قیامت به همین کار گمارد. (۲۹۰)

اما در قسمت دوم بحث که اگر توفیق دعا و نیایش هم به انسان دست بدهد، چه گونه مانع استجابت دعا می شود، از بزرگان دین سخنان بسیاری در این زمینه رسیده است . در دعای کمیل می خوانیم : اللهم

اغفرلی الذنوب التی تحبس الدعاء . یعنی : خدایا! بیامرز گناهانی که از دعا را جلوگیری می کند: فاسئلک بعزتک اءن لایحجب عنک دعائی سوء عملی و فعالی . خدایا! از تو می خواهم به عزت خودت ، که بدی کردار و رفتارم مانع دعای من به درگاه تو نگردد.

قال علی (ع): المعصیۀ تمنع الاءجابۀ : علی (ع) فرمود: گناه از اجابت دعا جلوگیری می کند. (۲۹۱)

عن محمد بن مسلم عن اءبی جعفر (ع) قال : ان العبد یسئل الله الحاجۀ فیکون من شاءنه قضاوها الی اءجل قریب او الی وقت بطی ء فیذنب دنبا فیقول الله تبارک و تعالی للملک : لاتفض حاجته و اءحرمه ایاها فانه تعرض لسخطی و استوجب الحرمان منی . (۲۹۲)

محمد بن مسلم از امام (ع) روایت می کند که آن حضرت فرمود: بنده یی حاجت خود را از خدا می خواهد، خداوند هم در نظر دارد که دیر یا زود حاجتش را برآورد، اما هنوز حاجت او برآورده نشده ، این بنده گناهی می کند؛ در این صورت ، خداوند به ملائکه دستور می دهد که : حاجتش را بر نیاورید و از حاجت خود محرومش کنید؛ چون خود را در معرض خشم من قرار داد و شایسته ی محرومیت از فیض من شد.

امیر المؤ منین علی (ع) در روز جمعه خطبه ی بلیغی ایراد فرمود، و در پایان آن خطبه گفت :

یا ایها الناس سبع مصائب نعوذ بالله منها عالم زل و عابد مل و مؤ من خل و مؤ تمن غل و غنی اقل و عزیز ذل و فقیرا عتل .

ای مردم ! هفت مصیبت است که ما از آنها به خدا پناه می بریم : ۱. عالمی که بلغزد؛ ۲. عابدی که از عبادت ملول و خسته گردد؛ ۳. مؤ منی که فقیر شود؛ ٤. امینی که خیانت کند؛ ٥. توانگری که ندار و بی چیز شود؛ ٦. عزیزی که خوار گردد؛ ۷. بی نوایی که بیمار گردد.

در این وقت ، مردی برخاست و پس از تمجید آن حضرت گفت : سؤ الی درباره ی گفتار خدای تعالی دارم ، که فرمود: ادعونی استجب لکم . یعنی : مرا بخوانید، تا دعایتان را اجابت کنم . پس چه گونه است که ما دعا می کنیم ، ولی اجابت نمی شود؟ حضرت علی (ع) در در پاسخش فرمود: ان قلوبکم خان بثمان خصال . یعنی : دل های شما در هشت مورد خیانت و بی وفایی کرد:

اولهما: انکم عرفتم الله فلم تؤ دوا حقه کما اوجب علیکم فما اغنت عنکم معرفتکم شیئا.

و الثانیهٔ : انکم آمنتم برسوله ثم خالفتم سنته و امتم شریعته فاین ثمرهٔ ایمانکم ؟

و الثالثهٔ : انکم قراءتم کتابه المنزل علیکم فلم تعملوابه ، و قلتم سمعنا و اطعنا ثم خالفتم ؟

و الرابعهٔ : انکم قلتم تخافون من النار و انتم فی کل وقت تقدمون الیها بمعا صیکم فاین خوفکم ؟

و الخامسهٔ : انکم قلتم ترغبون فی الجنهٔ و انتم فی کل وقت تفعلون ما یباعد کم منها فاین رغبتکم فیما؟

السادسهٔ : انکم اکلتم نعمهٔ الله المولی فلم تشکروا علیها؟

السابعۀ : ان الله امر کم بعد اوۀ الشیطان و قال ان الشیطان لکم عدو فاتخذوا عدوا فعادیتموه بلاقول و الیتموه بلا مخالفۀ .

الثامنۀ : انکم جعلتم عیوب الناس تصب اعینکم و عیوبکم و راء ظهور کم تلومون من انتم احق باللوم منه فای دعاء یستجاب لکم مع هذا و قد سددتم ابوابه و طرقه ؟

فاتقوا الله و اصلحوا اعمالکم و اخلصوا سرائر کم و اءمر و ابالمعروف و انهوا عن المنکر فیستجیب لکم دعائکم . (۲۹۳)

۱. خدا را شناختید، ولی حقش را آن طور که بر شما واجب بود، به جا نیاورید؛ و از این رو، آن معرفت به کار شما نیامد.

۲. به پیغمبر خدا ایمان آوردید، آن گاه با سنت و روش او مخالفت کردید و شریعت او را از بین بردید. پس ثمره ی ایمان شما چه شد؟

۳. کتاب خدا را که بر شما فرود آمده ، خواندید، ولی بدان عمل نکردید و گفتید: به گوش و دل می پذیریم ؛ ولی با آن مخالفت برخاستید.

٤. گفتید: ما از آتش دوزخ می ترسیم ؛ ولی در همه حالات به واسطه ی گناهان و معاصی خود به سوی دوزخ می روید. پس این ترس شما نسبت به دوزخ کجا رفت ؟

٥. گفتید: ما راغب بهشت هستیم ؛ ولی در تمام حالات کارهایی انجام می دهید که شما را از بهشت دور می سازد. پس از این رغبت و شوق شما نسبت به بهشت کجاست ؟

٦. نعمت خدای خود را خوردید، ولی سپاسگذاری نکردید؟

۷. خداوند شما را به دشمنی با شیطان دستور داده و فرمود: ان الشیطان لکم عدو فاتخذوا عدوا. یعنی : شیطان دشمن شماست ، شما نیز او را دشمن بگیرید. ولی به زبان با او دشمنی کردید، لیکن در عمل به دوستی با او برخاستید.

۸. عیب های مردم را برابر دیدگانتان قرار دادید و عیب های خود را پشت سر انداختید و نادیده گرفتید، و در نتیجه کسی را ملامت می کنید که خود به ملامت ، سزاوارتر از وی هستید.

با این وضع ، چه دعایی از شما مستجاب گردد، در صورتی که شما درهای دعا و راه های آن را بسته اید؟ پس ، از خداوند بترسید و کارهایتان را اصلاح کنید و امر به معروف و نهی از منکر نمایید، تا خدا دعایتان را مستجاب کند.

قال علی بن الحسین (ع) سوء النیهٔ و خبث السریرهٔ و النفاق مع الاءخوان و ترک الصدیق بالاءجابهٔ و تاءخیر الصلوات المفروضات حتی تذهب اوقاتها و ترک التقرب الی الله عزوجل بالبر و الصدقهٔ و استعمال البداء و الفحش فی القول . (۲۹٤)

امام سجاد (ع) فرمود: آن گناهانی که دعا را باز می گردانند، عبارتند از:

۱. بد دلی و بدطینتی .

۲. نفاق با برادران ایمانی .

۳. باور نداشتن اجابت دعا.

٤. تاءخیر نمازهای واجب ، تا آنکه وقت آن بگذرد.

٥. نزدیک نشدن به خدای عزوجل ، به وسیله ی نیکی و صدقه .

٦. بدزبانی و فحش در گفتار.

عن جمیل عن اءبی عبدالله (ع) قال : قال له رجل : جعلت فداک ان الله یقول ادعونی اءستجب لکم فاءنا ندعو فلا یستجاب لنا قال : لانکم لاتفون لله بعهده و ان الله یقول : اءوفوا بعهدی اءوف بعهدکم ، و الله لو و فیتم لله لو فی الله لکم . (٢٩٥)

جمیل می گوید: مردی به امام صادق (ع) گفت : فدایت شوم ! خداوند می فرماید: دعا کنید، مستجاب می کنم . با این حال ، هر چه دعا می کنیم ، ابدا مستجاب نمی شود. سرش چیست ؟ حضرت فرمود: چون شما به عهد خدا وفا نمی کنید. خداوند در جای دیگر قرآن می فرماید: اگر به عهد من وفا کردید، من هم به عهدی که با شما کردم ، وفا می کنم . سپس امام علیه السلام افزودند: والله ! اگر شما به عهد خدا وفا کنید، هر آینه حتما خدا نیز به عهد خود وفا خواهد کرد.

امام سجاد (ع) در حدیثی دیگر فرمود: و الذنوب التی ترد الدعاء و تظلم الهواء: عقوق الوالدین . (٢٩٦) یعنی : آن گناهانی که دعا را باز می گرداند و هوا را تاریک می کند، نافرمانی و رنجاندن پدر و مادر است .

مرحوم طبرسی در احتجاج از حضرت صادق (ع) چنین نقل می کند:

انه سئل الیس یقول الله ادعونی استجب لکم ؟ و قدتری المضطر یدعوه و لایجاب له و المظلوم یستنصره علی عدوه فلا ینصره قال ویحک ما یدعوه احد الا استجاب له اما الظالم فدعائه مردود الی ان یتوب و اما المحق

فاذا دعا استجاب له و صرف عنه البلاء من حيث لا يعلمه او اذخرله ثوابا جزيلا ليوم حاجته اليه و ان لكم يكن الاءمر الذى سئل العبد خيرا له ان اعطاه امسك عنه . (۲۹۷)

از آن حضرت سؤ ال کردند: آیا خداوند نمی فرماید دعا کنید، تا برای شما اجابت کنم ؟ در حالی که افراد مضطری را می بینیم که دعا می کنند و به اجابت نمی رسد، و مظلومانی را می بینیم که از خدا پیروزی بر دشمن می طلبند، ولی آنها را یاری نمی کند. امام فرمود: وای بر تو! هیچ کس او را نمی خواند، مگر اینکه اجابت می کند؛ اما ظالم دعای او مردود است ، تا توبه کند، و اما صاحب حق هنگامی که دعا کند، اجابت می فرماید و بلا را از او برطرف می سازد، و به طوری که خود او نمی داند و یا آن را به صورت ثواب فراوان برای روز نیازش به آن (روز قیامت) ذخیره می کند؛ و هر گاه چیزی را که بندگان تقاضا کنند، مصلحت آنها نباشد، خودداری می فرماید.

امام صادق (ع) فرمود: مردی از بنی اسرائیل مدت سی و سه سال دعا می کند و از خدای خود فرزند پسری می خواست . همین که دید دعایش مستجاب نمی شود، خطاب به خداوند نموده و گفت : یا رب اءبعید انامنک فلا تسمعنی اءم قریب فلا تجیبنی .

یعنی : خدایا! نمی دانم من از تو خیلی دورم که صدای مرا نمی شنوی ، یا اینکه نزدیکی و می شنوی ، و در عین حال به من پاسخ نمی دهی ؟ در این هنگام کسی به خواب او آمد و گفت : سر مستجاب نشدن دعایت این است که بد زبانی می کنی و در حال دعا قلبت آشفته و ناپاک است ، و نیتت ناشایسته و ناجور. اگر می خواهی دعایت مستجاب شود، این هر سه

عیب را از خود دور کن ؛ یعنی خوش زبان باشی و قلبت را پاک و پاکیزه نموده و قلبا از خدا بترس و بپرهیز و نیتت را سالم نما (خوشبین و امیدوار به رحمت خدا باش). پس از این جریان ، آن مرد تصمیم گرفت به سفارش ها عمل کند. اتفاقا در نتیجه ی عمل به آن دستورها، خداوند پسری به او مرحمت نمود.

2 O. دعای خورنده ی حرام مستجاب نمی شود.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن می فرماید:

یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم .

ای پیامبران ! از غذاهای پاکیزه و طیب بخورید و عمل صالح به جا آورید، که من به آنچه عمل می کنید، آگاهم .

فابعثوا احدکم بورقکم هذه الی المدینۀ فلینظر ایها ازکی طعاما فلیاءتکم برزق منه . (۲۹۸)

اکنون یک نفر را با این سکه یی که دارید، به شهر بفرستید، تا بنگرد کدامین نفر از آنها غذای پاکیزه تری دارند، از آن ، مقداری برای روزی شما بیاورید.

قرآن مجید به طور مکرر به مساءله ی مواد غذایی و تناسب آنها با بدن و اینکه این مواد از عوامل رشد و پرورش حیات است ، اشاره فرموده و از انواع مواد غذایی به عنوان نعمت حق یاد کرده ، و از استفاده کنندگان این سفره ی پر نعمت خواسته است که شکر منعم را به جا آورده ، و هر نعمتی را در همان جایی که صاحب نعمت دستور داده ، مصرف کنند.

قال رسول الله (ص): يا ايها الناس ان الله طيب لايقبل الا طيبا .

رسول خدا (ص) فرمود: خداوند پاک و پاکیزه است ، و فقط عمل پاک و پاکیزه را قبول می کند.

پیامبر اکرم (ص) در جواب کسی که گفته بود: دوست دارم که دعایم مستجاب شود، فرمود: طهر ماءکلک و لاتدخل فی بطنک الحرام . (۲۹۹) یعنی : غذایت را پاک کن و غذای حرام به شکمت نریز!

قال رسول الله (ص): العبادۀ سبعون جزءا افضلها جزء طلب الحلال . (۳۰۰)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: عبادت هفتاد قسم است ؛ بهترین اقسامش طلب حلال کردن است .

قال رسول الله (ص): اذا اراد احدکم ان یستجاب له فلیطیب کسبه و لیخرج من مظالم الناس و ان الله لایرفع الیه دعاء عبد و فی بطنه حراءم اءو عنده مظلمۀ لاءحد من خلقه . (۳۰۱)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر گاه یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود، بکوشد که کسبش را حلال و پاک نماید و از مظالم مردم بیرون آید؛ زیرا دعای بنده پیش خدا بالا برده نمی شود، در صورتی که در شکمش حرام ، یا به گردنش مظلمه یی از مردم باشد.

قال رسول الله (ص): اذا وقعت اللقمۀ من حرام جوف العبد لعنه کل ملک فی السموات و الارض . (۳۰۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر گاه کسی لقمه ی حرامی بخورد و جزو بدنش بشود، تمام ملائکه ی آسمان و زمین او را لعنت می کنند.

قال رسول الله (ص): العبادۀ مع اکل الحرام کالبناء علی الرمل . (۳۰۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: عبادت کردن با حرامخواری ، مانند بنا کردن روی رمل است ؛ یعنی چنان که بنا بدون شالوده ی محکم خراب می شود و بنا کننده از آن بی بهره است ، عبادت کسی که از حرام پرهیز نمی کند، فایده یی نمی بخشد.

قال رسول الله (ص): من اءکل لقمۀ حرام لم تقبل له صلواۀ اربعین لیلۀ و لم تستجب له دعوۀ اربعین صباحا و کل لحم ینبته الحرام فالنار اولی به و ان اللقمۀ الواحدۀ تنبت اللحم . (۳۰٤)

رسول خدا (ص) فرمود: کسی که لقمه ی حرامی بخورد، تا چهل شب نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی شود، و هر گوشتی که در بدن او از حرام روییده شود، پس آتش به آن سزاوارتر است ؛ و جز این نیست که یک لقمه هم گوشت را در بدن می رویاند.

قال رسول الله (ص): من احب ان یستجاب دعائه فلیطیب مطعمه و مکسبه . (۳۰۵)

رسول خدا (ص) فرمود: کسی که دوست دارد دعایش مستجاب گردد، پس باید خوراک و کسب خود را پاکیزه کند. خداوند به عیسی بن مریم فرمود:

قل لظلمۀ بنی اسرائیل لاتدعونی و السحت تحت اقدامکم ... . (۳۰٦)

به ظلم کنندگان از بنی اسرائیل بگو: مرا نخوانید در حالی که مال حرام در تصرف شماست ؛ که اگر در آن مرا بخوانید، شما را لعنت می کنم .

شریک بن عبدالله در زمان مهدی عباسی ، قاضی کوفه بود. روزی قبل از قبول مقام قضاوت ، بر مهدی عباسی وارد شده ، مهدی عباسی به او گفت : باید یکی از سه دستوری را که می دهم ، انتخاب کرده و انجام دهی :

۱. یا مقام قضاوت کوفه را بپذیری ،

۲. یا به فرزندان من تعلیم دهی ،

۳. یا یک دفعه از طعام من بخوری !

شریک به هیچ یک از سه دستوری که شنیده بود، راضی نبود، ولی چون چاره نداشت ، فکری کرد و گفت : خوردن طعام برای من آسان تر از دو دستور دیگر است .

مهدی عباسی فرمان داد غذایی بسیار لذیذ برای او تهیه کنند. چون طعام را آوردند و شریک از خوردن غذا فارغ شد، طباخ به مهدی عباسی گفت : لیس یفلح الشیخ بعد هذه الآ کلهٔ ابدا. یعنی : شریک بعد از این طعام ، دیگر رستگار نخواهد شد. شریک پس از خوردن آن غذا، همنشینی با بنی عباس را پذیرفت ، و نه تنها به آموزش کودکان آنان پرداخت ، بلکه منصب قضاوت را پذیرفت . (۳۰۷)

یکی از ارادتمندان شیخ رجبعلی خیاط می گوید: همراه شیخ به قصد دعا و مناجات به کوه بی بی شهر بانو (۳۰۸) رفتیم ، نان و خیاری برداشتیم و از کنار بساط خیار فروش ، قدری نمک گرفتیم و بالا رفتیم .

آن جا که رسیدیم ، شیخ گفت : برخیزید برویم پایین ، که ما را بر گرداندند. می گویند اول پول نمک را بدهید، و بعد بیایید مناجات کنید. (۳۰۹)

3 0. ترک امر به معروف و نهی از منکر، مانع اجابت دعا

امر به معروف و نهی از منکر از ارکان و هم فرایض اسلام می باشد و شعبه یی از جهاد محسوب می گردد، و ترک این دو از گناهانیست که در قرآن مجید بر آن وعده ی عذاب داده شده است .

و لتکن منکم امۀ یدعون الی الخیر و یاءمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون . (۳۱۰)

باید برخی از شما مسلمانان را به خیر و صلاح دعوت کنند و ایشان را به نیکی امر نموده و از بدی نهی کنند. این گروه ، به حقیقت رستگارند.

لو لاینهیهم الربانیون و الاءحبار عن قولهم الاثم و کلهم السحت و البئس ما کانوا یصنون . (۳۱۱)

چرا علمای یهود و نصاری ملت خود را از گفتارهای گناه (مانند تحریف کتاب و گفتار بر خلاف حق) و رشوه خواری و حرام خواری باز نمی دارند؟ راستی چه رفتار بدیست که می کنند!

انسان هایی که با فساد و منکرات مبارزه نکنند و مردم را به سوی حق نخواند و نسبت به مسائلی که در اطرافشان می گذرد، بی تفاوت باشند، و به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهند، به فرموده ی پیامبر، دعای مستجابی ندارند.

قال رسول الله (ص): لتامرن بالمعروف و لتنهون عن المنكر و الا ليسلطن الله عليكم شرار كم فيدعو خيارکم فلا يستجاب لهم . (۳۱۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ و اگر از این عمل امتناع ورزید، بدهایشان بر شما مسلط می شوند؛ پس هر چه خوبانتان دعا کنند، مستجاب نمی شود.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خداوند ستمگری را بر شما مسلط می کند، که نه به پیران احترام می گذارد و نه به خردسالان رحم می کند؛ نیکان و صالحان شما دعا می کنند، ولی مستجاب نمی شود از خداوند یاری می طلبند، اما خداوند به آنها کمک نمی کند، و حتی توبه می کنند، و خدا از گناهانش در نمی گذرد. (۳۱۳)

4 O. مظالم در ذمه ی مانع اجابت دعا

در حدیث قدسی آمده است :

فمنک الدعاء و علی الاءجابۀ فلا تحجب عنی دعوۀ الا دعوۀ اکل الحرام . (۳۱٤)

دعا کردن از تو، اجابت نمودن از من ؛ زیرا دعایی از من پوشیده نمی ماند، مگر دعای حرام لقمه .

و اوحی الله الی عیسی : قل لظلمۀ بنی اسرائیل : لاتدعونی و السحت تحت اءقدامکم و الاءصنام فی بیوتکم فانی آلیت اءن اءجیب من دعانی و ان اءجابتی ایاهم لعنا علیهم حتی یتفرقوا .

خداوند به حضرت عیسی (ع) وحی می فرمود: به ستمگران بنی اسرائیل بگو: در حالی که مال حرام و غصبی زیر پایتان ، و بت ها در خانه هایتان است ، مرا نخوانید و به درگاه من دعا نکنید، چون سوگند یاد کردم که دعای هر کسی را که مرا بخواند اجابت نمایم ؛ و اجابت من به آنها تا موقعی که پراکنده گردند، جز لعنت چیزی نیست .

عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله علیه من یظلمه و ان دعا لم یستجب و لم یاءجره الله علی ظلامته . (۳۱۵)

امام صادق (ع) به عبدالله بن سنان فرمود: کسی که عذر ستمکاری را پذیرفته و او را در آن ظلمی که نموده ، حق به جانب بداند، خداوند، ظالم دیگری را بر او مسلط می نماید و دعایش را مستجاب نمی کند، و در برابر ظلمی که به او وارد شده ، مزد و پاداش نیز به وی نخواهد داد.

عن ابی عبدالله قال : اذا اراد احد کم اءن یستجاب له فیطیب کسبه و لیخرج من مظالم الناس و ان الله لا یرفع الیه دعاء عبد و فی بطنه حرام اءو عنده مظلمه لاءحد من خلقه .

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد دعایش مستجاب گردد، باید کسبش را پاک نماید و از مظالم و حقوق های مردم خارج شود؛ چون خداوند دعای بنده یی را که در شکمش حرام ، و در نزدش مظلمه یی از مردم باشد، بالا نمی برد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند به من وحی کرد: برادر منذرین ! برادر رسولان ! قوم خود را برحذر بدار از اینکه وارد یکی از خانه های من شوند، در حالی که مظلمه یی از یکی از بندگان نزد آنان باشد؛ چون تا

زمانی که ایستاده و مشغول نماز هستند، آنان را لعنت می کنم ، مگر اینکه مظلمه را برگردانند؛ که در این صورت ، گوش آنان هستم که با آن می شنوند، چشمشان هستم که با آن می بینند، و از اولیا و برگزیدگانم خواهند بود، و به همراه پیامبران و راستگویان و شهیدان در بهشت همسایه ی من می باشند.

5 O. بی اعتنایی به نماز، مانع اجابت دعا

نماز وسیله ی ارتباط با خدا و راز و نیاز و انس با پروردگار جهان می باشد؛ بهترین وسیله ی تکامل سیر و صعود و قرب به خداست ؛ معراج مؤ من و ناهی از فحشا و منکر می باشد؛ امانت بزرگ الهی و میزان قبولی اعمال است ؛ چشمه ی زلالی از نورانیت و معنویت است ، که هر کس در شبانه روز پنج نوبت در آن وارد شود، از آلودگی های نفسانی پاک می شود.

نماز یکی از واجبات و ضروریات دین اسلام است . پس کسی که از روی انکار، نماز بخواند، کافر می باشد و از دین اسلام بیرون است ؛ زیرا انکار نماز، انکار رسالت و قبول نداشتن قرآن مجید است ؛ و اگر منکر وجوب نماز نباشد، ولی از روی تنبلی و مسامحه کاری ترک می کند، چنین شخصی فاسق است .

شیخ صدوق در علل الشرایع نقل می کند که ، از حضرت صادق (ع) پرسیده شد: چرا زناکار و شرابخوار کافر خوانده نمی شوند، ولی ترک نماز کافر نامیده می شود؟

امام (ع) فرمود: برای اینکه زنا و مثل آن ، بر اثر غلبه ی شهوت می شود، ولی نماز ترک نمی شود، مگر به سبب استخفاف به آن ؛ زیرا زناکار از این عمل لذت می برد و به قصد لذت بردن زنا می کند، و ترک نماز از ترک آن لذت نمی برد.

رسول خدا (ص) می فرماید: کسی که نماز خود را سبک گیرد و در به جا آوردنش سستی نماید، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می کند: شش بلا در دنیا، سه بلا در موقع مردنش ، سه بلا در قبر، سه بلا در قیامت و هنگامی که از قبرش بیرون می آید. اما شش بلای دنیوی : خداوند برکت را از عمر و روزی اش بر می دارد؛ نشانه ی نیکوکاران را از صورتش بر می دارد. هر کار خیری بکند، پذیرفته نمی شود و برای آن اجری ندارد.

دعایش مستجاب نمی شود. از دعای نیکوکاران بهره یی ندارد. (٣١٦)

عن فاطمۀ الزهراء (ع): قالت : ساءلت اءبی رسول الله (ص)، لمن تهاون بصلاته من الرجال و النساء قال : لایرتفع دعاؤ ه الی السماء و لیس له حظ من دعاء الصالحین .

حضرت فاطمه زهرا (ع) فرمود: از پدرم رسول خدا (ص) درباره مردان و زنانی که در نمازشان سستی و سهل انگاری می کنند، پرسیدم ، آن حضرت فرمودند: دعایش مستجاب نخواهد شد، و برایش بهره یی از دعای صالحین و نیکوکاران نخواهد بود.

6 O. شراب و اسباب لهو و لعب و قمار در خانه نگاه داشتن

خداوند در قرآن مجید می فرماید:

و یساءلونک عن الخمر و المیسر قل فیها اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما . (۳۱۷)

درباره ی شراب و قمار از تو سؤ ال می کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگیست ؛ و منافعی از نظر مادی برای مردم در بر دارد، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است .

در قرآن مجید برای قتل و کتمان شهادت و افترا و غیره ، اثبات اثم شده ، ولی در هیچ جا اثم کبیره گفته نشده ، مگر درباره ی خمر و قمار؛ بنابراین بر کبیره بودن شراب و قمار جای تردیدی نیست .

حضرت امیر المؤ منین (ع) فرمود:

لا تدخل الملائکۀ بیتا یه خمر او دف او طنبور او نرد و لا تستجاب دعا ئهم و ترفع عنهم البرکۀ . (۳۱۸)

ملائکه به خانه یی که در آن شراب یا آلات قمار یا ساز باشد، داخل نمی شوند، و دعای اهل آن خانه مستجاب نمی گردد و برکت از آنها برداشته می شود.

در صحیفه ی شحام از حضرت صادق (ع) روایت شده :

بیت الغناء لا یؤ من فیه الفجیعۀ و لا یجاب فیه الدعوۀ و لا یدخله الملک . (۳۱۹)

خانه یی که در آن غنا خوانده می شود، از معصیت و بلای ناگهانی ایمنی نیست ، دعا در آن مستجاب نمی شود و فرشته داخل آن نمی گردد.

7 O. حب دنیا، مانع اجابت دعا

از مجموع آیات و احادیث استفاده می شود که علاقه و دلبستگی به دنیا مذموم است ، نه موجودات دنیا و نه صرف علاقه به امور دنیوی . اسلام از مردم می خواهد که دنیا را چنان که هست ، بشناسند، و درست در همان مسیر حرکت نمایند. اگر چنین باشند، اهل آخرت هستند، و اگر رفتار و کردارشان بر خلاف این هدف باشد، اهل دنیا هستند. خداوند در قرآن می فرماید:

و ما الحیاۀ الدنیا الا متاع الغرور. (۳۲۰)

زندگی دنیا جز متاع فریبنده چیزی نیست .

امیر المؤ منین علی (ع) فرمود:

ایاک و حب الدنیا فانها اصل کل خطئیۀ و معدن کل بلیۀ . (۳۲۱)

مبادا دنیا را دوست برداری ؛ زیرا حب دنیا ریشه ی هر گناه و سرچشمه ی هر بلاییست .

رسول خدا (ص) فرمود:

سیاءتی علی امتی تخبت فیه سرائر هم و تحسن فیه علانیتهم طمعا فی الدنیا لا یریدون به ما عندالله عزوجل یکون امرهم ریاء لا بخالطه خوف یعمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یستجاب . (۳۲۲)

به زودی بر امت من می آید، زمانی که درونشان فاسد و ظاهرشان خوب باشد، به عنوان دستیابی به دنیا، و هیچ به یاد خدا نیستند، کارهایشان بر محور ریا دور می زند و هیچ باکی ندارند. خداوند آنها را به عقوبتی

مبتلا می نماید، آن گاه دعا می کنند، مثل دعای شخصی که گرفتار غرق شدن باشد، ولی دعایشان مستجاب نمی گردد.

8 O. منت گذاشتن ، مانع اجابت دعا

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می فرماید:

لاتبطلوا صدقاتکم بالمن و الاء ذی . (۳۲۳)

انفاق های خود را با منت و آزار باطل نکنید.

در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) می خوانیم ؛

من اسدی الی مؤ من معروفا ثم آذاه بالکلام او من علیه فقد ابطل صدقته . (۳۲٤)

کسی که به فرد با ایمانی نیکی عطا کند، سپس او را با سختی آزار دهد یا منتی بر وی بگذارد، به یقین ، انفاق خود را باطل کرده است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: المنان علی الفقراء ملعون فی الدنیا و الآخرۀ و المنان علی ابویه و اءخوته و اخوته بعید من الرحمۀ و بعید من الملائکۀ قریب من النار لا یستجاب له دعوۀ و لاینظر الله الیه فی الدنیا و الاخره . (۳۲٥)

کسی که به فقرا منت گذارد، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور است . و کسی که بر پدر و مادر و خواهران و برادرانش منت گذارد، از رحمت خدا و از ملائکه دور است ، و به آتش نزدیک می باشد، دعای او مستجاب نمی گردد و خدا به او با نظر رحمت نمی نگرد، نه در دنیا و نه در آخرت .

از مطالب بالا به خوبی استفاده می شود که ، انفاق در راه خدا در صورتی در پیشگاه خداوند مورد قبول واقع می شود که ، به دنبال منت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است ، نباشد.

9 O. نافرمانی و رنجاندن پدر و مادر، مانع اجابت دعا

از آیات قرآن مجید و اخبار ائمه ی معصومین (ع) استفاده می شود که ، نه تنها عقوق والدین از گناهان کبیره است ، بلکه احسان و نیکی کردن و ادای حق آنها واجب است و ترک آن حرام می باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

رضا الله مع رضا الوالدین و سخط الوالدین . (٣٢٦)

خوشنودی خدا با خوشنودی پدر و مادر است ؛ خشم خدا نیز با خشم پدر و مادر است .

حضرت صادق (ع) فرمود: من نظر الی ابویه نظر ماقت و هما ظالمان له لم یقبل الله له صلاۀ . (٣٢٧)

کسی که به پدر و مادر به دشمنی بنگرد، خداوند نمازش را قبول نمی گرداند، اگر چه پدر و مادر به وی ظلم کرده باشند.

قال المجلسی : المراء بعقوق الوالدین ترک الاءدب لهما و الاءیتان بما یؤ ذیهم قولا و فعلا و مخالفتها فی اغراضها الی الجایزۀ عقلا و نقلا . (٣٢٨)

مجلسی در شرح کافی می گوید: عقوق والدین به این است که ، فرزند حرمت و احترام آنها را رعایت نکند و بی ادبی نماید و آنها را به سبب گفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار و اذیت کند، و در چیزهایی که عقلا و

شرعا مانعی ندارد، نافرمانی از آنها نماید؛ و این عقوق کبیره است ، و کتاب ، سنت ، اجماع خاصه و عامه دلیل بر حرمت آن است .

10 O. باور نداشتن به اجابت دعا

به فرموده ی امام سجاد، از جمله گناهانی که دعا را باز می گردانند، باور نداشتن به اجابت دعاست . (۳۲۹)

انسان باید به خدا خوش گمان باشد و امید آمرزش و اجابت دعا داشته باشد و امیدوار باشد که اگر از گناه توبه کند، خداوند او را می آمرزد، و اگر وی را بخواند، اجابت می فرماید؛ اگر عمل خیری برای او به جا آورد، قبول فرموده و ثواب عنایت خواهد کرد. بنابراین باید یاءس و ناامیدی را از خود دور کند، که این وسوسه ی شیطان است و شیطان بدین وسیله می خواهد رابطه ی انسان را با خدا سست کند و یا از بین ببرد.

امید انسان در هر حال باید به خدا باشد؛ چرا که خدا انسان را آفریده و ضمانت کرده اگر کسی با شرایط دعا کند، خواسته اش را بر آورده سازد.

عن ابی عبدالله قال : اذا دعوت فاقبل بقلبك فظن حاجتك بالباب .

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: وقتی که دعا کردی ، دلت را متوجه ساز، و گمان کن حاجت تو دم در است . (۳۳۰)

در حدیث قدسی آمده است : من نزد گمان بنده ی مؤ منم هستم ، پس نباید جز خیر به گمان داشته باشد. رسول خدا (ص) فرمود: در حالی به درگاه خداوند دعا کنید، که به اجابت او یقین دارید.

11 O. اجابت دعا به مصلحت و صلاح واقعی انسان نیست

حقیقت دعا این است که بنده نیاز خود را با منتهی درجه ی تذلل و خشوع به خداوند ابراز و اظهار نماید، و هر گاه بنده یی کمال عبودیت و بندگی را به جا آورد، آن وقت خداوند متعال به اندازه و به مقتضای حکمت و مصلحت حال بنده ، به او تفضل خواهد کرد؛ چون جود و کرم الهی از حکمتش تجاوز نمی کند و خداوند چیزی را از بنده به جهت بخل منع نمی نماید، بلکه گاهی به مقتضای حکمت ، صلاح بنده نیست که چیزی به او داده شود؛ زیرا بنده چه بسا از روی هوا و هوس چیزی را سؤ ال می کند، و اگر خداوند به هوا و هوس مردم عطا فرماید، در نظام عالم اخلال ایجاد می شود و یا از حد بندگی و عبودیت بیرون خواهد رفت .

ولو اتبع الحق اءهوائهم لفسدت السموات و الارض و من فیهن .

اگر عطای خداوند تابع هوای نفس آنان شود، همانا آسمان ها و زمین و هر چه و هر که در آنهاست ، فاسد خواهد شد.

لو استجیب العبد فی کل ماسئل لخرج من حد العبودیۀ و انما امر بالدعاء لیکون عبدا و الله یفعل ما یشاء .

اگر هر چه بنده ی خدا می خواهد، به او بدهند، از حد بندگی بیرون خواهد رفت ؛ و اینکه او را ماءمور به دعا کرده اند، به خاطر آن است که از مرز بندگی و عبودیت خارج نشود، وگرنه خدا هر چه را بخواهد، همان را انجام می دهد.

اگر دعایتان مستجاب نشد، مواظب سه حالت باشید

۱. از رحمت خدا ماءیوس و ناامید نشوی ، زیرا به اجابت نرسیدن دعا، ممکن است به سبب گناهان تو باشد؛ پس برای رفع آن ، به توبه و تهذیب نفس مشغول شو.

۲. اینکه دعا را ترک نکنی . پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خدا رحمت می کند بنده یی را که حاجتی از خدا می طلبد؛ پس اصرار و الحاح در دعا کند، چه مستجاب شود، چه نشود. و این آیه را خواندند: وادعوه ربی عسی الا اکون بدعاء ربی شقیا. خدای یکتا را می خوانم ، و امیدوارم که چون او را بخوانم ، مرا از درگاه لطفش محروم نگرداند.

۳. به تقدیر الهی راضی باش ، تا همان رضای تو باعث اجابت دعایت بشود.(۳۳۱)

علت تاءخیر اجابت دعا

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم :

عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی اءن تحبوا شیئا و هو شرو الله یعلم و انتم لا تعلمون . (۳۳۲)

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: شاید شما چیزی را بد و ناپسند داشته باشید، در حالی که آن چیز برای شما خیر باشد، و شاید شما چیزی را دوست داشته باشید، و حال آنکه آن چیز برای شما بد است ؛ و خداوند مصلحت شما را می داند و شما نمی دانید.

ولو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر لقضی الیهم اجلهم . (۳۳۳)

و نیز می فرماید: اگر خدا تعجیل کند برای درمان ، آنچه را که شر است ، همچنان که مردم شتاب در خیر می کنند، هر آینه اجلشان حکم کرده می شود (یعنی هلاک می شوند) مراد این است که بعضی طلب شر می کنند، و تصور می نمایند که طلب خیر کرده اند، و چون مصلحت در آن نیست ، خداوند اجابت نمی فرماید؛ و چه اموری که انسان به آن حریص است و گمان می کنند و خیر سعادت و خوشی او در آن است ، و سعی می کند تا به آن برسد، و چون رسید، پشیمان شده و آرزو می کند که ای کاش به آن نرسیده بود!

قال رسول الله (ص):

یا عباد الله انتم کالمرضی و رب العالمین کالطبیب فصلاح المرضی فیما یعلم الطبیب و تدبیره به لا فیما یشتهیه المریض و یقترحه الا فسلموالله امره تکونوا من الفائزون . (٣٣٤)

رسول خدا (ص) فرموده است : ای بندگان خدا! شما همانند بیمار هستید، و پروردگار جهان طبیب شماست . خیر و صلاح بیمار در آن است که طبیب دستور می دهد، نه آنچه را که بیمار میل دارد. پس آگاه هوشیار باشید و خود را تسلیم خدای عزوجل کنید، تا از جمله رستگاران باشید.

یکی از وظایف مهم اطبا در برنامه های درمانی ، تعدیل تمایلات بیمار است . مریض از یک طرف خواستار بهبودی ، و از طرف دیگر مایل به خوردن غذاهای گوناگون است . بیمار اگر بخواهد تمایل خود را در خوردن غذاها آزادانه و بی قید و شرط ارضا نماید و هر چه میل دارد،

بخورد، منافی با تمایل برای سلامتی و بهبودیست ، زیرا بعضی از غذاها برای سلامتی وی مضر است و باعث تشدید بیماری می شود. پزشک دانا و ماهر، با بررسی دقیق ، تمایل غذا را در بیمار تعدیل می کند و با محاسبه ی صحیح ، به مصرف بعضی از آنها اجازه می دهد و بعضی را منع می نماید. طبیب با این عمل ، از طرفی تمایل به غذا را با اندازه گیری صحیح ارضا نموده ، و از طرف دیگر تمایل به بهبودی را نیز مورد توجه قرار داده است ، و در ضمن ، تضادی را که بین تمایل به غذا و خواهش بهبودی وجود داشت ، با دستور خود برطرف کرده است . (۳۳۵)

امیر المؤ منین علی (ع) فرمود: خدای تعالی فرموده است : ای بندگان من ! از آنچه که امر کرده ام ، اطاعت کنید و مصالح خود را به من یاد ندهید (و نگویید اگر فلان چیز را خدا به من داده بود، بهتر می بود) زیرا من از خود شما به مصالحتان داناترم ، و من چیزی که مصلحت شما در آن باشد، بخل نمی ورزم و به شما عطا می کنم . (۳۳٦)

حضرت صادق (ع) فرمود: چه نیکوست حال مؤ منی که خداوند هیچ حکمی درباره ی او نمی کند، مگر آنکه خیر اوست ؛ اگر با مقراض قطعه قطعه شود، خیر اوست ، و اگر مالک شرق و غرب عالم شود، خیر اوست . (۳۳۷)

قرآن برای اینکه این مطلب را بفهماند، قضیه ی حضرت خضر را اینچنین بیان می کند: حضرت خضر پسر بچه یی را کشت . حضرت موسی (ع) به او اعتراض کرد: چرا بچه ی مردم را بی گناه کشتی ؟ حضرت خضر (ع) گفت : چون آن بچه در بزرگسالی بر پدر و مادرش تسلط پیدا می کرد، و علاوه بر خودش ، آنها را هم کافر می کرد؛ و خداوند بر جای آن ،

بچه یی صالح به این پدر و مادر عنایت می کند. در روایات آمده است که ، خداوند به جای بچه ، دختری به آنان داد، که از نسل این دختر، هفتاد پیغمبر از پیغمبران بنی اسرائیل به دنیا آمدند. (۳۳۸)

از جمله چیزهایی که از جانب خداوند به حضرت داوود وحی رسید، این بود که : هر که از مردم قطع امید کند و به من روی آورد، کفایت امور او را می نمایم ، و اگر از من چیزی سؤ ال کرد، به او عطا می کنم ، و اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم ، و اینکه گاهی اجابت دعای او را به تاءخیر می اندازم ، برای آن است که مقتضی موجود شود (و مانع مفقود گردد) و چون مقتضی موجود شد، بلادرنگ اثر اجابت را به او می نمایانم .

ای داوود! به مظلوم بگو که ، نفرین تو را در حق مستجاب می کنم ، ولیکن تاءخیر آن برای مصلحت هاییست که در نظر تو ناپیداست ؛ و بعضی از آنها این است که ، تو در حق دیگری ظلم کرده ای و او نفرین کرده . پس این نفرین تو را برابر آن نفرین می کنم ، که اگر بر نفع تو نمی شود، بر ضرر تو هم نشود؛ و بعضی از آنها برای این است که درجه ییست در بهشت ، و کسی به آن نمی رسد، مگر بعد از آنکه مظلوم واقع شود. و چه بسا بنده یی را بیمار می کنم ، پس طاعت بندگی و نماز او کم می شود؛ و چون در این حال مرا بخواند، خواندن او نزد من محبوب تر است از (بعضی) نمازگزاران ، زیرا بعضی از نمازها هست ، که آن را به صورت خواننده ی آن می زنم . (۳۳۹)

امام باقر (ع) در حدیثی فرمود: مردی در بنی اسرائیل بود که دو دختر داشت . یکی از آن دو را به مرد زراعی شوهر داد، و دیگری را به مردی

کوزه گر. روزی به دیدار دختران خود رفت ، و نخست به دیدن زن زارع رفت و به او گفت : حالتان چه طور است ؟ دخترش گفت : شوهرم زراعت زیادی کرده است ، و اگر خداوند بارانی از آسمان بفرستد، ما از همه بنی اسرائیل حالمان بهتر است . از آنجا به دیدن دختر دیگرش که زن کوزه گر بود، رفت و از او پرسید: حالتان چه طور است ؟ پاسخ داد: شوهرم کوزه ی زیادی ساخته ؛ اگر خدا از آسمان باران نبازد و هوا آفتابی شود، ما وضعمان از همه بنی اسرائیل بهتر است . آن مرد از نزد آن دو بیرون آمد و گفت : تو خدای هر دو اینها هستی (خود می دانی که خواهش مختلف این دو. (۳٤۰)

عن اسحاق بن عمار عن ابی عبدالله (ع) قال : ان المؤ من لیدعوا الله عزوجل فی حاجته فیقول الله عزوجل اخروا اجابته شوقا الی صوته و دعائه فاذا کان یوم القیامۀ قال الله عزوجل عبدی دعوتنی فاءخرت اجابتک و ثوابک کذا و کذا و دعوتنی فی کذا و کذا فاءخرت اجابتک و ثوابک کذا و کذا قال فیتمنی المؤ من انه لم یستجب له دعوۀ فی الدنیا مما یری من حسن الثواب . (۳٤۱)

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت می کند: گاهی مؤ من حاجتی را از خدا طلب می کند، ولی خدا به فرشتگان دستور می دهد که : برآوردن حاجت بنده ام را تاءخیر بیندازید. چون دوست دارد صدا و دعایش را بیشتر بشنود. پس خداوند در روز قیامت به او می گوید: ای بنده ی من ! تو مرا خواندی و دعا کردی ، و من اجابت تو را به تاءخیر انداختم ؛ اکنون پاداش تو چنین و و چنان است . و باز در فلان مورد مرا خواندی و دعا کردی ، و من اجابت تو را به تاءخیر انداختم ؛

و پاداش تو چنین و چنان است . حضرت در ادامه فرمود: پس مؤ من آرزو می کند که : ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی شد! برای آنچه از ثواب و پاداش نیک می بیند.

مرحوم شهید در مسکن الفؤ اد نوشته است : خانمی هر سال بچه سقط می کرد؛ حدود ده بچه سقط کرد. شبی با خدا راز و نیاز کرد و گفت : خدایا! من ده بچه زاییدم ، درد زاییدن و سقط شدن بچه را کشیدم ، اما یکی هم ندارم . شب خواب دید که می خواهد وارد قصر فوق العاده زیبایی بشود، اما راهش نمی دهند. گفتند: این قصر متعلق به توست ، اما بعد از مردنت . دربان آن قصر گفت : خداوند این قصر را برای ریاضت هایی که کشیده ای ، برای تو بوجود آورده است . خانم از شنیدن این حرف خیلی خوشحال شد، و در حال خوشحالی از خواب بیدار شد و گفت : خدایا! من حاضرم در سال دو تا سه مرتبه سقط کنم . (۳۴۲)

امام صادق (ع) فرمود:

ان العبد الولی لله یدعوالله عزوجل فی الاءمر ینوبه فیقول للملک الموکل به اقض لعبدی حاجته و لاتعجلها فانی اءشتهی اءن اسمع نداءه و صوته و ان العبد العدو لله لیدعو الله عزوجل فی الامر ینوبه فیقال للملک الموکل به : اقض (لعبدی) حاجته و عجلها فاءنی اکره ان اءسمع نداءه و صوته . (۳۴۳)

آن بنده یی که دوست خداست ، در پیشامدی که برایش رخ می دهد، به درگاه خدا دعا کند، خدا به فرشته یی که موکل به او (یا به آن دعا) است ، می فرماید: حاجت بنده ی مرا برآور، ولی در دادن آن شتاب

نکن ، زیرا من میل دارم صدا و آواز او را بشنوم . و همانا بنده یی دشمن خداست ، درباره ی اتفاقی که برای او پیش آمد، به درگاه خدای عزوجل دعا کند، پس به فرشته ی موکل بر او (یا آن دعا) گفته می شود: حاجتش را برآور و در دادن آن شتاب کن ، زیرا من دوست ندارم صدای آوازش را بشنوم .

بنابراین خدا آن بنده یی را که دوست دارد، نیازمند و محتاج درگاه خود می کند، تا ذکر یا رب ! و یا الله ! او قطع نشود و رشته ی ارتباطش با خدا بریده نگردد؛ ولی آن را که دوست ندارد، به خاطر اعمالی که از خود سر زده ، به زودی حاجتش را روا می سازد، تا آواز صدایش خاموش گردد و ارتباطش بریده شود.

گاهی ممکن است مردی به درگاه خدا دعا کند و دعایش هم مستجاب گردد، ولی تا بیست سال به تاءخیر بیفتد و اثر استجابت آن همان زمان ظاهر نگردد؛ از آن جمله است ، داستان موسی و هارون که به درگاه خدا دعا کردند: موسی گفت : پروردگارا! به فرعون و طرفدارانش در زندگی این دنیا زیورها و مال ها داده ای ، تا مردم را از تو راه تو گمراه کنند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند، تا عذاب دردناک تو را ببینند. خداوند متعال بلافاصله در جوابشان فرمود: قد اءجیبت دعوتکما. یعنی : دعای شما مستجاب شد. امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: میان این خطاب تا غرق شدن فرعون و پیروانش ، چهل سال طول کشید. (٣٤٤)

امام صادق (ع) فرمود: حضرت ابراهیم (ع) در کوه بیت المقدس به دنبال چراگاهی برای گوسفندان خود می گشت ، صدایی به گوشش

خورد، و سپس مردی را دید که ایستاده و نماز می خواند. به او فرمود: ای بنده ی خدا! برای چه کسی نماز می خوانی ؟ جواب داد: برای خدای آسمان . ابراهیم (ع) پرسید: آیا از قوم و عشیره ات کسی جز تو مانده است ؟ گفت : نه ! ابراهیم پرسید: پس از کجا غذا می خوری ؟ جواب داد: در تابستان از این درخت میوه می چینم ، و در زمستان می خورم . ابراهیم فرمود: خانه ات کجاست ؟ آن مرد به کوهی اشاره کرد. ابراهیم به او گفت : ممکن است مرا همراه خودت ببری ، تا امشب را نزد تو باشم ؟ آن مرد گفت : در سر راه ما آبیست ، که نمی شود از آن آب گذشت . ابراهیم پرسید: پس تو چه می کنی ؟ گفت : من روی آن راه می روم . فرمود: مرا هم با خودت ببر، شاید آنچه خدا روزی تو کرده ، روزی من هم بکند! عابد دست آن حضرت را گرفت و هر دو به راه افتادند، تا به آن آب رسیدند. عابد از روی آب رفت ، ابراهیم نیز همراه او رفت . چون به خانه ی آن مرد رسیدند، ابراهیم (ع)، از او پرسید: کدام روزها بزرگتر است ؟ عابد: روز جزا، که مردم از همدیگر بازخواست می کنند. ابراهیم گفت : بیا دست به دعا برداریم و از خدا بخواهیم ما را از شر آن روز محافظت کند. عابد گفت : به دعای من چه کار داری ؟ به خدا سوگند سه سال است به درگاه خدا دعایی می کنم ، و اجابت نشده . ابراهیم گفت : خدای عزوجل چون بنده یی را دوست دارد، دعایش را نگه می دارد، تا با او راز گوید و از او بخواهد و طلب کند؛ و چون بنده یی را ناخوش دارد، دعایش را زود اجابت می کند، یا قلبش را از آن خواسته منصرف نموده ، ماءیوسش می نماید. اکنون بگو دعایت چه بود؟ عابد گفت : گله ی گوسفند بر من گذشت ، و پسری که

گیسوان داشت ، همراه آن بود، من به او گفتم : ای پسر! این گوسفندان از کیست ؟ گفت : برای ابراهیم خلیل الرحمان (ع) است . من دعا کردم و گفتم : خدایا! اگر در روی زمین خلیلی داری ، او را به من بنمایان ! ابراهیم فرمود: خدا دعایت را مستجاب کرده ، و من ابراهیم خلیل الرحمان هستم . پس برخاستند و یکدیگر را در آغوش کشیدند. (۳٤٥)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در نامه یی که برای فرزند برومندش امام حسن مجتبی (ع) می نویسد، علت تاءخیر اجابت دعا را اینچنین بیان می فرمایند: اگر دعایت را دیر اجابت فرمود، ناامید مشو، زیرا عطای او بسته به قدر نیت می باشد؛ چه بسا در اجابت تاءخیر روا دارد، تا پاداش سؤ ال کننده بزرگ تر و عطای آرزومند افزون تر گردد؛ چه بسا چیزی را خواسته ای و آن را به تو نداده اند، ولی بهتر از آن را در این جهان و یا آن جهان به تو می دهند، یا صلاح تو در آن بوده که آن را از تو دریغ دارند؛ چه بسا چیزی از خداوند می طلبی ، که اگر به تو داده شود، تباهی دین تو در آن است . پس همواره از خداوند چیزی بخواه ، که نیکی آن برایت بر جای ماند و رنج و مشقتش از تو دور باشد. نه مال برای تو باقی می ماند، و نه تو برای مال باقی می مانی . (۳٤٦)

ثعلبه بن خاطب انصاری که به زهد و عبادت مشهور بود، روزی خدمت پیغمبر اکرم (ص) آمد و از تهیدستی و نداری خود شکایت کرد و به آن حضرت التماس کرد که ، توانگری او را از خدا بخواهد. حضرت او را نصیحت فرمود که ، از این حاجت منصرف شود و بر فقر و نداری صبر کند، که توانگری در معرض خطر است ، و اگر به آنچه دارد، قناعت کند

و بر اندک شکرگزاری نماید، بهتر است از بسیاری که شکرش را به جا نیاورد. حضرت در ادامه ی سخنانش فرمود: به خدا سوگند! اگر بخواهم کوه ها طلا و نقره شود و با من حرکت کند، حق تعالی چنین می فرماید، اما می دانم عاقبت فقر، خیر و سعادت است ، و عاقبت غنا در مظنه ی شر. پس به رسول خدا (ص) اقتدا کن . ثعلبه نصیحت آن حضرت را نپذیرفت ، و روز دیگر باز همان خواهش را از آن حضرت درخواست کرد و گفت : یا رسول الله (ص)! من با خداوند عهد می کنم که ، اگر مال فراوانی به من می دهد، حقوق مستحقین را ادا نمایم . و به آن ، رعایت صله ی رحم نمایم . چون زیاد اصرار کرد، حضرت برایش دعا کرد و توانگری اش را از خداوند درخواست نمود؛ خدا هم به گوسفندانش برکت داد، به طوری که برای محافظت و نگهداری آنها نتوانست که پنج نوبت نماز را با پیغمبر (ص) بخواند، و به نماز صبح و شام اکتفا کرد، تا کارش به جایی رسید که به واسطه ی زیاد شدن گوسفندانش ، در حوالی مدینه حاکم بود، پس رو به بیابان آورد، و به واسطه ی کثرت مشاغل و دوری مسافت ، از خواندن نماز پنج وقت با رسول خدا (ص) محروم گردید، و جز در روز جمعه نمی توانست به مدینه بیاید و فقط نماز جمعه را با پیغمبر می خواند؛ بالآخره از آن وادی بالاتر رفت ، و از نماز جمعه هم محروم گردید. روزی پیغمبر (ص) احوالش را پرسید که : چه شده ثعلبه به نماز ما حاضر نمی شود؟ گفتند: به قدری گوسفند دارد، که در هیچ وادی نمی گنجد؛ و در فلان وادی رفته و همانجا مانده است . حضرت سه بار فرمود: وای بر ثعلبه !

چون آیه ی زکات نازل شد، حضرت آن را به مرد جهنی داد و یک نفر از بنی سلیم را همراش کرد، و به جهنی امر فرمود: چون از ثعلبه زکات گرفتند، نزد فلان مرد سلیمی بروید و زکات او را هم بگیرید. هر دو آمدند و آیه ی زکات را با نامه ی پیغمبر (ص)، که در آن ، شرایط زکات نوشته شده بود، بر ثعلبه خواندند و مطالبه ی زکات نمودند. حب و دوستی مال ، او را واداشت که از فرمان خدا و رسول سرکشی کند. گفت این که محمد (ص) از ما می طلبد، جزیه (مالیات) است . پس زکات نداد و گفت : به جای دیگر بروید، تا من در این باب فکر کنم . ایشان نزد آن مرد سلیمی رفتند و آیه ی قرآن و نامه ی پیغمبر (ص) را بر او خواندند، گفت : سمعا و طاعۀ لامر الله و رسوله . آن گاه به میان شتران رفت ، و آنچه پیغمبر نوشته بود، خوب تر و بهترش را جدا کرد و گفت : اینها را به نزد پیغمبر (ص) ببرید. گفتند: رسول خدا (ص) ما را امر نفرموده که بهترین مال را بستانیم . گفت : حاشا که من بهترین مالم را به خدا و رسول ندهم ! ایشان گرفتند و باز نزد ثعلبه برگشتند. آن بدبخت همان حرف اول را زد و زکات نداد. آن دو نفر برگشتند و صورت حال ثعلبه را به عرض حضرت رسانیدند. فرمود: وای بر ثعلبه ! و برای سلیم دعای خیر فرمود. اصحاب متعجب شدند! حق تعالی آیه ی ۷۶ تا ۷۸ سوره ی توبه را درباره ی ثعلبه نازل فرمود. تا اینکه ثعلبه متوجه شد که خیلی بد کرده ؛ بنابراین خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت : یا رسول الله ! اشتباه کردم ! حضرت با او آشتی نکرد، تا اینکه از دنیا رفت . بعد هم صحنه طوری شد که ابابکر و عمر نتوانستند از او زکات بگیرند، تا اینکه عثمان از ثعلبه زکات گرفت . (۳۴۷)

مرحوم آقای سید عبدالله بلادی ساکن بوشهر فرمود: وقتی یکی از علمای اصفهان با جمعی به قصد تشرف به مکه ی معظمه و حج خانه ی خدا از اصفهان حرکت کردند و به شهر بوشهر وارد شدند تا از طریق دریا مشرف شوند، پس از ورود آنها، از طرف سفارت انگلیس سخت جلوگیری کردند و گذرنامه ها را ویزا ننموده و اجازه ی سوار شدن به کشتی را به آنها ندادند، و آنچه من و دیگران سعی کردیم ، فایده نبخشید. آن شیخ اصفهانی و رفقایش سخت پریشان شدند و می گفتند: مدت ها زحمت کشیدیم و تدارک سفر مکه دیدیم و نزدیک یک ماه در راه صدمه خوردیم . (۳٤۸) ما نمی توانیم مراجعت کنیم .

مرحوم آقای بلادی فرمود: شدت اضطراب شیخ را دیدم ، برایش رفت نمودم و برای اینکه مشغول و ماءنوس شود، مسجد خود را در اختیارش گذاشته ، خواهش کردم در آنجا نماز جماعت بخواند و به منبر رود. پس قبول کرد. شب ها بعد از نماز منبر می رفت ، و خودش روی منبر و رفقایش در مجلس با دل سوخته خدا را می خواندند و ختم امن یجیب و توسل به حضرت سیدالشهدا (ع) می کردند، به طوری که صدای ضجه و ناله ی ایشان ، هر شنونده یی را منقلب می ساخت . پس از چند شب که با این حالت پریشانی ، خدا را می خواندند و می گفتند ما نمی توانیم برگردیم و باید ما را به مقصد برسانی ، ناگاه روزی ابتدا از طرف کنسولگری انگلیس دنبال آنها آمدند و گفتند: بیایید تا به شما اجازه ی خروج داده شود. همه با خوشحالی رفتند و اجازه گرفتند و حرکت کردند.

پس از چند ماه ، روزی در کنار دریا می گذشتم ، فردی ژولیده و بدحال را دیدم ، به نظر آشنا آمد. از او پرسید: تو اصفهانی نیستی که چندی قبل همراه فلان اینجا آمدید و به مکه رفتید؟ گفت : بلی ! حال شیخ و همراهانش را پرسیدم ، بسیار گریست و گفت : اولا در راه دچار دزدان شدیم و تمام اموال ما را بردند، و بعد گرفتار مرض شده ، همه تلف شدند و فقط من از آنها باقی مانده و برگشتم ، با این حالی که می بینی .

آقای بلادی فرمود: دانستم سر اینکه حاجت آنها برآورده نمی شد، چه بود، و چون اصرار را از حد گذرانیدند، به آنها داده شد، ولی به ضررشان تمام گردید. (۳٤۹)

بنابراین ممکن است گاهی تاءمین خواسته ی دعا کننده به تاءخیر افتد و یا اصلا در دنیا انجام نگیرد، لیکن آن هم بی مصلحت و حکمت نیست ؛ زیرا گاهی استجابت خواسته ی دنیوی انسان به صلاح واقعی او نیست ، و خداوند حکیم بهتر از بنده به مصالح و مفاسد او آگاهی دارد. بنابراین بنده باید همواره دست نیاز به سوی قادر علی الاطلاق دراز کند و حوایجش را بخواهد، اگر صلاحش بود، در همین دنیا حاجاتش برآورده می شود، اما گاهی خدا چنین مصلحت می داند که حاجت بنده اش را به تاءخیر بیندازد، تا بیشتر با او مناجات و راز و نیاز کند و به مقامات عالی صعود نماید، و گاهی هم مصلحت بنده را چنین می داند که خواسته اش را در این دنیا برآورده نسازد، تا همواره به یاد خدا باشد و در جهان آخرت پاداش بهتری دریافت نماید.

ظرفیت نیایشگر

یکی از کلمات ظریفی که نیایشگر باید مورد توجه قرار دهد، تناسب میان خواسته های خویش از خداوند، با ظرفیت روحی خود است ، که اگر واجد ظرفیت لازم نباشد، ممکن است با دعا، برای خود مشکل و گرفتاری درست کند.

یکی از دوستان شیخ رجبعلی خیاط نقل می کند که : زمانی بود که وضع کاسبی من به هم خورد و از این بابت ناراحت و غمگین بودم ، تا اینکه روزی جناب شیخ از من پرسید: چرا ناراحتی ؟ من هم جریان را برای ایشان تعریف کردم . فرمودند: مگر تعقیبات نمی خوانی ؟ عرض کردم : چرا، می خوانم . فرمودند: به جای دعای صباح ، سوره ی حشر و دعای عدیله را در تعقیبات بخوان ، تا مشکلات شما مرتفع شود، عرض کردم : چرا دعای صباح را نخوانم ؟ فرمودند: این دعا فقرات و نکاتی دارد، که فرد باید توانایی و کشش آن را داشته باشد. حضرت امیر المؤ منین (ع) در این دعا از خدای متعال درخواست می فرمایند که : خدایا! دردی به من عطا فرما، که در آن لحظات هم از یادت غافل نشوم . بنابراین این دعا ظرفیت خاص خود را نیاز دارد، و شما بدون داشتن ظرفیت لازم ، دعای صباح را خوانده ای و چنین مشکلاتی برای شما ایجاد شده است . بنابراین شما به جای دعای صباح ، سوره ی حشر و دعای عدیله را بخوان ، ان شاءالله مرتفع شود! پس از مدتی که شروع به خواندن سوره ی حشر و دعای عدیله نمودم ، یکی از رفقا ده هزار تومان به من قرض داد. با آن پول کار کردم ، خانه خریدم و کم کم کارم راه افتاد. (۳۵۰)

بنابراین هر دعا برای خود خاصیت جداگانه و بخصوصی دارد، که دعا کننده در هنگام دعا باید آن را مورد توجه قرار دهد؛ و آن ، تناسب

میان خواسته های خویش از خداوند، با ظرفیت روحی خود است ، که اگر واجد ظرفیت لازم نباشد، ممکن است با دعا کردن برای خود مشکلات و گرفتاری هایی درست کند؛ به عنوان مثال ، اگر کسی سرش درد می کند، نمی تواند به جای قرص سردرد، از قرص معده استفاده نماید؛ و یا اگر انسانی خواستار وسعت رزق و روزی باشد، طبق آنچه که از روایات اهل بیت (ع) به دست ما رسیده ، باید سوره واقعه یا دعای عدیله و... را بخواند؛ و یا اگر بخواهد به خانه ی خدا و مکه ی معظمه مشرف شود، باید سوره ی نباء را بخواند، و نمی تواند به جای این سوره ها، سوره های دیگری بخواند.

انواع محال

محال بر سه قسم است :

۱. محال ذاتی ؛ ۲. محال وقوعی ؛ ۳. محال عادی .

1 O. محال ذاتی

امری که در ذات خود مشتمل بر تناقض باشد؛ مانند اینکه بگویی سفید، سیاه است ؛ و محال است هیچ سفیدی سیاه باشد، چون ذات سفیدی با سیاهی تناقض دارد.

2 O. محال وقوعی

امری که در ذات خود مشتمل بر تناقض نیست ، اما وقوعش در عالم خارج محال می باشد، مانند: دریای جیوه ، کوه یاقوت ، انسان سه سر.

3 O. محال عادی

امری که نه ذاتا محال است و نه وقوعا، ولی چون مردم عادت کرده اند حدوث آن را از مجرایی خاص ببینند، وقوع آن را از مجرای دیگر محال می دانند؛ مثل معجزه ی پیامبران دعا کننده ، که نباید چیزی را از خداوند متعال درخواست نماید که از محالات ذاتی و وقوعی باشد؛ مثلا نمی تواند دعا کند که از ملائکه شود و یا اینکه خورشید را در جیب خود قرار دهد، زیرا جهان آفرینش مبتنی بر نظام علت و معلول است ؛ اگر چه خداوند قادر به انجام هر کاریست ؛ ان الله علی کل شی ء قدیر.

قال علی (ع): یا صاحب الدعاء لا تساءل ما لا یکون و لا یحل . (۳۵۱)

حضرت علی (ع) فرمود: ای صاحب دعا! چیزی که غیرممکن است و امکان وقوع ندارد و حلال نیست (دارای مصلحت نیست)، درخواست نکن .

عن امیر المؤ منین (ع) - فی حدیث - اءن زید بن صوحان قال له : اءی سلطان اغلب و اءقوی ؟ قال : الهوی ای ذل اذل ؟ قال : الحرص علی الدنیا قال : فاءی فقر اءشد؟ قال : الکفر بعد الایمان قال : فاءی دعوۀ اضل ؟ قال : الداعی بما لا یکون . (۳۵۲)

در حدیثی آمده است که ، زید بن صوحان از امیر المؤ منین (ع) پرسید: کدام سلطان غالب تر و قوی تر است ؟ فرمود: هوای نفس پرسید: کدامیک از اسباب ذلت و خواری ، انسان را بیشتر ذلیل می کند؟ فرمود: حرص بر دنیا. پرسید: چه فقر و نیازمندی یی سخت تر است ؟ فرمود: کفر پس از ایمان . پرسید: چه دعایی گمراه تر و از استجابت دورتر است ؟ فرمود: دعا کردن درباره ی کار حرام و نشدنی .

اینک به چند مورد از محالات ذاتی و وقوعی اشاره می شود:

1 O. بی نیازی از خلق

عن علی (ع) قلت : اللهم لا تحوجنی الی احد من خلقک فقال رسول الله (ص) یا علی لا تقولن هکذا فلیس من احد الا و هو محتاج الی الناس قال : قلت : کیف یا رسول الله (ص) قال : قل اللهم لا تحوجنی الی شرار خلقک

قلت : یا رسول الله (ص) و من شرار خلقه ؟ قال : الذین اذا اءعطوا منعوا و اذا منعوا عابوا . (۳۵۳)

روزی حضرت علی (ع) هنگام دعا عرض کرد: خدایا! مرا نیازمند هیچ یک از بندگانت نکن ! رسول خدا (ص) فرمود: چنین مگو؛ زیرا هیچ کس نیست که نیازمند مردم نباشد. گفتم : چه بگویم ؟ فرمود: بگو: خدایا! مرا نیازمند مردم بد و شرور نکن ! پرسیدم : چه کسانی از مردمان بد و شرور به شمار می آیند؟ فرمود: کسانی که چون به نعمتی دست یابند، آن را از دیگران دریغ می دارند، و چون خود به چیزی محتاج و نیازمند شوند و برخلاف انتظارشان رفتار گردد، بر آشوبند و زبان به شکایت گشایند.

پیامبر اکرم (ص) از جایی عبور می کرد، دید مسلمانی مشغول دعاست و چنین دعا می کند: خدایا! مرا از مردم بی نیاز کن ! رسول اکرم (ص) به او فرمودند: اینچنین دعا نکن ؛ زیرا مردم باید نسبت به همدیگر تعاون و همکاری داشته باشند و نیاز همدیگر را تاءمین کنند. بلکه چنین دعا کن : خدایا! مرا از مردم شرور و بدکار بی نیاز گردان ! آن مرد عرض کرد:

مردم شرور و بد چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آنان که وقتی چیزی را می بخشند، منت می گذارند، و اگر چیزی نمی بخشند، عیبجو هستند. (۳۵٤)

2 O. محبوب همه مردم واقع شدن

مردی به خدا عرض کرد: خدایا! مرا محبوب تمام مردم قرار بده ، به طوری که همه آنها از من راضی و خوشنود باشند! خداوند فرمود: عجب درخواستی از من کردی ! من که خالق این مردم هستم ، همه آنها از من خرسند و خوشنود نیستند؛ عده یی از آنها از من راضی اند و عده یی دیگر ناراضی . پس تو چه طور انتظار داری که همه مردم تو را دوست داشته باشند! (۳۵۵)

3 O. اختصاص لطف و رحمت خدا به فرد یا افرادی

روزی پیامبر اسلام (ص) نماز می خواند، شنید که مردی بادیه نشین می گوید: اللهم ارحمنی و محمدا و لاترحم معنا اءحدا . یعنی : خدایا! تنها من و محمد (ص) را مشمول لطف و رحمت خود قرار بده ، و هیچ کس غیر از ما را مشمول این لطف و رحمت نکن ! پس از آنکه نماز پیامبر تمام شد، آن حضرت به او فرمود: لقد تحجرت واسعا. تو یک موضوع وسیع را محدود ساختی و جنبه ی اختصاصی به آن دادی ؛ یعنی هیچ گاه چنین دعا مکن ، چرا که رحمت خدا وسیع است و اختصاص به من و تو ندارد. (۳۵٦)

4 O. خدایا! مرا از فتنه پناه بده !

عن امیر المؤ منین (ع) انه قال : لا یقولن احدکم : اللهم انی اعوذبک من الفتنهٔ لاءنه لیس من احد و هو مشتمل علی فتنهٔ و لکن من استعاذ فلیستعذ من مضلات الفتن فان الله یقول : و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنهٔ . (۳۵۷)

امیر المؤ منین علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: کسی از شما نگوید: بار خدایا! مرا از فتنه پناه بده ! چه اینکه هیچ کس بی فتنه نیست ؛ چون خدا در قرآن می فرماید: بدانید که ، همانا اموال و اولاد شما فتنه اند. پس اگر کسی بخواهد به خدا پناه ببرد، از فتنه های گمراه کننده ، به خدا پناهنده شود.

5 O. روزی خواستن از خدا بدون فعالیت

عن اءخی اءدیم بیاع الهر وی قال : کنا جلوسا عند اءبی عبدالله (ع) اذا اءقبل علاء بن کامل فجلس قدام اءبی عبدالله (ع) فقال : اءدع الله اءن یرزقنی فی دعهٔ قال : لا اءدعولک اءطلب کما امرک الله عزوجل . (۳۵۸)

ایوب می گوید: خدمت امام صادق (ع) نشسته بودیم ، که علاء آمد و برابر امام نشست و گفت : دعا کن خدا مرا به آسانی روزی دهد. حضرت فرمود: برایت دعا نمی کنم . برو همچنان که خداوند به تو دستور داده ، تحصیل مال کن .

از خدا چه باید خواست ؟

۱. عافیت و تندرستی .

۲. عاقبت بخیری .

۳. طول عمر عمراه با عزت .

٤. علم و معرفت .

٥. تقرب به درگاهش با انجام واجبات و ترک محرمات .

٦. فرزند صالح .

۷. وسعت روزی .

۸. مثمر ثمر بودن برای اجتماع .

۹. از یاران دین قرار گرفتن .

۱۰. پناه بردن به خدای تعالی از شر شیطان .

۱۱. توفیق در انجام طاعات و دوری از معصیت .

۱۲. آمرزش گناهان .

۱۳. از یاران امام زمان (عج) قرار گرفتن .

۱٤. سلامتی امام زمان و تعجیل در ظهور آن حضرت .

۱٥. زندگی در سایه ی قرآن و محشور شدن با آن در روز قیامت .

۱٦. ادامه دهنده ی راه انبیا و ائمه ی معصومین و اولیای خدا.

1 O. عافیت و تندرستی

معمولا انسان ها قدر و قیمت دو نعمت گرانبها را که خداوند به آنها ارزانی داشته ، نمی دانند، اما به محض از دست دادن آن دو نعمت ، تازه پی به ارزش و اهمیت آن می برند، که متاءسفانه خیلی دیر شده

است و قابل جبران هم نیست . یکی ، جوانی به وقت پیری است ، و دیگری ، عافیت و تندرستی به هنگام بیماری .

دریغا که جوانی برفت ! به لهو و لعب ، زندگانی برفت !

دریغا که به باطل مشغول شدیم زحق دور ماندیم و غافل شدیم !

خداوند بدی و بیماری هیچ کس و هیچ چیزی را نمی خواهد؛ این بلاها و مصیبتهایی که به انسان وارد می شود، به سبب اعمال ناشایست خود اوست . بنابراین انسان همواره باید از خداوند طلب عافیت و تندرستی بنماید، تا به وسیله ی آن بتواند او را عبادت کند و به بندگانش خدمت نماید.

رب السجن اءحب الی مما یدعوننی الیه . (۳۵۹)

پروردگارا! گرفتاری زندان برای من گواراتر از آن است که زن ها مرا بر آن می خوانند.

و زاد القمی : و شکی (۳٦۰) فی السجن الی الله فقال : یا رب بما استحقت السجن فاء وحی الله الیه انت اخترته حین قلت رب السجن احب الی ممایدعوننی الیه .

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر معروف خود روایت می کند: یوسف از زندانی شدن خود پیش خدا شکایت کرد که : خدایا! چه کردم که دچار زندان شدم ؟ پس ، از جانب خداوند به او وحی شد: این در اثر دعای توست ؛ چون خودت درخواست زندانی شدن از ما کردی و گفتی : خدایا! زندان برای من بهتر از خواسته ی آنان است . چرا نگفتی عافیت و آسایش بهتر است برای من از درخواست آنان ، تا اینکه راه خوبی

برای تو انتخاب کنم ، که هم از مکر زنان رسته باشی ، و هم گرفتار زندان نشوی ؟

روزی رسولخدا (ص) سراغ مردی را گرفت ، گفتند: مدتیست رنجور است ، و چون مرغ پر شکسته به سختی زندگی می کند. حضرت به قصد عیادت وی برخاست و به منزل آن شخص رفت . بیمار را که دید، فرمود: آیا در حق خودت نفرین کرده ای ؟ بیمار گفت : بله ! همین طور است . من در مقام دعا گفته بودم : پروردگارا! اگر بناست در جهان آخرت مرا به خاطر گناهانم عذاب کنی ، از تو می خواهم که در کیفر من تعجیل فرمایی و آن را در همین جهان قرار دهی . حضرت فرمود: ای مرد! چرا در حق خود چنین دعایی کردی ؟ مگر چه می شد هم سعادت دنیا و هم سعادت دنیا و هم سعادت آخرت را از پروردگار خواستار می شدی ، و در نیایش خود این آیه را می خواندی : ربنا آتنا فی الدنیا حسنهٔ و فی الاخرهٔ حسنهٔ و قنا عذاب النار . مرد مبتلا آن دعا را خواند، و صحیح و سالم گشت و با سلامتی باز یافته ، همراه حضرت از منزل خارج شد. (۳٦۱)

2 O. عافیت بخیری

قال امیر المؤ منین (ع) فقمت فقلت یا رسول الله ما افضل الاعمال فی هذا الشهر فقال (ع) یا اباالحسن افضل الاعمال فی هذا الشهر الورع من محارم الله عزوجل ثم بکی فقلت یا رسول الله ما یبکیک فقال یا علی ابکی لما یستحیل منک فی هذا الشهر کانی بک و انت تصلی لربک و قد انبعث اشقی الاولین و الآخرین شقیق عاقر ناقهٔ ثمود فضربک ضربهٔ علی

قرنک فخضب منها لحیتک قال امیر المؤ منین (ع) قلت یا رسول الله ذلک فی سلامهٔ فی دینی فقال (ص) فی سلامهٔ من دینک .

امیر المؤ منین علی (ع) می گوید: بلند شدم و به پیامبر اکرم (ص) که در حال خواندن خطبه ی شعبانیه بود، عرض کردم : یا رسول الله ! بهترین اعمال در این ماه چیست ؟ فرمود: بهترین اعمال پرهیز از گناه است . سپس حضرت گریه کرد! پرسیدم : چه چیز شما را به گریه واداشت . فرمود: یا علی ! برای آنچه که در این ماه بر تو وارد می شود، گریانم . مثل اینکه می بینم که تو در نماز هستی ، و حال آنکه بدبخت ترین اولین و آخرین ، بدبخت تر از آنکه ناقه ی ثمود را پی کرد، ضربه یی به تو می زند، که محاسنت را از خون سرت خضاب می کند. عرض کردم : آیا در هنگام دین من سالم است ؟ یعنی با ایمان هستم ؟ فرمود: آری ! بر سلامت دین هستی . (۳٦۲)

عالمی از عتبات عالیات بر می گشت ، ولی متاءسفانه در مسیر خود در حدود کرمانشاه و همدان گرفتار دزد شد، و رفقای او نیز مورد تهاجم دزدها قرار گرفتند، و هر چه داشتند، از دست دادند. آن عالم می گوید: من کتابی داشتم که سال ها با زحمت و مشقت زیاد آن را نوشته بودم ، و چون خیلی مورد علاقه ام بود، در سفر و حضر با من همراه بود. اتفاقا کتاب مزبور نیز به سرقت رفت . بناچار به یکی از دزدها گفتم : من کتابی در میان اموالم داشتم ، که به غارت رفت . اگر ممکن است ، آن را به من برگردانید، زیرا به درد شما نمی خورد. آن دزد گفت : ما بدون اجازه ی رئیس خود نمی توانیم کتاب را به شما بدهیم ، و اصلا حق نداریم دست به اموال بزنیم .

گفتم : رئیس شما کجاست ؟ گفت : پشت این کوه منزل دارد. من با همراهی همان دزد به نزد رئیس دزدها رفتم ، دیدم نماز می خواند. وقتی از نماز فارغ شد، دزد به او گفت : این عالم کتابی بین اموال دارد، و همان کتاب را می خواهد. ما بدون اجازه ی شما نخواستیم بدهیم . به رئیس دزدها گفتم : اگر شما رئیس دزدها هستید، پس این نماز خواندن چیست ؟ نماز کجا، دزدی کجا! رئیس گفت : درست است که من رئیس دزدها هستم ، ولی چیزی که هست ، این است که انسان نباید تمام رابطه خود را با خدا قطع کند و به کلی از خداوند رو گردان شود، بلکه باید یک راه آتشی برقرار سازد. حالا که شما عالم هستید، من به احترامتان تمام اموال غارت شده را به شما برگردانم . سپس فورا دستور داد همه اموال به ما رد شود، و ما هم خوشحال به ولایت برگشتیم .

پس از مدتی مجددا به عتبات رفتم . روزی در حرم حضرت امام حسین (ع) همان مرد را دیدم که با خضوع و خشوع می گریست و دعا می کرد، و اشک لا ینقطع از دیدگان وی جاری بود. وقتی مرا دید، شناخت و گفت : مرا می شناسی ؟ گفتم : بلی ! گفت : چون من نماز را ترک نکردم و رابطه ام با خداوند متعال برقرار بود، لذا خداوند مرا توفیق داد که از دزدی دست بردارم و از همه گناهان توبه کنم ، و هر چه از اموال مردم دست من بود، به صاحبانشان باز گردانم ، و هر کس را نمی شناختم ، در راه آنها انفاق می کردم ، و اکنون توفیق زیارت نیز یافته ام . (۳۶۳)

اللهم اجعل خاتمه اءمرنا خیرا بجاه محمد و آله الطاهرین .

خدایا! به حق محمد و خاندان پاکش ! عاقبت امر همه ما را ختم بخیر فرما!

3 O. طول عمر همراه با عزت

عزت به گفته ی راغب در مفردات ، در اصل ، آن حالتیست که انسان را مقاوم و شکست ناپذیر می سازد؛ و به همین جهت ، به زمین های صلب و محکم نیز عزاز می گویند.

من کان یرید العزۀ فلله العزۀ جمیعا

از آنجا که تنها ذات پاک خداوند شکست ناپذیر است ، بنابراین کسانی که عزت می خواهند، از خدا بطلبند، چرا که تمام عزت از آن اوست .

در حدیثی از انس نقل شده که پیامبر (ص) فرمود:

ان ربکم یقول کل یوم انا العزیز فمن اراد عزالدارین فلیطع العزیز .

پروردگار شما همه روز می گوید: منم عزیز! و هر کس عزت دو جهان خواهد، باید اطاعت عزیز کند.

در حالات امام حسن بن علی (ع) می خوانیم که ، در ساعات آخر عمرش هنگامی که یکی از یاران به نام جنادۀ بن ابی سفیان از او اندرز خواست ، آن حضرت نصایح ارزنده و مؤ ثری برای او بیان فرمود، که از جمله این بود:

و اذا اردت عزا بلا عشیرۀ و هیبۀ بلا سلطان فاخرج من ذل معصیۀ الله الی عز طاعۀ الله . (٣٦٤)

هر گاه بخواهی بدون داشتن قبیله ، عزیز باشی ، و بدون قدرت و حکومت ، هیبت داشته باشی ، از سایه ی ذلت معصیت خدا بیرون بیا و در پناه عزت اطاعت او قرار بگیر.

و اءسئلک ان تطیل عمری فی طاعتک .

خدایا! از تو درخواست می کنم که عمرم را در طاعت و عبادتت دراز و طولانی فرمایی !

یا رب قو علی خدمتک واشدد علی العزیمۀ جوانحی :

خدایا! در مقام بندگی ات ، به اعضا و جوارحم قوت و نیرو ببخش ، و دلم را نسبت به خودت خاشع و خاضع گردان !

در روز عاشورا امام حسین خطاب به لشکر یزید (لعنۀ الله علیه) فرمودند:

لا اءری الموت الا السعادۀ و الحیاۀ مع الظالمین الا برما .

مرگ را جز نیکبختی و سعادت ، و زندگی با خودکامگان و بیدادگران را چیزی جز رنج و ذلت نمی دانم .

4 O. تقرب به درگاهش ، با انجام واجبات و ترک محرمات

استاد بزرگ علم اخلاق ، مرحوم شیخ محمد بهاری می گوید: کسی که می خواهد متقی باشد و در راه تقوا قدم گذارد، باید چند امر را رعایت نماید: اول ، ترک گناهان ، که پایه و اساس دنیا و آخرت بر آن نهاده شده است ، و مقربین درگاه خداوند به چیزی بالاتر و بهتر از آن تقرب نجستند. حضرت موسی (ع) از حضرت خضر (ع) سؤ ال می کند: چه کرده ای که من ماءمور شده ام از تو تعلم کنم ؟ به چه چیز به این مرتبه رسیده ای ؟ فرمود: به ترک معصیت . (٣٦٥)

عن اءبی عبدالله (ع) قال : قال الله تبارک و تعالی : ما تحبب الی عبدی باءحب مما افترضت علیه .

امام صادق (ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید: بنده ی من با چیزی محبوب تر از انجام آنچه بر او واجب کرده ام ، به دوستی من نگراید.

از امام صادق (ع) معنای تقوا را پرسیدند، حضرت فرمود: اینکه انسان واجبات الهی را انجام دهد، و محرمات را ترک نماید.

حاج شیخ جعفر شوشتری (از مراجع تقلید زمان سابق) بنا به دعوت مردم ایران به تهران آمد. جمعیت عظیمی برای استقبال او آمدند، از جمله سفیر تزار روس . مردم از شیخ جعفر یک جمله بر زبان آورد، اما این یک جمله چون از ته دل برآمد، چنان در قلوب مردم مؤ ثر افتاد، که صدایشان به گریه بلند شد. شیخ گفت : ایها الناس ! انه علیم بذات الصدور. یعنی : ای مردم ! آنچه که بر زبان جای نمایید و آنچه که در دل مخفی بدارید، خداوند از همه آنها مطلع و آگاه است . سفیر تزار روس که شاهد این منظره بود، در نامه یی که به روسیه می فرستد، می گوید: تا زمانی که مردم در سایه ی چنین عالمانی زندگی می کنند، نمی توان به کشور ایران و منافع آن تسلط پیدا کرد.

5 O. فرزند صالح

پیامبر اکرم (ص) فرمود: فرزند صالح گلیست از گل های بهشت . و نیز فرمود: از سعادت آدمی ، فرزند صالح داشتن است . (٣٦٦)

قال رسول الله (ص): سبعۀ اسباب یکسب للعبد ثوابها بعد وفاته :

رجل غرس نخلا بئرا او اجری نهرا او بنی مسجدا او کتب مصحفا او ورث علما او خلف ولدا صالحا یستغفر له بعد وفاته . (٣٦٧)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هفت چیز است ، که اگر شخصی یکی از آنها را انجام داده باشد، پس از مرگش ثوابش به او می رسد:

۱. کسی که نخلی را نشانده باشد (درخت مثمری را غرس کرده باشد)؛ ۲. یا چاهی را کنده باشد؛ ۳. یا نهری را جاری ساخته باشد؛ ٤. یا مسجدی را بنا نموده باشد؛ ٥. یا قرآن را نوشته باشد؛ ٦. یا علمی را از خود بر جای گذارده باشد؛ ۷. یا فرزند صالحی را بر جای نهاده باشد، که برای او استغفار نماید.

و نیز فرمود: کسی که بی فرزند بمیرد، گویا هرگز در میان مردم نبوده است ؛ و کسی که بمیرد و فرزندی از او بماند، گویا نمرده است .

و نیز فرمود: حضرت عیسی (ع) از کنار قبری گذشت ، که فرشتگان به دستور خدا صاحبش را عذاب می کردند. سال بعد که از کنار آن قبر می گذشت ، متوجه شد عذابش نمی کنند. علت را از خداوند جویا شد، به او وحی رسید که : در این سال (امسال) فرزند شایسته ی او به سن بلوغ رسید، و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد. به این سبب ، او را به کردار فرزندش آمرزیدم . پس حضرت فرمود: میراثی که از طرف خدا برای بنده می ماند، فرزندیست که بعد از او خدا را عبادت کند.

6 O. وسعت روزی

با توجه به سخنان گهربار و نیز سیره ی عملی حضرت علی (ع)، فقر و تنگدستی پیامدها و عوارض جبران ناپذیری بر پیکره ی اجتماع وارد می آورد، که می توان آن را بدین صورت تقسیم بندی نمود:

۱. فراموشی

الفقر نیسی . (۳٦۸) یعنی : فقر حافظه ی افراد را کاهش می دهد و آنها را فراموشکار می کند.

۲. زشتی اخلاق

حضرت در غررالحکم به این نکته اشاره می کند و می فرماید: تنگدستی و نداری ، اخلاق را زشت می کند. (۳٦۹)

۳. تنبلی

از دیگر پیامدهای فقر و تنگدستی در جامعه ، حاکمیت تنبلی و قانع شدن و بسنده کردن به همان مقدار موجود است . فقر، افراد جامعه را خشک دست ، سست و تنبل می سازد. ٤. چاپلوسی

(۳۷۰)

جامعه فقیر دچار تملق ، چاپلوسی و ستایش از بخشیدگان ، و همچنین سازش و انعطاف با جانیان و افراد شرور می شود. (۳۷۱)

۵. سلطه* پذیری

تنگدستی و فقر، به نیروی تدبیر و مدیریت جامعه آسیب وارد می کند و آن را به سوی پذیرش سلطه و استعمار سوق می دهد. جامعه ی فقیر، قدرت تصمیم گیری و اتخاذ راه و روش اداره ی مستقل جامعه را ندارند. فقیر، عامل تسلطی سلطه گر است . (۳۷۲) جامعه ی مسکین و فقیر، قدرت دفاع و مدافعه و استدلال و احتجاج بر حقوق خود را در دادگاه ها و سازمان های بین المللی از دست می دهد، و طبعا از کرسی نشاندن نظرات و خواسته های خود ناتوان می شود و حقوقش پایمال

می گردد. فقر، استدلال زیرک را گنگ می کند. (۳۷۳) فرزندم ! فقیر کلامش شنیده نمی شود و مقامش شناخته نمی گردد. (۳۷٤)

 ٦. غربت

گروه فقیر یا جامعه ی فقیر به دلیل تنگدستی و فقرش ، محل مراجعه و کانون رفت و آمد و مورد مشاوره و نظر خواهی قرار نمی گیرد، و چون از تحرک سیاسی باز می ماند، منزوی و غریب و بدون حامی می ماند. تنگدست ، در کشور خود هم غریب می ماند. (۳۷۵)

 ۷. بی دینی

فقر و تنگدستی باعث نقصان دینداری می شود. (۳۷٦) پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمود: من لا معاش له لا معادله . یعنی : کسی که قادر بر اداره ی زندگی روزانه ی خود و خانواده اش نباشد، اعتقاد او نسبت به معاد و قیامت به تدریج سست شده و یا از بین خواهد رفت .

وقتی به پیامدها و عوارض فقر و تنگدستی پی بردیم ، پس باید از خداوند طلب روزی کرد. به فرموده ی حضرت علی (ع)، روزی بر دو قسم است :

۱. روزی یی که به دنبال تو می آید، و نصیب تو در هر روز همان اندازه است . (یعنی بخور و نمیر.)

۲. روزی یی که تو به دنبالش می روی ، و آن ، مازاد از نصیب تو در هر روز است ، که این بستگی به سعی و تلاش انسان دارد؛ هر قدر انسان بیشتر تلاش و فعالیت کند؛ روزی بیشتری نصیب او می شود. بنابراین انسان قسم دوم روزی را باید از خداوند درخواست نماید. احادیث و

روایات فراوانی در این زمینه از معصومین به دست ما رسیده ، که می تواند راهگشای کار ما باشد.

7 O. مثمر ثمر بودن برای اجتماع

سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبردند

العالم حیا و ان کان میتا و الجاهل میتا و ان کان حیا .

دانشمند زنده است ، هر چند بمیرد، و جاهل مرده است ، اگر چه زنده باشد.

خداوند انسان را موجودی اجتماعی آفرید؛ بنابراین باید سهم خویش را به اجتماع بپردازد، و سعی کند مردم از وجودش و از افکارش ، چه در حیات و چه در ممات استفاده نمایند، و مراقب باشد اوقات زندگی او به بطالت نگذرد، بلکه باید حداکثر استفاده و بهره برداری از آن را بنماید؛ چه اینکه دنیا مانند تند بادی در حال گذر است ، و آنچه بعد از مردن برای انسان باقی می ماند، ذکر خیر و عمل شایسته است .

8 O. از یاران دین قرار گرفتن

عن یونس بن یعقوب عن اءبی عبدالله (ع) انه کتب الیه بعض اصحابه یساءله اءن یدعو الله اءن یجعله ممن ینتصر به لدینه فاجابه - و کتب فی اءسفل کتابه - یرحمک الله انما ینتصر الله لدینه بشر خلقه . (۳۷۷)

یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) روایت می کند: یکی از یارانش در نامه یی از آن بزرگوار درخواست کرد که درباره ی او دعا کند و از خدا بخواهد که وی را از یاران دین خود قرار دهد. پس آن حضرت به

نامه ی را پاسخ داده ، و در ذیل نامه چنین نوشت : خدا تو را رحمت کند! به راستی خداوند برای دین خود از بدترین آفریده ی خود کمک و یاری می جوید. (چنان که معروف است : ان الله یؤ ید الدین و لو بفاسق . یعنی : خداوند دین خود را تاءیید و تقویت می کند، ولو به وسیله ی اشخاص فاسق و بدکار.

عن محمد بن مسلم عن اءبی جعفر (ع) قال : اللهم اءوسع علی فی رزقی و امدد لی فی عمری و اغفر لی ذنبی واجعلنی ممن تنتصر به لدینک و لا تستبدل بی غیری . (۳۷۸)

امام باقر (ع) به محمد بن مسلم فرمود: بگو: خدایا! روزی مرا وسعت بده ، عمر مرا طولانی کن ، گناهم را بیامرز، و مرا از جمله ی کسانی قرار بده که خود را به آنها یاری می کنی ، و به جای من دیگری را وا مگذار!

9 O. پناه بردن به خدای تعالی از شر شیطان

اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین و اءعوذ بالله اءن یحضرون ان الله هو السمیع العلیم .

به خدا پناه می برم از وسوسه های پنهانی شیاطین ، و پناه می برم به خدا، از اینکه بر من حاضر شوند. همانا خداوند شنوا و داناست .

10 O. توفیق در انجام طاعت و دوری از معصیت

اللهم ارقنا توفیق الطاعۀ و بعد المعصیتۀ .

خدایا! توفیق طاعت و دوری از معصیت به ما روزی فرما!

انسان در انجام کارهای خیر نیاز به عنایت و توفیق از جانب خداوند بزرگ دارد، تا توفیق خدایی شامل حال انسان نشود، موفق به انجام اعمال خداپسندانه نخواهد شد.

بر این اساس ، به خاطر موفقیت در برنامه ها و رسیدن به اهداف عالی ، لازم است از خداوند درخواست کنیم ، به ما توفیق عنایت کند، تا رسیدن به هدف های مهم و بزرگ برای ما امکان پذیر و آسان شود.

11 O. علم و معرفت

قال رسول الله (ص): سلوا الله علما نافعا و تعوذوا بالله من علم لا ینفع . (۳۷۹)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: علمی نافع و سودمند از خداوند بخواهید، و پناه ببرید به خدا، از علمی که سودمند نباشد.

و املاء قلوبنا بالعلم و المعرفۀ . یعنی : خدایا! دل ما را از علم و معرفت پر گردان !

قال رسول الله (ص): ما اخلص عبد اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمۀ من قلبه علی لسانه . (۳۸۰)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس که چهل روز برای خدا خالص و فارغ شد، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می گردد.

علم و معرفت به منزله ی دو بال کبوترند؛ یعنی همان طور که کبوتری که یک بالش شکسته ، نمی تواند به سوی آسمان بالا برود، همچنین

عالمی که علمش از معرفت تهی و خالیست ، نمی تواند مقرب درگاه الهی شود و علم او برایش حجاب و مانع خواهد شد.

12 O. آمرزش گناهان

اللهم اغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توقنا مع الاءبرار .

بار خدایا! گناهان ما را ببخش و قلم عفو بر خطاهایمان بکش ، و ما را با نیکان و صالحان بمیران !

روایت شده است که ، پیامبر روزی هفتاد بار استغفر الله و اتوب الیه می گفت :

13 O. از یاران امام زمان (عج) قرار گرفتن

امام صادق (ع) فرمود: هر کس چهل صباح دعای عهد را بخواند، از یاران امام زمان خواهد شد؛ و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند، او را از قبر بیرون می آورد، که در خدمت آن حضرت باشد. (۳۸۱)

البته صرف خواندن دعا کفایت نمی کند، بلکه عمل صالح و شایسته نیز لازم است .

14 O. سلامتی امام زمان و تعجیل در ظهور آن حضرت (۳۸۲)

15 O. زندگی در سایه ی قرآن و محشور شدن با آن در روز قیامت

قال فاطمهٔ الزهراء (ع): حبب الی فی دنیا کم ثلاث تلاوهٔ کتاب الله و النظر فی وجه رسول الله و الانفاق فی سبیل الله .

حضرت فاطمه زهرا (ع) فرمود: از دنیای شما سه چیز محبوب من است : ۱. تلاوت قرآن مجید؛ ۲. نگاه به چهره ی رسول خدا؛ ۳. انفاق در راه خدا.

الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته اولئک یؤ منون به و من یکفر به فاولئک هم الخاسرون .

مردم نسبت به تلاوت قرآن بر دو دسته اند: دسته اول : کسانی هستند که شبانگاه و صبحگاه قرآن تلاوت می کنند، و یا پاره یی از اوقات خویش را در شبانه روز به تلاوت قرآن می پردازند. این دسته ، قرآن خواندنشان همراه با تفکر و تدبر در آیات الهی می باشد، و به محتوای و مضامین قرآن ایمان دارند و عمل می کنند؛ یعنی آنچه را که خداوند در قرآن بندگان را نسبت به آن دستور داده ، به جا می آورند، و آنچه را که نهی کرده ، انجام نمی دهند. اینها کسانی هستند که ایمان در دل ها و قلب هایشان نفوذ پیدا کرده ، و در دنیا و آخرت خوشبخت و سعادت می باشند. من احب شیئا فقد حشره الله معه یوم القیامه . یعنی : هر کس در روز قیامت با محبوب خویش محشور و همنشین خواهد شد.

اما دسته دوم کسانی هستند که شبانگاه و صبحگاه تلاوت قرآن می کنند، و با پاره یی از اوقات خویش را در شبانه روز به تلاوت قرآن مشغولند. این دسته ، قرآن خواندنشان همراه با تفکر و تدبر نمی باشد، و به محتوا و مضامین قرآن ایمان ندارند، و یا دارند، ولی بدان عمل نمی کنند؛ یعنی آنچه که خداوند در قرآن بندگان را نسبت بدان امر کرده ، به جا نمی آورند، و آنچه را که نهی نموده ، انجام می دهند. اینها به قول قرآن : و من الناس من یعبدون الله علی حرف هستند؛ یعنی : ایمان در دل ها و

قلب هایشان رسوخ پیدا نکرده ، و فقط با زبانشان خدا را می خواند، اما دل هایشان خدا را نمی طلبد. خسر الدنیا و الاخرۀ و هو الخسران المبین . این دسته علاوه بر اینکه در دنیا خوشبخت نیستند، در روز قیامت با قرآن محشور نمی گردند، و قرآن به درگاه عدل الهی بر علیه آنها شکایت خواهد نمود که ، او را در دنیا ضایع و تباه ساختند.

16 O. ادامه دهنده ی راه انبیا و ائمه ی معصومین و اولیای خدا

خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر را برای ارشاد و راهنمایی مردم ، و به خاطر اتمام حجت بر آنها فرستاد، تا مردم در سایه ی تعلیماتشان به مقامات دنیوی و اخروی برسند. گاهی اوقات دو یا چند پیغمبر در عصری با هم اجتماع می کردند، ولی هیچ گاه اختلافی در بینشان دیده نشد؛ چرا که همگی آنها انسان های خود ساخته بودند، و هدف همه یکی بود، همه نیز سعی و تلاش می کردند تا مردم را به سوی همین هدف ، که اصلاح جامعه است ، بکشانند.

بنابراین ، اگر ما بخواهیم ادامه دهنده ی هدف انبیا و ائمه ی معصومین و اولیای خدا باشیم ، باید همانند آنها ابتدا به اصلاح نفس خویش بپردازیم ، سپس به اصلاح جامعه ، وگرنه گرفتارهای هایی را برای خود و افراد جامعه به وجود می آوریم ، که جبران آن ممکن نیست . ضل و اضل .

برای چه کسانی دعا کنیم ؟

۱. حفظ و بقای اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی .

۲. رهبر و پیشوای انقلاب

۳. مسؤ ولین و خادمین نظام .

٤. پیروزی سپاه اسلام .

٥. نابودی کفار، منافقین و ظالمین .

٦. مؤ منین و مؤ منات ، مسلمین و مسلمات .

۷. آمرزش اموات .

۸. فرزندان و پدر و مادر.

۹. آزادی اسیران .

۱۰. ادای قرض و مقروضین .

۱۱. بیماران اسلام .

۱۲. حاجیان و زوار و مسافران اسلام .

۱۳. علمای دین .

۱٤. بی نیازی فقیران .

۱٥. وحدت و یکپارچگی مسلمین ...

دعای به موقع

حجاج بن یوسف ، استاندار عبدالملک و پنجمین خلیفه اموی در عراق ، از خیانتکاران بزرگ تاریخ ، مانند چنگیز و هیتلر و صدام بود. او شنید که در بغداد درویشی زندگی می کند که مستجاب الدعوۀ است ، یعنی دعایش به اجابت برسد. او را به حضور طلبید و گفت : برای من دعای خیر من ! درویش چنین دعا کرد: خدایا! جان حجاج را بگیر! حجاج با

ناراحتی گفت : این چه دعای خیر است ؟ درویش گفت : این دعا هم برای تو و هم برای همه مسلمین ، خیر است .

ای زبر دست زیر دست آزار گرم تا کی بماند این بازار؟

به چه کار آیدت جهانداری ؟ مردنت به ، که مردم آزاری (۳۸۳)

دعای بی موقع

1 O. خداوند پول حلالت را نصیب دکتر نکند

طبیبی از مقابل گدایی عبور می کرد، دست به جیب کرد تا پولی به گدا بدهد، گدا شروع کرد به دعا کردن و گفت : خداوند پول حلالت را نصیب دکتر نکند. طبیب فورا پول را به جیب خود گذاشت و گفت : (عمو!) این دعای تو بی موقع بود، زیرا من خودم دکتر هستم ، و اگر در حق هر کسی که به تو پول می دهد، همین دعا را بکنی ، پس من بدبخت از کجا بیاورم و زندگی کنم ؟ (۳۸٤)

2 O. سوراخ دعا را گم کرده است

گویند، شخصی در مستراح نشسته بود و به جای دعای مستحبی ، در حال قضای حاجت ، دعای وقت انتظار افطار را می خواند: اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت . شخصی این دعا را شنید، گفت : خوب ذکریست ، اما سوراخ دعا را گم کرده است . (۳۸۵)

3 O. سه دعای مستجابی که زاهد نادان ، آن را ناکام کرد

در آیه ی ۱۷۵ سوره ی اعراف می خوانیم :

واتل علیهم نباء الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها...

برای آنها سرگذشت آن کسی را که آیات خود را به او دادیم ، ولی سرانجام از دستور آن آیات خارج شد، بخوان ، که شیطان بر او دست یافت و از گمراهان شد.

زاهدی در بنی اسرائیل می زیست . خداوند توسط پیامبر آن عصر به او ابلاغ کرد که ، سه دعای توبه به استجابت خواهد رسید. آن زاهد بی همت و نادان در این فکر فرو رفت که این دعاها را در کجا به کار ببرد. با همسرش مشورت کرد، همسرش گفت : سال هاست که در خدمت تو هستم و در سختی و آسایش با تو همراهی کردم . یکی از آن دعاها را در مورد من مصرف کن ، و از خدا بخواه مرا از زیباترین بنی اسرائیل قرار دهد، تا تو از زیبایی من بهره مند گردی . زاهد نادان پیشنهاد او را پذیرفت و در حق او آن دعاها را در مورد من مصرف کن ، و از خدا بخواه مرا از زیباترین بنی اسرائیل قرار دهد، تا تو از زیبایی زنان بنی اسرائیل شد. آوازه ی زیبایی او به همه جا رسید. مردم از هر سو برای او نامه های عاشقانه نوشتند و آرزوی ازدواج با وی نمودند. او مغرور شد و بنای ناسازگاری با شوهرش نهاد. سرانجام شوهرش خشمگین شد و از دعای دوم استفاده نمود و گفت : خدایا! جانم از دست این زن به لب رسید. او را مسخ گردان ! دعایش مستجاب شد و او به صورت خرس در آمد. وقتی که چنین شد، فرزندانش به او اعتراض شدید کردند، و او ناگزیر از دعای سوم خود استفاده کرد و گفت : خدایا! همسرم را به صورت نخستین خود برگردان ! آن زن به صورت اول خود بازگشت . و به این ترتیب ، سه دعای مورد اجابت زاهد به هدر رفت ، و آن زاهد نادان بر اثر مشورت با آن زن نادان تر از خودش ، سه گنجینه یی را که

می توانست به وسیله ی آن ، سعادت دنیا و آخرتش را تحصیل کند، باطل و نابود ساخت .

آداب و شرایط دعا از نظر دعا کننده

الف . قبل از دعا

ب . هنگام دعا

ج . بعد از دعا

O الف . قبل از دعا

1 O. با طهارت باشد؛ یعنی وضو، غسل ، یا تیمم داشته باشد

امام صادق (ع) فرمود: دعا کننده قبل از دعا ابتدا باید به نحو نیکو وضو بگیرد و دو رکعت نماز با رکوع و سجود صحیح به جا آورد و سلام نماز را بگوید، آن گاه خدا را ستایش کند و بر رسول و آل او درود فرستد، سپس حاجت خویش را از خدا بخواهد. (۳۸٦)

2 O. رو به قبله باشد، بوهای استعمال نماید و لباس تمیز بپوشد

عن معاویهٔ بن عمار عن ابی عبدالله (ع) قال : کان اءبی اذا طلب الحاجهٔ طلبها عند زوال الشمس فاذا اءراد ذلک قدم شیئا فتصدق به شم شیئا من طیب و راح الی المسجد و دعا فی حاجته بما شاء الله . (۳۸۷)

معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند، آن حضرت فرمود: پدرم امام محمد باقر (ع) وقتی حاجتی داشتند، آن را در وقت ظهر طلب می کردند، و چون این اراده را می نمودند، اول چیزی را به عنوان صدقه

می دادند و خود را به بوی های خوشبو معطر می ساختند، و آن گاه حاجت خویش را از خدا می طلبیدند.

قال رسول الله (ص): الله جمیل و یحب الجمال . پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند زیباست ، و زیبایی را نیز دوست دارد. النظافۀ من الایمان . نظافت و پاکیزگی جزئی از ایمان است .

3 O. صدقه دادن

حضرت صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما مریض شود، نزد طبیب و پزشک می رود و به او چیزی می دهد، و اگر حاجتی به پادشاهی دارد، به دربانان رشوه می دهد؛ پس اگر حاجتی به خدا داشته باشد، باید تصدقی بدهد، خواه کم باشد و خواه زیاد. (۳۸۸)

یا ایها الذین امنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقۀ ذلک خیر لکم و اءطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم .

ای اهل ایمان ! هر گاه بخواهید با رسول سخن سری بگویید، پیش از این کار باید صدقه بدهید، که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است ؛ و اگر از روی فقر، چیزی برای صدقه نباشد، در این صورت ، البته خداوند آمرزنده و مهربان است .

امام سجاد در رساله حقوقیه می فرماید: و حق الصدقه اءن تعلم انهاذخرک عند ربک عزوجل و دیعتک التی لاتحتاج الی الاءشهاد علیها فان علمت ذلک کنت بما تستودعه سرا اءوثق منک بما تستوعه علانیۀ و تعلم اءنها تدفع البلایا و الاءسقام عنک فی الدنیا و تدفع عنک النار فی الاخرۀ .

حق صدقه این است که ، بدانی ذخیره و امانتیست که به خدا می سپاری و هیچ محتاج شاهد و گواه نیست . اگر این حقیقت را دریافتی ، به صدقه ی سی مطمئن تر خواهی شد از صدقه ی علنی ، و می فهمی که در دنیا بلاها و بیماری ها را برطرف می کند و در آخرت جلو گیر آتش است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: راجع به صدقه ، از شیطان پرسیدم که : چرا جلوگیری می کنی ؟ گفت : ای محمد (ص)! ببینم کسی صدقه می دهد، گویا اره بر سر من نهاده اند و مانند چوب می برند. پرسیدم : چرا؟ گفت : صدقه پنج خاصیت دارد: ۱. مال را زیاد می کند؛ ۲. بیمار را شفا می دهد؛ ۳. بلا را برمی گرداند؛ ٤. صاحبش چون برق جهنده از پل صراط می گذرد؛ ٥. و بی حساب وارد بهشت می شود. (البته در جایی که حقوق مردم بر گردنش نباشد.

در حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمود: چون صدقه از دست صاحبش بیرون رود، چهار کلمه گوید: ۱. من فانی بودم ، جاویدم کردی . ۲. کوچک بودم ، بزرگم کردی . ۳. دشمن تو بودم ، دوستم کردی . ٤. تو مرا حفظ کردی ، اینک من تا قیامت نگهبان تو هستم . (۳۸۹) و نیز از آن حضرت روایت شده است : صدقه دادن قبل از دعا باعث اجابت آن می گردد.

به هر حال ، چون صدقه دلی را شاد می کند، خدای متعال هم در عوض ، دل صدقه دهنده را با اجابت دعا شاد می فرماید.

4 O. دو رکعت نماز حاجت قبل از دعا

عن اءبی بصیر عن اءبی عبدالله (ع) قال : کان علی اذا هاله اءمر فزع الی الاصلاۀ ثم تلا هذه الایۀ واستعینوا بالصبر و الصلاۀ . (۳۹۰)

ابی بصیر، از امام صادق (ع) روایت می کند که : هرگاه برای امیر المؤ منین (ع) پیشامد هولناکی رخ می داد، به نماز پناهنده می شد، سپس این آیه را تلاوت می نمود: واستعینوا بالصبر و الصلاۀ . یعنی : از صبر و نماز کمک بجویید.

الفضل بن الحسن بن الطبرسی عن الصادق قال : ما یمنع احدکم اذا دخل علیه غم من غموم الدنیا اءن یتوضاء ثم یدخل المسجد فیرکع رکعتین یدعو الله فیها اءما سمعت الله یقول و استعینوا الصبر و الصلوۀ . (۳۹۱)

طبرسی در تفسیر مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت می کند: چه مانعی دارد کسی از شما را به هنگامی که برای گرفتاری های دنیا غمگین می شود، پس از اینکه وضو گرفته ، روانه ی مسجد شده ، دو رکعت نماز بخواند و آنچه می خواهد، در نماز دعا کند؟ و مگر نشنیدی خدا می فرماید: از نماز و صبر (روزه) یاری بجویید.

5 O. گفتن نام خدا پیش از دعا، و نیز نام هایی که مناسب دعایش می باشد

حضرت علی (ع) فرمود: انسان هر کاری را می خواهد انجام دهد، باید بسم الله بگوید؛ زیرا هر عملی که با نام خدا شروع شود، خجسته و مبارک است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کل امرذی بال لم بیداء ببسم الله فهو ابترت . (۳۹۲) یعنی : دعایی که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع گردد، رد نمی شود.

شایسته است دعا کننده زمانی که به تمجید و ثنای الهی مشغول است ، ذکر اسماء حسنی الهی که مناسب با مطلوبش است نیز، داشته باشد؛ به عنوان مثال ، اگر مطلوبش رزق است ، با اسمائی مثل : رزاق ، وهاب یا جواد ذکر بگوید؛ و اگر مطلوبش مغفرت و توبه است ، با اسمائی مثل : تواب ، رحیم یا ستار ذکر بگوید.

6 O. پناه بردن به خدا از شر شیطان ، و نیز بیان نعمت های خداوند و شکر برآن

فاذا قرات القران فاستعذ بالله من الشیطان الرحیم . یعنی : هرگاه خواستی قرآن تلاوت نمایی ، از شر شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببر.

مرحوم شیخ عباس قمی گفته است : علمای شیعه بالانفاق گفته اند که سجده ی شکر در وقت متجدد شدن نعمتی و یا دفع شدن بلایی مستحب است ؛ و بهترین نوعش ، سجده ی بعد از نماز است ، برای شکر توفیق ادای نماز.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: بر هر مسلمانی سجده ی شکر واجب است . نماز خود را به آن تمام می کنی ، پروردگار خویش را با آن خشنود می گردانی و ملائکه را از خود به عجب می آوری . به درستی که هرگاه بنده نماز به جا آورد، و سپس سجده ی شکر کند، پروردگار جهان حجاب را از میان بنده و ملائکه برمی دارد و خطاب می کند: ای ملائکه !

نظر کنید به سوی بنده ی من ، که فرض مرا ادا کرد و عهدم را تمام نمود؛ پس نزد من سجده کرد، برای شکر آنچه من بر او انعام کرده ام . ای ملائکه ی من ، با او چه معامله کنم ؟ می گویند: پروردگارا! بهشت تو. باز خداوند می فرماید: من با او چه سؤ ال می نماید و ملائکه جواب می گویند، تا آنکه می گویند: پروردگارا! ما دیگر چیزی نمی دانیم . آن گاه خداوند کریم می فرماید: من او را شکر می کنم ، چنان که او مرا شکر کرد، و به فضل خود به سوی او اقبال می نمایم ، و رحمت عظیم خود را در قیامت به او می نمایانم .

7 O. سپاس و ستایش خداوند

عن الحارث بن المغیرۀ قال : سمعت اءبا عبدالله (ع) یقول : ایاکم اذا اءراد اءحدکم اءن یسال من ربه شیئا من حوائج الدنیا و الاخرۀ حتی یبداء بالثناء علی الله عزوجل و المدح له و الصلاۀ علی النبی (ص) ثم یساءل الله حوائجه . (۳۹۳)

حارث بن مغیره می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرماید: مبادا کسی از شما احتیاجات دنیوی و اخروی خود را از پروردگار خود سؤ ال و درخواست نماید، مگر آنکه ابتدا خدای عزوجل را مدح و ثنا نموده ، صلوات و درود بر پیغمبر (ص) برساند، سپس حوایج خود را از خدا بخواهد.

عن صفوان عن العیص بن القاسم قال : قال اءبو عبدالله (ع): اذا طلب اءحدکم

الحاجۀ فليثن على ربه و ليمدحه فان الرجل اءذا طلب الحاجۀ من السلطان هياء له من كلام اءحسن ما يقدر عليه ، فاذا طلبتم الحاجۀ فمجد و الله العزيز الجبار و امدحوه و اثنوا عليه تقول ياد اءجود من اءعطى و يا خير من سئل ، يا ارحم من استرحم ، يا اءحد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا اءحد يا من لم يتخذ صاحبۀ و لا ولدا يا من يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و يقضى ما اءحب يا من يحول بين المرء و قلبه يا من هو بالمنظر الاء على يا من ليس كمثل شى ء يا سميع يا بصير و اءكثر من اءسماء الله عزوجل فان اءسماء الله عزوجل كثيرۀ و صل على محمد و آل محمد، و قل : اءللهم اءوسع على من رزقك الحلال ما اءكف به وجهى ، و اءؤ دى به عنى اءمانتى ، و اءصل به رحمى و يكون عونا لى فى الحج و العمرۀ و قال : ان رجلا دخل المسجد فصلى ركعتين ثم ساءل الله - عزوجل - فقال رسول الله (ص): عجل العبد ربه و جاء آخر فصلى ركعتين ثم اءثنى على الله عزوجل و صلى على النبى (ص) فقال رسول الله (ص): سل تعط.

عيص بن قاسم می گويد: امام صادق (ع) فرمود: هرگاه كسی از خدا حاجتی بخواهد، پس بايد پروردگار خود را مدح و ثنا گويد؛ چه اينكه هر كس كه از شيطان حاجتی می خواهد، تا می تواند بهترين سخن را برای او آماده می كند؛ پس هرگاه حاجتی طلب كرديد، از خدای عزيز بزرگوار تمجيد و تعريف كنيد و او را مدح و نماييد. بگويی : يا اءجود من اءعطى و يا خير من سئل يا ارحم من استرحم يا اءحد يا صمد و يا من لم يلد و لم يكن له كفوا اءحد يا من لم يتخذ صاحبۀ و لا ولدا يا من يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و يقضى ما اءحب يا من يحول بين المرء و

قلبه یا من هو با المنظر یا من لیس کمثله شی ء یا سمیع یا بصیر . یعنی : ای با سخاوت ترین کسانی که بخشش کرده اند! و ای بهترین کسی که سؤ ال شده ! ای مهربان ترین کی که از او درخواست مهربانی شده ! ای یکتا! ای پناهگاه ! ای کسی که دیگری از او متولد نشده ، و او نیز از دیگری متولد نگردیده ، و هیچ کس کفو و همسر او نباشد! ای کسی که زن و فرزند نپذیرد! ای کسی که هر چه بخواهد، انجام می دهد، و هر چه اراده کند، حکم کرده و فرمان می دهد، و هر چه دوست بدارد و قضاوت کند! ای کسی که میان انسان و قلب او حایل و مانع می شود! ای کسی که در برافراشته ترین دیدگاه قرار دارد! ای کسی که هیچ چیز مثل و مانند او نباشد! ای شنوا! ای بینا! و بسیاری از نام های خدا را بر زبان آور؛ چون نام های خداوند عزوجل بسیار است ، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و بگو: اللهم اءوسع علی من رزقک الحلال ما اءکف به وجهی و اءؤ دی به عنی اءمانتی و اءصل به رحمی و یکون عونا لی علی الحج و العمرۀ . یعنی : بار خدایا! از روزی حلال خود بر من وسعت و گسترش ده ، به اندازه یی که آبروی خود را نگه بدارم و امانت خویش را ادا کنم و صدای صله رحم نمایم و کمک بر انجام حج و عمره من شود.

حضرت فرمود: به درستی که مردی داخل مسجد شد و دو رکعت نماز خواند، سپس از خدای عزوجل مساءلت نمود. پیغمبر (ص) فرمود: این بنده بر خدای خود تعجیل کرد. و مرد دیگری آمده و دو رکعت نماز خواند، سپس خدا را مدح و ثنا کرد و بر پیغمبر (ص) صلوات فرستاد. رسول خدا فرمود: سؤ ال کن ، که عطایت کنند. (۳۹٤)

عن معاویۀ بن عمار: عن اٴبی عبدالله (ص) و قال : انما هی المدحۀ ثم الثناء ثم الاقرار بالذنب ثم المساٴلۀ انه و الله خرج عبد من ذنب الا بالاقرار . (٣٩٥)

معاویۀ بن عمار روایت می کند که ، امام صادق (ع) فرمود: جز این طریقه نیست که ابتدا مدح و ستایش ، سپس اقرار به گناه ، سپس سؤ ال . به درستی که سوگند به خدا! هیچ بنده یی از گناه خارج نشد، جز به اقرار.

عن الحارث بن مغیرۀ قال : قال اٴبو عبدالله (ص) - فی حدیث - اذا اٴردت اٴن تدعوه الله فمجده و احمده و سبحه و هلله و اٴثن علیه و صل علی النبی (ص) ثم سل تعط . (٣٩٦)

حارث بن مغیره گوید: امام صادق (ع) در ضمن حدیثی فرمود: هرگاه خواستی خدا را بخوانی (دعا کنی) پس تمجید کن (تمجید یعنی صفاتی ذاتی خداوند را به نیکی یاد کردن ، مانند: یا علیم ! یا حکیم ! یا رحیم ! یا کریم ! و حمد کن (الحمد الله بگو) و تسبیح کن (سبحان الله بگو) و تهلیل کن (لا اله الا الله بگو) و ثنا کن بر خدا (ثنا یعنی

صفات فعل خداوند را به نیکی یاد آوردن ، مانند: یا من یحول بین المرء و قلبه) و بر پیغمبر (ص) صلوات بفرست ، سپس سؤ ال کن ، که عطایت کنند.

عن ابی عبدالله (ع) قال : قلت آیتان فی کتاب الله عزوجل اٴطلبهما و لا اٴجد هما، قال و ما هما؟ قلت : قول الله عزوجل ادعونی استجب لکم ،

فندعوه و لانری اجابهٔ قال : اءفتری الله عزوجل اءخلف وعده ؟ قلت لا، قال : فمم ذلك ؟ قلت لا اءدری

قال : لکنی اءخبرك من اءطاع الله عزوجل فیما اءمره ثم دعاه من جههٔ الدعاء اءجابه ، قلت و ما جههٔ الدعاء؟ قال تبداء فتحمد الله و تذکر نعمه عندك ، ثم تشکره ثم تصلی علی النبی (ص)، ثم تذکر ذنوبك فتقر بها، ثم تستغفر منها فهذا، جههٔ الدعاء ثم قال و ما الآیهٔ الاخری ؟ قلت : قول الله عزوجل ما انفقتم من شی فهو یخلفه و هو خیر الرازقین و انی اءنفق و لا اءری خلفا، قال : اءفتری الله عزوجل اءخلف وعده ؟ قلت : لا قال فمم ذلك ؟ قلت : لا اءدری : قال لو اءن احدکم اکتسب المال من حله و اءنفقه فی حله لم ینفق درهما الا اءخلف علیه . (۳۹۷)

راوی می گوید: به امام صادق (ع) گفتم : دو آیه در قرآن است که به دستور آنها عمل می کنم ، ولی نتیجه یی که باید بگیرم ، نمی گیرم . حضرت فرمود: آن دو آیه کدامند؟ گفتم : یکی این آیه : ادعونی استجب لکم . یعنی : مرا بخوانید، شما را استجابت می کنم . پس هر چه دعا می کنم ، اثری از اجابت نمی بینم . حضرت فرمود: آیا خیال می کنی خدای عزوجل خلف وعده می کند؟ گفتم : نه ! فرمود: پس ، از کجا چنین شد؟ گفتم : نمی دانم . حضرت فرمود: لیکن من تو را خبری می دهم . کسی که از خدای عزوجل در آنچه امر کرده اطاعت کند، سپس او را از راه دعا بخواند (دعا کند)، او را اجابت خواهد کرد. گفتم : راه دعا کدام است ؟ فرمود: ابتدا خدا را ستایش می کنی و نعمت هایی را که نزد تو دارد، به یاد می آوری ، سپس سپاسگزاری می کنی ، پس صلوات بر پیغمبر (ص) می فرستی ، آن گاه گناهانت را به یاد می آوری

و به آنها اقرار می کنی ، سپس استغفار کرده و آمرزش آنها را می طلبی ؛ و این است راه دعا کردن .

سپس فرمود: آیه ی دوم کدام است ؟ گفتم : این آیه : و ما اءنفقتم من شی ء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین . یعنی : هر چه را که در راه خدا انفاق کنید، او (خدا) به جای آن به شما خواهد رسانید. و من انفاق می کنم ، و به جایش چیزی نمی بینم . فرمود: آیا چنین می پنداری که خدا از وعده ی خود تخلف کرده ؟ گفتم : نه ! فرمود: پس از کجا چنین شد؟ گفتم : نمی دانم . فرمود: هر گاه کسی از شما مالی را از راه حلال به دست آورد و در راه حلال انفاق کند، درهمی انفاق نکند، جز آنکه به جایش می رساند.

عن ابی کهمس قال : سمعت اءبا عبدالله (ع) یقول : دخل رجل المسجد فابتداء قبل الثناء علی الله و الصلاۀ علی النبی (ص): عجل العبد ربه ثم دخل آخر فصلی و اءثنی علی الله عزوجل و صلی علی رسول الله (ص) فقال رسول الله (ص): سل تعطه ثم قال : ان فی کتاب علی (ع): ان الثناء علی الله و الصلاۀ علی رسوله قبل المساءله و ان احدکم لیاتی الرجل یطلب الحاجۀ فیحب اءن یقول له خیرا قبل اءن یساءله حاجته . (۳۹۸)

ابن کهمس می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرماید: مردی وارد مسجد شد، و ابتدا پیش از ستایش خداوند صلوات بر پیغمبر، شروع به دعا کردن نمود. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: این مرد درباره ی پروردگار خود عجله و شتاب کرد. سپس مرد دیگری وارد شد، نماز خواند و ستایش الهی به جا آورد و درود بر پیغمبر فرستاد. پس پیغمبر فرمود:

بخواه ، که داده می شوی . سپس حضرت صادق فرمود: به درستی که کسی از شما هر آینه برای طلب حاجت خود نزد مردی می آید، دوست دارد او سخن خوش و نیکو بگوید، قبل از آنکه حاجت خود را از او سؤ ال کند.

8 O. حمد و ثناهای مخصوص پیش از دعا

حمد و ثناهای مخصوصی که پیش از دعا سزاوار است انجام شود، بر هفت نوعند: (۳۹۹)

نوع اول : ده بار یا الله گفتن .

عن ایوب بن الحراخی ادیم عن ابی عبدالله (ص) قال : من قال یا الله یا الله عشر مرات قیل له : لبیک ما حاجتک ؟

ابی ایوب از امام صادق (ع) روایت می کند که ، آن حضرت فرمود: هر کس ده بار یا الله بگوید، به او گفته می شود: لبیک ! چه حاجت داری ؟

احمد بن فهد فی عهدهٔ الداعی قال : روی عن الصادق (ع) فیمن قال : یا الله ، الله – عشرا مرات متتابعات – فانه لم یقلها مؤ من الا قال ربه : لبیک عبدی سل حاجتک . (٤٠٠)

سید بن طاووس نقل می کند که ، حسن بن محجوب در کتاب خود می نویسد: یکی از یاران امام باقر (ع) از بیماری خود اظهار شکایت کرد، پس حضرت فرمود: ده بار پشت سر هم ، یا الله ! یا الله بگو؛ چون هیچ مؤ منی این جمله را نگوید، جز اینکه پروردگارش می گوید: لبیک بنده ی من ! حاجتت را سؤ ال کن !

عن مسعدۀ صدقۀ قال : حدثنی جعفر قال : اشتکی بعض ولد اءبی فمر به قال له : قل – عشر مرات – یا الله ، یا الله ، فانه لم یقلها احد من المومنین قط الا قال له الرب تبارک و تعالی : لبیک عبدی سل حاجتک . (٤٠١)

مسعدۀ بن صدقه می گوید: امام صادق (ع) برای من حدیثی روایت کرده ، فرمود: یکی از فرزندان پدرم بیمار شد، پس پدرم بر او گذشت و فرمود: ده بار بگو یا الله ! یا الله ! یا الله ! چون هیچ مؤ منی این جمله را نگوید، مگر آنکه پروردگار تبارک و تعالی به او می گوید: لبیک بنده ی من ! حاجت خود را بخواه !

نوع دوم : ده بار یا رب گفتن .

عن ایوب بن الحر عن اءبی عبدالله (ص) قال : من قال – عشر مرات یا رب ، یا رب قیل له : لبیک ما حاجتک .

ایوب بن حر از امام صادق (ع) روایت می کند که ، آن حضرت فرمود: هر کس ده بار یا رب ! یا رب ! به او گفته می شود: لبیک ! حاجتت چیست ؟

عن محمد بن حمران قال : مرض اسماعیل بن اءبی عبدالله (ص) فقال له ابو عبدالله قل : یا رب ، یا رب ، عشر مرات – فان من قال ذلک نودی لبیک ما حاجتک .

محمد بن حمران می گوید: اسماعیل ، فرزند امام صادق (ع) بیمار شد، پس امام صادق (ع) به او فرمود: ده بار یا رب ! یا رب ! بگو؛ چون به درستی که کسی که چنین بگوید، ندا می شود: لبیک ! چه حاجت داری ؟

نوع سوم : یک نفس (یا رب یا رب) گفتن .

و من کتاب مناسک الزیارت للمفید عن ابی جعفر (ع) قال : کان اءبی یلح فی الدعاء یقول : یا رب یا رب حتی ینقطع النفس ثم یعود . (٤٠٢)

از کتاب مناسک الزیارات شیخ مفید نقل است که ، امام باقر (ع) فرمود: پدرم امام سجاد (ع) در دعا کردن اصرار و پافشاری می نمود. به حدی یا رب ! یا رب ! می گفت ، که نفس او قطع می گردید، و سپس دوباره شروع می نمود.

عن اءبی بصیر عن اءبی عبدالله (ع) قال : من یا رب ، حتی ینقطع قیل له : لبیک ما حاجتک ؟ (٤٠٣)

ابی بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که ، آن حضرت فرمود: کسی که به اندازه ی یک نفس ، یا رب ! یا رب ! بگوید، به او گفته می شود: لبیک ! حاجتک چیست ؟

نوع چهارم : یک نفس ، یا رب ! یا الله گفتن .

عن ابی بصیر ابی عبدالله (ع) قال : من قال یا رب یا الله یا الله حتی ینقطع نفسه قیل له لبیک ماحاجتک . (٤٠٤)

ابی بصیر از امام صادق (ع) روایت می کند، که آن بزرگوار فرمود: کسی آن قدر یا رب ! یا الله ! یا الله ! بگوید، تا نفسش بند بیاید، به او گفته می شود: لبیک ! حاجتت چیست ؟

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : و حنانا من لدنا

قال : انه كان يحيى اذا دعا فقال فى دعائه يا رب يا الله ناداه الله ملك (من السماء لبيك يا يحيى سل حاجتك). (٤٠٥)

ابى بصير از امام صادق (ع) روايت مى كند كه ، آن حضرت درباره آيه ى و حنانا من لدنا فرمود: يحيى پيامبر چنين بود كه ، هر گاه دعا مى كرد، در دعاى خود مى گفت : يا رب ! يا الله ! فرشته يى از آسمان ندايش مى كرد: لبيك اى يحيى ! حاجت خود را سؤ ال كن !

نوع پنجم : سه بار اى رب گفتن .

و من كتاب مناسك الزيارات للمفيد عن ابى عبدالله (ع) قال : ان العبد اذا قال : اى رب ثلاثا صيح به من فوقه لبيك سل تعطه .

از كتاب شيخ مفيد (ره) نقل است كه ، امام صادق (ع) فرمود: به درستى كه هرگاه بنده سه بار اى رب ! بگويد، از بالاى سرش فرياد مى زنند: لبيك ! لبيك ! سؤ ال كن ، عطا خواهى شد.

عن منصور عن ابى بصير عن ابى عبدالله (ع) قال : ان الرجل منكم ، ليقف عند ذكر الجنة و النار ثم يقول : اى رب اى رب - ثلاثا - فاذا قالها نودى من فوق راءسه سل ما حاجتك ؟ (٤٠٦)

از ابى بصير نقل است كه ، امام صادق (ع) فرمود: به درستى كه مردى از شما به هنگام يادآورى بهشت و دوزخ توقف مى كند و سه بار اى رب ! اى رب ! مى گويد. در اين هنگام كه گفت ، از بالاى سرش ندا مى كنند كه : سؤ ال كن ! حاجت تو چيست ؟

نوع ششم : سه بار در سجود، يا الله ! يا رباه ! يا سيداه ! گفتن .

عن ابی بصیر عن الصادق جعفر بن محمد (ع) قال : اذا قال العبد - و هو ساجد یا الله یا رباه ای سیداه - ثلاث مرات - اجابه الله تبارک و تعالی : لبیک عبدی سل حاجتک . (٤٠٧)

ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل می کند: هر گاه بنده سه بار در حال سجود، یا الله ! یا رباه ! یا سیداه ! بگوید، خداوند تبارک و تعالی به او پاسخ می دهد: لبیک بنده ی من ! حاجت خود را سؤ ال کن !

نوع هفتم : هفت بار یا ارحم الراحمین گفتن .

عن ابی عبدالله (ع) قال : کان اذا الجت به الحاجهٔ یسجد من غیر صلاهٔ و لا رکوع ثم یقول : یا ارحم الراحمین - سبع مرات - ثم یساءل حاجته ثم قال : ماء قالها احد سبع مرات الا قال الله تبارک و تعالی :ها اءنا ارحم الراحمین سل حاجتک . (٤٠٨)

از امام صادق (ع) روایت است که ، هرگاه حاجتی به آن حضرت روی می آورد، سجده می کرد و بی نماز و بی رکوع ، هفت بار می گفت : یا ارحم الراحمین ! سپس حاجت خود را سؤ ال می کرد. پس فرمود: کی این جمله را هفت بار تکرار نکند، مگر اینکه خدای تعالی به او می گوید: هان ! منم ارحم الراحمین ! حاجت خود را بخواه !

عن علی بن الحسین (ع) قال : سمع النبی (ص) رجلا یقول : یا ارحم الراحمین فاءخذ بمنکب الرجل فقال : ان هذا ارحم الراحمین قد استقبلک بوجهه سل حاجتک . (٤٠٩)

از امام سجاد (ع) نقل است که فرمود: پیامبر (ص) شنیده مردی می گوید: یا ارحم الراحمین ! پس دوش او را گرفت و گفت : این ارحم الراحمین است که به تو رو آورده حاجت خود را بخواه !

9 O. در دست داشتن انگشتر عقیق یا فیروزه

روایت شده است که ، امیر المؤ منین (ع) چهار انگشتر در دست می کردند: ۱. انگشتر یاقوت ، برای شرافت و زینتش ؛ ۲. فیروزه ، برای نصرت و یاری اش ؛ ۳. حدید حسینی ، برای قوتش ؛ ٤. عقیق ، برای حرز و دفع دشمنان و بلاها.

پیامبر اکرم (ع) فرمود: هر کس انگشتر عقیق در دست داشته باشد، حاجتش برآورده می شود.

عن ابی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص) قال الله عزوجل : انی لاءستحیی من عبدی یرفع یده و فیها خاتم فیروز زج اءن اءردها خائبۀ . (٤١٠)

امام صادق (ع) از پیغمبر (ص) نقل می کند: خداوند عزوجل فرمود: من خجالت می کشم از بنده ام که دست با انگشتر فیروزه را به سوی من دراز کرده ، و من آن را خالی و ناامید برگردانم .

عن الصادق (ع) قال : ما رفعت کف الی الله اءحب الیه من کف فیها خاتم عقیق . (٤١١)

از امام صادق (ع) روایت شده است که ، هیچ کف دستی به سوی خدا متعال بلند نشده است که نزد او محبوب تر باشد، از کفی که انگشتر عقیق در آن است .

و نیز از آن حضرت روایت شده : دو رکعت نماز با انگشتر عقیق خواندن ، افضل و بهتر از هفتاد رکعت بدون انگشتر عقیق است .

و نیز آن حضرت فرمود: عقیق اولین کوهی بود که به وحدانیت خداوند، نبوت محمد (ص) و ولایت علی (ع) اقرار نموده . و خداوند بر خود لازم فرموده که ، دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد، بر نگرداند و در قیامت عذابش نفرماید.

10 O. صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد، دراول و آخر دعا

یکی از آدابی که اجابت دعا را تضمین می کند، درود فرستادن بر پیامبر و اهل بیت اوست ؛ چنان که خداوند در قرآن می فرماید:

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما . (٤١٢)

همانا خداوند و ملائکه اش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و تسلیم وی گردید.

مرحوم مجلسی می گوید: مقصود از صلوات بر پیامبر (ص)، صلوات بر او و آل اوست ، نه صلوات بر پیغمبر تنها؛ زیرا در روایات خاصه و عامه وارد شده است که ، صلوات به او، بدون صلوات بر آلش پذیرفته نیست ، بلکه از اخبار ما ظاهر می گردد که ، حرام و موجب عقاب است . (٤١٣)

در نهایه ی جزری آمده است : اینکه می گوییم اللهم صل علی محمد، معنایش این است : خدایا! او را در دنیا به وسیله ی نام او و آشکار کردن دعوت و نگهداری شریعتش ، و در آخرت به قبول کردن شفاعت او درباره ی امتش و دو چندان کردن اجر و پاداشش ، بزرگوار کن !

مرحوم مجلسی می گوید: مشهور آن است که ، صلوات از خدای سبحان رحمت است ، و از فرشتگان ، استغفار و طلب آمرزش ، و از بندگان ، دعاست . آل پیغمبر نزد شیعه ی امامیه ، عترت طاهره و خاندان معصوم او هستند. (٤١٤)

رهبر انقلاب اسلامی ، آیهٔ الله خامنه ای با تعبیری زیبا و شیوا می گوید: صلوات بر محمد و آل محمد، مجسم کننده ی چهره ی افراد زبده و دستچین اسلام است ؛ و با مجسم کردن و در منظر آوردن این چهره ها، مسلمان می تواند همیشه راهی را که باید پیاده پیمود، بشناسد و آماده ی حرکت در آن راه شود. (٤١٥)

قال رسول الله (ص): البخیل حقا من ذکرت عنده فلم یصل علی .(٤١٦)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: بخیل حقیقی کسیست که نامم را بشنود، و بر من صلوات نفرستد.

قال رسول الله (ص) لا تضربوا اءطفالکم علی بکائهم فان بکاءهم اربعهٔ اشهر شهادهٔ لا اله الا الله و اربعهٔ اشهر الصلاهٔ علی النبی و آله و اربعهٔ اشهر الدعاء لوالدیه . (٤١٧)

رسول خدا (ص) فرمود: فرزندان خود را به خاطر گریه کردنشان کتک نزنید، زیرا گریه ی آنان به مدت چهار ماه ، شهادت به وحدانیت خداست ، و چهار ماه صلوات بر پیامبر و آل اوست ، و چهار ماه نیز دعا به پدر و مادر.

امام صادق (ع) می فرماید: روزی رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: نمی خواهی تو را بشارت دهم ؟ عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت ! تو

همیشه بشارت دهنده به خیر بودی . رسول الهی فرمود: جبرئیل هم اکنون خبر بهت آوری به من داد! علی (ع) عرض کرد: آن خبر چه بود؟ فرمود: به من خبر داد، وقتی مردی از امتم بر من صلوات فرستاد و این صلوات را با صلوات بر آل من پیوند داد، درهای آسمان به رویش باز می شود و ملائکه هفتاد صلوات بر او می فرستند، و اگر گناهکار است ، گناهش مانند برگ درختان به زمین می ریزد، و خداوند به او می فرماید: لبیک یا عبدی و سعدیک ! و به ملائکه خطاب می کند: شما بر بنده ی من هفتاد صلوات فرستادید، من بر او هفتصد صلوات می فرستم . اما اگر بر من صلوات فرستاد و اهل بیتم را در صلوات بر من پیوند نداد، بین او آسمان هفتاد حجاب قرار می گیرد و حضرت حق می فرماید: لالبیک و لا سعدیک . ای ملائکه ی من ! دعایش را بالا نبرید، مگر بر آل پیامبر بفرستد. چنین کسی از رحمت حق محروم است ، تا زمانی که اهل بیتم را در صلوات به من ملحق فرماید.(٤١٨)

عن الصادق (ع) عن آبائه علیهما السلام قال : قال رسول الله (ص): انا عند المیزان یوم القیامۀ فمن ثقلت سیئاته علی حسناته جئت بالصلاۀ علی حتی اءثقل بها حسناته . امام صادق (ع) از پدرانش ، از رسول خدا روایت می کند من در روز قیامت کنار ترازو هستم . هر کسی گناهانش بر حسناتش بر گناهانش سنگینی کند.

(٤١٩)

امام صادق از پیغمبر اکرم (ص) نقل می کند:

لاتجعلونی لقدح الراکب فان الراکب یملاء قدحه فیشربه اذا شاء اجعلونی فی اول الدعاء و فی آخره و فی وسطه . (٤٢٠)

مرا چون قدح شتر سوار قرار ندهید؛ زیرا شتر سوار قدح خود را پر می کند، و هر زمان خواست ، می نوشد و مرا در اول دعا و وسط و آخر آن قرار دهید.

عن اءبی عبدالله (ع) قال : لا یزال الدعاء محجوبا حتی یصلی علی محمد و آل محمد . (٤٢١)

امام صادق (ع) فرمود: پیوسته دعا محجوب (در پرده) است ، تا صلوات بر محمد و آل محمد بفرستید.

امام صادق از رسول خدا (ص) روایت می کند که ، آن حضرت فرمودند:

ما من قوم اجتمعوا فی مجلس فلم یذکروا الله عزوجل و لم یصلوا علی نبیهم صلوات الله علیه و آله الا کان ذلک المجلس حسرهٔ و بالا علیهم . (٤٢٢)

هر جمعی که در مجلسی اجتماع کنند، پس ذکر خدای متعال را نبرند و بر پیامبر (ص) و آلش درود نفرستند، حسرت و وبال بر ایشان خواهد بود.

عن ابی عبدالله قال : من کانت له الی الله عزوجل حاجهٔ فلیبداء بالصلاهٔ علی محمد و آل محمد ثم یساءل حاجته ثم یختم بالصلاهٔ علی محمد و آل محمد فان الله عزوجل اکرم من اءن یقبل الطرفین و یدع الوسط اذا کانت الصلاهٔ علی محمد و آل محمد لا تحجب عنه . (٤٢٣)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که به درگاه خدا حاجتی دارد، باید ابتدا بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده ، سپس حاجت خود را بخواهد، و دعای خود را با صلوات بر محمد و آل محمد به پایان برساند. خدای متعال کریم تر از آن است که ابتدا و انتهای دعا را پذیرفته ، و وسط آن را رها کند؛ زیرا چیزی مانع از اجابت صلوات بر محمد و آل محمد نمی شود.

11 O. پرهیز از گناه ، بخصوص ستم مالی و آبرویی به مردم

جاء فی الحدیث القدسی : فمنک الدعاء و علی الاءجابۀ فلا تحجب عنی دعوۀ الا دعوۀ اکل الحرام . (٤٢٤)

در حدیث قدسی آمده است که : دعا از تو، اجابت از من ؛ زیرا دعایی از من پوشیده نمی ماند، مگر دعوت لقمه ی حرام .

قال رسول الله (ص):

من اءحب اءن یستجاب دعائه فلیطب مطعمه و مکسبه .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که دوست دارد دعایش مستجاب گردد، باید خوراک و کسب خود را پاکیزه نماید.

12 O. دعا قبل از بلا

همان طور که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، پیشگیری نیز بهتر از درمان است ، و گناه نکردن هم آسان تر از توبه کردن است ، همچنین قبل از رسیدن بلا باید دعا کرد؛ و چنین دعایی خیلی مؤ ثرتر از دعاییست که پس از رسیدن بلا و سختی صورت می گیرد.

قال علی (ع): ادفعوا امواج البلاء بالدعاء.

حضرت علی (ع) فرمود: امواج بلا را با دعا برطرف کنید.

عن اءبی همام اسماعیل بن همام عن الرضا (ع) قال : قال علی بن الحسین (ع) ان الدعاء و البلاء لیتر افقان الی یوم القیامۀ ان الدعاء لیرد البلاء و قد اءبرم ابراما . (٤٢٥)

اسماعیل بن همام از امام رضا (ع) روایت می کند، که حضرت سجاد (ع) فرمود: به درستی که دعا و بلا، هر آینه با هم خواهند بود تا روز رستاخیز. همانا دعا بلا را بر می گرداند، با اینکه سخت محکم و استوار شده است .

عن ابی ولاد قال ابوالحسن موسی (ع) علیکم بالدعاء فان الدعاء لله و المطلب الی الله یرد البلاء و قد قدر و قضی و لم یبق الا امضاءه فاذا دعی الله عزوجل و سئل صرف البلاء صرفۀ . (٤٢٦)

ابی ولاد می گوید: حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: تا می توانید، دعا کنید، چون دعا و درخواست از خداوند عزوجل ، بلا را بر می گرداند، هر چند که ورود بلا مسلم و حتمی باشد (یعنی از مرحله ی قضا و قدر گذشته ، و فقط مرحله ی امضا و اجرایش مانده .) پس همین که دعا و درخواست کنید، بلا از شما دور خواهد شد.

عن اسحاق بن عمار قال : قال ابو عبداله ان الله عزوجل لیدفع بالدعاء الاءمر الذی علمه اءن یدعی له فیستجیب و لو لاما وفق العبد من ذلک الدعاء لاءصابه منه مایجتثه من حدید الارض . (٤٢٧)

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق (ع) فرمود: به درستی که خدای عزوجل هر آینه به واسطه ی دعا کردن دفع می کند، کاری را که می داند درباره ی آن دعا خواهد شد؛ پس پیش از دعا کردن مستجاب می کند. و هر گاه بنده توفیق دعا پیدا نمی کرد، هر آینه دچار آنچنان پیشامد ناگواری می شد، که از صفحه ی زمین محو و ریشه کن می گشت !

عن عنبسۀ عن اءبی عبدالله (ع) قال : من تخوف (من بلاء یصیبه فتقدم فیه بالدعاء لم یره الله عزوجل ذلک البلاء ابدا .

عنبسه از امام صادق (ع) نقل می کند: کی که بیم دارد بلا و مصیبتی به او برسد، و پیش از رسیدن آن بلا درباره ی برطرف شدنش دعا کند، خدای عزوجل هرگز آن بلا را به او نمی رساند.

عن محمد بن مسلم عن اءبی عبدالله (ع) قال : کان جدی یقول : تقدموا فی الدعاء فان العبد اذا کان دعاء فنزل به البلاء فدغا قیل : صوت معروف و اذا لم یکن دعاء فنزل به بلاء فدعا قیل اءین کنت قبل الیوم . (٤٢٨)

از محمد بن مسلم نقل است که ، امام صادق (ع) فرمود: جدم رسول خدا (ص) می فرمود: در دعا پیشدستی نموده ، و پیش از آنکه گرفتار شوید، دعا کنید؛ زیرا وقتی بنده یی بسیار دعا کند، و بلایی به او رسد و بعدش دعا کند، گفته می شود: و آوازی آشناست . و چون بسیار دعا نکند و پر دعا نباشد، و بلایی به او رسد و سپس دعا کند، به او گفته می شود: تا به امروز کجا بودی ؟

O ب . هنگام دعا

1 O. احضار نیت

حضرت علی (ع) فرمود: برای استجابت دعا چهار شرط لازم است : ۱. احضار نیت ؛ ۲. توجه خالص ؛ ۳. معرفت آن کس که از او سؤ ال می کند؛ ٤. انصاف در سؤ ال .

منظور از نیت به مفهوم مطلق و عام ، همان قصد و انگیزه ییست که انسان را وادار به انجام کارها می کند؛ و از دیدگاه شرع ، آن انگیزه و قصدی را می گویند که صبغه ی الهی داشته باشد و کارها در جهت جلب رضایت او قرار گیرد.

علی بن الحسین (ع) فرمود: لاعمل الا بنیۀ . (٤٢٩) یعنی : ارزش عمل ، به نیت است .

مقصود از عمل ، عبادت و طاعات ، و مراد از نیت ، قصد، تقرب به خدای متعال است . پس نماز و روزه و حج و امثال آن ، بدون قصد قربت و رضای حق تعالی صحیح نیست و هیچ اجر و پاداشی ندارد؛ و نیز اعمالی که بر انسان واجب نیست (واجب توصلی) مانند: صدقه دادن ، لباس شستن و تعلیم دادن ، زمانی موجب پاداش و ثواب می گردد، که به نیت تقرب و رضای خدا انجام گیرد.

امام صادق (ع) فرمود:

ان العبد اذا دعا الله تعالی بنیۀ صادقۀ و قلب مخلص اءستجیب له بعد و فاته بعهد الله عزوجل و اذا دعا الله بغیر بنیۀ و اخلاص لم یستجیب له الیس الله یقول اوفوا بعهدی اوف بعهدکم فمن و فی له . (٤٣٠)

هر گاه بنده یی خدا را به نیت درستی بخواند و دلش برای خدا خالص باشد، پس از آنکه به پیمان های خدا وفا کرده ، دعایش مستجاب می شود؛ و هرگاه بنده یی خدا را بدون نیت و اخلاص بخواند، دعایش مستجاب نمی شود. آیا خدا نفرموده : به عهد من وفا کنید، تا من هم به عهدی که با شما کرده ام ، وفا کنم ؟ پس کسی که عهد خدا را وفا کند، به وعده هایی که به او داده شده ، وفا می شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: انما الاءعمال بالنیات . (٤٣١) یعنی : ارزش و اهمیت عمل و فعل انسان ، به نیت و ماهیت درونی اوست .

بنابراین می توان نیت را روح ، قلب ، جان و مغز عبادت دانست ، چرا که هر عبادتی باید با نیت و قصد قربت همراه باشد؛ از این بالاتر، نیت به قدری مهم است و نقش اساسی در تغییر و تحول سرنوشت انسان دارد، که اگر آدمی امور غیر عبادی را با نیت صحیح الهی انجام دهد، آن امور عبادت خواهد شد. چنان که پیامبر (ص) در نصایح خویش به ابوذر فرمود:

یا اباذر لیکن لک فی کل شی ء نیۀ حتی فی النوم و الاءکل .

ای ابوذر! باید تو در هر چیزی ، حتی خوردن و خوابیدن دارای نیت باشی .

بنابراین اگر نیت آدمی و خوب و نیکو و پسندیده و برای رضای خدا باشد، عمل انسان ارزش و اهمیت پیدا می کند؛ و هر چه که نیت جامع تر، کامل تر و خالص تر باشد، به همان اندازه بر ارزش و اهمیت عمل انسان افزوده می گردد، و اگر خدای ناکرده ، نیت آدمی ریا آلود و

ناصحیح و یا حتی شائبه ی ریا در آن باشد، به همان اندازه از ارزش عمل انسان کاسته خواهد شد.

بنابراین هر عبادتی باید با نیت و قصد قربت همراه باشد؛ اصلا عبادت بدون نیت ، یعنی کلا عبادۀ (عبادتی در خارج تحقق پیدا نکرده). اگر نیت انسان ، مخلوط، ممزوج و آمیخته با ریا باشد، آن عبادت باطل است . چنان می دانید، نیت رکنی از ارکان نماز است . اگر انسان نیت را در نماز خویش فراموش کند. نمازش باطل است .

نیت نقش اساسی در سرنوشت انسان ایفا می کند و هسته ی مرکزی اعمال محسوب می گردد؛ چنان که سعدی می گوید:

سجده آن نیست که پیشانی نهی بر خاک صدق بیش آر که اخلاص زپیشانی نیست

مثال نیت به عمل ، همانند مثال درون کوزه به آب است . اگر درون کوزه ، کثیف ، چرک آلود و نجس باشد، آب درونش هم به تبع آن ، کثیف و نجس خواهد بود، و خوردن و آشامیدن چنین آبی برای سلامتی انسان ضرر دارد، ولی اگر درون کوزه تمیز و پاک باشد، آب درونش هم پاک و مطهر خواهد بود، و چنین آبی قابل مصرف کردن است . انسان باید عواملی که در پاکسازی و سالم سازی نیت نقش بسزایی را ایفا می کند، بشناسد و آنها را تقویت کند؛ از جمله ی آن امور، می توان عبادت ها دعا و نیایش ، همنشین ، محیط، اجتماع و... را نام برد، که در راءس همه امور، عبادت ها قرار دارد، که چرا که شرط اصلی و نخستین عبادت و نیت پاک و خالص است .

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ان الله یحشر الناس علی نیاتهم یوم القیامهٔ . یعنی : خداوند مردم را در روز قیامت بر اساس نیت و ماهیت درونیشان محشور می کند.

امام صادق (ع) فرمود: علت اینکه بهشتیان در بهشت هم فیها خالدون هستند، نیتشان در دنیا این بود که ، اگر دنیا جاودان و ماندگار باشد، برای همیشه اطاعت خدا را بنمایند و گردن به فرامین و دستورات او نهند؛ و علت اینکه دوزخیان در دوزخ هم فیها خالدون هستند، نیتشان در دنیا این بود که ، اگر دنیا جاودان و ابدی ماندگار باشد، برای همیشه نافرمانی و مخالفت خداوند را کنند و گردن به اوامر او ننهند. (٤٣٢)

امام رضا (ع) به ریان بن شبیب فرمود: ای پسر شبیب ! اگر می خواهی در مکان های بنا شده ی بهشت با پیغمبر و خاندانش باشی ، پس بر قاتلان حسین لعنت بفرست . ای پسر شبیب ! اگر دوست داری به ثواب کشته شدگان در راه حسین برسی ، پس چون او را یاد می کنی ، بگو: یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما. یعنی ای کاش با آنان بودم و به پیروزی و کامیابی بزرگی می رسیده ام !

در جنگ احد، یکی از مسلمانان به نام قزمان ، که در رکاب پیامبر، با دشمنان اسلام قرآن و خدا می جنگید و اتفاقا دلاورانه و مردانه هم می جنگید، و پنج تا شش نفر را به درک واصل کرد، و جراحات و زخم های شدیدی را برداشت . او را برای معالجه و مداوا به منزلش آوردند. یکی از مسلمان ها به محضر پیامبر شرفیاب شد و از شجاعت و دلاوری و رشادت قزمان تعریف و تمجید کرد! وقتی که قزمان را برای معالجه و مداوا به منزلش آوردند، جمعی از مسلمانان خیال کردند که او به همین

زودی به فیض عظمی شهادت نایل خواهد آمد. بنابراین روی عده یی از مسلمان ها به عیادت او رفتند و از او تعریف و تمجید کردند و گفتند: مژده و بشارت باد بر تو، رضوان و بهشت الهی ! چرا که این همه سختی و بلا و مصائب را برای دفاع از دین خدا و قرآن و پیامبر متحمل شده ای . قزمان که تا آن زمان ماهیت و نیت درونی اش را آشکار نساخته بود، گفت : من به خاطر حفاظت از امت و قبیله ام با ایشان وارد جنگ شدم ، والا هیچ گاه با ایشان وارد معرکه نمی شدم .

عجیب تر اینکه ، وقتی دید زخم های بدنش خوب نمی شود، کاسه ی صبرش لبریز شد، زخمی به خود زد و خودکشی کرد؛ و مسلمان ها به راز گفته ی پیغمبر (ص)، که او اهل دوزخ است ، پی بردند.

این احادیث و روایات به ما می آموزد که ، وقتی نیت را به عنوان شرطی از شروط دعا قید می کنیم ، مراد آن است که دعا کننده می بایست به این درجه از آگاهی و معرفت دست یافته باشد، که اگر خدای ناکرده نیت

آدمی ناصحیح و ریا آلود باشد، هر چند در رکاب پیامبر با دشمنان خدا بجنگد، از اهل دوزخ است ، و عمل او بی محتوا و بی ارزش خواهد بود. بر همین اساس است که پیامبر خدا فرمود: انما الاعمال بالنیات .

2 O. توجه خالص

عن اءبی عبدالله (ع) قال : احفظ ادب الدعاء و انظر من تدعو و کیف تدعو و لماذا تدعو و حقق عظمۀ الله و کبریائه و عاین بقلبک علمه بما فی ضمیرک و اطاعه علی سرک و ما یکن فیه نجاتک قال الله تعالی : و یدع

الانسان بالشر دعائه بالخير و كان الانسان عجولا و تفكر ماذا تساءل و لماذا تساءل و الدعاء استجابة الكل منك للحق و تذويب المهجة فی مشاهدة الرب و ترک الاختيار جمعيا و تسليم الامور كلها ظاهرها و باطنها الی الله فان لم تاءت بشرط الدعاء فلا تنتظر الاجابة فانه يعلم السر و اخفی فلعلک تدعوه بشی ء قد علم من نيتک بخلاف ذلک . (٤٣٣)

امام صادق (ع) فرمود: ادب دعا را حفظ کن ، و توجه داشته باش که با چه شخصی صحبت می کنی و چه گونه او را می خوانی و برای چه می خوانی . عظمت و بزرگی خدا را یاد کن و با قلب خود مشاهده کن که خدا آنچه را دل دل داری ، می داند و بر اسرار دل تو آگاه است ، و از حق یا باطلی که در دلت پنهان است ، اطلاع دارد. راه نجات و هلاک خود را بشناس . مبادا از خدا چیزی را بخواهی که هلاکت تو در آن باشد، در حالی که می پنداری نجات تو در آن است ! خدا در قرآن می فرماید: گاهی انسان در عوض خیر، شر خود را خواهان می شود. انسان در کارهایش عجول است . پس درست بیندیش که از خدا چه چیزی را سؤ ال می کنی و برای چه می خواهی . دعا استجابت از تو با تمام وجود نسبت به حق و کاذب کردن قلب است ، در مشاهده ی پروردگار و ترک همه اختیارات و تسلیم امور به خداست . پس اگر به شرایط دعا عمل نکردی ، در انتظار اجابت مباش ؛ زیرا خدا از سر و مخفی تر از سر هم آگاه است . شاید تو خدا را برای چیزی بخوانی ، در صورتی که می داند نیت تو بر خلاف آن می باشد.

حضرت صادق (ع) فرمود: روزی حضرت موسی (ع) پیروان خود را موعظه می کرد، یکی از شنوندگان چنان تحت تاءثیر گفتار موسی (ع)

قرار گرفت ، که از جایش حرکت کرده و پیراهن خود را چاک زد! خداوند به حضرت موسی (ع) وحی کرد: به او بگو: لا تشق قمیصک ولکن اشرح لی عن قلبک . یعنی : نمی خواهد پیراهنت را چاک بزنی . قلبت را برایم بشکاف ، و محبت دیگران را خارج نما.

حضرت صادق (ع) در پایان گفتار فرمود:

موسی (ع) برجل من اصحابه و هو ساجد و انصرف من حاجته و هو ساجد فقال لو کانت حاجتک بیدی لقضیتها لک فاءوحی الله الیه یا موسی لو شجد حتی انقطع عنقه ماقبلته او یتحول عما اکره الی ما احب . (٤٣٤)

موسی بن عمران (ع) از کنار یکی از یارانش می گذشت ، که او در حال سجده بود پس از مدتی برگشت ، دید هنوز او در حال سجده است . موسی (ع) به او فرمود: اگر حاجت تو در دست من بود، هر آینه بر می آوردم . در این وقت ، خداوند به او فرمود: اگر او به قدری سجده کند که گردنش قطع شود، دعایش را مستجاب نخواهم کرد، مگر آنکه از چیزی که کراهت دارم ، به سوی کاری که دوست دارم بر گردد؛ یعنی از گناه پرهیز کند و عبادت خدا را به جا آورد؛ و یا قلب خود را به هنگام درخواست از خداوند خالص بگرداند، و از غیر او جدا کن .

عن سلیمان بن عمرو قال : سمعت ابا عبدالله (ص) یقول : ان الله عزوجل لایستجیب دعاء بظهر قلب ساه فاذا دعوت فاقبل بقلبک ثم استیقن بالاءجابة . (٤٣٥)

سلیمان بن عمرو می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرماید: خداوند عزوجل دعایی را که از روی دل غافل باشد، مستجاب نمی کند. پس هر گاه دعا کردی ، به دل توجه کن ، و یقین داشته باشد که اجابت می شود.

فی وصیهٔ النبی (ص) لعلی (ع) قال : لا یقبل الله دعاء قلب ساه . (٤٣٦)

پیغمبر گرامی (ص) به علی (ع) وصیت و سفارش فرمود: خداوند دعایی را که از روی دل سخت و با قساوت باشد، اجابت نمی کند.

عن ابن القداح عن ابی عبدالله (ع) قال : امیر المؤ منین (ع): لا یقبل الله عزوجل دعاء قلب لاه و کان علی (ع) یقول : اذا دعا اءحدکم للمیت فلایدعوله و قلبه لاه عنه و لکن لیجتهد له فی الدعاء (٤٣٧)

این قداح از امام صادق (ع) نقل می کند که ، امیر المؤ منین (ع) فرمود: خداوند دعایی را که از روی دل غافل و آشفته برخیزد، و نمی پذیرد. همواره امیر المؤ منین (ع) وصیت و سفارش می نمود که : هنگام دعا کردن به میت و مردگان ، قلب شما مشغول کارهای دیگر نباشد. سعی کنید دعایتان درباره ی آنان با جد و جهد باشد.

عن امیر المؤ منین (ع) - فی وصیهٔ لمحمد بن حنفیه - قال : و اءخلص المسالهٔ لربک فان بیده الخیر و الشر و الاعطاء و المنع و الصلهٔ و الحرمان . (٤٣٨)

از امیر المؤ منین علی (ع) نقل است که ، به فرزندش محمد بن حنفیه (در ضمن سفارش هایی) فرمود: قلب خود را به هنگام درخواست از

خداوند خالص بگردان و از غیر او جدا کن ، چون خیر و شر، اعطا و منع ، پیوستن و گسستن به دست اوست .

عن هشام بن الحکم عن اءبی عبدالله (ع) قال لما استسقی رسول الله (ص) و سقی الناس حتی قالوا: انه الغرق و قال رسول الله (ص) - بیده وردها - اللهم حوالینا و لاعلینا قال : فتفرق السحاب فقالوا: یا رسول الله استسقیت لنافلم نسق ثم استسقیت لنا فسقینا؟ قال : انی دعوت و لیس لی فی ذلک نیۀ ثم دعوت و لی فی ذلک نیۀ . (٤٣٩)

امام صادق (ع) به هشام بن حکم فرمود: روزی رسول خدا (ص) طلب باران کرد، و به قدری باران آمد، که مردم گفتند: الان است که ما غرق شویم ! رسول خدا (ص) با دست مبارکشان اشاره کرد و باران قطع شد. سپس فرمود: خدایا! به طرف ما باران بفرست ! پس ابرها پراکنده شدند و گرد شهر مدینه را حلقه وار گرفتند و به اطراف آن باریدند. اصحاب و مسلمانان عرض کردند: ای رسول خدا (ص) بار اول که برای ما طلب باران کردی ، نبارید، ولی بار دوم که طلب باران نمودی ، بر ما بارید! حضرت فرمود: من بار اول که دعا کردم ، تصمیم بدان نداشتم و از روی دل نبود، ولی در بار دوم تصمیم داشتم .

بنابراین توجه خالص و حضور قلب ، به منزله ی روح عبادت می باشد؛ چنان که پیکر بی روح ، مرده و بی خاصیت است ، عبادت بی حضور قلب نیز، گر چه مسقط تکلیف است ، لیکن عبادت کننده را به مقامات عالی صعود نمی دهد . عبادت کننده باید در طول عبادت مراقب نفس خویش باشد، در دل را بر غیر خدا ببندد و از ورود خاطرات و افکار پراکنده جلوگیری کند، همواره خود را در محضر خدا ببیند، و چنان

عبادت کند که با خدا سخن می گوید و در برابرش به رکوع و سجده می رود.

در بین انسان ها افراد برجسته یی بوده و هستند، که از اول تا آخر عبادت ، کاملا حضور قلب دارند، و در حال عبادت اصلا توجهی به غیر ندارند. ما هم نباید از رسیدن به چنین مقام شامخی ناامید باشیم ، و اگر به مرتبه ی کمال نمی رسیم ، تلاش کنیم حداقل به مقدار ممکن نایل گردیم ، که همان مقدار هم غنیمت است .

3 O. معرفت کسی که از او سؤ ال می کند

آشنایی با معارف ، راه سعادت و نیکبختیست . ما باید عقاید و معارف را از قرآن مجید و از طریق اهل بیت (ع) بیاموزیم ، و حقایق را از راهی که آنان راهنمایی نموده اند، فرا بگیریم ؛ زیرا با قیاس و راءی شخصی ، نه تنها نمی توانیم به معارف و حقایق دست یابیم ، بلکه به بیراهه نیز کشیده می شویم و در گمراهی و ضلالت سرگردان خواهیم ماند.

پیامبر اکرم (ص) به امیر المؤ منین علی (ع) می فرماید:

بنا اهتدوا السبیل الی معرفۀ الله . (٤٤٠)

ملائکه ی مقرب به وسیله ی ما به راه شناخت خداوند هدایت می شوند.

حضرت علی (ع) فرمود:

من اعتمد علی الراءی و القیاس فی معرفۀ الله ضل و تشعبت علیه الامور . (٤٤١)

کسی که در معرفت خداوند، به راءی و قیاس اعتماد کند، گمراه می شود و امور بر او پراکنده و مشتبه می گردد.

برای آشنایی با معارف و به دست آوردن شناخت صحیح عقاید مکتب اهل بیت (ع)، همنشینی و سخن گفتن با افرادی که در راه معارف دین زحمت کشیده و رنج برده اند، اثری فراوان دارد. امام سجاد (ع) در این باره می فرماید: جالسوا اهل الدین و المعرفۀ . (٤٤٢) یعنی : با اهل دین و معرفت مجالست کنید.

بنابراین کسی که روح و نفس خود را نشناخته و حتی از جسم خود اطلاعی ندارد، و به خود بینی گرفتار شده و خویش را متصل به ذات الله می داند و خود را از عبادت و دعا بی نیاز می بیند و از معرفت بهره یی ندارد، چه گونه می تواند به معارف الهی راه یابد و ذات خدای متعال را بشناسند؟

امام صادق (ع) می فرماید:

لایقبل الله عزوجل عملا الا بمعرفۀ و لا معرفۀ الا بعمل فمن عرف دلته معرفته علی العمل و من لم یعمل فلا معرفۀ له ان الایمان بعضه من بعض . (٤٤٣)

خداوند عملی را نمی پذیرد، مگر اینکه با معرفت انجام شده باشد؛ و معرفتی وجود ندارد، مگر اینکه با عمل توٴ ام باشد. پس کسی که دارای شناخت است ، معرفتش او را به سوی عمل راهنمایی می کند؛ و کسی که عمل نکند، معرفتی برای او نیست ، زیرا ایمان بعضی از بعضی دیگر به دست می آید.

قال علی (ع): عجبت لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه ! (٤٤٤)

حضرت علی (ع) فرمود: در شگفتم کسی که نفس خود را نمی شناسد، چه گونه خدای خود را می شناسد!

برای کسب معارف و رسیدن به مقام معرفت ، آگاهی از حال افرادی که از معارف و حقایق بویی نبرده اند، و خود را در مقام ارشاد و هدایت مردم قرار داده اند و ادعای وصول می نمایند و ترک آداب و رسوم می کنند، لازم و ضروریست .

حضرت علی (ع) می فرماید:

و اعلموا انکم ان تعرفوا الرشد حتی تعرفوا الذی ترکه و لن تاءخذوا بمیثاق الکتاب حتی تعرفوا الذی نقضه و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی بیده . (٤٤٥)

بدانید که ، شما هرگز راه هدایت را نمی شناسید، تا اینکه کسی که آن را ترک کرده است ، بشناسید؛ و به پیمان قرآن عمل نمی کنید، تا وقتی که پیمان شکن را بشناسید؛ و تمسک به آن نمی جویید، تا وقتی که کسی که آن را رها کرده است ، بشناسید.

از نظر مکتب اهل بیت (ع)، صاحبان معرفت ، از جهان فانی و تمایلات نفسانی به دورند و همیشه خود را در محضر خدا می بینند، اگر چه در میان مردم و با مردم هستند. امام صادق (ع) می فرماید:

اذ تجلی ضیاء المعرفهٔ و الفؤ اد هاج ریح المحبهٔ و اذا هاج ریح المحبهٔ اءستاءنس ضلال المحبوب و آثر المحبوب علی ماسواه . (٤٤٦)

وقتی نور معرفت در قلب کسی روشن شد، نسیم محبت شروع به وزیدن می کند؛ زمانی که نسیم دوستی بوزد، به سایه ی محبوب انس و الفت می گیرد و او را بر غیر او بر می گزیند.

قال علی (ع): من صحت معرفته انصرفت عن العالم الفانی نفسه و همته . (٤٤٧)

حضرت علی (ع) فرمود: کسی که از معرفت صحیح برخوردار است ، نفس او و همتش از جهان فانی روی گردان است .

عن اءبی عبدالله (ع) قال : العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله .(٤٤٨)

امام صادق (ع) می فرماید: عارف ، به ظاهر با مردم است ، ولی قلب او متوجه به خداوند می باشد.

العارف امین ودائع الله و کنز اءسراره . یعنی : عارف ، امانتدار ودیعه ی الهی و گنجینه ی اسرار خداوند است .

از مجموع روایات و احادیث اهل بیت (ع) نتیجه گرفته می شود که ، هدف از خلقت جن و انس ، رسیدن به مقام عبودیت و بندگیست ، و این در صورتی تحقق می پذیرد، که همراه با معرفت خدا باشد؛ و کسی دارای معرفت خداست ، که با مقام امام عصر (عج) آشنایی داشته باشد. بنابراین در این روزگار وظیفه ی ما این است که نسبت به امام زمان (عج) معرفت و شناخت داشته باشیم و خدمت به آن بزرگوار را در سرلوحه ی برنامه ی زندگی خویش قرار دهیم ؛ زیرا امام صادق (ع) در کلامی شگفت انگیز، وظیفه ی همگان را در این دوران چنین بیان می فرمایند:

لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی .

اگر امام عصر را درک کنم ، تا زنده باشم ، به او خدمت می کنم . (٤٤٩)

عن اءبی عبدالله (ع): خرج الحسین بن علی علی اصحابه فقال : ایها الناس ان الله عزوجل ذکره ما خلق العباد الا لیعرفوه فاذا عرفوه عبدوه فاذا عبدوه استغنوا بعبادته عن عبادۀ من سواه فقال له رجل : یابن رسول الله بابی انت و امی فما معرفۀ الله ؟ قال : معرفۀ اهل کل زمان امامهم الذی تجب علیهم طاعته . (٤٥٠)

امام صادق (ع) فرمود: امام حسین بر اصحاب خود وارد شدند و فرمودند: ای مردم ! خداوند بندگان را نیافریده ، مگر اینکه او را بشناسند. پس زمانی که او را شناختند، به عبادت او بپردازید، که به وسیله ی عبادت وی ، از بندگی غیر او بی نیاز شوند. شخصی عرض کرد: ای فرزند پیامبر! پدر و مادرم به فدایت ! مقصود از معرفت خدا چیست ؟ امام حسین فرمودند: مقصود از معرفت خدا این است که ، اهل هر زمانی امامی را که اطاعت از فرمان او بر آنان واجب است ، بشناسند.

4 O. انصاف در سؤ ال

فرد منصف به کسی گفته می شود که ، چشم بر روی واقعیت ها نگذارد، به حق خود قانع باشد، پا را از گلیمش بیشتر دراز نکند، مطالب گزاف و بی حساب درخواست ننماید، و آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم بپسندد، و آنچه را برای خود نمی پسندد، برای دیگران هم نپسندد. حضرت علی (ع) در این زمینه می فرماید:

یا صاحب الدعاء و لا تساءل ما لایکون و لایحل . (٤٥١)

ای صاحب دعا! چیزی را که غیر ممکن است و امکان وقوع ندارد و حلال نیست ، از خداوند درخواست نکن .

بنابراین دعا کننده باید در هنگام دعا منصف باشد و چیزی را از خداوند طلب نماید که از محالات ذاتی و وقوعی نباشد؛ به عنوان مثال ، نمی تواند دعا کند که از ملائکه شود یا همه مردم او را دوست داشته باشند و یا خورشید را در جیب او قرار دهد و یا جهان را در یک تخم مرغ جا دهد، و بالآخره ، هلاکت و نابودی او یا دیگران در آن باشد.

5 O. حاجت خود را به زبان بیاورد

عن اءبی عبدالله (ع) قال : ان الله تبارک و تعالی یعلم ما یرید العبد اذا دعاه و لکن یحب اءن یبث الیه الحوائج .

امام صادق (ع) فرمود: همانا خداوند از حاجت دعا کنندگان در هنگام نیایش آگاه است ، اما دوست دارد خواسته های خود را ذکر کنند. (٤٥٢)

6 O. اعتراف و استغفار از گناهان

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم : والذین اذا فعلوا فاحشۀ او ظلموا انفسهم ذکروالله فاستغفرو الذنوبهم و من یغفر الذنوب الا الله و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون اولئک جزائهم مغفرۀ من ربهم و جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر العالمین . (٤٥٣)

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: کسانی که هر گاه کار ناشایسته یی انجام دادند یا به نفس خودشان ستم کردند، خدا را به یاد آورند و برای گناهانشان استغفار کنند - و جز خدا چه کسی گناهان را می بخشد

- و آنان که بر انجام کارهای زشت اصرار نمی کنند و به زشتی گناهان آگاه هستند، اینان هستند که پاداش عملشان آمرزش و باغ هاییست که زیر درختان آنها نهرهای آب جاریست ، و برای همیشه در آنجا زندگی خواهند کرد. چه پاداش خوبیست برای عمل کنندگان !

عن ابی عبدالله قال :

ایاکم ان یسئل احدکم ربه شیئا من حوائج الدنیا و الاخره حتی یبداء بالثناء علی الله و المدحهٔ له و الصلاهٔ علی النبی و آله ثم الاعتراف بالذنب ثم المسالهٔ . (٤٥٤)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی از شما چیزی از حوایج دنیا و آخرت را اراده کرد که از خداوند درخواست نماید، ابتدا حمد و ثنای را به جا آورد و درود بر پیامبر و آل او بفرستد، سپس به گناهانش اعتراف کند، آنگاه حاجتش را بخواهد.

عن الرضا (ع) قال : مثل الاستغفار مثل ورق علی شجرهٔ تحرک فیتناثر و المستغفر من ذنب و یفعله کالمستهزی بربه . (٤٥٥)

امام رضا (ع) فرمود: مثل استغفار و ریختن گناهان به سبب آن ، چون برگ درختیست که در فصل پاییز بجنبد و آن برگ بریزد. و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد، مانند کسیست که پروردگار خود را مسخره کند.

کعب الاحبار می گوید: در زمان حضرت موسی قحطی سختی آمد. موسی با بنی اسرائیل سه بار از خدا طلب باران کردند، اجابت نشد. خدای متعال به موسی وحی فرستاد: من دعای تو و جماعتی را که با تو

هستند، اجابت نمی کنم ، زیرا سخن چینی در میان شماست . موسی گفت : الهی ! من او را نمی شناسم . اگر او را به من نشان دهی ، وی را از میان خویش بیرون می کنیم . خدای متعال باز به موسی وحی فرستاد: من شما را از سخن چینی بر حذر می دارم ، باز خودم سخن چینی کنم ؟ موسی جریان را با بنی اسرائیل در میان گذاشت . آنها همگی از سخن چینی توبه کردند، و خدای متعال هم بر آنان باران فرستاد.

در روایت آمده است :

حضرت عیسی با جماعتی برای طلب باران به صحرا رفتند. حضرت به آنها گفت : هر کسی از شما که گناهی دارد، باز گردد. همه باز گشتند، و جز یک نفر، کسی دیگر نماند. حضرت رو به سوی او آورد و گفت : تو هیچ گناهی نداری ؟ گفت : به خدا! هیچ گناهی را نمی دانم ، مگر اینکه روزی نماز به جا آوردم ، زنی بر من گذشت ، به او نگریستم . بعد از مدتی انگشت در چشمم کردم و کاسه ی چشمم را از حدقه بیرون آوردم و در عقب وی انداختم . حضرت فرمود: دعا کن ! چون به دعا مشغول شد، ابری آمد و باران بارید و آب بسیار حاصل شد.

شیخ کلینی به سند معتبر، از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت کرده است : شخصی با اهلش در کشتی سوار شدند، و کشتی ایشان شکست و جمیع اهل آن غرق شدند، مگر زن آن مرد، که بر تخته یی بند شد و به جزیره یی از جزایر بحر افتاد. در آن جزیره مرد راهزن فاسقی که از هیچ فسقی نمی گذشت ، چون نظرش به آن زن افتاد، گفت : تو از انسی یا جن ؟ گفت : از انسم . پس آن جوان ، دیگر با آن زن سخن نگفت و به هیاءت مجامعت در آمد. چون متوجه آن عمل قبیح و زشت شد، دید که

آن زن اضطراب می کند و می لرزد! پرسید: چرا اضطراب می کنی ؟ آن زن اشاره به آسمان کرد که ، از خداوند خود می ترسد. پرسید: هرگز مثل این کار کرده ای ؟ گفت : نه ! به عزت خدا سوگند! هرگز زنا نکرده ام . گفت : تو هرگز چنین کار کرده ای ؟ گفت : نه ! به عزت خدا سوگند! هرگز زنا نکرده ام ! گفت : تو هرگز چنین کاری نکرده ای ، چنین از خدا می ترسی ، و حال آنکه به اختیار تو نیست و تو را به جبر و زور بر این کار داشته ام ؛ پس من اولایم به ترسیدن ، و سزاوارترم به خائف بودن .

آن جوان برخاست و ترک آن عمل نمود، و دیگر هیچ با آن زن سخن نگفت و به سوی خانه ی خود روان شد، و در نظر داشت که توبه کند و از کردارهای خود پشیمان بود. در اثنای راه به راهبی برخورد و با او رفیق شد. چون پاره یی راه رفتند، آفتاب بسیار گرم و زمین داغ شد. راهب به آن جوان گفت : آفتاب بسیار گرم است . دعا کن که خدای ابری بفرستد، که بر ما سایه افکند. جوان گفت : مرا نزد خدا حسنه نیست و کار خیری نکرده ام که جرائت کنم و از خدا حاجت طلب نمایم . راهب گفت : من دعا می کنم و تو آمین بگو. چنین کردند، بعد از اندک زمانی ابری بر سر ایشان پیدا شد، و در سایه ی آن ابر می رفتند. چون بسیاری راه رفتند، راه ایشان جدا شد، و جوان به راهی رفت و راهب به راه دیگر، و آن ابر با جوان روان شد و راهب در آفتاب ماند. راهب به او گفت : ای جوان ! تو از من بهتر بودی که دعای تو مستجاب شد و دعای من مستجاب نگردید. بگو چه کار کرده ای که مستحق این کرامت شده ای ؟ جوان قصه را نقل کرد. راهب گفت : چون از طرف

خدا ترک معصیت کردی ، خدا گناهان گذشته ی تو را آمرزیده است ؛ سعی کن که بعد از این خوب باشی .(٤٥٦)

بنابراین برای گناهکار چیزی ضروری تر از توبه وجود ندارد؛ زیرا گناه ، نفس را به هلاکت ابدی می افکند و سعادت اخروی انسان را نابود می سازد، انسان را از خدا دور می گرداند و از فیض قرب و لقای پروردگار محروم می سازد.

7 O. ناچیز دانستن خواسته ها و نیازها در برابر عظمت خدا، و نیز کوچک نشمردندعا

انسان باید هر گونه نیازمندی خود را از خداوند متعال بخواهد، چه کوچک و چه بزرگ ؛ نه درباره ی امور کوچک به خود بگوید: کار به این کوچکی ، صلاحیت و شایستگی ندارد که آن را از خدا بخواهم . و نه در مورد امور بزرگ خیال کند که : کار به این بزرگی و باارزش را خدا به من نخواهد داد.

عن سیف التمار قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول : علیکم بالدعاء فانکم لا تتقربون بمثله و لاتترکوا صغیرۀ لصغرها اءن تدعوا بها ان صاحب الصغار هو صاحب الکبار . (٤٥٧)

سیف تمار می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می فرماید: بر شما باد دعا کردن ، زیرا شما عملی پیدا نمی کنید که مانند دعا شما را به لطف و رحمت خدا نزدیک کند. مبادا کوچکی کار و حاجتی ، مانع شما از دعا کردن و خواستن آن از خداوند شود. همانا صاحب و برآورنده ی

حاجت های کوچک و حقیر، همان است که برآورنده ی حاجت های بزرگ است .

عن الباقر (ع) قال : لا تحقروا صغیرا من حوائجکم فان احب المؤ منین الی الله اءساءلهم . (٤٥٨)

امام باقر (ع) فرمود: حوایج کوچکتان را حقیر و ناچیز نشمارید؛ زیرا محبوب ترین مؤ منین نزد خدا، درخواست کننده ترین آنهاست .

احمد بن فهد - فی عدۀ الداعی - قال فی الحدیث القدسی : یا موسی : سلنی کل ما تحتاج الیه حتی علف شاتک و ملح عجینک .

دانشمند پارسا، جناب شیخ احمد بن فهد حلی در کتاب معروف خود، عدۀ الداعی گفت : در حدیث قدسی آمده است که : ای موسی ! از من سؤ ال و در خواست کن ، هر چه مورد احتیاج و نیاز توست ، حتی علف گوسفندها و نمک طعامت .

8 O. گریستن

روایت شده است که ، بین بهشت و جهنم گردنه ییست ، که کسی از آن عبور نمی کند، مگر کسانی که از ترس خدا بسیار گریه کرده باشند.

عن محمد بن مروان عن ابی عبدالله (ع) قال : ما من عین الاوهی با کیۀ یوم القیامۀ الا عینا بکت من خوف الله و ما اغرورقت عین بمائها من خشیۀ الله عزوجل الا حرم الله عزوجل سائر جسده علی النار و لا فاضت علی خده فرهق ذلک الوجه قتر و لا ذلۀ و ما من شی ء الا و له کیل و وزن الا الدمعۀ فان الله عزوجل یطفی بالیسیر منها البحار من النار فلو ان عبدا ابکی فی امۀ لرحم الله عزوجل تلک الامۀ ببکاء ذلک العبد . (٤٥٩)

امام صادق (ع) به محمد بن مروان فرمود: در روز قیامت تمام چشم ها گریان است ، مگر چشمی که از ترس خدا پر اشک شده است ؛ و خداوند به خاطر همین اشک ، بقیه ی بدنش را بر آتش حرام می کند، و اگر این اشک روی صورتش بریزد، هیچ گاه به این صورت ، پریشانی و خواری نمی رسد. هر چیزی پیمانه و یا وزنی دارد، مگر قطره ی اشکی ؛ زیرا خداوند با کمی از آن ، دریایی از آتش را خاموش می کند. و اگر بنده یی در میان امتی گریه کند، خداوند به خاطر گریه ی او به این امت رحم می کند.

عن اسحاق بن عمار قال : قلت لاءبی عبدالله (ع) اکون اءدعوا فاءشتهی البکاء و لایجیئنی و ربما ذکرت بعض من مات من اءهلی و اءرق و اءبکی فهل یجوز ذلک ؟ فقال : نعم فتذکر فاذا رققت فابک و ادع ربک تبارک و تعالی . (٤٦٠)

اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : گاهی اوقات در حال دعا دلم می خواهد گریه کنم ، ولی گریه ام نمی گیرد؛ و چه بسیار است برخی از مردگان خانوادگی خود را به یاد می آورم ، و حالت رقتی به من دست می دهد و گریه ام می گیرد. آیا این گونه گریستن جایز است ؟ امام صادق (ع) فرمود: آری ! در چنین حالتی ، آنان را به یاد آور، و همین که رقیق القلب شدی ، پس گریه کن و پروردگارت را بخوان .

عن سعید بن یسار: قلت لاءبی عبدالله (ع): انی اتبارک فی الدعاء و لیس لی بکاء قال : نعم و لو مثل راءس الذباب . (٤٦١)

سعید بن یسار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم : من حالت گریه کردن به خود می گیرم ، با اینکه گریه ام نمی گیرد. آیا چنین گریستن جایز است ؟ آری ! هر چند که به اندازه ی سر مگسی باشد.

عن علی بن ابی حمزه قال : قال ابو عبدالله (ع) لاءبی بصیر ان خفت اءمرا یکون اءوحاجۀ تریدها فابداء بالله فمجده و اثن علیه کما هو اءهله و صل علی النبی (ص) و سل حاجتک و تبارک و لو مثل راءس الذباب ان ابی کان یقول ان اءقرب ما یکون العبد من الرب عزوجل و هو ساجد باک . (٤٦٢)

علی بن حمزه می گوید: امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمود: اگر از پیش آمدن امری وحشت داری یا برآمدن حاجتی را انتظار داری ، پس ابتدا خداوند را آنچنان که شایسته ی اوست ، ثنا و سایش کن ، درود بر پیغمبر و آل او بفرست ، و حاجت خود را از خدا بخواه و حالت گریستن به خود بگیر، هر چند که مانند سر مگسی باشد. همانا پدرم امام باقر (ع) می فرمود: نزدیک ترین حالات بنده به خدای عزوجل ، حالتیست که بنده در سجده گریان باشد.

اصرار و پافشاری و تاءکید ائمه ی بزرگوار اسلام در باب گریه ، گویی تیریست که در یک لحظه بر دو هدف می نشیند: یک هدف ، لطف و رحمت و رحمانیت خداوند است ، چرا که او تحمل مشاهده ی گریستن بنده ی خود را ندارد، و با جاری شدن قطره ی اشکی از گناهان او در می گذرد و حاجاتش را برآورده می سازد؛ هدف دیگر، ایجاد رقت قلبی و خضوع و خشوعیست که شایسته ی ارتباط با خداوند است .

اشک ها بهترین گواه آدمی در مراجعه ی وی به خداوند است ؛ اشک ها نشانه ی توبه ی نصوح فرد عابد است ؛ اشک ها جلا بخش قلوب سیاه مکدر است ؛ اشک ها اکسیر حیات معنوی بشریت است ؛ اشک ها بهترین هدیه ی عاشق به معشوق است . پس بیایید اشک بریزیم ، از هجران و دوری خود با خدا، از گناهانی که کرده ایم ، از توبه شکنی های دائمی خود، از عمری که به بطالت گذشت ، از فضایلی که از دست داده ایم ، از رذایلی که بر ما حاکمیت پیدا کرده ، از واجباتی که انجام نداده ایم ، از نواهی یی که مرتکب شده ایم ، از هولناکی پل صراط، از تاریکی قبر، از غیبت امام عصر (عج)...

9 O. پنهان کردن دعا

یکی از آداب دعا آن است که ، دعا کننده در خلوت و پنهان دعا کند؛ زیرا با این عمل ، هم فرمان خداوند (در پنهان دعا کنید!) را اجابت کرده ، و هم از آفت ریا و خودنمایی دور می ماند.

امام رضا (ع) فرمودن

دعوۀ العبد سرا دعوۀ واحدۀ تعدل سبعین دعوۀ علانیۀ . (٤٦٣)

یک دعای بنده در پنهانی و خلوت ، برابر هفتاد دعای آشکار است .

از رسول خدا روایت شده است : بهترین عبادات و ذکر و عبادت ، مخفی و پنهان خداوند حضرت زکریا را به جهت دعای پنهانی کردن مدح فرموده ، چنان که می فرماید: اذ نادی ربه نداء خفیا. یعنی : ای رسول ما! حکایت زکریا را یاد کن ، وقتی که خدای خود را پنهانی و از صمیم قلب ندا کرد.

از رسول خدا (ص) روایت شده :

مربقوم رفعوا اءصواتهم بالدعاء فقال انکم لا تدعون الاءصم و لا غائبا و انما تدعون سمیعا قریبا .

رسول خدا (ص) صدای قومی را شنیدند، که صدای خود را به دعا کردن بلند کرده بودند. آن حضرت فرمود: ای مردمان ! صدای خویش را کوتاه کنید، زیرا پروردگار شما کر نیست ؛ اگر آهسته هم او را بخوانید، می شنود.

پس بهتر است که دعا پنهانی و در خلوت باشد؛ چنان که خداوند در قرآن می فرماید: ادعو ربکم تضرعا و خفیهٔ . یعنی : خدای خود را به تضرع و زاری ، با صدای آهسته که به اخلاص نزدیک تر است ، بخوانید.

10 O. بیان کردن عملی که صرفا برای رضای خدا انجام داده ، در هنگام دعا

در دوران گذشته سه رفیق در بیابان می رفتند. باران گرفت ، به شکاف کوهی پناهنده شدند. شکاف به وسیله ی قطعه ی سنگی بسته شد. با هم گفتند: اینجا جاییست که جز راستی نجاتبخشی نیست . هر کدام باید دعا کنیم ، و آن عمل خالصی که صرفا برای خدا انجام داده ایم ، ذکر نماییم ، باشد که خدا گشایشی برساند! یکی گفت : پروردگارا! تو می دانی من مزدوری داشتم ، یک پیمانه برنج اجرتش بود. به علتی ، پیمانه ی برنج را نگرفت و رفت . من آن را کاشتم ، از محصولش گله ی گاوی خریدم . پس از مدتی مزدور آمد، مطالبه ی اجرت کرد. گفتم : این گله

ی گاو اجرت توست . در اثر کار و کوشش من به اینجا رسیده . بردار و برو! مزدور گرفت و رفت .

خدایا تو می دانی که من این کار را از ترس تو انجام داده ام . فرجی را به ما برسان ! آن گاه اندکی راه باز شد. دیگری گفت : خدایا! تو می دانی من پدر و مادر پیری داشتم ، که شب ها شیر گوسفندانم را برای آنها می بردم . شبی دیر خوابیده بودند، زن و بچه ام نیز از گرسنگی می نالیدند، اما عادت من این بود که تا پدر و مادرم نخوردند، به آنها غذا ندهم ؛ از طرفی ، نخواستم پدر و مادرم را بیدار کنم . به انتظار نشستم ، تا سپیده دمید.

خدایا! اگر می دانی که من این کار را از ترس تو کرده ام ، گشایش بده ! باز سنگ مقداری عقب رفت ، به طوری که آسمان را دیدند. سومی گفت : خدایا! تو می دانی که من دختر عمویی داشتم که از همه مردم بیشتر مورد علاقه ی من بود. از او کام به طور زنا خواستم ، اجابت نکرد، مگر به شرط اینکه صد دینار بپردازم . به هر زحمت بود، پول را فراهم نموده ، تقدیم کردم . آماده شد. چون میان پاهایش نشستم ، گفت : از خدا بترس و مهر مرا به ناروا مشکن ! از جا برخاستم و از صد دینار هم صرف نظر کردم . خدایا! اگر می دانی که من این کار را از بیم تو کردم ، فرجی برای ما برسان ! سخن او که پایان پذیرفت ، راه باز شد و از غار خارج شدند.

این حدیث را اهل سنت هم به همین صورت نقل کرده اند، البته با الفاظ دیگر. (٤٦٤)

11 O. دعا برای برادران دینی ، در پشت سر آنان

عن الفضیل بن یسار عن ابی جعفر (ع) قال : اءوشک دعوۀ و اسرع اجابۀ دعاء المرء لاءخیه بظهر الغیب . (٤٦٥)

فضیل بن یسار از امام باقر (ع) نقل می کند: دعایی که بیشتر امید استجابت آن می رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا برای برادر دینی در پشت سر اوست .

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرمود:

ما من مومن دعا للمومنین و المؤ منات الا رد الله عزوجل علیه مثل الذی دعا لهم به من کل مؤ من و مؤ منه مضی من اول الدهر و اءو هو آت الی یوم القیامۀ ان العبد لیؤ مر به الی النار یوم القیامۀ فیحسب فیقول المؤ منون و المؤ منات یا رب هذا الذی کان یدعولنا فشفعنا فیه فیشفعهم الله عزوجل فیه فینجوا . (٤٦٦)

هیچ مؤ منی نیست که برای مردان و زنان مؤ من دعا کند، جز اینکه خدای عزوجل به او باز گرداند، مانند آنچه را برای ایشان دعا کرده است ، به عدد هر مرد و زن مؤ منی که از آغاز روزگار در گذشته یا تا روز قیامت به دنیا می آید. همانا بنده یی باشد که در روز قیامت دستور می دهند که او را بدوزخ ببرند، و او را بدان سو می کشند. پس مردان و زنان مؤ من می گویند: این است آن که برای ما دعا می کرد. پس شفاعت ما را درباره ی او بپذیر (و او را به دوزخ مبر)! خدای عزوجل شفاعت ایشان را درباره ی او می پذیرد و آن بنده نجات می یابد.

عن علی عن اءبیه قال :

رایت عبدالله بن جندب فی الموقف فلم اءر موقفا کان اءحسن من موقفه ما زال مادا یدیه الی السماء و دموعه تسیل علی خدیه حتی تبلغ الارض فلما صدر الناس قلت له یا ابا محمد ما راءیت موقفا قط احسن من موقفک قال : و الله ما دعوت الا لاءخوانی و ذلک اءن اباالحسن موسی (ع) اءخبرنی اءن من دعا لاءخیه بظهر الغیب نودی من العرش : و لک مائهٔ الف ضعف فکرهت اءن اءدع مائهٔ الف مضمونه لواحدهٔ لا اءدری تستجاب ام لا. (٤٦٧)

علی بن ابراهیم از پدرش روایت می کند که : عبدالله بن جندب را در موقف عرفات دیدم ، و وقوفی بهتر از وقوف او ندیدم . پیوسته دست هایش به سوی آسمان بلند بود و اشک هایش بر گونه اش روان بود، به طوری که به زمین می ریخت . پس همین که مردم از عرفات برگشتند، من به وی گفتم : ای ابا محمد! من موقوفی بهتر از وقوف تو ندیدم ؟ گفت : به خدا سوگند! من جز برای برادران دینی خود دعایی نکردم ؛ و این برای این بود که حضرت ابا الحسن کاظم (علیه السلام) به من خبر داد که ، هر کس پشت سر برادران دینی خود دعا کند، از عرش به او ندا می شود: برای تو باد صدهزار برابر آنچه برای برادر دینی ات درخواست کردی ! و من خوش نداشتم که صد هزار دعای تعهد شده را به خاطر یک دعا از دست بدهم ، که نمی دانم آن یک دعا هم به اجابت برسد یا نه !

در روایت است : کسی که به دنبال خواسته ی برادرش به راه افتد و با تمام توان در پی خواسته اش نباشد، حتما به خدا و رسولش و مؤ منین خیانت کرده است ؛ و کسی که یک خواسته ی برادر مؤ منش را برآورد،

مانند کسی که خواهد بود که نه هزار سال خدا را عبادت کرده باشد، به گونه یی که روزهایش را روزه و شب هایش به عبادت ایستاده باشد.

12 O. صحیح خواندن دعا

عن اءبی جعفر الجواد (ع) قال : ما استوی رجلان فی حسب و دین قط الا کان اءفضلهما عندالله عزوجل آدبهما قال : قلت : جعلت جعلت فداک قد عرفت فضله عند الناس فی النادی و المجالس فما فضله عندالله عزوجل ؟ قال : بقراءۀ القرآن کما انزل و دعائه الله عزوجل من حیث لایلحن و ذلک ان الدعاء الملحون لا یصعد الی الله عزوجل . (٤٦٨)

از امام جواد (ع) روایت شده که : هر گاه دو نفر از لحاظ شرافت خارجی و دینی مساوی باشند، هر یک از آن دو نفر که ادب را بیشتر ملاحظه کند، نزد خدا با فضیلت تر است . راوی می گوید: گفتم : فدایت شوم ! فضیلت مرد را در نزد مردم میان مجالس و اجتماع شناختم ، اما فضیلت مرد در نزد خدای عزوجل به چه چیز است ؟ فرمود: به قرآن خواندن ، آن گونه که نازل شده است ، و دعا کردن بی غلط، زیرا دعای غلط به سوی خدای عزوجل بالا نرود.

13 O. اجتماع دعا کردن

همراهی با مردم مؤ من و مسلمان ، دارای آثار و فواید دنیوی و اخرویست . به تنهایی نمی توان سعادت دنیا و آخرت را کسب کرد. همراهی با مسلمانان ، انسان را به وضع آنان آگاه می سازد و لیاقت خدمت به ایشان را به آدمی عرضه می دارد. انسان وقتی کنج عزلت اختیار کرد و از مسلمانان جدا شد، در حقیقت از فیوضات الهیه محروم

شده ، از بسیاری از کارهای خیر بازمانده و در دامی از دام های خطرناک شیطان گرفتار شده است .

قال رسول الله (ص): یدالله مع الجماعۀ و الشیطان مع من خالف الجماعۀ یرکض . (٤٦٩)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: دست خدا بر سر جمعیت است ؛ و شیطان هم قدم کسیست که با جماعت مخالفت کند.

قال رسول الله (ص): اینها الناس علیکم بالجماعۀ و ایاکم و الفرقۀ . (٤٧٠)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای مردم ! بر شما باد به جماعت ! بر شما باد به جماعت ، و بپرهیزید و از تفرقه و پراکندگی . البته توجه داشته باشیم که منظور از این جماعت در آیات و روایات ، جماعت سالم و مجتمع بر حق است ، نه جمعیتی که منحرف و گمراه و در بدعت و ضلالت است و به ظاهر ادعای مسلمانی دارد.

سئل رسول الله (ص) عن جماعه امته ؟ فقال : جماعه امتی اهل الحق و ان قلوا (٤٧١)

از رسول خدا در مورد جماعت امت پرسید، فرمود: منظور جمعیت اهل حق است ، گرچه عددشان اندک باشد.

عن ابی عبدالله قال : کان ابی (ع) اذا حزنه امر دعا النساء و الصبیان ثم دعا و امنوا. (٤٧٢)

از امام صادق (ع) منقول است که فرمود: هر گاه پدرم از پیشامدی غمگین می شد، زنان و کودکان را جمع می کردند، سپس دعا می فرمودند و آنها آمین می گفتند.

عن جده علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر (ع) قال : سالته عن الرجل یدعو و حوله اخوانه یجب علیهم ان یومنوا؟ قال : ان شاؤ وا فعلوا و ان شاؤ وا اسکتو فان دعا و قال لهم : اءمنوا وجب علیهم ان یفعلوا. (٤٧٣)

از علی بن جعفر منقول است که ، از برادر خود موسی بن جعفر (ع) پرسید: مردی دعا می کند، و در اطراف او برادرانش هستند. آیا آمین گفتن بر آنها واجب است ؟ فرمود: اگر خواستند، آمین بگویند، و اگر خواستند، نگویند، اما اگر دعا می کرد و از آنان تقاضای آمین نمود، بر آنها واجب و لازم است که آمین بگویند.

عن عبدالا علی عن ابی عبدالله (ع) قال : ما اجتمع اربعه رهط قط علی امر واحد فدعوا الله عزوجل الا تفرقوا عن اجابه . (٤٧٤)

عبدالاعلی از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: هر گاه چهار نفر برای دعا کردن نزد هم اجتماع کنند و خدای عزوجل را در کاری بخوانند، قبل از متفرق شدنشان دعای آنها مستجاب خواهد شد.

امام صادق (ع) فرمود: چون مؤ منی بمیر و چهل تن از مؤ منان در جنازه اش حاضر شوند و بگویند: خدایا! ما غیر از خوبی چیزی از تو سراغ نداریم ، و تو از حال او آگاه تری . از جانب خدا خطاب می شود: من گواهی شما را پذیرفتم ، و گناهی را که شما خبر ندارید آمرزیدم .

عن ابی عبدالله قال : ما من رهط اربعین رجلا اجتمعوا فدعوا الله عزوجل فی امر الا استجاب الله لهم فان لم یکونوا اربعین فاربعه یدعون الله عزوجل عشر مرات الا استجاب لهم فان لم یکونوا اربعه فواحده یدعوا الله اربعین مره فیستجیب الله العزیز الجبار له .

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: هر گاه چهل نفر برای دعا کردن نزد من اجتماع کنند و خدای عزوجل را در کاری بخوانند و دعا کنند، البته خداوند دعای آنها را اجابت می کند. پس اگر چهل نفر نبودند و چهار نفر بودند، نزد هم جمع شوند و ده بار خدای عزوجل را بخوانند، خدای عزوجل دعایشان را اجابت می کند. و اگر چهار نفر هم نباشند، و یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند، پس خدای عزیز و جبار برای او اجابت می نماید.

14 O. چاپلوسی ، تضرع در دعا به همراه قلب خاضع ، بدن متواضع

فیما اوحی الله الی عیسی (ع) ادعنی دعاء الغریق الحزین الذی لیس له مغیث یا عیسی اءذل لی قلبک و اءکثر ذکری فی الخلوت و اعلم اءن سروری اءن تبصیص الی و کن فی ذلک حیا و لا تکن میتا و اءسمعنی منک صوتا حزینا . (٤٧٥)

خداوند به حضرت عیسی (ع) وحی نمود: ای عیسی ! مانند غریق غمزده یی که یاوری ندارد، به درگاه من دعا نما؛ و دلت را برای من خوار و ذلیل کن و خلوت و پنهانی بسیار به یاد من باش ؛ و بدان که ، من با چاپلوسی و چرب زبانی کردن تو خوشحال می شوم ؛ و این عمل را با زنده دلی و نشاط انجام بده و صدای غمناک خود را به من برسان .

فیما اوحی الله موسی اذا دعوتنی خائفا مشفقا رجلا و عفر وجهک فی التراب و اسجد لی بمکارم بدنک و اقنت بین یدی فی القیام و ناجنی حیث تناجینی بخشیهٔ من قلب و جل . (٤٧٦)

خداوند به حضرت موسی وحی فرستاد: ای موسی ! هنگامی که مرا می خوانی ، ترسان باش ، صورت خود را خاک آلود کن ، با اعضای مهم بدنت برایم سجده کن ، با ایستادن در مقابل من به اطاعت مشغول شو، و با ترسی که از قلبی ترسان برخاسته است ، با من مناجات کن . قلبت را با ترس از من بمیران ؛ زنده دل و کهنه لباس باش ؛ در میان زمینیان ناشناس ، و در آسمان ، معروف باش ؛ همنشین خانه و چراغ شب باش ؛ مانند صابران از من اطاعت کن و از زیادی گناهان فریاد بزن ، مانند کسی که از دشمن فرار می کند؛ و در این امور از من کمک بخواه ، که من کار خوبی هستم .

15 O. عمومیت در دعا و برای همه دعا کردن

عن ابن القداح عن ابی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص) و اذا دعا احدکم فلیعم فانه اءوجب للدعاء . (٤٧٧)

ابن قداح از امام صادق (ع) نقل می کند که ، پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر گاه کسی از شما دعا کند، باید تعمیم دهد و همه را دعا کند، چون به اجابت نزدیک تر است .

عن حسین بن علوان عن اءبی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص) ما من مؤ من دعا للمؤ منین و المؤ منات الا رد الله علیه مثل الذی دعا لهم به من کل مؤ من و مؤ منهٔ مضی من اول الدهراءو هو آت یوم القیامهٔ و

ان العبد ليؤ مر به الى النار يوم القيامۀ فيسحب فيقول المؤ منون و المؤ منات : يا رب هذا الذى كان يدعولنا فشفعنا فيه فيشفعهم الله عزوجل فيه فينجوا . (٤٧٨)

حسين بن علوان از امام صادق (ع) نقل مى كند كه ، پيغمبر (ص) فرمود: هيچ مؤ منى درباره ى مؤ منين و مؤ منات دعا نمى كند، مگر اينكه خداوند بر او برگرداند، مانند آنچه را كه در مورد آنها دعا كرد، به اندازه ى هر مرد و زن مؤ منى كه از اول روزگار تاكنون به دنيا آمده ، يا از اكنون تا روز قيامت به دنيا مى آيد. به درستى كه روز قيامت امر مى شود بنده يى را به طرف جهنم ببرند. همين كه او را به طرف جهنم مى كشند، مؤ منين و مؤ منات خواهند گفت : خدايا! اين شخص در حق ما دعا مى كرد. ما را شفيع او قرار بده ! پس خداوند عزوجل هم شفاعت آنان را درباره ى او مى پذيرد و نجاتش مى دهد.

عن عبدالله سنان عن ابى عبدالله (ع) قال : من قال كل يوم - خمسا و عشرين مرۀ - اللهم اغفر للمؤ منين و المؤ منات و المسلمين و المسلمات كتب الله له بعدد كل مومن و مؤ منۀ بقى الى يوم القيامۀ حسنۀ و محى عنه سيئۀ و رفع له درجۀ . (٤٧٩)

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روايت مى كند: هر كس روزى بيست و پنج بار بگويد: اللهم اغفر للمؤ منين و المؤ منات و المسلمين و المسلمات ، خداوند به عدد هر مؤ من و مؤ منه يى كه از دنيا رفته ، و به هر عدد مؤ من و مؤ منه يى كه تا روز قيامت مانده باشد، براى او يک حسنه مى نويسد و يک گناه را از او پاک مى كند و يک درجه مقام او را بالا مى برد.

عن اءبی الحسن الرضا (ع) قال : ما من مؤ من یدعو للمؤ منین و المؤ منات و المسلمین و المسلمات الاءحیاء منهم و الاموات الا کتب الله له بکل مؤ من و مؤ منة حسنة منذ بعث الله آدم الی ان تقوم الساعة . (٤٨٠)

صفوان بن یحیی از امام رضا (ع) روایت می کند که ، آن بزرگوار فرمود: بنده یی نیست که دعا کند، برای مردان مؤ من و زنان باایمان و مردان و زنان مسلمان ، زنده و مرده ی آنان ، جز اینکه خداوندی در مورد او از طرف هر مرد و زن مؤ من ، حسنه یی می نویسد، از هنگامی که آدم را برانگیخت ، تا هنگام برپا شدن قیامت .

محمد بن علی بن الحسین قال : قال رسول الله (ص) من صلی بقوم فاختص نفسه بالدعاء دونهم فقد خانهم . (٤٨١)

شیخ صدوق از پیغمبر (ص) روایت می کند که آن حضرت فرمود: اگر امام جماعت فقط برای خود دعا کند و درباره ی ماءمومان خویش دعا نکند، پس به آنها خیانت کرده . یعنی باید در قنوت نماز برای همه دعا کند.

عن ابی عبدالله (ع) قال : کانت فاطمة (ع) اذا دعت تدعو للمؤ منین و المؤ منات و لا تدعوا لنفسها فقیل لها فقالت : الجار ثم الدار . (٤٨٢)

امام صادق (ع) فرمود: حضرت فاطمه هنگام دعا کردن ، برای همه مردان و زنان باایمان دعا می کرد و فقط و در حق خودش دعا نمی نمود. علت این امر از او سؤ ال شد، فرمود: اول همسایه ، بعد صاحبخانه .

راجع به دو نفر نقل کرده اند که ، اینها از بس روی پا ایستادند و ایاک نعبد و ایاک نستعین گفتند، پاهایشان ورم کرد: یکی شخص پیامبر اکرم

(ص)، و دیگری هم حضرت فاطمه زهرا (ع). امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: مادرم از شب تا صبح روی پا می ایستاد و نماز به جا می آورد. هر چه دعا می کرد، می گفت : خدایا! همسایه ها، مسلمان ها... بعد به مادرم گفتم : خوب بود برای ما هم دعا می کردی . فرمود: نه پسرم ! دیگران بر ما مقدمند؛ الجار، ثم الدار.

16 O. بلند کردن کف دست ها و کشیدن آن بر سر و صورت

ان رسول الله ص کان یرفع یدیه اذا ابتهل و دعا کما یستطعم المسکین . (٤٨٣)

پیغمبر (ص) هنگام دعا و ابتهال ، دست های خود را بلند می کرد، آنچنان که شخص مستمند و بی نوا هنگام درخواست خوراکی انجام می داد.

و فیما اوحی الله الی موسی (ع) اءلق کفیک ذلا بین یدی کفعل العبد المستصرخ الی سیده فاذا فعلت ذلک رحمت و انا اکرم القادرین . (٤٨٤)

از جمله چیزهایی که خداوند به حضرت موسی (ع) وحی فرمود: دست های خود را افکنده ، پیش آور، همانند بنده ی بیچاره یی که از آقای خود دادخواهی می کند؛ که در این صورت ، من توانا و بزرگوار، رحمتم را به تو می رسانم .

عن ابی عبدالله (ع) قال : ما اءبرز عبد یده الی الله العزیز الجبار الا استحیی الله عزوجل اءن یردها صفرا حتی یجعل فیها من فضل رحمته ما یشاء فاذا دعا احدکم فلا یردیده حتی یمسح علی وجهه و راءسه . (٤٨٥)

از امام صادق (ع) منقول است که فرمود: هیچ بنده یی دست خود را به جانب خداوند عزیز و جبار دراز نمی کند، مگر اینکه خدا را شرم آید که آن دست را تهی برگرداند، تا اینکه فضل و رحمت خود را در آن جای دهد. پس وقتی کسی از شما دعا می کند، دست خود را بر نگرداند، تا اینکه فضل و رحمت خود را بر نگرداند، تا اینکه بر سر و صورت خود بکشد.

قال رسول الله (ص) ان الله تعالی حیی تعالی یستحیی اذا رفع الرجل الیه یدیه اءن یرد هما صفرا حائبتین . (٤٨٦)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند، با حیا و بخشنده است . وقتی مردی دست های خود را به سوی خداوند بلند کرد، خدا را شرم می آید که آن را خالی و ناامید باز گرداند.

عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول مربی رجل و اءنا اءدعو فی صلاتی بیساری فقال : یا عبدالله بیمینک فقلت : یا عبدالله ان الله تبارک و تعالی حقا علی هذا کحقه علی هذا و قال : الرغبۀ تبسط یدک و تظهر باطنها و الرهبۀ : تظهر ظهرهما و التضرع : تحرک السبابۀ الیمنی و یمینا و شمالا و التبتل : تحرک السبابۀ الیسری ترفعها فی السماء رسلا و تضعها و الابتهال : تبسط یدک و ذراعک الی السماء و الابتهال : حین تری اسباب البکاء . (٤٨٧)

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرماید: در نمازم با دست چپ دعا می کردم ، مردی بر من گذشت و گفت : ای بنده ی خدا! دست راست دعا کن . گفتم : ای بنده ی خدا! همچنان که

خدا را بر دست راست حق است ، بر دست چپ نیز حقی دارد و فرمود: رغبت آن است که ، دست ها را به طرفی آسمان کنی . و تضرع آن است که ، انگشت دوم (سبابه ی) دست چپ حرکت دهی . و تبتل آن است که ، انگشت دوم (سبابه ی) دست چپ را به آرامی و آهستگی به سمت بالا و پایین حرکت دهی . و ابتهال آن است که ، دست و بازو را به سوی آسمان دراز کنی . و فرمود: ابتهال هنگامیست که حالت گریه به انسان دست دهد.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال : سالته عن الدعاء و رفع الیدین فقال : علی خمسۀ اءوجه : اما التعود فستقبل القبلۀ بباطن کفیک و اما الدعاء فی الرزق فتبسط کفیک و تقضی بباطنهما الی السماء و اما التبتل فایماء باصبعک السبابۀ و اما الاءبتهال فرفع یدیک تجاوز بهما راءسک و دعاء التضرع اءن تحرک اصبعک السبابۀ ممایلی وجهک و هو دعاء الخفیۀ . (٤٨٨)

ابو بصیر می گوید: از حضرت صادق (ع) درباره ی دعا کردن و بلند نمودن دست ها پرسیدم ، فرمود: بر پنج قسم است :

١. تعوذ (پناه بردن به خدا از شر شیطان) آن است که ، کف دست های خود را به طرف قبله کنی .

٢. دعا برای روزی آن است که ، دست های خود را باز می کنی و درون آن دو (کف) را به سوی آسمان بداری .

٣. تبتل ؛ پس آن ، اشاره کردن یا انگشت سبابه است .

٤. ابتهال ؛ پس آن ، بلند کردن دست هاست ، به طوری که از سرت بگذرد.

٥. دعای تضرع آن است که انگشت سبابه را در برابر صورتت بجنبانی ؛ و آن ، دعای خفیه و هراس است .

رغبت : میل و اشتیاق داشتن به چیزیست .

رهبت : خوف و ترس داشتن از چیزیست .

تضرع : اظهار ذلت و خواریست .

تبتل : انقطاع و جداییست .

ابتهال الی الله : دعا و تضرع است .

تعوذ: پناه بردن به خدا از شر شیطان است .

17 O. با بیم (خوف) و امید (رجا) خدا را بخواند

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الکریم : و ادعوه خوفا و طمعا .

خداوند در قرآن کریم می فرماید: خدا را با ترس و امید بخوانید.

امام چهارم به بعضی از فرزندانش فرمودند:

یا بنی کن ذا قلبین قلب تخاف بالله خوفا لایخالطه تفریط و قلب ترجو به الله رجاء لا یخالطه تغریر . (٤٨٩)

پسرم ! ای دارای دو قلب باش : قلبی خائف از خدا، بدون تفریط، و قلبی امیدوار به خدا، بدون غرور.

قال علی بن الحسین (ع): یا بنی خف الله مخافهٔ لا یتاءس من رحمته و ارجه رجاء لا تاءمن من مکره . (٤٩٠)

امام سجاد (ع) فرمود: ای پسرم ! آنچنان از خدا بترس ، که از رحمتش ماءیوس نباشی ؛ و آنچنان به خدا امیدوار باش ، که از مکرش در امان نباشی .

مؤ من از هیچ چیزی از غیر از عظمت پروردگارش و گناهانی که مرتکب شده است ، نباید بترسد؛ چون به یقین دانسته است که ، هر چه در عالم ملك و ملکوت است ، همه مخلوق خدایند، و بدون اذن او، هیچ نفع و ضرری از آنها به کسی نمی رسد.

اگر تیغ عالم بجنبد زجای نبرد رگی تا نخواهد خدا

قال علی (ع) لا یرجون احد منکم الا ربه . لاء قطعن امل کل مؤ من غیری (٤٩١)

حضرت علی (ع) فرمود: مؤ من در هر حال باید امیدش به خدا باشد. اگر کسی در کارهای خود به غیر خدا امیدوار شد، خداوند از روی لطف و کرم ، امیدش را ناامید می کند، تا بار دیگر به خدای خود امیدوار باشد.

18 O. توسل جستن به معصومین

منظور از توسل این نیست که کسی حاجتی را از پیامبر یا امام بخواهد، و آنها را خدا یا صاحب کارهای خدایی بداند، بلکه منظور آن است که ، در پیشگاه خدا به مقام این بزرگواران متوسل شود؛ و این مطلب در حقیقت عین توجه به خداوند متعال است . ما باید همواره در زندگی به

یاد آن بزرگواران باشیم و در گرفتاری ها و شداید به آنان پناه ببریم ؛ زیرا آنان کشتی نجات امت و پناهگاه مردم بی پناه و ستمدیده اند، واسطه ی فیض میان خالق و مخلوقند، فریاد رس بیچارگانی هستند که دستخوش امواج خروشان دریای بی کران بلا شده اند، باعث قرب انسان به خداوند و باعث مستجاب شدن دعایند، و بالاخره ، ایجاد کننده ی یاد خدا در دل های غفلت زده هستند.

خداوند در قرآن می فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلهٔ و جاهدوا فی سبیله . (٤٩٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی را پیشه کنید، و برای رسیدن به مقام قرب او وسیله آماده کنید و در راه وی کوشش نمایید.

قال علی (ع): هم الوسیلهٔ الی الله و الوصلهٔ الی عفوه و رضاه .

امیر المؤ منین (ع) می فرماید: معصومین (ع) وسیله یی به سوی خداوند و راه رسیدن به عفو و رضایت او می باشند.

پیغمبر اکرم (ص) به امیر المؤ منین (ع) فرمود:

یا علی من توسل الی الله بحبکم فحق علی الله اءن لا یرده یا علی من اءحبکم و تمسک بکم فقد تمسک بالعروهٔ الوثقی .

ای علی ! هر کس به وسیله ی محبت شما خاندان ، به خداوند توسل جوید، پس حق است بر خدا که او را رد نکند. ای علی ! هر کس شما را

دوست داشته باشد و به شما خاندان متمسک شود، به ریسمان محکم چنگ زده است .

امام رضا (ع) از امام صادق (ع) روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

اذا نزلت بکم شدۀ فاستعینوا بنا علی الله و هو قول الله : ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها قال : ابو عبدالله : نحن و لله الاسماء الحسنی الذی لایقبل من احد الا بمعرفتنا قال : فادعوه .

هر گاه گرفتاری شدیدی بر شما وارد شد، به وسیله ی ما از خداوند کمک طلب کنید. این است معنای قول خداوند که می فرماید: برای خدا اسماء نیکوییست . او را به آنها بخوانید. آن گاه امام رضا (ع) فرمودند که ، امام صادق (ع) چنین می فرماید: به خدا سوگند! ما نام های نیکوی خداوند هستیم ، که از احدی عملی پذیرفته نمی شود، مگر به وسیله ی معرفت ما. آن گاه امام صادق فرمودند: خداوند را به وسیله ی آنها بخوانید.

در زیارت جامعه می خوانیم : بکم فتح و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء اءن تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر .

آسمان و زمین و هر آنچه در آن است ، به واسطه ی پیغمبر و علی و ائمه ی طاهرین هستند. هر نعمتی ، چه ظاهری و چه باطنی ، که از طرف خدای متعال می رسد، به واسطه ی آنهاست ؛ و به واسطه ی آن

بزرگواران است که زمین پا بر جاست . اگر غم و غصه یی از دل کسی بر طرف شود، اگر مصلحت یا بلایی از کسی رفع شود، عاملش آنانند.

عایشه می گوید: پیغمبر از اول شب تا صبح دعا می کرد و مرتب می گفت : خدایا! تو را به حق ! گفتم : یا رسول الله ! کسی دیگر نیست ، که شما همیشه خدا را به حق علی قسم می دهی ؟ فرمود: برای اینکه کسی بهتر از علی سراغ ندارم .

عن معمر بن راشد عن الصادق (ع) - فی حدیث - قال : قال رسول الله (ص): انه یکره للعبد ان یزکی نفسه و لکنی اقول : ان آدم لما اصاب الخطیئهٔ کانت توبته ان قال اللهم انی اسالك بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی فغفرها و ان نوحا لما رکب السفینهٔ و خاف الغرق فاءنجاه الله منه و ان ابراهیم لما لقی فی النار قال : اللهم انی اساءلك بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی منها فجعلها الله علیه بردا و سلاما و ان موسی لما القی عصاه و اوجس فی نفسه خیفهٔ اللهم انی اساءلك بحق محمد و آل محمد (ص) لما آمنتنی فقال له الله عزوجل : لاتخف انك انت الاءعلی . (٤٩٣)

معمر بن راشد نقل می کند که ، امام صادق (ع) در ضمن حدیثی چنین فرمود: رسول خدا فرمود: خودستایی برای بنده مکروه است ، و لیکن می گویم : به درستی که آدم (ع) هنگامی که مرتکب خطیئه و اشتباه شد، توبه ی او چنین بود که گفت : خدایا! من از تو در خواست دارم که به حق محمد و آل محمد (ص) مرا بیامرزی ! پس خداوند او را آمرزید و به درستی که نوح (ع) هنگامی که سوار کشتی شد و ترسید که غرق شود، گفت : خدایا! من به حق محمد و آل محمد (ص) از تو

درخواست می کنم که از غرق شدن نجاتم دهی ! پس خداوند او را نجات داد. و به درستی که حضرت ابراهیم (ع) هنگامی که در آتشش انداختند، گفت : خدایا! من از تو درخواست می کنم که به حق محمد و آل محمد (ص) مرا از آتش نجات دهی ! پس خداوند آتش را بر او سرد و سلامت قرار داد. و به درستی که موسی (ع) هنگامی که عصای خود را پرتاب نمود و بر جانش ترسید، گفت : خدایا! من به حق محمد و آل محمد (ص) از تو درخواست می کنم که مرا ایمنی بخشی ! پس خدای عزوجل به او فرمود: مترس ! به درستی که تو برتری از فرعون و فرعونیان .

عن سلمان الفارسی قال : سمعت محمدا (ص) یقول : یا عبادی اءو لیس من له الیکم حوائج کبار لاتجودون بها الا اءن یتحمل علیکم باءحب الخلق الیکم تقضونها کرامهٔ لشفیعهم ؟ الا فاعلموا ان اکرم الخلق علی و افضلهم لدی محمد و اءخوه علی و من بعده الائمهٔ الذین هم الوسائل الی الله الا فلیدعن (فلید عنی) من همته حاجهٔ یرید نفعها او دهمته داهیهٔ یرید کشف ضرها بمحمد و آله طیبین الطاهرین اقضها له احسن ما یقضیها من تستشفعون له باءحب الخلق الیه . (٤٩٤)

سلمان فارسی نقل می کند که : شنیدم پیامبر (ص) می فرمود: به درستی که خدای عزوجل می فرماید: ای بندگان من ! مگر چنین نیست که هر گاه کسی را نزد شما حاجت های بزرگ باشد، انجام نمی دهید، تا اینکه محبوب ترین آفریدگان نزد شما را به سوی شما واسطه قرار دهد، که در این صورت ، به احترام واسطه قرار دهد، که در این صورت ، به احترام واسطه و شفیع ، حاجت هایش را برآورید؟ هر آینه بدانید که ، گرامی

ترین آفریدگان نزد من و برجسته ترین آنها به درگاه من ، محمد و برادرش علی و پیشوایان پس از او هستند، که آنانند وسایل و وسایط پیش خدا. هر آینه را حاجتی در پیش است که مورد سود و نفع اوست ، یا آنکه گرفتاری ناگواری به او روی آورده باشد که خواستار است زبانش برطرف شود، پس دعا کند و به وسیله ی محمد (ص) و خاندان پاک و پاکیزه اش از من بخواهد تا حاجتش را برآورم ، بهتر از برآوردن کسی که محبوب ترین کسانش را نزد او شفیع و واسطه قرار داده باشید.

عن داوود الرقی قال : انی کنت اسمع اءبا عبدالله (ع) اءکثر ما یلح فی الدعاء علی الله بحق الخمسۀ یعنی رسول الله (ص) و امیر المومنین و الفاطمۀ و الحسن و الحسین علیهم السلام . (٤٩٥)

داوود رقی می گوید: بسیار شنیدم که امام صادق (ع) در دعاهای خود خداوند را به حق پنج تن آل عبا، یعنی : محمد، علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع) قسم می داد.

سالک راه حق ! بیا همت از اولیا طلب همت خود بلند کن سوی حق ، ارتقا طلب

فاش ببین گه دعا، روی خدا در اولیا بهر جمال کبریا، آیینه ی صفا طلب

شرور اولیا، نبی ، وز پس مصطفی ، علی خدمت مصطفی کن و همت مرتضی طلب

پیروی رسول حق ، دوستی خود آورد پیروی رسول کن ، دوستی خدا طلب

شرع ، سفینهٔ النجاهٔ ، آل رسول ، ناخداست ساکن این سفینه شو، دامن ناخدا طلب

دم به دمم به گوش هوش ، می فکنندم این سروش معرفت ار طلب کنی ، از برکات ما طلب

خسته ی جهل را بگو، خیز و بیا به جست و جو از بر ما شفا بجو، از در ما دوا طلب

مفلس بینوا بیا، از در ما بجو نوا صاحب مدعا بیا، از دم شفا طلب

هست طلب بحق سبب ، گر بسزا بود طلب هر چه طلب کنی چو فیض ، یاوه مگو، بجا طلب

19 O. اصرار و پافشاری در دعا

احمد بن فهد رسول الله (ص) قال : ان الله عزوجل یحب السائل اللجوج . (٤٩٦)

ابن فهد روایت می کند، که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: همانا خدای عزوجل سؤ ال کننده ی مصر و لجوج را دوست دارد.

عن ابن قداح عن ابی عبدالله (ع) قال : کان امیر المؤ منین (ع) رجلا دعاء . (٤٩٧)

ابن قداح از امام صادق (ع) نقل می کند: امیر المؤ منین (ع) مردی بود دعاء؛ یعنی بسیار دعا کننده .

عن ابی جعفر (ع) قال :

ان الله کره الحاح الناس بعضهم علی بعض فی المساءلهٔ و احب ذلک لنفسه ان الله جل ذکره یحب ان یساءل و یطلب ما عنده . (٤٩٨)

از امام باقر (ع) منقول است که فرمود: خداوند اصرار در سؤ ال را از مردم نمی پسندد (از همدیگر خواهش و درخواست کنند)، ولی این کار را در مورد خود می پسندد و دوست دارد مورد سؤ ال قرار گیرد و از آنچه پیش اوست ، درخواست شود.

عن ابی جعفر (ع) قال : و الله لا یلح عبد مؤ من علی الله عزوجل فی حاجته الا قضاها .

از امام باقر (ع) نقل است که فرمود: به خدا قسم ! هیچ مؤ منی حاجتی را با اصرار از خدا نمی خواهد، مگر اینکه خداوند آن را بر آورد.

عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله (ع) یقول : الدعاء نزد القضاء بعد ما اءبرم ابرما فاکثر من الدعاء فانه مفتاح کل رحمهٔ و نجاح کل حاجهٔ و لا ینال ما عندالله عزوجل الا بالدعاء و انه لیس باب یکثر قرعه الا یوشک ان یفتح لصاحبه . (٤٩٩)

عبدالله بن سنان می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرمود: دعا قضای الهی را دفع می کند، اگر چه قضای الهی محکم شده باشد. از این رو، زیاد دعا کن ، که آن ، کلید هر رحمت و برآوردن حاجت است ، و آنچه که پیش خداست ، جز با دعا به دست نمی آید. و هیچ دری نیست که زیاد کوبیده شود، مگر اینکه برای کوبنده ی آن گشوده خواهد شد.

قال رسول الله (ص): لقد بارک الله لرجل فی حاجهٔ اکثر الدعاء فیها اعطیها او معها . (٥٠٠)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند مبارک کرده است حاجتی را که ، مرد درباره ی آن بسیار دعا کند، چه برآورده شود و چه نشود.

ابن مسعود می گوید: پیغمبر دعا و خواهش را سه مرتبه تکرار می کرد، تعجیل هم نمی نمود؛ زیرا آن حضرت می فرمود: دعا مستجاب می شود، مادامی که تعجیل نکنید. نگویید من دعا کردم ، مستجاب نشد. بسیار دعا کنید، که خداوند کریم را می خوانید. روایت شده است : بنده یی خدا را می خواند، و حال آنکه خداوند از او خشمگین است ؛ پس دعای او را رد می کند. باز او را می خواند و دعایش رد شود. و چون مرتبه ی سوم خدا را بخواند، خداوند می فرماید: دعای او را اجابت کردم ؛ زیرا بنده ی من امتناع دارد که غیر مرا بخواند و حاجت خود را از غیر من سؤ ال نماید.

عن انس بن مالک قال : قال رسول الله (ص): ما فتح لاءحد باب دعاء الا فتح الله له فیه باب اجابۀ فاذا فتح لاءحدکم باب دعاء فلیجهد فان الله لایمل حتی تملوا . (۵۰۱)

از انس بن مالک منقول است که ، پیامبر اکرم (ص) فرمود: هیچ گاه در خانه ی دعا بر کسی گشوده نمی شود، مگر اینکه دری از خانه ی اجابت نیز باز شود. پس هرگاه در خانه ی دعا به روی یکی از شما باز شد، در دعا کردن جد و جهد کند و دست از دعا نکشد، تا اینکه کاملا حاجتش برآورده شود؛ زیرا اگر او از دعا دست بکشد، خداوند نیز از مستجاب شدن دعا دست بر می دارد، حتی اگر اثر اجابت ظاهر شود و مستجاب شدن نزدیک باشد.

عن ابی القداح عن ابی عبدالله (ع) قال : قال رسول الله (ص): رحم الله عبدا طلب من الله عزوجل حاجته فالح فی الدعاء استجیب له اولم یستجیب و تلاهذه الآیۀ وادعوه ربی عسی ان لا اکون بدعاء ربی شقیا. (۵۰۲)

ابن قداح از امام صادق (ع) روایت می کند که ، رسول خدا (ص) فرمود: لطف و رحمت خدا شامل حال بنده یی می شود که ، در سؤ الش از خداوند مصر و لجوج باشد و در فکر مستجاب شدن و نشدنش نباشد، سپس امام این آیه را گواه گفته ی خود قرار داد: من خدای خود را می خوانم ، به امید آنکه به وسیله ی دعا، از بدبختی و شقاوت دنیا و آخرت رهایی یابم .

عن مفضل قال : قال ابو عبدالله (ع) لولا الحاح المؤ منین علی الله فی طلب الرزق لنقلهم من الحال التی هم فیها الی ماهواء ضیق منها . (۵۰۳)

از مفصل منقول است که ، امام صادق (ع) فرمود: هر گاه اصرار و پافشاری مؤ منان درباره ی روزی خواستن از خدا نبود، هر آینه دچار زندگی سخت و ناگوارتری می شدند.

قال (ابن فهد) و فی زبور داوود یقول الله عزوجل یابن آدم تساءلنی و امنعک لعلمی بما ینفعک ثم تلح علی بالمساءلۀ فاءعطیک ما ساءلت ؟

ابن فهد نقل می کند که ، خداوند در زبور چنین می فرماید: ای آدمیزاد! بسا می شود که چیزی را از من بخواهی ، و من در اثر علم و احاطه یی که به سود و زیان تو دارم ، خواسته ات را انجام ندهم ، لیکن

در نتیجه ی اصرار و پافشاری زیادی که برای انجام دادن خواسته ات انجام می دهی ، خواهش تو را برآورم .

قال النبی (ص): و اکثر من الدعاء فانک لا تدری متی یستجاب لک . (٥٠٤)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: فراوان و همیشه دعا کنید، زیرا شما چه می دانید چه وقت دعایتان مستجاب می شود!

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال : لا یزال العبد بخیر و رجاء و رحمۀ من الله عزوجل ما لم یستعجل فیقنط و یترک الدعاء قلت له : کیف یستعجل ؟ قال : یقول : قد دعوت منذ کذا و کذا و ما اءری الاجابۀ . (٥٠٥)

امام صادق به ابی بصیر فرمود: همواره بنده در خیر و امیدواری و رحمت از جانب خدای عزوجل است ، مادامی که عجله نکند و ناامید نشود و دعا را ترک نکند. ابی بصیر می گوید: عرض کردم : چه گونه عجله می کند؟ فرمود: می گوید از کی تاکنون مشغول به دعایم ، و اثری از اجابت نمی بینم .

20 O. ناامید نبودن از خدا و امیدوار بودن به او و قطع امید از دیگران

در شرع مقدس اسلام ، از حالت ناامیدی مذمت و نکوهش بسیار شده ، بلکه در بعضی روایات ، ناامیدی از رحمت خدا از گناهان کبیره شمرده شده است . البته ناامیدی از اجابت اگر قبل از دعا باشد، علتش بزرگی و اهمیت مطلب خواهد بود و مانع از دعا کردن می شود، و اگر بعد از دعا

کردن باشد، منشاءش تاءخیر اجابت خواهد بود و مانع از ادامه ی دعا می گردد؛ و در روایات بسیاری از هر دو قسم نهی شده است .

اما نوع اول :

عن فضیل بن عثمان عن اءبی عبدالله (ع) قال : قلت له : اءوصنی قال : اءوصیک بتقوی الله و صدق الحدیث و اءداء الاءمانه و حسن الصحابه لمن صحبک و اذا کان قبل طلوع الشمس و قبل الغروب بالدعاء و اجتهد و لا یمنعک من شی ء تطلبه من ربک و لا تقول : هذا ما لا اعطاه و ادع فان الله یفعل ما یشاء . (٥٠٦)

فضیل بن عثمان می گوید: به امام صادق عرض کردم : به من وصیت و سفارشی کن ! فرمود: تو را وصیت می کنم به : تقوا و پرهیزگاری از خدا، راستگویی ، برگرداندن سپرده های مردم ، و خوشرفتاری با کسی که با تو مصاحبت و رفاقت کرد؛ و هم اینکه پیش از طلوع و غروب خورشید بر تو باد که با جد و جهد دعا کنی ، و هیچ چیز تو را مانع نشود از اینکه همه خواسته های خود را از خدا بخواهی ، و نگویی این چیزیست که البته خدا به من نخواهد داد، دعا کن و از خدا بخواه ؛ چون خدا هر چه را که بخواهد، انجام می دهد.

اما نوع دوم :

عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال : قلت لابی الحسن (ع): جعلت فداک انی قد ساءلت الله حاجهٔ منذ کذا و کذا سنهٔ و قد دخل قلبی من ابطائها شی ء فقال : یا احمد ایاک و الشیطان ان یکون له علیک سبیل حتی یقنطک - الی ان قال - ان صاحب النعمهٔ فی الدنیا اذا سئل

فاءعطی طلبته غیر الذی ساءل و صغرت النعمۀ فی عینه فلا یشبع من شی ء و اذا کثر النعم کان المسلم من ذلک علی خطر للحقوق التی تجب علیه و ما یخاف من الفتنۀ فیها. اءخبرنی عنک لو اءنی قلت لک قولا کنت تثق به منی ؟ فقلت له ؟ جعلت فداک اذالم اءثق بقولک فبقول من اءثق ؟ و انت حجۀ الله من خلفه قال : فکن بالله اءوثق فانک علی موعد من الله عزوجل اءلیس الله عزوجل یقول : و اذا ساءلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوۀ الداع اذا دعان و قال : لاتقنطوا من رحمۀ الله و قال : و الله یعدکم مغفرۀ منه و فضلا فکن بالله اءوثق منک بغیره و لاتجعلوا فی انفسکم الا خیرا فانه مغفور لکم . (۵۰۷)

احمد بن نصر می گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم : فدایت شوم ! سال هاست که من از خداوند حاجتی می خواهم ، و از تاءخیر اجابت ، در دلم وسوسه یی پیدا شده است . حضرت فرمود: ای احمد! شیطان بر تو راه یابد و تو را ناامید کند! تا جایی که فرمود: همانا صاحب نعمت در دنیا اگر چیزی را از خدا بخواهد و فورا حاجتش برآورده شود، طبعا چیز دیگری درخواست می نماید، و در نتیجه ، نعمت در نظرش کوچک خواهد شد و سیر نخواهد گشت ؛ و دیگر اینکه فراوانی نعمت برای شخص مسلمان خطر است ، چون نعمت فراوان حقوق فراوانی هم در بر دارد، و گاهی هم از عهده ی آنها بر نمی آید. جویای حال خودت شو، ببین اگر به تو چیزی بگویم ، آیا به گفته ی من اطمینان خواهی کرد؟ وی می گوید: فدایت شوم ! اگر به سخن شما اطمینان نداشته باشم ، پس به گفته ی چه کسی اطمینان کنم ، با اینکه تو حجت خدا بر بندگانش هستی ! حضرت (ع) فرمود: پس باید اطمینانت به سخن خدا بیشتر باشد؛

چون از اجابت خدا وعده یی به تو رسیده . مگر خداوند به پیامبر نفرمود: هر گاه بندگان من سراغ مرا از تو بگیرند، من نزدیکم و دعوت دعا کنندگان را اجابت می کنم و نیز خداوند فرمود: از رحمت خدا ناامید نشوید. و باز فرمود: خداوند وعده ی مغفرت و فضل به شما داده . پس در هر حال به خداوند اطمینان داشته باش ، و برای خودتان از خداحافظ خیر و خوبی بخواهید، تا مورد آمرزش قرار گیرید.

قطع امید از مردم و ناامیدی از غیر، جد و جهد انسان را در دعا کردن افزایش می دهد و باعث می شود که شخص دعا کننده با التفات و توجه بیشتری حوایج دنیوی و اخروی خویش را از خدا بخواهد؛ در واقع ، قطع امید از دیگران و امیدواری به خدای متعال را در انسان تقویت می کند، چون هر اندازه امیدواری به غیر خدا در او ضعیف سست گردد، امیدواری به خدا در وی قوی تر خواهد شد.

احمد بن فهد الحلی قال : روی عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : و ما یؤ من اکثرهم بالله الا و هم مشرکون (۵۰۸) قال : هو قول الرجل : لو لا فلان لملکت و لو لا فلان ما اءصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی اءلاتری اءنه قد جعل لله شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه ؟ قلت : فیقول ماذا یقول لو لا اءن من الله علی بفلان لهلکت ؟ قال : نعم لا باءس بهذا او نحوه . (۵۰۹)

ابن فهد حلی در کتاب عدۀ الداعی می گوید: از امام صادق (ع) روایت شده که ، خداوند می فرماید: ایمان بیشتر مردم آمیخته به شرک است . و منظور این است که ، شخص مؤ من می گوید: اگر فلانی نبود، از بین رفته بودم . اگر فلان شخص نبود، چنین می شدم . اگر فلان کس

نبود، خانواده ام از دست رفته بود. و حال آنکه در این سخنانش برای خداوند شریک قرار داده ، که اختیار روزی و دور کردن ضرر و زیان به دست اوست . راوی گفت : پس چه بگوید؟ اگر این طور بگوید، خوب است : هرگاه خداوند بر من منت نمی گذاشت و فلان کس را به فریاد من نمی رساند، هر آینه هلاک و نابود شده بودم ؟ حضرت فرمود: آری ! اینچنین گفته ها اشکالی ندارد.

و روی عن محمد بن عجلان قال : اءصابتنی فاقهٔ شدیدهٔ و اءضافهٔ (و لا صدیق لمضیق) و لزمنی دین ثقیل و عظیم یلح فی المطالبهٔ فتوجهت نحو دار الحسن بن زید (و هو یؤ مئذ اءمیر المدینهٔ) لمعرفهٔ کانت بینه و بینه و شعر بذلک من خالی محمد بن عبدالله بن علی بن الحسین (ع) و کانت بینی و بینی قدیم معرفهٔ فلقینی فی الطریق فاءخذ بیدی و قال : قد بلغنی ما اءنت بسبیله فمن تؤ مل لکشف ما نزل بک ؟ قلت : الحسن بن زید فقال : اذن لایقضی حاجتک و لاتسعف بطلبتک فعلیک بمن یقدر علی ذلک و هو اءجود الاءجودین فالتمس ما تؤ مله من قبله فانی سمعت ابن عمی جعفر بن محمد یحدث عن اءبیه عن جده عن الحسین بن علی عن ابیه علی بن ابیطالب (ع) عن النبی (ص) قالن اءوحی الله الی بعض اءبنیائه – فی بعض وحیه : و عزتی و جلالی لا قطعن اءمل کل آمل غیری و بالایاس و لاءکسونه ثوب المذلهٔ فی الناس و لاءبعدنه من فرجی و فضلی اءیاءمل عبدی فی الشدایدغیری و الشدائد بیدی ؟ و یرجو سای و اءنا الغنی الجواد، بیدی مفاتیح الاءبواب و هی مغلقهٔ و بابی مفتوح لمن دعانی ، اءلم تعلموا اءن من دهاه نائبهٔ لم یملک کشفها عنه غیری فما لی اءراه یاءمله مغرضا عنی و قدا اءعطیته بجودی و کرمی مالم یساءلنی

فاعرض عنی و لم یساءلنی و ساءل فی نائبته غیری و انا الله اءبتدی بالعطیهٔ قبل المسالهٔ اءفا ساءل فلا اجود، کلا الیس الجود و الکرم لی الیس الجود و الکرم لی الیس الدنیا و الاخرهٔ بیدی فلو اءن اءهل سبع سماوات و ارضین ساءلونی جمیعا و اءعطیت کل واحد منهم مساءلته ما نقص ذلک من ملکی مثل جناح البعوضهٔ و کیف ینقص ملک انا قیمه ، فبا یؤ سا لمن عصانی و لم یراقبنی .

فقلت له : یابن رسول الله اعد علی هذا الحدیث ، فاءعاده ثلاثا فقلت له : لا و الله ما ساءلت احدا بعدها حاجهٔ ، فما لبث اءن جائنی الله برزق من عنده . (۵۱۰)

محمد بن عجلان می گوید: دچار تنگدستی سختی گشته و در فشار زندگی فشرده شدم . قرض زیاد و فراوانی به عهده ام آمد، و طلبکاران با سماجت آن را مطالبه می کردند. به گمان اینکه از حسین بن زید (که در آن موقع فرماندار مدینه بود و سابقه ی آشنایی با هم داشتیم) کمک بخواهم ، به طرف خانه او رفتم . در بین راه ، با محمد بن عبدالله بن علی بن الحسین (ع) برخوردم ، با او دوستی دیرینه داشتم . همین که مرا دید، دستم را گرفت و گفت : خبر گرفتاری و ناراحتی ات به من رسید. اکنون به من بگو ببینم برای چاره جویی بیچارگی ات از چه کسی امید و انتظار داری ؟ گفتم : از حسن بن زید. گفت : پس بدان که ، حاجت تو برآورده نخواهد شد و خواسته ات انجام نشود. اگر خواستار گشایش کار خود هستی ، به در خانه ی کسی برو که بتواند گره از کارت بگشاید، و از هر با جود و بخششی ، بخشش وجودش افزون تر باشد. به سراغ او که رفتی ، هر چه دلت می خواهد، از او بخواه ؛ چون من از پسر عمویم

امام جعفر صادق (ع) شنیدم که ، او به وسیله ی پدران بزرگوارانش از پیغمبر (ص) روایت کرد: عزوجل به برخی از پیغمبرانش (در ضمن وحی) چنین فرمود: به عزت و جلالم سوگند! هر کسی که مختصر میل و امیدی به غیر من داشته باشد، ناامیدش خواهم کرد، و آنچنان لباس ذلت و خواری در میان مردم بر او بپوشانم ، که رسوا شود، و به طور قطع ، او را از قرب و نزدیکی خود دور خواهم کرد. آیا با اینکه گره ها به دست من گشوده می شود، امیدی به کسی جز من دارد؟ با اینکه توانگری و بخشش تمام و کمال در اختیار من است . سراغ دیگری می رود، و در خانه ی دیگری را می کوبد؟ مگر نمی داند همه درها بسته و کلید همه آنها در دست من است ، و تنها دری که برای جویندگان باز می باشد، در خانه ی من است ؟ آیا شخص گرفتار نمی داند که هیچ کس بجز من قادر و توانا نیست گرفتاری او را بر طرف نماید؟ پس چه گونه از من رو می گرداند و امید به دیگری می بندد، با اینکه من بودم که در اثر جود و کرم خود، نپرسیده ، آنچه احتیاج داشت ، به او دادم مع ذلك از من رو گردانیده و چیزی نخواسته ، از کسی دیگر امید و انتظار دارد به فریاد او برسد. من همان خدایی هستم که نپرسیده حوایجش را به او می دهم . مگر ممکن است کسی حوایجش را از من بخواهد، به او ندهم ! هرگز چنین نیست ! مگر بخشش و بزرگواری مربوط به من نیست ! مگر اختیار دنیا و آخرت در دست من نیست ! همین قدر که بدان که ، اگر اهل هفت طبقه آسمان و زمین همگی حوایج خود را از من بخواهند، و من خواسته ی هر کس را به او بدهم ، به اندازه ی بال مگسی از ملك و مملکت من کاسته نخواهد شد. چه گونه

ممکن است مملکتی که من پادشاه و نگهبان آن هستم ، کم شده و نقصان یابد! پس وای بر کسی که از فرمان من سرپیچی کند و مرا حاضر و ناظر بر افعال و گفتارش نداند!

محمد بن عجلان می گوید: به محمد بن عبدالله گفتم : ای فرزند پیغمبر! این حدیث شریف را که از امام صادق (ع) شنیدی ، دوباره برایم بازگو نما. پس سه بار برایم تکرار کرد. من هم گفتم : به خدا سوگند! از این به بعد هرگز کسی چیزی نخواهم . اتفاقا از این قضیه چیزی نگذشت ، که خداوند روزی خود به من رساند.

حفض بن غیاث عن ابی عبدالله (ع) قال : اذا اءراد اءحدکم اءن لایسئل ربه شیئا الا اءعطاه فلییاءس من الناس کلهم و لایکون له رجاء الا من عندالله فاذا علم ذلک من قلبه لم یسئله شیئا الا اعطاه . (۵۱۱)

حفض بن غیاث می گوید: امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی از شما بخواهد که خداوند همه خواسته هایش را برآورد، باید از تمام مردم ناامید شود و هیچ امیدی جز خداوند نداشته باشد. پس اگر خداوند چنین حالتی را در قلب او بیاید، چیزی از خدا نخواهد، مگر اینکه برآورد.

سفیان عیینه گفت : اگر یکی از شما در خود بدی ببیند، باید این بدی ، او را از دعا کردن منع نکند؛ چه اینکه خداوند متعال خواسته ی ابلیس را که بدترین خلق است ، اجابت فرموده است : اذ قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون انک من المنظرین .

روزی هارون الرشید از کنار خرابه ی بغداد می گذشت ، در این حال دید بهلول ، همان عارف مشهور که خود را به دیوانگی زده بود، روی زمین دراز کشیده . گفت : ای بهلول ! از ما حاجت بخواه ، که برآورده است . بهلول گفت : لطفا به مگس های خرابه دستور بدهید که بعدازظهرها مرا آزاد بگذارند؛ زیرا مزاحم خوابم هستند. هارون گفت : مگس از من شنوایی ندارد؟ بهلول گفت : وقتی که مگس ها از شما شنوایی ندارند، پس چرا از شما حاجت بخواهم ! من باید حاجت را از خدایی بخواهم که از مگس خرابه تا جبرئیل آسمان از وی شنوایی دارند. (۵۱۲)

ان الله معنا فلا فاقهٔ بنا الی غیر. (۵۱۳)

خدا با ماست ، و با بودن او نیازی به غیر او نداریم .

ما در دو جهان غیر خدا یار نداریم جز یاد خدا هیچ دگر کار نداریم

ما شاخ درختیم ، پر از میوه ی توحید هر رهگذری سنگ زند، عار نداریم

گر یار وفادار نداریم و لیکن ما یار بجز حضرت غفار نداریم

O ج . بعد از دعا

1 O. صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد در اول و آخر دعا

2 O. گفتن ماشاءالله لاحول و لا قوهٔ الا بالله در پایان دعا

عن اءبی عبدالله (ع) قال : اذا دعا الرجل فقال بعد ما دعا: ماشاءالله لا حول و لا قوۀ الا بالله قال الله عزوجل : استبسل عبدی و استسلم لاءمری اقضوا حاجته . (٥١٤)

از امام صادق (ع) منقول است که فرمود: هرگاه مردی دعا کند و پس از آن بگوید: ماشاءالله لا حول و لا قوۀ الا بالله ، خدای عزوجل می فرماید: بنده ام از دیگران قطع امید کرد و خود را تسلیم امر من نمود. پس حاجتش را برآورده سازید!

عن ابی عبدالله (ع) قال : ما من رجل دعا فختم دعائه بقول ما شاء الله لا قوۀ الا بالله الا اجیب صاحبه .

امام صادق (ع) فرمود: کسی نیست که دعای خود را با جمله ی ما شاء الله لا قوۀ الا بالله ختم کند، مگر آنکه دعایش مستجاب شود.

عن جمیل عن ابی عبدالله (ع) قال : سمعته بقول : من قال : ما شاء الله لا حول و لا قوۀ الا بالله سبعین مرۀ صرف عنه سبعین نوعا من انواع البلاء اءیسر ذلک الخنق قلت : جعلت فداک و ما الخنق ؟ قال : لا یعتل بالجنون فیخنق . (٥١٥)

جمیل می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می فرماید: کسی که هفتاد بار بگوید: ما شاء الله و لاقوۀ الا بالله ، خداوند هفتاد نوع انواع بلا را از او دور می گرداند، که آسان ترین آنها، خناق (و خفه شدن) باشد. عرض کردم : فدایت شوم ! خناق چیست ؟ فرمود: به دیوانگی دچار نمی شود (یا کشته نمی شود) که خفه گردد.

3 O. برای مستجاب شدن دعای خود، دعا کند

ربنا و تقبل دعاء. (٥١٦) یعنی : بار پروردگارا! دعایم را مستجاب و برآورده نما!

آداب و شرایط دعا از نظر اوقات مخصوص

1 O. شب و روز جمعه

از حضرت صادق (ع) منقول است که ، پیامبر اکرم (ص) فرمود: در روز جمعه ، سید و بزرگ تر روزهاست . خداوند در آن روز ثواب حسنات را مضاعف می دهد، گناهان را محو می نماید، درجات را بلند می گرداند، دعاها را مستجاب می نماید، شدت ها و غم ها را زایل می گرداند، حاجت های بزرگ را برآورده می سازد. و روز نسبت به شب امتیاز است ، زیرا در روز خداوند متعال رحمتش را نسبت به بندگان زیاد می گرداند و جماعت بسیاری را از آتش جهنم آزاد می سازد. پس هر کس خدا را در آن روز بخواند و حق مرحمت آن را بشناسد، بر خداست که او را از آتش جهنم گرداند. پس اگر در روز جمعه یا شی آن بمیرد، ثواب شهیدان را دارد و در قیامت از عذاب الهی ایمن مبعوث می گردد. و هر کس حق و حرمت جمعه را سبک شمارد و از نماز آن روی بگرداند یا عمل حرامی مرتکب شود، بر خداست که او را به آتش جهنم بسوزاند، مگر آنکه توبه کند.

احمد بن فهد - فی عدۀ الداعی - عن الباقر (ع) قال : ان الله تعالی ینادی کل لیلۀ جمعۀ من فوق عرشه من اول اللیل الی آخره : اءلا عبد مومن یدعونی لدینه و دنیاه قبل طلوع الفجر فاءجیبه ؟ اءلا عبد مؤ من یتوب الی قبل طلوع الفجر فاءتوب علیه ؟ اءلا عبد مؤ من من قد قتر علیه

رزقه فیساءلنی الزیادۀ فی رزقه قبل طلوع الفجر فاءزیده و اءوسع علیه ؟ الا عبد مؤ من سقیم یساءلنی اءن اءطلقه من سجنه و اءخلی سربه ؟ اءلا عبد مؤ من مظلوم لیساءلنی اءن آخذ له بظلامته قبل طلوع الفجر فانتصر له فآخذ بظلامته ؟ قال فلا یزال ینادی بهذا (حتی) یطلع الفجر . (۵۱۷)

احمد بن فهد در کتاب عدۀ الداعی می گوید: امام باقر (ع) فرمود: به درستی که خدای تعالی هر شب از بالای عرش ، از اول شب تا آخر ندا می کند: آیا بنده ی مؤ منی نیست که درباره ی امور دین و دنیای خود، پیش از طلوع فجر مرا بخواند، تا جوابش دهم ؟ آیا بنده ی مؤ منی نیست که پیش از طلوع فجر به سوی من توبه کند، تا من هم توبه ی او را قبول نمایم ؟ آیا بنده ی مؤ منی نیست که روزی او بر وی تنگ کرده باشم ، و او پیش از طلوع فجر از من تقاضای شفا و بهبودی خود نماید، من هم او را عافیت دهم ؟ آیا بنده ی مؤ من زندانی غمگینی نیست که از من رهایی خود را از زندان بخواهد، و راه را بر او باز بگذارم ؟ آیا بنده ی مؤ من ستمدیده یی نیست که از من تقاضا کند، تا پیش از طلوع فجر ستمش را از او دور نمایم ، تا من هم درباره ی ظلمی که بر او وارد شده ، یاری اش کنم ؟ امام باقر (ع) اضافه نمود: خداوند همواره چنین ندا می کند، تا اینکه فجر طلوع نماید.

علامه مجلسی می گوید: در روز جمعه ساعتیست ، که هر مسلمانی در آن ساعت از خدای چیزی طلب نماید، البته به او عطا می فرماید؛ و آن ، وقتیست که نصف قرص آفتاب فرو رود. و خود حضرت فاطمه (ع) امر می فرمود که بر بلندی بروند و چون نصف آفتاب غروب می کند، او را خبر کنند که دعا نماید.

عن ابی عبدالله قال : ان العبد لیدعوا فیؤ خر حاجته الی یوم الجمعه و قال ان یوم الجمعه سید الایام و اعظم من یوم الفطر و یوم الاءضحی و فیه ساعهٔ لم یساءل الله عزوجل فیها اءحد شیئا الا ما لم یساءل حراما . (۵۱۸)

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: گاهی مؤ من دعا می کند و خداوند قضای حاجت او را تا روز جمعه بتاءخیر می اندازد و فرمود: روز جمعه سرور و بزرگترین روزها نزد خداوند است و از روز فطر و قربان هم بزرگتر است . در این روز ساعتی است که هر کسی در آن چیزی از خدای متعال بخواهد البته به او عنایت می کند مگر اینکه حرامی را درخواست نماید.

عن عبدالله بن سنان قال : ساءلت ابا عبدالله (ع) عن الساعهٔ التی یستجاب فیها الدعاء یوم الجمعه قال : ما بین الامام من الخطبه الی اءن تستوی الصوف و ساعهٔ اخری من آخر النهار الی غروب الشمس و کانت فاطمهٔ تدعونی ذلك الوقت . (۵۱۹)

عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق (ع) سؤ ال کردم : یا بن رسول الله ! چه ساعتی در روز جمعه است ، که دعا در آن ساعت مستجاب می شود؟ فرمودند: در روز جمعه دو وقت است که دعا در آن مستجاب است : یکی مابین فراغت خطیب از خطبه و منظم شدن صفوف مردم ، و دیگری ، پایان روز؛ و حضرت فاطمه (ع) در این وقت به درگاه خدا دعا می کرد.

2 O. بین ظهر و عصر روز چهارشنبه

برای نفرین کردن کفار است .

3 O. وقت نماز عشا

روایت شده است : این وقت به هیچ کس از امت های گذشته داده نشده است .

4 O. هر روز پنجشنبه و دوشنبه

قال رسول الله (ص): تفتح ابواب السماء فی کل یوم اثنین و خمیس فیغفر فی ذلک الیوم لکل عبد لایشرک بالله شیئا الامن بینه و بین اءخیه شحناء . (۵۲۰)

هر روز دوشنبه و پنجشنبه درهای آسمان گشوده می شود؛ و در آن روز، گناهان هر کسی که برای خدا شریک قائل نباشد، می بخشند، مگر آن کسی که با برادر خویش دشمنی داشته باشد.

5 O. بعد از نمازهای واجب

از روایات فراوانی به دست می آید که ، دعا در حین نماز و پس از نماز، بهترین تعقیبات است ، حتی از قرآن و نافله هم بهتر است ؛ چنان که از امام باقر (ع) روایت شده است ؛ الدعاء بعد الفریضۀ افضل من الصلوۀ تنفلا . یعنی : دعای پس از نماز واجب فضیلتش بیشتر از نماز نافله است .

قال الامام المهدی (عج): ان افضل الدعاء و التسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقیب النوافل کفضل الفرائض علی النوافل . (۵۲۱)

امام مهدی (ع) فرمودند: فضیلت دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نمازهای مستحبی ، مانند فضیلت واجبات بر مستحبات است .

قال رسول الله (ص) فی خطبهٔ شهر رمضان : وارفعو ایدیکم بالدعاء فی اوقات صلوتکم فانها افضل الساعات ینظر الله فیها بالرحمهٔ الی عباده یجیبهم اذا ناجوه و یلبیهم اذا نادوه و یسجیب لهم اذا دعوه . (۵۲۲)

در وقت هر نمازی دست ها را به دعا بلند کنید و از خدا حاجت بخواهید، زیرا بهترین ساعات شبانه روز همان ساعت نمازهای پنجگانه است ، که در آن اوقات ، خداوند نظر رحمت به بندگانش می فرماید. اگر با او مشغول مناجات شدند، به آنها پاسخ می دهد؛ اگر او را خواندند، لبیک می گوید؛ اگر حاجت خواستند، مستجاب می فرماید.

از امیر المؤ منین (ع) روایت شده است که ، رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که نماز واجبی را به جا آورد، به دنبال آن ، دعای مستجابی خواهد داشت . از امام صادق (ع) روایت شده است : خدای متعال نمازها را در عزیزترین اوقات نزد خود برای شما واجب نموده است ؛ بنابراین حوایج خود را پس از نمازهایتان درخواست نمایید. و نیز از آن حضرت روایت شده است : هر کس نماز واجبی به جا آورد و تا نماز بعدی تعقیب بخواند، میهمان خداست ، و بر عهده ی خداست که مهمانش را گرامی بدارد.

6 O. بین طلوعین

عن ابی الصباح الکنانی عن ابی جعفر (ع) قال : ان الله عزوجل یجب من عباده المؤ منین کل (عبد) دعاء فعلیکم بالدعاء فی سحر الی طلوع الشمس فاءنها ساعهٔ تفتح فیها ابواب السماء و تقسم فیها اءلازراق و تقضی فیها الحوائج العظام . (۵۲۳)

ابو الصباح کنانی از امام محمد باقر (ع) نقل می کند: خدای عزوجل دوست دارد از بندگان مؤ من خود، هر آن کس را که بسیار دعا کند. پس بر شما باد به دعا کردن در سحر تا طلوع آفتاب ؛ چون آن هنگام وقت باز شدن درهای آسمان و تقسیم شدن روزی ها و برآورده شدن حاجت های مهم و بزرگ است .

7 O. پیش از طلوع و غروب آفتاب

عن شهاب بن عبدربه قال : سمعت ابا عبدالله ع یقول : اذا تغیرت الشمس فاذکر الله عزوجل و ان کنت مع قوم یشغلونک فقم و ادع . (۵۲٤)

شهاب بن عبدربه می گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرماید: همین که آفتاب تغییر کرد، خدا را یاد کن ؛ و اگر با گروهی باشی که تو را سرگرم می کنند، از میان آنان برخیز و برو دعا کن .

عن جابر عن ابی جعفر (ع) قال : ان ابلیس علیه لعائن الله یبث جنود اللیل من حین تغیب الشمس و تطلع فاکثروا ذکر الله فی هاتین الساعتین (تلک) الساعتین فانها ساعتا غفلهٔ . (۵۲۵)

امام محمد باقر (ع) به جابر فرمود: شیطان به هنگام طلوع و غروب آفتاب ، سپاهیان خود را پراکنده می کند؛ پس در این دو وقت ، بسیار به یاد خدا باشید و از شر ابلیس و لشکریانش به خدا پناه ببرید. کودکان

خود را در این دو وقت پناه بدهید، چه اینکه این دو ساعت ، ساعت های غفلت است .

عن ابی خدیجه عن ابی عبدالله (ع) قال : ان الدعاء قبل طلوع الشمس و قبل غروبها سنهٔ واجبهٔ مع طلوع الشمس و المغرب . (٥٢٦)

ابی خدیجه از امام صادق (ع) نقل می کند که آن بزرگوار فرمود: دعا پیش از طلوع و غروب آفتاب سنت و دستوری واجب است ، همراه طلوع آفتاب و غروب .

8 O. در نماز وتر و بعد از نماز فجر و ظهر و مغرب

قال ابو عبدالله (ع): یستجاب الدعاء فی اربعهٔ مواطن فی الوتر و بعد الفجر و بعد الظهر و بعد المغرب . (٥٢٧)

امام صادق (ع) فرمود: دعا در چهار مورد مستجاب می شود: ١. در نماز وتر؛ ٢. بعد از نماز فجر؛ ٣. بعد از نماز ظهر؛ ٤. پس از مغرب .

9 O. روز عرفه

روایت شده است که ، حضرت زین العابدین در این روز سائلی را دیدند، دست گدایی به سوی مردم دراز کرده ، به او فرمود: وای بر تو! آیا در چنین موقعیتی از غیر خدا سؤ ال می کنی ، و حال اینکه امید می رود در این روز، فضل الهی شامل اطفال در رحم شود و آنان به سعادت برسند؟

10 O. آخر شب تا طلوع فجر

عن المفضل بن عمر عن الصادق (ع) قال : كان فيما ناجى الله موسى بن عمران (ع) اءن قال له : يا بن عمران كذب من زعم اءنه يحبنى فاذا جنه الليل و نام عنى اليس كل محب يحب خلوۀ حبيبه ؟ها اءنا يابن عمران مطلع على اءحبائى اذا جهنم الليل حولت اءبصارهم فى قلوبهم و مثلت عقوبتى بين اءعينهم يخاطبونى عن المشاهدۀ و يكلمونى عن الحضور يابن عمران هب لى من قلبك الخشوع و من بدنك الخضوع و من عينيك الدموع و ادعنى فى ظلم الليل فانك تجدنى قريبا مجيبا . (۵۲۸)

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می کند: در یکی از مناجات ها، خداوند به حضرت موسی فرمود: ای پسر عمران ! دروغ می گوید: کسی که گمان دارد دوستم دارد، با اینکه در تاریکی شب از من غافل شده ، پناهنده به خواب می شود. مگر چنین نیست که هر دوستی میل دارد با محبوب خود خلوت کند؟ ای پسر عمران ! من بر دل های دوستان خود آگاهم . همین که تاریکی شب ، ایشان را فرا گیرد، بصیرت و بینایی را در دل هایشان می افکنم و عقوبت خویش را در نظرشان مجسم می سازم . مرا خطاب می کنند، آنچنان که گویی مشاهده می نمایند و با من گفت و گو می کنند، مانند اینکه در پیش آنها حاضرم . ای پسر عمران ! به خاطر من قلب خود را خاضع ، و چشمان خویش را اشک آلود کن ، و مرا در تاریکی های شب بخوان ! پس در چنین حالی من به تو نزدیکم و پاسخگوی خواسته ات می باشم .

عن محمد بن كردوس عن اءبى عبدالله (ص) - فى حديث - قال : من قام من آخر الليل فذكر الله تناثرت عنه خطاياه فان قام من آخر الليل

فتطهر و صلی رکعتین و حمد الله و اءثنی علیه و صلی علی النبی (ص) لم یساءل الله شیئا الا اءعطاه اما اءن یعطیه الذی یساءله بعینه اما ان یدخر له ما هو خیر له منه . (۵۲۹)

محمد بن کردوس از امام صادق (ع) نقل می کند: هر کس که آخر شب از خواب برخیزد و به یاد خدا بیفتد، گناهان او پراکنده می شود. پس اگر آخر شب بلند شد و تحصیل طهارت کرد و دو رکعت نماز خواند و حمد و ثنای خدا را به جا آورد و صلوات بر پیغمبر (ص) فرستاد، چیزی از خدا درخواست نکند، جز اینکه خدا به او بدهد، یا عین همان چیز را که او درخواست کرده ، و یا چیزی بهتر از آن برای او ذخیره خواهد نمود.

عن علی (ع) - فی حدیث الاءرعمئة - قال : من کان له الی ربه حاجة فیطلبها فی ثلاث ساعات : ساعة فی یوم الجمعة و ساعة نزول الشمس و حین تهب الریاح و تفتح اءبواب السماء و تنزل الرحمة و یصوت الطیرو ساعة فی آخر اللیل عند طلوع الفجر فانه ملکان ینادیان هل من تائب یتاب علیه ؟ هل من سائل یعطی ؟ هل من مستغفر فیغفر له هل من طالب حاجة فیقضی له ؟ فاجیبوا داعی الله و اطلب (واطلبوا - ظ) الرزق فیما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس فانه اءسرع فی طلب الرزق من الضرب فی الاءرض و هی الساعة التی یقسم الله فیها الرزق بین عباده توکلوا علی الله عند رکعتی الفجر اءذا صلیتموها فقیما تعطلوا الرغائب . (۵۳۰)

از امیر المؤ منین علی (ع) منقول است که فرمود: هر کس حاجتی نزد خدا دارد، در سه وقت آنها را از خدا بخواهد: ۱. ساعتی در روز جمعه ؛

۲. ساعتی که ظهر می شود، و هنگام وزیدن بادها و گشوده شدن درهای آسمان و فرود آمدن رحمت و به صدا آمدن مرغان ؛ ۳. ساعت آخر شب ، هنگام طلوع فجر، همانا دو فرشته ندا می کنند: آیا توبه کننده یی هست که توبه اش آمرزیده شود؟ آیا درخواست کننده یی هست که عطا شود؟ آیا استغفار کننده یی هست که بخشیده شود؟ آیا خواهنده ی حاجتی هست که حاجتش برآورده شود؟ پس منادی خداوند را جواب دهید، و بین طلوعین (طلوع فجر و طلوع شمس) از خداوند طلب روزی کنید؛ چون این عمل ، از مسافرت در روی زمین برای روزی پیدا کردن ، سریع تر و جالب تر است ؛ و آن ساعتیست که خداوند روزی را میان بندگان خود تقسیم می کند. توکل بر خدا کنید، زمانی که دو رکعت نماز صبح می خوانید؛ چون در آن وقت ، جایزه ها و بخشش های بزرگان به شما داده می شود.

عن الفضل بن اءبی قرۀ عن اءبی عبدالله (ع) قال : قال رسول : خیر وقت دعوتم الله فیه الاسحار و تلاهذه الآیۀ فی قول یعقوب (ع) سوف استغفر لکم ربی قال : اءخرهم الی السحر . (۵۳۱)

فضیل بن ابی قره می گوید: امام صادق (ع) گفت : پیغمبر (ص) فرمود: بهترین وقت دعا، سحرگاهان است . و این آیه را از قول یعقوب تلاوت کرد: سوف استغفر لکم ربی . (۵۳۲) یعنی : به زودی برای شما از خداوند طلب آمرزش خواهم کرد.

شیخ جعفر کبیر معروف به کاشف الغطاء در یکی از شب ها برای تهجد برخاست ، فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و گفت : بیا به حرم مطهر علی (ع) رفته و در آنجا نماز شب بخوانیم . فرزند جوان که

برخاستن از بستر گرم در آن وقت شب برایش سخت بود، در مقام عذر خواهی برآمده ، عرض کرد: پدر جان ! من فعلا مهیای این برنامه نیستم . شما منتظر من نباشید. شیخ گفت : نه ! من اینجا ایستاده و منتظرم تا شما مهیا شوید. فرزند جوان بناچار از جا برخاست و وضو گرفت و دنبال پدر به راه افتاد. وقتی کنار در صحن رسیدند، در آنجا فقیری را دیدند نشسته و دست سؤ ال برای گرفتن پول به سوی مردم دراز کرده . شیخ جعفر رو به فرزندش نمود و فرمود: این شخص در این وقت شب برای چه اینجا نشسته است ؟ عرض کرد: برای گدایی . شیخ گفت : چه مقدار ممکن است از رهگذران عاید او شود؟ عرض کرد: احتمالا یک تومان . شیخ گفت فرزندم ! درست فکر کن ، ببین این آدم برای مبلغی ناچیز در این وقت شب دست از استراحت و خواب ناز برداشته ، و دست ذلت به سوی مردم دراز می کند. آیا تو به اندازه ی این شخص ، درباره ی شب بیداران و متهجد، اعتماد به وعده های حق نداری که فرمود: یعنی : لاتعلم نفس ما اخفی لهم من قرۀ اعین . (۵۳۳) یعنی : هیچ کس نمی داند چه پاداش های مهمی که مایه ی روشنی چشم ها می گردد، برای آنان نهفته شده است .

گفته اند، فرزند جوان از شنیدن این سخن چنان متنبه شد، که تا آخر عمر از سعادت شب بیداری و تهجد برخوردار بود.

11 O. هنگام ظهر

عن عبدالله بن عطاء عن اءبی جعفر (ع) قال : کان اءبی اذا کانت له الی الله حاجۀ طلبها فی هذه المساءلۀ یعنی زوال الشمس . (۵۳٤)

عبدالله بن عطاء از امام باقر (ع) نقل می کند: هرگاه پدرم از نزد خدا حاجتی بود، در چنین ساعتی یعنی نیمروز درخواست می کرد.

عن ابان عن ابی عبدالله (ع) قال : ساعات اللیل اثنتا عشرۀ ساعۀ و ساعات النهار اثنتا عشرۀ ساعۀ و اءفضل ساعات اللیل و النهار اوقات الصلوات ثم قال : اءنه زالت الشمس فتحت اءبواب السماء و هیت الریاح و نظر الله عزوجل الی خلقه و انی لاءحب اءن یصعدلی عند ذلك الی السماء عمل صالح . (٥٣٥)

ابان از امام صادق (ع) روایت می کند که : شب دوازده ساعت است ، و ساعت های روز دوازده است ، و بهترین شبانه روز، هنگام واجب شدن نمازهاست . سپس امام (ع) فرمود: به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می شود، بادها می وزد و خداوند عزوجل نظر رحمت خود را متوجه بندگان خود می کند. من همانا دوست دارم که در آن هنگام کار شایسته یی از من به آسمان بالا رود.

احمد بن فهد عن اءبی عبدالله (ع) قال : اذا زالت الشمس فتحت اءبواب السماء و اءبواب الجنان و قضیت الحوائج العظام فقلت : من ای وقت ؟ فقال : مقدار ما یصلی الرجل اءربع رکعات مترسلا . (٥٣٦)

احمد بن فهد از امام صادق (ع) نقل می کند: به هنگام ظهر درهای آسمان و درهای بهشت باز شده و حوایج بزرگ و مهم برآورده می گردد. گفتم : به چه مقدار است آن وقت ؟ فرمود: به مقداری که انسان یک نماز چهار رکعتی ، به آرامی و آهستگی و سر فرصت بخواند.

12 O. یک ششم اول از نیمه ی دوم شب

عمر بن اذینه از امام صادق (ع) روایت کرده است که ، آن حضرت فرمودند: همانا در شب ساعتی که بنده ی مؤ من در آن نماز خوانده و دعا نمی کند، مگر اینکه دعای او مستجاب می شود که می گوید: گفتم : گفتم خدا یاری ات کند! این چه ساعتی از شب است ؟ فرمود: هنگامی که نیمی از شب گذشته ، و یک ششم اول نیمه ی شب فرا رسد.

نوف بکالی می گوید: در یکی از شب ها امیر المؤ منین (ع) را دیدم که برای عبادت از بستر خود خارج شده بود. نگاهی بر ستارگان آسمان افکند و سپس به من فرمود: ای نوف ! خواب هستی یا بیدار؟ عرض کردم : بیدارم . آن گاه فرمود:

یا نوف ان داود (ع) قام فی مثل هذه الساعۀ من اللیل فقال : اءنها الساعۀ لایدعوا فیها عبد الا استجیب له الا ان یکون عشارا و غریغا او شرطیا او صاحب عرطبۀ او صاحب کوبۀ . (۵۳۷)

ای نوف ! داود (ع) در چنین ساعتی از خواب برخاست و گفت : این همان ساعتیاست که هیچ بنده یی در آن دعا نمی کند، جز اینکه مستجاب خواهد شد، مگر آنکه ماءمور مالیات برای حکم ظالم یا جاسوس مخفی او و یا ماءمور انتظامی او و یا صاحب طنبور و طبال (مطرب) بوده باشد.

آداب و شرایط دعا از نظر رعایت حالات مناسب

قال رسول الله (ص):

تفتح ابواب السماء و يستجاب الدعاء فی اربعۀ مواطن عند التقاء الصفوف فی سبيل الله و عند نزول الغيث و عند اقامۀ الصلاۀ و عند رؤ يۀ الكعبه . (٥٣٨)

چهار موقع درهای آسمان را می گشایند و دعاها را مستجاب می کنند: ١.هنگام تلاقی صف مبارزان در راه خدا؛ ٢. هنگام نزول باران ؛ ٣. هنگام نماز؛ ٤. هنگام ديدار كعبه .

قال ابو عبدالله عليه السلام : اطلبوا الدعاء فيی اربع ساعات : عند هبوب الرياح و زوال الاءفياء و نزول القطر و اول قطرۀ من دم القتيل المؤ من فان ابواب السماء تفتح عند هذه الاشياء .

امام صادق عليه السلام فرمود: دعا را در چهار هنگام بخوانيد: ١. هنگام ورزيدن بادها؛ ٢. هنگام بر طرف شدن سايه ها (يعنی هنگام ظهر)؛ ٣. هنگام نزول باران ؛ ٤. هنگام ريخته شدن اولين قطره ی خود مؤ من (در جهاد يا غير آن)؛ زيرا در اين چيزها درهای آسمان باز شود.

عن الصادق عليه السلام عن آبائه عن علی عليه السلام قال : اغتنموا الدعاء خسمه مواطن : عند قراء - القرآن و عند الاذان و عند نزول الغيث و عند التقاء الصفين للشهاد و عند دعوه المظلوم فانها ليس حجاب دون العرش ع . (٥٣٩)

امام صادق عليه السلام از پدرانش ، و آن بزرگواران از حضرت علی عليه السلام روايت كردند كه فرمود: در پنج موقع دعا را غنيمت شماريد: ١. هنگام قرائت قرآن : ٣ در وقت اذان ؛ ٣. هنگام بارش باران : ٤. زمان بر

خورد کردن دو صف (از مؤ منین و کفار) برای قتال ؛ ۵. هنگام یاری خواستن مظلوم .

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الدعاء بین الاذان و الاقامه لایرد. (٥٤٠)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دعایی که میان اذان و اقامه کنند، رد نمی شود.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الصائم لاترد دعوته (٥٤١).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دعای روزه دار رد نمی شود.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : ان الله و کل ملائکه بالدعاء للصائمین . (٥٤٢)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند پاره یی از ملائکه را ماءمور دعا برای روزه داران کرده است .

o بحث سجده

مرحوم محدث قمی در سفینه البحار می گوید: فسر السجود بغایه الخضوع و التذل .

یعنی : سجده نهایت تذلل و خاکساری انسان در برابر خداوند، و عالی ترین درجه ی عبودیت است .

از نظر اسلام ، سجده مخصوص خداوند است . سجده ی ملائکه نسبت به حضرت آدم و سجده ی برادران یوسف درباره ی یوسف ، از باب تعظیم

و تکریم بوده ، نه سجده اصطلاحی که در نماز هفت عضو بدن را بر زمین می گذریم .

در مصباح الشریعه آمده است : کسی که به خوبی در سجده به خدا نزدیک شود، هیچ گاه از خدا دو نخواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اقرب مایکون العبد من ربه و هو ساجد فاکثروا من الدعاء.

یعنی : سجده بهترین عملیست که انسان می تواند در پرتو آن ، به خداوند متعال نزدیک شود و در بارگاه الهی قرب و منزلت پیدا کند. پس در سجده زیاد دعا کنید.

قرآن کریم وقتی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را معرفی می کند؛ می فرماید: سیماهم فی وجوهم من اثر السجود ع . یعنی : اثر سجده در چهره ی آنان آشکار است .

یکی از القاب مبارک امام زین العابدین علیه السلام سجاد است ، و علت آن این است که اثر سجود در مواضع سجده ی حضرت دیده می شد.

درباره امام کاظم علیه السلام می خوانیم :

حلیف السجده الطویله و الدموع الغریزه و المناجاه الکثیره و الضراعات المتصله .

امام کاظم علیه السلام هم پیمان با سجده های طولانی و همدم اشک های فراوان بود، و مناجات فراوانی با خدا داشت . و تضرع و ناله ای او به درگاه الهی به طور پیوسته بود.

از حضرت علی علیه السلام در رابطه با علت دو سجده سؤ ال کردند، فرمودند: معنای سجده اول که نماز گزار سر بر خاک می گذارد، آن است که : بارالها! تو ما را از این خاک آفریدی . و چون سر از سجده بر می دارد، مفهومش این است که تو ما را از این خاک خارج ساختی . معنای سجده ی دوم آن است که ، دوباره ما را به خاک بر می گرداند (می میرانی). و چون سر از سجده بر می دارد تاویلش این است که : دوباره او را از این خاک خارج خواهی نمود. (اشاره به روز قیامت دارد.)

خداوند در قرآن می فرماید: منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها یخرجکم تاره اخری .

یعنی : ما شما را از خاک آفریدیم و به سوی خاک بر می گردانیم ، و بار دیگر شما را از خاک خارج می کنیم . (٥٤٣)

خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی ! علت اینکه ما تو را کلیم و هم سخن خویش قرار دادیم ، آن است که ، تو در نماز بهترین و عزیزترین جای بدنت را (پیشانی و دو طرف صورتت) بر روی خاک می گذاری .

o رقت قلب

الی ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا اقشعر جلدک و دمعت عیناک و وجل قلبک فدونک و قد قصد قصدک .

نسبت به امام صادق علیه السلام می دهند که ، آن بزرگوار فرمود: هرگاه لرزه بر اندامت افتاد و چشمانت گریان شد و ترس قلب تو را فرا گرفت ،

پس مقصود و مراد خود را دریاب ، که حواله شد و به سوی تو روانه گشت .

عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا رق احدکم فلیدع فان القلب لا یرق حتی یخلص . (٥٤٤)

امام صادق علیه السلام به ابی بصیر فرمود: هرگاه به کسی از شما رقت قلب دست دهد، پس در همان حال دعا کند؛ چون قلب در موقع خلوص و توجه کامل رق پیدا می کند.

کمتر کسی متوجه نعمت عظیم الهی ، که گرسنگی و تشنگیست ، می شود، اما در حال گرسنگی ، قلب ، رقیق و روحانی می گردد و بیشتر به خدای روی می آورد، چنان که در حال سیری تنبل و سنگین است و میل دارد بخوابد؛ به همین خاطر خداوند هر پرخور و پرخوابی را دشمن می دارد.

در روایت آمده است : وقتی که حضرت داود علیه السلام می خواست توبه و انابه و گریه و مناجات کند، یک هفته چیزی نمی خورد، تا دلش رفیق شود و با دل شکسته خدا را بخواند.

در روایت آمده است : روزی شیطان جلو یحیی بن زکریا به اشکال مختلف مجسم شد و گفت : هر کسی را به شکلی اغوا و گمراه می کنم . حضرت یحیی فرمود: مرا به چه صورت اغوا می نمایی ؟ عرض کرد: وقتی که شب می خواهی غذا میل کنی ، جلویت غذا را جلوه می دهم ، تا بیشتر بخوری و سحر دیرتر بیدار شوی ؛ در نتیجه ، مقداری از مناجاتت ترک شود. پس حضرت یحیی علیه السلام عهد کرد که ، دیگر

تا عمر دارد، سیر نخورد، شیطان هم عهد کرد که دیگر رازش را فاش نسازد.

به طور کلی ، وقتی معده خالی باشد، رغبت به ذکر و یاد خدا بیشتر است و دل آمادگی پذیرش نور حکمت الیه را پیدا می کند، ولی شکم پر، مانع روشنی دل و تابش نور معرفت و حکم است ، و خداوند هم پر خوری را دشمن دارد.

آداب و شرایط دعا، از نظر مکان های خاص

انتخاب مکان های شریف نیز به اجابت نزدیک تر است ، مانند: راس الحسین علیه السلام و مکانی که زیر گنبد آن قرار دارد؛ چنان که روایت شده است که دعا در آن مستجاب می گردد؛ و نیز دعا در مساجد و مشاهده مشرفه ائمه و روضات امامزاده ها به اجابت نزدیک تر است .

قال الا مام الهادی : ان لله بقاعا یحب ان یدعی فیها فیستجیب لمن دعاه و الخیر منها.

امام هادی علیه السلام فرمود: همانا برای خداوند بقعه هاییست ، که دوست دارد در آنها به درگاه او دعا شود و به اجابت برساند. و حائر حسینی یکی از آنهاست .

اما مکان هایی که امید استجابت دعا در آنها بیشتر است ، عبارتند از:

۱ - حرم و کعبه

از مام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: هیچ کس توقف نمی کند بر این جبال (کعبه) جز آنکه دعایش اجابت گردد. پیش دعای مؤ منین رای آخرتشان و دعای کفار برابر دنیایشان اجابت می شود. (٥٤٥)

٢ - صحرای عرفه

روایت شده است که : گناه بخشوده نخواهد شد، مگر در روز عرفه و مشعر الحرام . (٥٤٦)

٣. مساجد

مساجد خانه ی خدا به شمار می رود و داعی مهمان خداست ، و بر خداست که مهمانش را گرامی دارد. در حدیث قدسی آمده است : آگاه باشید! همانا خانه هایم در زمین مساجدند. خوشا به حال بنده یی که خود را در خانه ی خویش پاکیزه و مطهر سازد، و سپس در خانه ام (مسجد) مرا زیارت کند؛ و حق است بر من ، که زیارت کننده ام را اکرام نمایم .

امام صادق علیه السلام به معاویه بن عمار فرمود: پدرم هرگاه طلب حاجتی داشت ، در هنگام زوال خورشید (غروب) آن حاجت را می طلبید. پس هرگاه حاجتی را اراده می نمود، چیزی را قبل از دعا صدقه می داد و خود را معطر می ساخت و روانه ی مسجد می شد، و آنچه حاجت داشت ، از خداوند طلب می کرد. (٥٤٧)

٤. کنار قبور ائمه علیهم السلام) بخصوص زیر قبه ی منوره ی حضرت سید الشهداء علیه السلام .

روایت شده است که خداوند متعال عرض شهادت امام حسین علیه السلام چهار خصلت را برای آن حضرت قرار داده است : ۱. خاک کویش را شفا بخش قرار داده ؛ ۲. دعای زیر قبه ی آن حضرت را مورد اجابت قرار داده ؛ ۳. فرزندانش را از ائمه قرار داده ؛ ٤. ایام زیارت زائرانش را جزو و عمرشان قرار نداده . (٥٤٨)

نفرین

به طور کلی ، دعا بر دو قسم است .

۱. دعا به خیر، که بحث آن به طور مفصل و مبسوط گذشت .

۲. دعا به شر، که از آن به نفرین و لعنت تعبیر شده ، و اکنون مورد بحث ماست .

نفرین در لغت ، به معنای دشنام ، لعنت ، دعای بد و ضد آفرین است .
نفرین در اصطلاح ، درخواست شخص پست و پایین با خضوع و فروتنی ، ضرر و هلاکت و نابودی کسی یا چیزی را از شخص بلند مرتبه نفرین می باشد.

نفرین در چه صورتی مؤ ثر واقع می شود؟

۱. نفرین هایی که معمولا مردم در طول عمر و مرگ یکدیگر می کنند، اگر لفظی و سر زبانی باشد، اثری ندارد، مگر اینکه گوینده ضمن لفظ، قلبا هم از خدا بخواهد.

۲. آن که مورد نفرین واقع شده ، استحقاق قهر و عذاب الهی را داشته باشد؛ به عنوان مثال ، اگر کسی مظلوم آن قدر نفرین به ظالم می کند،

که مکافات ظلم او می شود و زیاد می آید، و این زیادی برای ظلم باقی می ماند و در روز قیامت مطالبه می کند. (۵۴۹) (در واقع ، کسی که ظالم بود، مظلوم واقع می شود.)

از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود: چون لعنت از دهان شخص بیرون بیاید، میان او آن شخص که به او لعنت شده ، تردد می کند، و اگر آن شخص سزاوار لعن باشد، به او تعلق می گیرد، و اگر نباشد، به صاحبش بر می گردد. (۵۵۰)

عن علی سالم عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله عزوجل : و عزتی و جلالی لا اجیب دعوه مظلوم دعانی فی مظلمه ظلمها ولاحد عنده مثل تلک المظلمه . (۵۵۱)

امام صادق علیه السلام به علی بن سالم فرمود: خدای عزوجل به عزت و جلال خود سوگند یاد فرمود: مستجاب نکنم دعای شخص مظلومی را که درباره مظلومیت خود دعا کرده ، با اینکه خودش هم نسبت به دیگری این جور و ستم را کرده باشد.

عن الحسن بن راشد عن لصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : اذا ظلم الرجل فظل یدعو علی صاحبه قال الله عزوجل : ان هاهنا آخر یدعو علیک یزعم انک ظلمته فان شئت اجبتک و اجبت علیک و ان شئت اخرتکما فیو سعکم عفوی . (۵۵۲)

امام صادق علیه السلام به حسن بن راشد فرمود: هرگاه مردی مورد ظلم و ستم واقع شد و شروع کند به نفرین کردن بر ظالم و ستمکار خود، خداوند عزوجل به او می گوید: همان طوری که تو به ظالم خود نفرید

می کنی ، کسی دیگر هم از دست ظلم و ستم تو نفرین می کند. اگر می خواهی ، نفرینت را درباره ی ظالم تو بپذیرم و نفرین مظلومت را هم درباره ی تو، و اگر خواستی ، نفرین هر دو شما را به تاءخیر بیندازم ، تا شاید رحمت و عفو من شما را فرا گیرد!

یکی از دانشمندان زمان حضرت موسی ، بلعم باعورا بود. او از نظر جنبه های معنوی و روحانی ، به مقام استجابت دعا دست پیدا کرده و هر چه از خدای می خواست ، به او می داد، حضرت موسی علیه السلام با جمعیتی برای ارشاد و هدایت و دعوت مردم به دین حق ، به طرف ارضی بنی کنعان حرکت می کرد. چند نفر آمدند. به بلعم گفتند: بعلم به دادمان برس ! گفت : چه شده ؟ گفتند: موسی بن عمران با قومش به طرف اراضی بنی کنعان می آیند. اینها دو چیز می گویند: یا باید تسلیم دین بشوید، یا مهیا شوید جنگ کنید. ما هم هیچ کدام از این دو پیشنهاد را نمی پذیریم . بلعم گفت : چه کار کنم ؟ گفتند: را سو می داریم ، و آن اینکه ، شما مستجاب الدعوه هستی ، خدا دعا و نفرینت را مستجاب می کند. نفرینی بکن که خدا موسی و یارانش را نابود کند. گفت : عجب دیوانه یی هستید! خدا هر دعایی را که مستجاب نمی کند. گفتند: ای بلعم ! ما غیر از تو کسی را نداریم ، عالم و سرپرستی نداریم ، بزرگی نداریم . بلعم با این حرف ها فریب خورد و گفت : راست می گویید. شما غیر از من کسی را ندارید. بزرگ شما من هستم .

حالا می خواهید چه کار کنید؟ گفتند: به موسی و قومش نفرین کن . بلعم سوار الاغش شد و به طرف کوه حرکت کرد که به موسی و طرفدارانش نفرین کند؛ اطرافیانش هم آمدند. یک وقت کسی به بلعم

گفت بلعم ! کجا می روی ؟ گفت : می روم به موسی و قومش نفرین کنم ، تا نیامده ، خدا اینها را هلاک کند. گفت : چه قدر عالیست !

یک نفرین قرص و محکمی کن ، که خدا ریشه ی موسی و قومش را ساقط نماید. الاغ سخنان بلعم را شنید. دیدند الاغ راه نمی رود. هر چه تازیانه زدند و هر کاری کردند، نمی رفت . ناگهان ! به قدرت کامله ی الهی الاغ صدا زد: ای بلعم ! کسی که می خواهد برود بالای کوه پیامبر خدا و یک مشت آدم های متدین را نفرین کند، من به این آدم سواری نمی دهم . بلعم اوقاتش تلخ شد! از الاغ پایین آمد، آن قدر تازیانه زد، تا الاغ مرد.

امیر المؤ منین علیه السلام فرمود: فردای قیامت خدا سه حیوان را به استثنا به بهشت نمی برند: اول ، الاغ بلعم باعورا؛ دوم ، ناقه ی صالح پیامبر، سوم ، سگ اصحاب کهف .

بلعم گفت : پیاده می روم . بالاخره بلعم با اطرافیانش بالای کوه آمد، و سرش را به طرف آسمان بلند کرد.

قرآن می گوید: فمثله کمثل الکلب . یعنی : زبانش از دهانش بیرون آمد و آویزان شد.

بلعم گفت : چون خواستم موسی پیامبرت را نفرین کنم ، زبانم را این طور کردم ؟ به عزت و جلالت قسم ! راهی جلو این مردم می گذارم ، که خودت موسی علیه السلام و قومش را هلاک کنی . (در حدیث آمده است : اذا افسد العالم فسد العالم . یعنی : هنگام که عالم ، فاسد شد، عالم هم فاسد و تباه می شود.) یکدفعه بلعم رویش را بر گرداند و گفت : مردم

! موسی و قومش نفرین نمی خواهند. گفتند: چرا؟ گفت : لشکر موسی و خود و موسی ده الی پانزده روز است که از وطن هایشان حرکت کرده اند. در این ده روز، مردهای قوی هیکل از زن و بچه های جا شده اند، و اکنون غریزه ی شهوت در آنها بسیار فعالیت دارد. شما تمام زنان و دخترهایشان را آرایش کنید و به میان این مردها بفرستید، و به آنها بسپارید که جلو خویش را نگیرند و خودشان و به میان این مردها بفرستید، و به آنها بسپارید که جلو خویش را نگیرند و خودشان را در اختیار آنان بگذارند. کم کم بازار زنا شایع می شود. وقتی بازار زنان شایع شد، خدا خودش مرض طاعون می فرستد و همه می میرند. این مردم به دستور بلعم عمل کرده و خدا هم در طول دو ساعت مرض طاعون را فرستاد، هفتاد هزار نفر مردند. (۵۵۳)

در چه زمانی نفرین کنیم ؟

گاهی برخی از انسان های خود و افراد خانواده و یا جامعه شان را به علل و عواملی مورد لعنت و نفرین قرار می دهند. اگر کمی منصف و واقع نگر باشیم ، می بینم که نفرین کردن در مرحله ی اول ، کار بندگان صالح و شایسته ی خدا نیست ، بلکه آنان همواره در این مرحله تمام سعی و تلاششان را برای هدایت و ارشاد افراد گمراه و لا ابالی می نمودند و برای آنها دعا می کردند، آن گاه اگر می دیدند این گونه افراد است از شرارت و اذیت و آزار بر نمی دارند و وجودشان منشاء ضرر و زیان برای افراد جامعه است ، در مورد آنها لب به نفرین می گشودند و نتیجه ی آن را به خدا واگذار می کردند؛ و خداوند هم احکم الحاکمین (بهترین حکم کننده) است .

نفرین و لعنت نمودن چه اشخاصی جایز است ؟

از حدیث امام محمد باقر علیه السلام که پیشتر گذشت ، استفاده می شود که ، نفرین و لعنت به کسی که سزاوار آن نباشد، به صاحبش بر می گردد، بنابراین باید نهایت احتراز و دوری را از آن نمود و کسی را لعن و نفرین نکرد، مگر کسانی را که لعن و نفری آنان از طرف شارع مقدس جایز شمرده شده است ، که آنان عبارتند از: ۱. کافرین ؛ ۲. فاسقین ؛ ۳. ظالمین ؛ ٤. معین (کمک کننده) آنان . لعن و نفرین این دسته از افراد در قرآن کریم وارد شده است ، و شکی در جواز لعنشان به طور عموم نیست .

اولئک علیمهم لعنه الله و الملائکه و الناس اجمعین - اولئک یلعنهم و یلعنهم اللاعنون .

حال که خداوند و ائمه ی معصومین آنان را مورد لعن و نفرین قرار دادند، چرا ما آنان را لعن و نفرین نکنیم !

لعنه الله الکافرین یا علی الظالمین یا علی الفاسقین .

ابو سفیان ، سردسته مشرکان وقتی هزار بیت شعر در هجو پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گفت ، آن حضرت فرمود: بار پروردگارا! من نمی توانم شعر بگویم ؛ سزاوار من نیست که شعر بگویم . به من عوض هر حرفی از این اشعار، او را هزار بار لعنت کن !

روایت شده است که ، امیر المؤ منین علی علیه السلام در قنوت نمازهای واجب ، معاویه ، عمرو عاص ، ابو موسی اشعری و ابوالاعور السلمی را لعنت و نفرین می کردند. و در روایت دیگری آمده است که ، آن

حضرت در قنوت نمازهای نافله دو بت قریش را لعن می نمودند.
همچنین امام جعفر صادق علیه السلام در عقب هر نمازی ، چهار مرد و چهار زن را که از دشمنان سرسخت مقام امامت و ولایت بودند، لعن و نفرین می کردند. (٥٥٤) از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

اذا نحرفت عن صلاه مکتوبه فلا تنحرف الا بانصراف لعن بنی امیه . (٥٥٥)

هرگاه نماز واجبی را به پایان بردی ، جز با لعنت کردن بنی امیه از جای خود حرکت نکن .

فی الجمله ، لعن و نفرین نمودن به رؤ سای ظلم و ضلالت و مجاهرین (تظاهر کنندگان) به کفر و فسق نه تنها جایز است ، بلکه مستحب نیز می باشد و از شعایر دین محسوب می گردد؛ و من یعظم شعائر فانها من تقوی القلوب . و بر غیر اینها حرام است ، تا یقین به اتصاف این صفات در آنان پیدا شود؛ و به مجرد ظن و تخمین هم نمی توان اکتفا کرد. مخفی نماند که ، دعای بد و نفرین به مسلمانان ، حتی بر ظلمه مذموم و ناپسند است ، مگر در صورتی که آدمی از شر و ضرر او مضطر و ناچار گردد.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که : مردگان را دشنام ندهید، زیرا ایشان فرستاده اند، به آنچه پیش فرستاده اند. (یعنی حالا دست آنها از زمین و زمان کوتاه شده ، و به درد اعمال خویش دچارند.)

لعن و نفرین چه اشخاصی مؤ ثر واقع می شود؟

١. خدا

۲. قرآن

۳. ملائکه

٤. پیامبر

٥. امام

٦. علما

۷. پدر بر فرزند

۸. مادر بر فرزند

۹. فرزند بر پدر و مادر

۱۰. استاد به شاگرد

۱۱. مظلوم

۱۲. نفرین بر دشمن

۱۳. نفرین بر جمادات و حیوانات و زمین

1 O. لعن خدا

خداوند هفت طایفه را سه مرتبه کرده است : ۱. اهل لواط؛ ۲. آمیزش کننده ی با حیوان ؛ ۳. فحاش نسبت به پدر و مادر؛ ٤. دزد زمین ؛ ٥. زنا کننده با مادر زن ؛ ٦. کسی که خود را به غیر پدر ملحق کند؛ ۷. آن که موقع سر بریدن حیوان ، نام غیر خدا را ببرد.

چهار کس را خداوند از بالای عرش لعنت کرده و ملائکه آمین می گویند: ۱. مردی که از ترس بچه (روزی بچه) زن نگیرد و کنیز نخرد؛ ۲.

مدری که خودش را شبیه زنان کند، با اینکه خداوند و را مرد آفریده است ؛ ۳. زنی که خود را شبیه مردان کند، با اینکه خداوند او را زن آفریده است ؛ ٤. کسی که مردم را مسخره کند؛ به عنوان مثال ، به مسلمانی بگوید: بیا چیزی به تو بدهم . وقتی که آمد، بگوید: ببخشید! چیزی ندارم . یا به فرد کوری بگوید: مواظب باش تنه نخوری ! در صورتی که حیوانی در راه نیست . یا اینکه کسی نشانه ی خانه یی را بپرسد، عوضی نشان بدهد...

2 O. لعن و نفرین قرآن

کلینی در کافی نقل می کند که ، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (٥٥٦)

اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن .

وقتی گرفتار شدی و تاریکی به تو روی آورد، نظر تاریکی در دل شب ، که دیگر نوری و پناهی نداری ، پس در آن وقت به قرآن مراجعه کن و از قرآن کمک بگیر.

فانه شافع مشفع و ماجل مصدق .

قرآن شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته می شود درباره ی کسی که به آن عمل کند. قرآن در زندگی به تو کمک می کند، تاریکی و ظلمات را به نور و روشنایی مبدل می کند، اما این را هم بدان که ، قرآن نفرین می کند و نفرین او هم پذیرفته می شود؛ یعنی آن ملتی که با قرآن سرو کار ندارند، یا دارند، ولی به آن عمل نمی کنند، قرآن به آن ملت نفرین می کند.

و من جعله امامه ساقه الی الجنه . یعنی : آن کسی که قرآن را در زندگی سرمشق و پیشوا قرار دهد، قرآن او را به بهشت موعد می رساند.

و من جعله ساقه الی النار. یعنی : آن کس که پشت پا به قرآن بزند و قرآن نخواند، یا بخواند، ولی به آن عمل نکند، قرآن او را نفرین می کند و برایش گرفتاری و دردسر به وجود می آید.

در روایات می خوانیم که ، در روز قیامت چند دسته نفرین می کنند: ۱. عالمی که در محلی باشد، و از او استفاده نکرده باشند؛ ۲. مسجدی که در محله یی باشد، و از آن استفاده نکرده باشند؛ ۳. قرآن که در میان جمعیتی باشد، و از آن استفاده نکرده باشند. در روز قیامت ، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن ملتی را از قرآن استفاده نکرده اند، نفرین می کند.

1 O. لعن خدا

خداوند هفت طایفه را سه مرتبه لعنت کرده است : ۱. اهل لواط؛ ۲. آمیزش کننده ی با حیوان ؛ ۳. فحاش نسبت به پدر و مادر؛ ٤. دزد زمین ؛ ٥. زنا کننده با مادر زن ؛ ٦. کسی که خود را به غیر پدر ملحق کند؛ ۷. آن که موقع سر بریدن حیوان ، نام غیر خدا را ببرد.

چهار کس را خداوند از بالای عرش لعنت کرده و ملائکه آمین می گویند: ۱. مردی که از ترس بچه (روزی بچه) زن نگیرد و کنیز نخرد؛ ۲. مردی که خودش را شبیه زنان کند، با اینکه خداوند او را مرد آفریده است ؛ ۳. زنی که خودش را شبیه مردان کند، با اینکه خداوند او را زن آفریده است ؛ ٤. کسی که مردم را مسخره کند؛ به عنوان مثال ، به

مسلمانی بگوید: بیا چیزی به تو بدهم . وقتی که آمد، بگوید. ببخشید! چیزی ندارم . یا به فرد کوری بگوید: مواظب باش تنه بخوری ! در صورتی که حیوانی در راه نیست . یا اینکه کسی نشانه ی خانه یی را بپرسد، عوضی نشان بدهد و...

2 O. لعن و نفرین قرآن

کلینی در کافی نقل می کند که ، پیغمبر اکرم (ص) فرمود: (۵۵۷)

اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن .

وقتی گرفتار شدی و تاریکی به تو روی آورد، نظیر تاریکی در دل شب ، که دیگر نوری و پناهی نداری ، پس در آن وقت به قرآن مراجعه کن و از قرآن کمک بگیر.

فانه شافع مشفع و ماجل مصدق .

قرآن شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته می شود و درباره ی کسی که به آن عمل می کند. قرآن در زندگی به تو کمک می کند، تاریکی و ظلمات را به نور و روشنایی مبدل می کند، اما این را هم بدان که ، قرآن نفرین می کند و نفرین او هم پذیرفته می شود: یعنی آن ملتی که با قرآن سر و کار ندارند، یا دارند، ولی به آن عمل نمی کنند، قرآن به آن ملت نفرین می کند.

و من جعله امامه ساقه الی الجنهٔ . یعنی : آن کسی که قرآن را در زندگی سرمشق و پیشوا قرار دهد، قرآن او را به بهشت موعود می رساند.

و من جعله خلقه ساقه الی النار. یعنی : آن کس که پشت پا به قرآن بزند و قرآن نخواند، یا بخواند، ولی به آن عمل نکند، قرآن او را نفرین می کند و برایش گرفتاری و دردسر به وجود می آید.

در روایات می خوانیم که ، در روز قیامت چند دسته نفرین می کنند: ۱. عالمی که در محلی باشد، و از او استفاده نکرده باشند؛ ۲. مسجدی که در محله یی باشد، و از آن استفاده نکرده باشند؛ ۳. قرآن که در میان جمعیتی باشد، و از آن استفاده نکرده باشند. در روز قیامت ، پیغمبر (ص) به آن ملتی را از قرآن استفاده نکرده اند، نفرین می کند.

یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا .

می فرماید: ای خدا! همین افراد بودند که در دنیا به قرآن پشت پا زدند و آن را به کناری نهادند. خدایا! داد من و قرآن را از این مردم بگیر!

3 O. لعن و نفرین ملائکه

شیخ صدوق از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده است که ، آن بزرگوار از امور بسیاری نهی فرموده : اما از جمله ی آن امور: اگر زنی بدون اجازه ی شوهرش از خانه بیرون برود، فرشتگان آسمان او را لعنت می کنند، تا وقتی که به خانه برگردد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنۀ الله و الملئکۀ و الناس اجمعین . (۵۵۸)

آن کسانی که کافر شدند و به عقیده ی کفر مردند، البته بر آن گروه است ، لعنت خدا و ملائکه و تمام مردمان .

امام رضا (ع) فرمود: هرگاه مردی جوانی را از روی شهوت ببوسد، ملائکه های آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب او را لعنت می کنند و جهنم برایش آماده می شود و مکان بدی جایگاهش می باشد. (۵۵۹)

4 O. لعن و نفرین پیامبر

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

و قال نوح رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا. انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجرا کفارا .

نوح گفت : پروردگارا! احدی از کافران را روی زمین زنده مگذار! حضرت نوح (ع) این سخنان را هنگامی بر زبان آورد، که به طور کامل از هدایت آنها ماءیوس و ناامید شده بود و تمام تلاش و کوشش خود را برای ایمان آوردن به مردم به کار برد، اما نتیجه یی نگرفت و تنها گروه قلیلی به او ایمان آوردند. سپس حضرت برای نفرین خود به این جمله استدلال می کند: انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجرا کفارا . یعنی : اگر آنها را به حال خود واگذاری ، بندگانت را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.

این مطلب نشان می دهد که ، نفرین انبیا و امامان (علیهم السلام) از روی خشم و غضب و انتقام جویی و کینه توزی نبوده ، بلکه از روی حساب منطقی صورت می گرفته ، و آن بزرگواران هنگامی که به طور کامل از

هدایت و ایمان آوردن آنها ناامید می شدند و تمام تلاش و کوشش خود را می کردند، لب به نفرین می گشودند.

حماد بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که ، آن بزرگوار توسط پدران گرامی خود، از امیر مؤ منان علی (ع) نقل کرده ، پیامبر (ص) به او فرمود: ای علی ! خدا لعنت کند پدر و مادری را که (با رفتارشان) فرزندانشان را به عقوق نسبت به خودشان وادارند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: من هفت کس را لعنت می کنم ، که هم خدا لعنتشان کرده ، و هم هر پیغمبر مستجاب الدعوه یی پیش از من .
پرسیدند: یا رسول الله ! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: ١. کسی که چیزی به کتاب خدا بیفزاید؛ ٢. کسی که قضا و قدر را تکذیب نماید؛ ٣. کسی که با سنت و روش من مخالفت کند؛ ٤. آن که به عترت من تعدی نماید؛ ٥. هر که سلطنت را به زور بگیرد، تا عزیزان خدا را ذلیل ، و ذلیل های او را عزیز گرداند؛ ٦. جباری که اموال عمومی مسلمانان را به نفع خود ضبط کند؛ ٧. کسی که حرام خدا را حلال شمارد و یا حلالش را حرام کند.

5 O. لعن و نفرین امام

فی سحرۀ الیوم الذی ضرب فیه :

ملکتنی عینی و اءنا جالس فسنخ لی رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت : یا رسول الله ماذا لقیت من امتک من الاءود و اللدد فقال : ادع علیهم فقلت : اءبدلنی الله بهم خیر الی منهم و اءبدلهم بی شرا لهم منی . (٥٦٠)

در سحرگاه روزی که علی (ع) را ضربت زدند، همچنان که نشسته بودم ، به خواب رفتم . رسول الله (ص) بر من گذر کرد و گفتم : یا رسول الله ! از امت تو چه ناراستی ها و کینه توزی ها دیده ام ! گفت : نفرینشان کن ! گفتم : خداوند به جای آنها به من بهتر از ایشان را دهد، و به جای من بدترین کسان را بر ایشان گمارد.

مسمعی می گوید: همین که داوود بن علی (٥٦١) معلی بن خنیس را به قتل رساند، آن حضرت فرمود: هر آینه به درگاه خدا نفرین می کنم بر کسی که آزاد شده ی من (معلی) را کشته و مال مرا ربوده است ! داوود بن علی گفت : آیا مرا به نفرین خود تهدید می کنی ؟ حماد (راوی حدیث) می گوید: مسمعی گفت : معتب خادم امام صادق (ع) برای من حدیث کرد که ، حضرت در آن شب پیوسته در رکوع و سجود بود. پس همین که سحر شد، شنیدم که در مسجد فرمود: بار خدایا! از تو به نیروی نیرومندت و به جلالت سختت که همه آفریده هایت در برابر آن خوار و ذلیلند، درخواست می کنم که بر محمد و آل او رحمت بفرستی ، و جان او را هم اکنون الساعه بگیری ! معتب می گوید: آن حضرت سر از سجده برنداشته بود، که فریاد شیون از خانه ی داوود بن علی بلند شد. پس حضرت صادق (ع) سر از سجده برداشت و فرمود: من خدا را به دعایی خواندم ، و خدای عزوجل فرشته یی فرستاد، که با میلی آهنین چنان بر سر او کوبید، که از آن ضربت ، مثانه اش شکافت و به هلاکت رسید. (٥٦٢)

در رجال ما مقامی آمده است :

وقتی که جنگ صفین و نهروان پایان یافت ، معاویه ، بسر بن ارطاۀ (لعنۀ الله علیه) را به سوی حجاز و یمن فرستاد تا شیعیان علی (ع) را به قتل برساند. او گروه کثیری را به قتل رسانید، تا به یمن رسید که ، عبیدالله بن عباس در آنجا از جانب حضرت علی (ع) حکومت داشت . ابن عباس فرار کرد، و بسر دو نفر از اصحاب ابن عباس و نیز دو فرزند حکومت داشت . ابن عباس فرار کرد، و بسر دو نفر از اصحاب ابن عباس و نیز دو فرزند دو خردسال او را به نام های قثم و عبدالرحمن به قتل رسانید.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید: حضرت علی (ع) در قنوت نماز صبح و مغرب ، معاویه مغیره ، ولیدبن عتبه ، الا الاءعور، ضحاک بن قیس ، بسربن ارطاۀ ، حبیب بن مسلمه ، ابو موسی اشعری و مروان حکم را لعن و نفرین می کرد. همین بسر بن ارطاۀ در حرمین شریفین گروهی از شیعیان را کشت و اموالشان را غارت کرد و خانه هایشان را به آتش کشید. روی همین اصل ، حضرت علی (ع) به خدا عرض کرد: خدایا! بسر دین خود را دنیا فروخته است . خدایا! او را نمیران ، مگر آنکه اول عقلش را سلب کنی ! و رحمت خود را در هیچ ساعتی از روز به او نرسان ...! خدایا! بسر، معاویه و عمر و عاص را لعنت کن و غضبت را بر آنان نازل گردان ! بعد از این نفرین حضرت علی (ع)، او دیگر زیاد زندگی نکرد و عقلش زایل گردید. می گفت : شمشیرم را بدهید که خودم را بکشم ! لذا یک شمشیر چوبی به او دادند. پیوسته با شمشیر خودش را غش می کرد، تا آنکه به هلاکت رسید. لعنۀ الله علیه ! (٥٦٣)

6 O. لعن و نفرین علما

در وقتی از اوقات ، یکی از همسایگان مرحوم کلباسی به لهو و لعب و ساز و آواز مشغول بود. شیخ کلباسی یکی از نزدیکان خود را نزد آن همسایه فرستاد و از او خواست که این گناه را ترک کند. مرد پست در جواب به فرستاده ی شیخ گفت : به آقای خود بگو که غل به فلان عضو من بگذارد، تا دیگر این کار را نکنم ! آن شخص برگشت و عین سخن او را به شیخ گفت : شیخ وقت ظهر به مسجد رفت و پس از نماز، مردم را موعظه نمود، دست به دعا برداشت و عرضه داشت : خدایا! من نجاری بلد نیستم که به فلان عضو او غل ببندم . این سخن را گفت و از مسجد خارج شد. فورا بیضه ی آن شخص ورم کرد و بسیار بزرگ شد، و در شب همان روز جان سپرد و روانه ی جهنم گردید. (٥٦٤)

وقتی حاکم اصفهان به مرحوم کلباسی جسارت و بی احترامی کرد، کلباسی او را نفرین کرد. چیزی نگذشت که آن حاکم برکنار شد و بدبخت و بیچاره گردید. شیخ کلباسی نامه یی به حاکم بیچاره و معزول نوشت ، و در آن ، این بیت را درج کرد:

دیدی که خون ناحق پروانه ، شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند. (٥٦٥)

7 O. لعن و نفرین پدر بر فرزند

یکی از بزرگان بصره می گوید: من برای انجام مناسک حج به زیارت خانه ی خدا می رفتم . وقتی از شهر خارج شدم ، جوانی را دیدم که از جلو من رد شد. با خود گفتم : این جوان تنهایی کجا می رود؟ در این فکر بودم ، که ناگهان ! صدای ناله یی از او شنیدم ، و دیدم زمین زیر

پایش باز شد و مانند آبی به زمین فرو رفت ، و فقط عصا و چیزهای دیگری که به همراه داشت ، روی زمین ماند. از دیدن این منظره تعجب کرده و حیوان شدم و توقف نمودم ! بعد که حالم عادی شد، دیدم پیرمرد با عجله به سمت من می آید. چون نزدیک شد، از من پرسید: جوانی که در دست او عصایی بود، ندیدی ؟ من فهمیدم که او پدر آن جوان است . به نرمی گفتم : چرا او را دیدم ، و این عصای اوست که روی خاک افتاده . با این حرف من ، پیرمرد فریادی زد و گفت : پسرم به زمین فرو رفت ! او را دلداری دادم و گفتم : مگر می دانی که زمین ، جوان تو را بلعید؟ گفت : آری ! از او آزرده دل بودم ! هر چه می خواست ، می کرد. امروز باخبر شدم می خواهد از شهر بیرون رود. مانع شدم ، ولی نپذیرفت ؛ تا اینکه گفتم : اگر از شهر بیرون رفتی ، از خدا می خواهم که زمین ، تو را ببلعد! در حق او نفرین کردم ، خدا هم نفرین مرا مستجاب کرد و او را به زمین برد. (٥٦٦)

8 O. نفرین و لعن مادر بر فرزند

زمخشری صاحب تفسیر کشاف ، که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است ، می گویند پابر یده بود. علت آن را از او پرسیدند، گفت : نفرین مادرم در من اثر کرد. من در کوچکی گنجشکی گرفتم و پای او را به نخ بستم . من نخ را گرفتم و کشیدم ، در نتیجه پای گنجشک کنده شد و نخ به دست من ماند. مادرم آن را دید و گفت : خدا پایت را قطع کند و که پای او را قطع کردی ! پس همین که به سن بلوغ رسیدم ، به سوی بخارا کوچ کردم ؛ از مرکب افتادم و پایم شکست . مداوا کردم ، تا اینکه سبب قطع شدن آن گردید و مفید نشد. بنابراین ، پدران و مادران عزیز

سعی کنند که به فرزندان خود نفرین نکنند، و اگر از فرزندان خود ناراضی هستند، دعا کنند تا هدایت شوند. (٥٦٧)

در تفسیر نیشابوری آمده است که : در زمان رسول خدا (ص) جوانی محتضر شد. خدمت حضرت آمدند تا او را عیادت نمایند. چون حضرت به عیادت آمدند، دیدند زبان او بسته شده . حضرت از خویشاوندان او پرسیدند: آیا این جوان تارک نماز بود؟ گفتند: نه یا رسول الله ! فرمود: تارک زکات بوده ؟ عرض کردند: نه ! فرمودند: عاق والدین بوده ؟ گفتند: بلی یا رسول الله ! حضرت ، مادر او را احضار کردند و فرمودند: او را حلال کن ! عرض کرد: چگونه او را حلال کنم ، با اینکه سیلی به صورت من زده و چشم مرا معیوب کرده ؟ حضرت فرمود: آتش بیاورید! مادر عرض کرد: برای چه ؟ حضرت فرمود: می خواهم به مکافات عملی که کرده ، او را بسوزانم . مادرش گفت : من راضی نمی شوم ؛ زیرا او نه ماه در شکم بوده و پرورش یافته ، و دو سال او را شیر داده ام و تربیت کرده ام و چندین سال در کنار من بوده . از او راضی شدم . پس زبان آن جوان باز شد. (٥٦٨)

9 O. لعن و نفرین فرزند بر پدر و مادر

رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: لعنت خدا بر پدر و مادری که فرزند خویش را بد تربیت کنند و موجبات عاق خود را فراهم نمایند! در روایات آمده است : یکی از کسانی که روز قیامت خیلی بدبخت است ، آن کسیست که شبانه روز برای زن و بچه اش زحمت می کشد، اما همین زن و بچه در روز قیامت دشمن او هستند و نفرینشان می کنند و می گویند: خدایا! از او باز خواست کن ! پول خمس و زکات

نداده را به منزل آورد و ما خوردیم . مال حرام به منزل آورد و ما خوردیم و ما را قسی القلب کرد. به خاطر همین ، ما حال عبادت نداشتیم و به طرف گناه رفتیم .

پس همان طوری که نیکی و احسان و رعایت ادب و احترام به والدین بر اولاد واجب است و اولاد در اثر ترک ادای حقوق به آثار بسیار بد مبتلا می شوند، همچنین که برای اولاد بر عهده ی پدر و مادر واجب است ، اگر آن را ادا نکنند، آنها هم به آثار بسیار بد عقوق مبتلا می شوند؛ چنان که از پیغمبر اکرم (ص) روایتی بدین مضمون رسیده است :

قال رسول الله (ص): یلزم الوالدین من العقوق مایلزم الولد لهما من عقوقهما . (٥٦٩)

10 O. لعن و نفرین استاد به شاگرد

در روایت آمده است : انسان دارای سه پدر می باشد: ١. پدر خودشان ؛ ٢. پدر زن ؛ ٣. پدر روحانی یا استاد.

از ارسطو پرسیدند: پدرت را بیشتر دوست داری یا استادت را؟ گفت : استادم را. وقتی علت را جویا شدند، گفت : برای اینکه پدرم مرا از آسمان به زمین آورد، ولی استادم مرا از زمین به آسمان می برد.

محدث بزرگوار، سید نعمت الله جزائری می گوید: یکی از مجتهدین اصفهان که نزد او تحصیل می کردیم ، در اوایل تحصیلش نزد مجتهد دیگری دانش می آموخت . وقتی که از علم بهره یی گرفت و دانشمند شد، شاگردی را نزد آن استاد انکار می کرد، و استادش را فاضل و عالم نمی دانست و مقام علمی اش را قبول نداشت . استادش از این وضع

آگاه شد، ناراحت شد و نفرینش نمود و گفت : خدایا! هر چه از من یاد گرفته ، از او سلب کن و وی را به فراموشی مبتلا نما! اتفاقا این شخص که مشهور بود حافظه یی قوی دارد، از نعمت حافظه محروم شد، و از آن پس ، هیچ مسئله یی را نمی توانست حفظ کند، بلکه به هر مطلبی احتیاج می کرد، ناچار بود به کتاب مراجعه کند و قادر نبود از حفظ چیزی بگوید. این شخص هم اکنون در اصفهان به سر می برد، من خدا را شکر می کنم بر اینکه به ما توفیق خدمت به استاد و استغفار برای آنان را داد، و آنان را از من راضی ساخت . (۵۷۰)

11 O. لعن و نفرین مظلوم

یکی از گناهان کبیره ، یاری نکردن مظلومین و ستمدیدگان است ؛ و در حقیقت ، یاری کردن مظلوم (از جهت مال ، بدن ، آبرو) نهی از منکر عملیست . پس کسی که ستمدیده و مظلومی را یاری نکند، یکی از بزرگترین واجبات الهی را به جا نیاورده است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود: من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم . (۵۷۱)

کسی که ناله ی شخصی را بشنود که می گوید: ای مسلمانان ! به فریاد من برسید! پس او را اجابت نکند، مسلمان نیست .

امام سجاد (ع) می فرمایند: اللهم انی اءعتذر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم انصره اونخذل ملهوفا. (۵۷۲)

پروردگارا! از تو پوزش می خواهم از این که در نزد من به ستمدیده ای ستم شده باشد، پس من او را یاری نکرده باشم . خدایا! به تو پناه می برم از یاری نکردن شخص بیچاره و گرفتار.

عمر بن قیس می گوید: با پسر عمومی در قصر بنی مقاتل بر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) وارد شدیم و بر آن حضرت سلام کردیم ، به ما فرمود: آمده اید مرا یاری کنید! گفتم : مردی عیالوارم و اموال مردم نزد من است . نمی دانم عاقبت کار چه می شود، و دوست ندارم امانت کسی را ضایع کنم . پسر عمویم هم مثل همین را در پاسخ امام (ع) گفت . پس حضرت فرمود: اینک که مرا یاری نمی کنید، پس ، از این بیابان دور شوید، که مبادا ناله مرا بشنوید و مرا نبینید. جز این نیست که ، هر کس ناله ی بی کسی را بشنود یا ما را ببیند، و یاریمان نکند، حق است بر خدا که او را به صورت در آتش اندازد. (۵۷۳)

شیخ طوسی از حضرت صادق (ع) روایت می کند: پیرمردی از عابدهای بنی اسرائیل مشغول نماز بود، دید دو طفل خروسی را گرفته اند و پرش را می کنند، و آن خروس ناله و فریاد می کند. پس آن عابد همین طور مشغول نماز بود و آن حیوان را نجات نداد و از بچه ها جلوگیری نکرد. پس خداوند به زمین وحی فرمود آن عابد را ببلعد.

12 O. نفرین بر دشمن

در نفرین شدید و سخت امام سجاد (ع) به دشمنان در صحیفه ی سجادیه آمده است : الهی ! دل های دشمنان را از ایمنی ، و بدن هایشان را از توان تهی کن ! قلوبشان را از چاره جویی غافل گردان و پایه

هایشان را از مبارزه با پیادگان اسلام سست کن ! ایشان را از زد و خرد با قهرمانان اسلام بترسان ! بر ایشان لشکری از فرشتگان با نیرو و سطوت برانگیز، همانگونه که در روز بدر نمودی ، تا ریشه آنان را قطع کنی ، شوکتشان را دور نمایی و عده شان را پراکنده سازی ! الهی ! آب هایشان را به وبا، و خوراکشان را به امراض آمیخته و درهم کن و شهرهایشان را به زمین فرو ببر، و بلاهای پیاپی بر سرزمینهایشان بیاور! و به خشکسالی مبتلایشان کن و آذوقه هایشان را در بی برکت ترین و دورترین نقاط زمین قرار بده ! درهای محکم را از آنان باز دار و ایشان را به گرسنگی دائم و بیماری دردناک دچار ساز! (٥٧٤)

از حضرت ابی الحسن (ع) روایت شده که فرمودند: اذا دعا احدکم علی اءحد قال : اللهم اطرقه ببلیه لا اخت لها و اءیح حریمه . . (٥٧٥) یعنی : هرگاه یکی از شما بر دشمن نفرین می کند، بگوید: بار خدایا! او را به بلای شبانه که مانند ندارد، دچار کن و دشمن را بر او چیره ساز!

اسحاق بن عمار می گوید: از دست همسایه یی که داشتم و آزاری که از او به من می رسید، به حضرت صادق (ع) شکایت کردم ، حضرت فرمود: بر او نفرین کن ! پس من نفرین کردم ، ولی نتیجه یی نبخشید. دوباره به خدمتش رفتم و شکایت کردم ، فرمود: بر او نفرین کن ! عرض کردم : فدایت گردم ! من نفرین کردم و نتیجه یی ندیدم . فرمود: چه گونه نفرین کردی ؟ عرض کردم : هر گاه به او برخوردم ، نفرینش کردم . حضرت فرمود: چون به تو پشت کرد و رو گرداند، نفرینش کن ! پس من این کار را کردم ، و زمانی نگذشت که خدا مرا از شر او آسوده ساخت . (٥٧٦)

13 O. لعن و نفرین جمادات و حیوانات و زمین

روایت شده است : هیچ کس بر زمین لعن و نفرین نمی کند، مگر اینکه زمین می گوید: لعنت خدا بر هر کدام که گناهکارتریم !

روایت شده است : رسول مکرم اسلام (ص) نهی فرمودند: زنی که ناقه را لعن کرد، و مردی که شیری را لعن نمود.

مباهله

مباهله در لغت ، یعنی لعن کردن و نفرین نمودن یکدیگر؛ اما در اصطلاح یعنی دو طرف متخاصم که در برابر هم قرار می گیرند. قانون مباهله این است که دست به دست هم می دهند و در مورد یکدیگر نفرین می کنند، تا خدای تعالی آن طرفی را که بر حق نیست ، معذب و هلاک فرماید.

احادیثی از ائمه (ع) درباره ی مباهله

ابو مسروق می گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم : ما با مردم (درباره ی مذهب و امامت شما) گفت و گو می کنیم و با آنان احتجاج می نماییم و به گفتار خدای عزوجل دلیل می آوریم که فرموده : از خدا و رسول و اولی الاءمر او اطاعت کنید. (۵۷۷)

مردم می گویند: این آیه درباره فرماندهان قشون ها نازل شده . پس برای آنان به گفتار و رسول اوست . (۵۷۸) پس مردم می گویند: این آیه درباره ی مؤ منین نازل شده . پس دلیل می آوریم برای آنها به گفتار خدای عزوجل که فرمود: بگو ای محمد! من از شما مزدی نخواهم ، جز

دوستی درباره نزدیکان (و خویشان). (۵۷۹) باز می گویند: این آیه درباره ی نزدیکان و خویشان اسلامی نازل شده .

ابو مسروق می گوید: آنچه از این آیات و مانند آنها در خاطره داشتم (و جواب هایی که مردم از آنها می دادند) برای حضرت بیان کردم . حضرت به من فرمود: اگر این طور است ، آنها را به مباهله دعوت کن ! عرض کردم : چه گونه (مباهله) کنم ؟ فرمود: سه روز خود را اصلاح کن (یعنی در آن روز که در صدد اصلاح خود به توبه و استغفار و دعا و امثال اینها هستی ، روزه هم بگیر.) و غسل کن . پس تو با طرف خود به صحرا بروید. آن گاه انگشتان دست راست خود را شبکه وار در انگشتان او بینداز و او را انصاف بده (یعنی) ابتدا به خود (لعن و نفرین) کن و بگو: بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و زمین ! و ای دانای نهان و عیان ! و ای بخشاینده ی مهربان ! اگر ابو مسروق حقی را انکار نموده و ادعای باطلی کرده ، پس عذابی دردناک از آسمان بر او نازل فرما! پس نفرین را به او برگردان و بگو: و اگر فلان کس حقی را انکار نموده و باطلی را ادعا کرده ، پس عذابی دردناک از آسمان بر او فرو آور! سپس فرمود: پس از آن درنگ نکنی ، که در اثرش را در آن شخص به چشم خود خواهی دید!

ابو مسروق می گوید: پس به خدا سوگند! هیچ کس را ندیدم که مرا در این کار اجابت کند (و به مباهله حاضر شود. (۵۸۰)

حضرت باقر (ع) می فرماید: الساعهٔ تباهل فیها ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس . یعنی : ساعتی که در آن مباهله شود، میان زدن سپیده تا زدن آفتاب است . (۵۸۱)

رویداد مباهله

هنگامی که پیامبر (ص) مکه را فتح کرد و عرب تحت فرمان او در آمد، نمایندگان و نامه هایی از سوی خود به مناطق مختلف جهان فرستاده و مردم را به اسلام دعوت کرد. عقبه بن غراون ، عبدالله بن ابی امیه ، هدیربن عبدالله و جیب بن سنان ، نمایندگان پیامبر (ص) بودند که به نجران اعزام شده ، تا مسیحیان آن جا را به اسلام دعوت نمایند و به آنان پیشنهاد کنند: یا اسلام را پذیرفته و با مسلمانان برادر شوید، یا در صورت نپذیرفتن اسلام ، جزیه پرداخته ، و در صورت رد هر دو پیشنهاد، آماده ی جنگ شوید.

در نامه ی رسول اکرم (ص) آمده بود: بگو: ای اهل کتاب ! بیایید از سخن حقی که ما و شما آن را قبول داریم ، پیروی کنیم که ، بجز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیده ، چیزی را شریک او قرار نداده و برخی را به جای خدا به خدایی تعظیم نکنیم . اگر آنها از حق روی گرداندند، بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوند هستیم .

پس از رسیدن پیام پیامبر (ص)، در معبد بزرگ خود گرد آمدند؛ عده ی دیگری نیز از مد حج ، عک ، حمیر، انمار و خویشان و همسایگان آنها از قبایل یساءه ، که همگی به جهت سرنوشت مشترک خود و شرایطی که برای آنان به وجود آمده بود، خشمگین بودند، به آنان پیوستند. اسقف ، بزرگ آنان ، که انسان موحدی بود، علاوه بر مسیح ، به پیامبر (ص) نیز ایمان داشت ، ولی این مطلب را پنهان می کرد. وقتی دید می خواهند به مدینه رفته و با پیامبر (ص) به مشاجره برخیزند، آنان را پند و اندر داده و به تاءمل و تاءنی دعوت کرد. گرز بن سبره ی حارثی که در آن

زمان سرپرست قبیله ی بنی حارث بن کعب ، و فرمانده ی نظامی آنان و از اشرف و بزرگانشان محسوب می شد، از سخنان او خشمگین شد و به مقابله با او برخاست ؛ ولی اسقف بزرگ ، سید و عاقب ، که آنان نیز از بزرگان قوم خود بودند، به مقابله با او برخاستند. به این ترتیب ، گفت و گوی آنان طول کشید، تا جایی که برای تطبیق صفات پیامبر (ص) با آنچه پیامبران گذشته در مورد او گفته بودند، کتاب جامعه را آورده ، و دیدند سخنان اسقف بزرگ درست است . در این جا بود که سید و عاقب مضطرب شده ، و تصمیم گرفتند برای مشاهده ی صفات پیامبر (ص) و تطبیق بشارت های پیامبران گذشته با او، به مدینه بروند. سید و عاقب به همراه چهارده نفر از بزرگان و علمای مسیحی نجران و هفتاد نفر از اشراف و بزرگان بنی حارث بن کعب برای دیدن پیامبر (ص) به طرف مدینه حرکت کردند. آنان دارای چهره های زیبا نو بدنی متناسب بودند، و هنگامی که نزدیک مدینه رسیدند، برای اینکه با همراهان خود به مسلمین و مردم مدینه فخر فروشی کنند، سید و عاقب سفارش کردند که از مرکب های خویش پیاده شده ، خود را آرایش کرده ، لباس های معمولیشان را از تن در آورده ، لباس های ابریشمی و زیباترین و بهترین لباس هایشان را بپوشند، خود را خوشبو نموده و با شکلی زیبا و صفی منظم به سوی مدینه حرکت نمایند. وقتی در مسجد رسول خدا (ص) بر آن حضرت (ص) وارد شدند، وقت نماز آنان بود؛ پس به طرف مشرق مشغول نماز شدند. مسلمانان خواستند مانع این عمل شوند، ولی پیامبر (ص) نگذاشت تا سه روز، نه پیامبر (ص) آنان را به اسلام تا به اسلام

دعوت کرد، و نه آنان از پیامبر (ص) و تطبیق صفات او با آنچه در کتاب های خود درباره ی پیامبر (ص) دیده بودند، حرفی زدند.

پس از سه روز، پیامبر (ص) آنان را به اسلام دعوت نمود، گفتند: اباالقاسم ! تمام نشان هایی را که در کتاب های آسمانی درباره ی پیامبر بعد از عیسی (ع) گفته شده ، در تو یافتم ، مگر یک علامت ، که بزرگترین آنهاست . حضرت (ص) فرمود: چه نشانه یی ؟ گفتند: در انجیل آمده است که ، او مسیح را تصدیق کرده و به او ایمان دارد، ولی تو به او ناسزا گفته و وی را دروغگو می دانی و می پنداری او بنده ی خداست . پیامبر (ص) فرمود: خیر! من او را تصدیق کرده و به وی ایمان دارم ، و گواهی می دهم او پیامبریست که از جانب پروردگارش فرستاده شده ، و بنده ییست که سود و زیان و مرگ و زندگی و برانگیختن او به دست خودش نمی باشد. آنان گفتند: آیا بندگان خدا می توانند کارهایی را که او انجام می داد، انجام دهند؟ و آیا پیامبران توانایی فوق العاده ای او را داشتند؟ آیا او مردگان را زنده ، و کورها را بینا نکرده و پیسی ها را شفا نداده است ؟ آیا مکنونات قلبی و آنچه را در خانه هایشان ذخیره کرده بودند، به آنان نمی گفت ؟ آیا کسی جز خدا یا پسر خدا قدرت چنین کارهایی را دارد؟ و درباره ی مسیح (ع) خیلی غلو کردند. پیامبر (ص) فرمودند: برادرم عیسی همان گونه که گفتید، بود. مردگان را زنده کرده ، کور و پیس را شفا داده ، و آنچه را که در ذهن قوم خود بود، و نیز چیزهایی را که در خانه هایشان ذخیره کرده بودند، به آنان می گفت ، ولی تمام اینها با اذن خدای عزوجل بود. او بنده ی خدا بود، و این مطلب برایش ننگ نیست و او نیز از آن ابایی

نداشت . او دارای گوشت ، خون ، مو، استخوان ، عصب و آمیخته یی از اعضای بدن بود. غذا می خورد، تشنه می شد و سفره می گستراند. پروردگارش یگانه حقی بود، که هیچ مثل و مانندی ندارد. گفتند: کسی را به ما نشان بده که بدون پدر بوجود آمده باشد. فرمود: آفرینش آدم ، از او شگفت انگیزتر است . او بدون پدر و مادر به وجود آمد. هیچ کاری برای خدا سخت تر یا آسان تر از کار دیگری نیست . هر وقت خدا بخواهد چیزی را به وجود آورد، فقط به آن می گوید: به وجود بیا! او نیز ایجاد می شود. سپس این آیه را برای آنان خواند: خلقت عیسی نزد خدا مانند خلقت آدم است که آن را از خاک آفرید، آن گاه به او فرمود: به وجود بیا! او نیز به وجود آمد. (۵۸۲)

سید و عاقب گفتند: سخنانت ما را قانع نکرده ، و به آنچه تو می خواهی ، اقرار نمی کنیم . بنابراین مباهله کرده و لعنت خدا را بر دروغگو قرار می دهیم ، و به این ترتیب ، حق به زودی آشکار می گردد. در این جا بود که خداوند آیه ی مباهله را بر پیامبر (ص) نازل فرمود:

فمن حاجک فیه و من بعدما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءکم و انفسنا و انفسکم و ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین . (۵۸۳)

اگر بعد از اینکه آگاه شدی ، کسی در مورد او (عیسی) با تو مجادله نماید، بگو: بیایید هر کدام از ما و شما، خود و زنان و فرزندانمان را گرد آورده ، مباهله نموده و دروغگو را گرفتار لعنت و عذاب خدا نماییم . پیامبر (ص) نیز این آیه را برای آنان خواند، سپس فرمود: خداوند به من دستور داده است که اگر بخواهید و بر گفته ی خود استوار باشید، به

خواسته ی شما عمل کرده و با شما مباهله کنم . آنها گفتند: فردا با تو مباهله می کنیم ، تا حقیقت خود در حره رسیدند، یکی از آنها به دیگری گفت : مباهله کار را یکسره خواهد کرد. بنابراین قبل از هر چیز، بنگرید با چه کسانی برای مباهله می آید. آیا با تمام پیروان خود و با اصحاب باسوادش ، یا با افراد متواضع ، بی چیز و برگزیدگان دینی خود که تعدادشان اندک است ؟ اگر عده ی زیاد و قدرتمندان را به همراه خود آورد، چنین کسی مانند پادشاهان قصد فخر فروشی دارد و شما برنده ی مباهله هستید، و اگر با عده ی کمی از پیروان فروتن و برگزیدگان خود آمد (کسانی که پیامبران ما با آنان به مباهله می آیند) مبادا با آنان مباهله کنید! هنگام مباهله حتما این مطلب را در نظر داشته باشید، تا مبادا به عذاب خدا گرفتار آیید! من آنچه را باید بگویم ، گفتم . دیگر خود دانید! رسول خدا (ص) دستور داد زیر دو درخت را جارو کرده ، و فردای آن روز امر فرمود پارچه ی سیاه و نازکی را روی آن درخت ها انداختند. هنگامی که سید و عاقب این منظره را دیدند، با فرزندان خود که عبارت بودند از: صبغهٔ المحسن ، عبدالمنعم ، سراه ، مریم ، و نیز مسیحیان نجران و سواران بنی حارث با بهترین شکل و شمایل برای مباهله از جایگاه خود بیرون آمدند. اهالی مدینه (مهاجرین ، انصار و دیگران) نیز هر کدام با نشانه ها و پرچم های خود و با شکل و شمایل نیکو به آنجا آمدند، تا نظاره گر حوادث باشند. رسول خدا (ص) صبحگاهان در اطاق خود درنگ نمود، تا مدتی از روز گذشت ، و آن گاه بیرون آمده ، دست علی را گرفته و در حالی که حسن و حسین در جلو او و فاطمه (ع) در پشت سر وی حرکت می کردند، به طرف آنان

آمده ، در میان دو درخت و زیر آن پارچه ایستاد. در این جا نیز دست علی در دست او، حسن و حسین در جلو، و فاطمه (درود خدا بر آنان باد) پشت سر او قرار داشت . آن گاه به دنبال سید و عاقب فرستاد و آنان را به مباهله یی که خواسته بودند، فرا خواند. آنان نیز آمده و گفتند: با چه کسی با ما مباهله می کنی ؟ حضرت (ص) فرمودند: با بهترین مردم روی زمین و گرامی ترین آنان نزد خدای عزوجل . با اینان ! (و به علی (ع)، فاطمه ، حسن و حسین که درود خدا بر آنان باد، اشاره کرد.) گفتند: برای مباهله با ما نه بزرگان را آورده ، نه جمعیت زیاد و نه افراد زیبایی را که به تو ایمان دارند. کسی را جز این جوان و این زن و دو تا بچه با تو نمی بینم . با اینان می خواهی با ما مباهله کنی ؟ فرمود: بله ! به کسی که مرا به حق برانگیخت ، سوگند! دستور دارم با همینان با شما مباهله کنم . در اینجا بود که رنگشان از ترس زرد شده و به نزد یاران خود برگشتند! وقتی همراهانشان قیافه ی رنگ پریده آنان را دیدند، پرسیدند: چه اتفاقی افتاده است ؟ آنان خود را کنترل کرده و گفتند: چیزی نیست . جوان برگزیده و دانشمندی در میانشان بود. به آنان گفت : وای بر شما! این کار را انجام ندهید! صفات او را که در جامعه بود، به یاد آورید. به خدا سوگند! شما به خوبی می دانید که او راستگوست . مدت زیادی از تبدیل شدن برادرانتان به خوک و میمون نمی گذارد. سخنان این جوان بر آنان بر اثر گذاشت و از مباهله منصرف شدند.

راوی می گوید: اسقف برادر دانشمندی به نام منذرین علقمه داشت ، و آنان او را با این عنوان می شناختند. وقتی دید کار به اینجا رسیده و آنان در مورد کاری که این دو تنها گذارید. آن گاه رو به آنان کرده و

گفت : پیشقراول قبیله که در پی آب و علف جلوتر حرکت می کند، هیچ گاه به قوم خود دروغ نمی گوید. من از روی خیر خواهی می گویم . به خودتان کمک کنید و خویش را نجات دهید، والا خود و دیگران را نابود می کنید! گفتید: بگو، که امین و درستکاری . گفت : به خوبی می دانید که هیچ گاه قومی با پیامبری مباهله ننموده ، مگر اینکه نابود شده است . شما و تمام عاقلانی که با شما هستند و از مطالب کتاب آسمانی اطلاع دارند، می دانند که همین شخص یعنی اباالقاسم محمد (ص)، همان کسیست که پیامبران مژده ی آمدن او را داده اند. مطلب دیگری نیز هست ، که باید از آن ترسید! پرسیدند: چه چیزی ؟ گفت : بنگرید که نزدیک است ستاره ی ثریا بر زمین فرود آید. درختان سر خم کرده و پرندگان در مقابل شما صورت بر زمین گذاشته و بال های خود را روی زمین پهن نموده ، و شکم آنها خالی کوه ها و دودی که پخش شده ، و ابرهای پراکنده در وسط تابستان و گرمای شدید بنگرید. به محمد (ص) که دستش را بلند کرده و با چهار نفر از اهل بیتش که با او بوده و منتظر پاسخ شما هستند، بنگرید، و بدانید که اگر دهان گشوده و کلمه یی برای مباهله بگوید، نمی توانیم از نابودی خود جلوگیری کرده و هیچ گاه نزد خانواده و اموال خود باز نمی گردیم . با شنیدن این سخنان ، در فکر فرو رفته و دیدند درست می گوید، و یقین کردند که پیامبر (ص) واقعا از جانب خداوند فرستاده شده است . اینجا بود که متزلزل شده و فهمیدند که در صورت مباهله ، حتما گرفتار عذاب خواهند شد. وقتی منذر دید که آنان واقعا احساس خطر کرده اند، گفت : اگر تسلیم او شوید، هم حالا و هم در آینده سالم می مانید؛ و اگر این

عزت و شرافت خود را در میان قومتان می خواهید. به شما حسادت نمی ورزم ، ولی این شما بودید که از نجران به این جا آمدید، به محمد پیشنهاد مباهله داده و آن را تنها تشخیص حق دانستید؛ محمد نیز به سرعت به درخواست شما پاسخ مثبت داد. پیامبران هنگامی که اراده ی کاری کنند، تا انجام آن از پا نمی نشینند. برادرانم ! بهتر است از ترس علامت هایی که می بینید، از مباهله خود داری کنید و به سرعت با محمد مصالحه نموده و او را از خود راضی کنید. ما اکنون در شرایطی به سر می بریم که قوم یونس اندکی پیش از نزول عذاب در آن به از او بخواه که نزدیک ترین افراد به او، یعنی پسر عمویش ، به نمایندگی از جانب او با ما مصالحه کند. در این کار تاءخیر نکن ، تا هر چه زودتر از نتیجه ی کار آگاه شویم .

منذر به طرف پیامبر (ص) رفته و گفت : سلام بر تو ای رسول خدا! گواهی می دهم که خدایی جز خدایی که تو را برانگیخت ، وجود نداشته ، و شما و عیسی هر دو بنده ی خدای عزوجل و فرستاده ی او هستید. بدین ترتیب ، اسلام آورده و به پیامبر (ص) گفت که برای چه کاری آمده است . رسول خدا (ص) نیز برای مصالحه با آنان ، حضرت علی (ع) را فرستاد. حضرت علی (ع) عرض کرد: پدر و مادر فدای تو! ای رسول خدا! بر چه چیزی به آنان مصالحه نمایم ؟ حضرت فرمود: راءی تو، راءی من است . هر طوری که خواستی ، مصالحه کن . امیر المؤ منین (ع) به طرف آن دو رفت ، و سالیانه هزار لباس و هزار دینار به عنوان مالیات برای آنان تعیین کرد، که قسمتی از آن را در محرم ، و قسمت دیگر را در رجب بدهند. آن گاه آن دو را در حالی که

سرافکنده و شرمسار بودند، نزد پیامبر (ص) برد، و ایشان را از مالیاتی که بر آنان بسته بود، آگاه نمود. آنان نیز مالیات و سرافکندگی را پذیرفتند. رسول خدا (ص) فرمود: این را از شما قبول می کنم ، ولی بدانید که اگر با من در زیر آن عبا مباهله می کردید، خداوند شما را در بیابان دچار آتش سوزانی می نمود، که دامنه ی آن در کمتر از یک چشم به هم زدن به پشت سری های شما رسیده و همه را آتش می زد.

هنگامی که پیامبر (ص) با اهل بیتش باز گشته و به مسجد رفت ، جبرئیل نازل شد و گفت : محمد! خدای عزوجل به تو سلام رسانیده و می فرماید: وقتی بنده ی من موسی ، با دشمن خود، قارون مباهله نمود، قارون ، خانواده ، دارایی و یارانش در زمین فرو رفتند. به عزت و جلالم سوگند! یاد می نمایم که اگر تو با افراد خانواده ات که در زیر آن عبا بودند، مباهله می کردی ، همه زمینیان و آفریدگان نابود می شدند، آسمان ریز ریز شده و کوه ها سنگریزه گشته و زمین هیچ گاه آرام نمی گرفت ، مگر اینکه آن را بخواهد!

آن گاه پیامبر به سجده افتاده و صورتش را بر زمین گذاشت ؛ سپس برخاسته ، دست هایش را بلند کرد، به گونه یی که سفیدی زیر بغلش آشکار شد، و سه بار گفت : نعمت دهنده را سپاسگزارم ! پرسیدند: چرا سجده نموده و خوشحال گشتید؟ پاسخ فرمود: به خاطر سپاسگزاری به درگاه خداوند، و اینکه این کرامت را به اهل بیت من ارزانی داشت . آن گاه آنچه را جبرئیل گفته بود، برایشان نقل کرد. (٥٨٤)

next page

۱- شیخ صدوق ، امالی ، مجلس دهم ، ج ۳، ص ۳۷.

۲- مجموعهٔ ورام ، ج ۲، ۱۱۰.

۳- سوره ی مریم ، آیه ی ۵۹.

٤- دیار عاشقان ، ص ۸۲، ج ۱.

٥- شرح غررالعلم ، ج ۲، ص ۲۸۲ (از کتاب اسرار موفقیت سید مرتضی مجتهدی).

٦- کلمهٔ الرسول ، ص ۱۱٥ (از دیار عاشقان ، ج ۱، ص ۲۷۳).

۷- شروع تحقیقات : سال ۷۹، اتمام کتاب : بهمن ۸۱.

۸- اصول کافی ، کتاب دعا، ج ٤، ص ۲۱۳.

۹- سوره کهف ، آیه ی ۲۸.

۱۰- سوره ی نمل .

۱۱- سوره اعراف ، آیه ی ٥٥.

۱۲- المراقبات .

۱۳- سوره ی بقره ، آیه ی ۱۰۷.

۱٤- سوره ی مائده ، آیه ی ۱۷.

۱٥- سوره ی توحید.

۱٦- سوره ی آل عمران ، آیه ی ۱۹٥.

۱۷- سوره ی کهف ، آیه ی ۳۰.

۱۸- دعای کمیل .

۱۹- سوره ی ص ، آیه ی ۵۳.

۲۰- سوره ی غافر، آیه ی ٦۰.

۲۱- بحار، ج ۷، ص ۲۳٤، حدیث ۳۳، از کتاب در محضر استاد سید حسن ابطحی ، ج ۱، ص ۱٤٤.

۲۲- نور الثقلین ، ج ۳، ص ۱٤۱ - تفسیر نمونه ، ج ۱۲، ص ٤۱.

۲۳- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۱۲۹، از تفسیر نمونه ، ج ۱۲، ص ٤۵.

۲٤- سوره ی فاطر، آیه ی ۱۵.

۲۵- سوره ی انعام ، آیه ی ۱۳۳.

۲٦- سوره ی مؤ من ، آیه ی ٦۱.

۲۷- سوره ی عبس ، آیه ی ۱۷.

۲۸- سوره ی ابراهیم ، آیه ی ۳٤.

۲۹- سوره ی علق ، آیه ی ٦ و ۷.

۳۰- سوره ی بقره ، آیه ی ۳۰.

۳۱- سوره ی انعام ، آیه ی ۱٦۵.

۳۲- سوره ی اسراء، آیه ی ۲۹.

۳۳- در محضر استاد، ج ۱، ص ۱۸۲.

٣٤- بحار الانوار، ج ٧٠، ص ٣٠٧، ح ٣٤، از کتاب در محضر استاد، ج ١، ص ١٨٠.

٣٥- سوره ی عنکبوت ، آیه ی ٦٥.

٣٦- سوره ی یونس ، آیه ی ١٢.

٣٧- سوره ی غافر، آیه ی ٦٠.

٣٨- اصول کافی ، ج ٣، ص ١٣٢.

٣٩- غررالحکم ، ج ١، ص ٣٦٢١.

٤٠- سوره ی رعد، آیه ی ٢٨.

٤١- بحار، ج ٩٠، ص ٣٠٤.

٤٢- الارشاد، ص ٢٤٠، به نقل از مجله ی حکومت اسلامی ، ص ١٤٥، سال هشتم شماره اول بهار ٨٢، شماره پیاپی ٢٧.

٤٣- مسائل اعتقادی ، ص ١٢٣، تاءلیف شیخ محمد رضا مظفر.

٤٤- المیزان ، ذیل آیه ٥٦ سوره ی ذاریات .

٤٥- مصباح المنیر.

٤٦- سوره ی بقره ، آیه ی ١٨٦.

٤٧- سوره ی ق ، آیه ی ١٦.

٤٨- تفسیر المیزان ، ج ٢، ص ٣٠.

٤٩- سوره ی بقره ، آیه ی ٢٠١.

۵۰- سوره ی عنکبوت ، آیه ی ٦٥.

۵۱- سوره ی مؤ من ، آیه ی ٦۰.

۵۲- سوره ی الرحمن ، آیه ی ۲۹.

۵۳- سوره ی فرقان ، آیه ی ۷۷.

۵٤- سوره ی شوری ، آیه ی ۲٦.

۵۵- سوره ی فاطر، آیه ی ۱۵.

۵٦- سوره ی ابراهیم ، آیه ی ۳٤.

۵۷- تفسیر نمونه ، ذیل آیه فوق .

۵۸- سوره ی انبیاء، آیه ی ۸٤ - ۸۳.

۵۹- سوره ی یونس ، آیه ی ۸۹.

٦۰- سوره ی یوسف ، آیه ی ۳۳.

٦۱- سوره ی اعراف ، آیه ی ۵٦.

٦۲- سوره ی انعام ، آیه ی ٦٤ - ٦۳.

٦۳- نهج الفصاحه ، ص ۳۳۱.

٦٤- نهج الفصاحه ، ص ۳۳۱.

٦۵- کافی ، ج ۲، ص ٤٦۸.

٦٦- تنبیه الخواطر، ص ٤٦۳.

٦۷- صحیح ترمذی ، ج ۲، ص ۲٦٦.

٦٨- مجمع البيان ، ج ٨، ص ٥٢٨.

٦٩- نهج الفصاحه ، ٣٣١.

٧٠- نهج الفصاحه ، ص ٤٨٥.

٧١- نهج الفصاحه ، ٣٣٢.

٧٢- امالی طوسی ، ج ١، ص ٨٧.

٧٣- نهج الفصاحه ، ٦٦١.

٧٤- ب ٣، ح ٥، ص ١٠٨٩ وسائل الشيعه .

٧٥- ب ١، ح ٧، ص ١٠٨٤، وسائل .

٧٦- ب ١، ح ٦، ص ١٠٨٤، وسائل الشيعه .

٧٧- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢١٣.

٧٨- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢١١.

٧٩- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢١٠.

٨٠- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢١٢.

٨١- جهاد اكبر، ص ٢٣٣.

٨٢- دعای روز عرفه .

٨٣- نهضت امام خمينی .

٨٤- وسائل الشيعه .

٨٥- مرحوم حرانی ، تحف العقول ، ص ٤٥٧.

۸٦- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۹۸.

۸۷- بحار الانوار، ج ۲٤، ص ۱۰.

۸۸- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳٥٦.

۸۹- سوره ی عنکبوت ، آیه ی ٦٥.

۹۰- بحار، ج ۳، ص ٤۱.

۹۱- سوره ی یونس ، آیه ی ۱۲.

۹۲- سوره ی فصلت ، آیه ی ٥۱.

۹۳- آیین زندگی ، ص ۱٥۸.

۹٤- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۹.

۹٥- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۲۰.

۹٦- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۲۰.

۹۷- بحار، ج ۹۰، ص ۳۸۱.

۹۸- ب ۹، ح ۹، ص ۱۰۹۷.

۹۹- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۲۱.

۱۰۰- ب ۹، ح ۲، ص ۱۰۹٦.

۱۰۱- نهج الفصاحه ، ص ٦٤۰.

۱۰۲- ب ۹، ح ۲، ص ۱۰۹٦.

۱۰۳- نهج الفصاحه ، ص ۲۳۹.

۱۰٤- تحف العقول ، ص ٤٠٩.

۱۰۵- غررالحکم ، ص ٤۳۲.

۱۰٦- اصول کافی ، ج ۳، ص ۱۳۷.

۱۰۷- اصول کافی ، ج ۳، ص ۱۳۷.

۱۰۸- اصول کافی ، ج ۳، ص ۱۳۸.

۱۰۹- سوره ی نجم ، آیه ی ۳۹.

۱۱۰- سوره ی رعد، آیه ی ۱۲.

۱۱۱- ب ۳۲، ح ۳، ص ۱۱۱۳، وسائل الشیعه .

۱۱۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۱۲۰.

۱۱۳- وسائل الشیعه ، چاپ امیر بهادر، ج ۲، ص ۵۲۹.

۱۱٤- ص ۱۰۳۸، ب ۲، وسائل الشیعه .

۱۱۵- ب ۱، ح ٤، ص ۱۰۸٤، وسائل الشیعه .

۱۱٦- ب ٦، ج ٤، ص ۱۰۹۲، وسائل الشیعه .

۱۱۷- وسائل الشیعه ، ب ۲۱، ح ۵، ص ۱۱۱۲.

۱۱۸- دعا و نیایش ، محمد فاضل .

۱۱۹- دیار عاشقان ، ج ۷، ص ۲۵۱.

۱۲۰- مقامات معنوی .

۱۲۱- ب ٦۲، ح ۲، ص ۱۱۷۱، وسائل الشیعه .

۱۲۲- ب ٦۲، ح ۲، ص ۱۱۷۱، وسائل الشیعه .

۱۲۳- بحار، ج ۹۳، ص ۳٦٥.

۱۲٤- مصباح المنیر.

۱۲٥- مصباح المنیر.

۱۲٦- سوره ی ق ، آیه ی ۱٦.

۱۲۷- سوره ی انفال ، آیه ی ۲٤.

۱۲۸- سروه ی حدید، آیه ی ٤.

۱۲۹- بحار الانوار، کتاب فرار.

۱۳۰- سوره ی نوح ، آیه ی ۲٦.

۱۳۱- سوره ی بقره ، آیه ی ۲٦۰.

۱۳۲- سوره ی یوسف ، آیه ی ۹۷.

۱۳۳- سوره ی توبه ، آیه ی ۱۱٤.

۱۳٤- سوره ی آل عمران ، آیه ی ۱٦۹.

۱۳٥- مصباح المنیر.

۱۳٦- سوره ی غافر، آیه ی ٦۰.

۱۳۷- سوره ی طه ، آیه ی ٥۰.

۱۳۸- تفسیر نمونه .

۱۳۹- تفسیر سوره بقره ، از طرف مرکز مدیریت .

۱٤۰- بحار، ج ۹۰، ص ۳۰۸.

۱٤۱- بحار، ج ۳، ص ۳۰ - ج ۱۰، ص ۱۹۹.

۱٤۲- ب ۱۳، ج ٦، ص ۱۱۰۱، وسائل الشیعه .

۱٤۳- تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱٤٤- میران الحکمهٔ ، ج ۲، ص ۵۲۷.

۱٤۵- میزان الحکمهٔ ، ج ۲، ص ۵۲۷.

۱٤٦- شیخ بهایی ، مخلاهٔ ، ص ۷۷.

۱٤۷- ارشاد القلوب دیلمی ، ص ۱۷٤.

۱٤۸- تعبیر خواب ابن سیرین و دانیال ، ص ۲۰٤.

۱٤۹- عدهٔ الداعی ، از شماره ی ۳ تا ۱۰.

۱۵۰- بحار، ج ۹۳ - ۳۵۷، ح ۱۱.

۱۵۱- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۲۵.

۱۵۲- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۷.

۱۵۳- ب ۱۱، ح ۲، ص ۱۰۹۹، وسائل الشیعه .

۱۵٤- راه و رسم زندگی ، ص ۱۳۷، به نقل از کیفر گاه - نوشته سید هاشم رسولی محلاتی .

۱۵۵- آیین زندگی ، ص ۱۸۱.

۱۵٦- ویلیام جیمز، دین و روان ، ترجمه ی مهدی قائینی ، ص ۵۳.

۱۵۷- روان شناسی و دین ، ص ۵۰.

۱۵۸- آیین زندگی ، ص ۱۸٦.

۱۵۹- آیین زندگی ، ص ۲٤۹.

۱٦۰- آیین زندگی ، ص ۱۸۵.

۱٦۱- فلاح السائل ، ص ۲۸.

۱٦۲- نهج البلاغه فیض ، ص ۱۱٤٤.

۱٦۳- بحار، ج ۹۳، ص ۲۸۸، ح ۳.

۱٦٤- بحار، ج ۹۳، ص ۲۹٦.

۱٦۵- بحار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، ح ۳۷.

۱٦٦- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٦.

۱٦۷- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٦.

۱٦۸- نهج الفصاحه ، ص ٤۸۵.

۱٦۹- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٤.

۱۷۰- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٤.

۱۷۱- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٤.

۱۷۲- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۳.

۱۷۳- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۳.

۱۷٤- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱٤.

۱۷۵- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۹.

۱۷٦- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۹ نکته در مورد فرق بین الهام و وحی گفته اند: الهام چیزیست که در قلب افاضه می شود، و فرق الهام و وحی آن است که ، الهام بی واسطه ی ملک است ؛ وحی از خواص رسالت است ، و الهام از خواص امامت و ولایت ؛ وحی مشروط به رساندن است و الهام مشروط نیست ؛ در لغت ، الهام و وحی هر دو به معنای تلقین و فهماندن است . (صحیفه سجادیه فیض کاشانی).

۱۷۷- اخلاق در خانه .

۱۷۸- سوره ی زمر، آیه ی ۲۳.

۱۷۹- سوره ی طه ، آیه ی ۱۲٤.

۱۸۰- بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

۱۸۱- شهاب الاخبار، ص ۲۵۱.

۱۸۲- بحار، ج ۹۰، ص ۳۷۸.

۱۸۳- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۸.

۱۸٤- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۱۷.

۱۸۵- ب ۲، ح ۸، ص ۱۰۹۸، وسائل الشیعه .

۱۸٦- ب ۲، ج ۱٦، ص ۱۰۸۷، وسائل الشیعه .

۱۸۷- نقطه های آغازین در اخلاق عملی ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ص ۸ و ٦۳۷.

۱۸۸- سوره ی مائده ، آیه ۹۱.

۱۸۹- سوره ی فاطر، آیه ی ٦.

۱۹۰- تفسیر نمونه ، ج ۱۱، ص ٤۰۰.

۱۹۱- تفسیر نمونه ، ج ۱، ص ۱۹۱.

۱۹۲- دعا و نیایش اسدالله گرمارودی .

۱۹۳- شرح دعای کمیل ، ص ۳۱.

۱۹٤- سوره ی فاطر، آیه ی ۱۵.

۱۹۵- کافی ، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۹٦- غررالحکم ، ج ۲، ص ۸٦۰.

۱۹۷- ص ۱۰۸۸، ح ۳، ب ۳، وسائل الشیعه .

۱۹۸- ص ۱۰۸٦، ح ٦، ب ۲، وسائل .

۱۹۹- نهج البلاغه ، ص ۵۷٤.

۲۰۰- ص ۱۰۹۱، ح ۱، ب ٦، وسائل الشیعه .

۲۰۱- ب ٦٤، ح ۲، ص ۱۷۲، وسائل الشیعه .

۲۰۲- گویا مقصود از صفا، جفت می باشد؛ کنایه از اینکه تا وقتی پسر یا دختر بودن فرزند معلوم نشده است ، جای دعا کردن باقیست و نباید ناامید بود.

۲۰۳- ب ٦٤، ح ۵، ص ۱۱۷۳، وسائل الشیعه .

۲۰٤- ب ٦٤، ج ۱، ص ۱۱۷۲، وسائل .

۲۰۵- مفاتیح الجنان ، ص ۸۸۳.

۲۰٦- سوره ی رعد، آیه ی ۲٦.

۲۰۷- سوره ی شوری ، آیه ی ۲۷.

۲۰۸- سوره ی ابراهیم ، آیه ی ۷.

۲۰۹- سوره ی اعراف ، آیه ی ۹٦.

۲۱۰- ب ٤۸، ح ۱، ص ۱۱۵٦، وسائل الشیعه .

۲۱۱- ب ٤۸، ح ۲، ص ۱۱۵۷، وسائل الشیعه .

۲۱۲- ب ٤۸، ح ۳، ص ۱۱۵۷، وسائل الشیعه .

۲۱۳- ب ٤۹، ح ۱، ص ۱۱۵۷، وسائل الشیعه .

۲۱٤- ب ٤۹، ح ۲، ص ۱۱۵۸، وسائل الشیعه .

۲۱۵- دستغیب ، معراج شهید، ص ۲۱۸.

۲۱٦- کمال الدین ، ص ٤۸۵.

۲۱۷- طبرسی ، مکارم الاخلاق ، ص ۲۸٤.

۲۱۸- اصول کافی ، ج ۲، ص ۱۷، از امام صادق .

۲۱۹- الخصال ، ج ۱، ص ۱۹٦.

۲۲۰- سوره ی حج ، آیه ی ٤۰.

۲۲۱-اصول کافی ، ج ۲، ص ۱۸۸.

۲۲۲- تحف العقول ، ص ٤٤٦.

۲۲۳- سوره ی شوری ، آیه ی ۲۳.

۲۲٤- الخصال ، ج ۱، ص ۱٤۱.

۲۲٥- المکیال المکارم فی الفوائد الذی للقائم ، ج ۱، ص ٤٤۱.

۲۲٦- اکمال الدین و اتمام النعمۀ ، ج ۲، ص ۳۸٤.

۲۲۷- احتجاج ، ج ۲، ص ۲۸٤.

۲۲۸- طبرسی ، تفسیر مجمع البیان ، ج ۹، ص ۲۳۸.

۲۲۹- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷۲.

۲۳۰- نهج الفصاحه ، ص ٤٦۳.

۲۳۱- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷۳.

۲۳۲- نهج الفصاحه ، ص ۱٦۱.

۲۳۳- نهج الفصاحه ، ص ۱٦۱.

۲۳٤- نهج الفصاحه ، ص ۱٦٤.

۲۳٥- مستدرک الوسائل ، ج ۱٥، باب ۷۷، ح ۳.

۲۳٦- ح ۳، ب ٥۲، ص ۱۱٦۳، وسائل الشیعه .

۲۳۷- ج ۷، ب ٥۲، ص ۱۱٦٤، وسائل الشیعه .

۲۳۸- قیامت و قرآن ، ص ٦۸.

۲۳۹- مستدرک الوسائل ، ج ۱٥، باب ۷۷، ح ۳.

۲٤۰- سوره ی ابراهیم ، آیه ی ٤۲.

۲٤۱- سوره ی نوح ، آیه ی ۲۸.

۲٤۲- بحار، ج ۷٤، ص ٤۷.

۲٤۳- نهج الفصاحه ، ص ٤۸۲.

۲٤٤- نهج الفصاحه ، ص ٤۱٥.

۲٤٥- سوره ی احقاف ، آیه ی ۱٥.

۲٤٦- سیمای فرزانگان .

۲٤۷- ح ٤، ب ٤٥، ص ۱۱٥٤.

۲٤۸- ح ۲، ب ٤۲، ص ۱۱٤۹.

۲٤۹- بحار، ج ۹۳، ص ۳۹۱، ح ۲٥.

۲٥۰- ب ٤۱، ج ۱۱، ص ۱۱٤۷.

۲٥۱- ب ٤۱، ج ۱۲، ض ۱۱٤۷.

۲٥۲- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷٤.

۲٥۳- نهج الفصاحه ، ص ٤۸۱.

۲٥٤- نهج الفصاحه ، ث ٤۸٤.

۲٥٥- نهج الفصاحه ، ص ٤۸۱.

۲٥٦- نهج الفصاحه ، ص ٤۸۱.

۲٥۷- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷٤.

۲۵۸- نهج الفصاحه ، ص ٤٦١.

۲۵۹- بحار، ج ۹۳، ص ۳۵۷، ح ١٤.

۲٦۰- نهج الفصاحه ، ص ٥٤٧.

۲٦۱- بحار، ج ۹۳، ص ۳٦۰، ح ۲۱.

۲٦۲- وسائل الشیعه ، ج ۲۰، ص ٦۳۸.

۲٦۳- نهج الفصاحه ، ص ٥٧٦.

۲٦٤- نهج الفصاحه ، ص ۲۲٦.

۲٦٥- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷۳.

۲٦٦- نصایح .

۲٦۷- محجهٔ البیضاء، ج ۷، ص ۲٦.

۲٦۸- ح ۱، ب ۱، ص ۱۱۱۱.

۲٦۹- سوره ی نمل ، آیه ٦۳.

۲۷۰- سوره عنکبوت ، آیه ی ٦٥.

۲۷۱- دیلمی ، ارشاد القلوب ، بخش ۲، ص ۱۷۲.

۲۷۲- دیلمی ، ارشاد القلوب ، بخش ۲، ص ۱۷۳.

۲۷۳- داستان های شگفت .

۲۷٤- جنید، عارف معروف قرن سوم ، متوفی سال ۲۹۷. ه ق .

۲۷۵- صبر، عصاره ی درخت تلخیست ، و آن را به عنوان دوا می خورند.

۲۷٦- نهج البلاغه ، حکمت ۳۵.

۲۷۷- داستان های شگفت دستغیب ، ص ۲۷۹.

۲۷۸- ب ۵، ح ۷، ص ۱۱٦۱.

۲۷۹- بحار، ج ۹۳، ص ۳۵٦، ح ۱۰.

۲۸۰- سوره ی فرقان ، آیه ی ٦۷.

۲۸۱- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷۵.

۲۸۲- نهج الفصاحه ، ص ٤۰۳.

۲۸۳- نهج الفصاحه ، ص ٤۰۵.

۲۸٤-اصول کافی ، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲۸۵- اصول کافی ، ج ۳، ص ۳۷۳.

۲۸٦- نهج البلاغه .

۲۸۷- علل الشرایع ، ج ۲، ص ۵۱.

۲۸۸- اصول کافی ، ج ۳، ص ۳۷٤.

۲۸۹- سوره ی آل عمران ، آیه ی ۱۳۵.

۲۹۰- صدوق ، امالی ، ٤٦۵.

۲۹۱- عررالحکم ، ص ۳۲.

۲۹۲- اصول کافی ، ج ۳، ص ۳۷۳.

۲۹۳- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ٤٤٩.

۲۹٤- معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

۲۹۵- بحار، ج ۹۳، ص ۳٦۸، ح ۳.

۲۹٦- معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

۲۹۷- تفسیر صافی ، ذیل آیه ی ٦۳ - ٦۰: سوره ی مؤ من .

۲۹۸- سوره ی کهف ، آیه ی ۱۹.

۲۹۹- بحار، ج ۹، ص ۳۷۳.

۳۰۰- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۲۹۸.

back page

۳۰۱- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

۳۰۲- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۲٤۵.

۳۰۳- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۲۹۹.

۳۰٤- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۲٤.

۳۰۵- عدهٔ الداعی .

۳۰٦- عدهٔ الداعی .

۳۰۷- مرحوم محدث قمی ، وقایع الایام ، ص ۸٦ - گناهان کبیره دستغیب .

۳۰۸- کوهی در اطراف شهر ری .

۳۰۹- کیمیای محبت .

۳۱۰- سوره ی آل عمران ، آیه ی ۱۰۳.

۳۱۱- سوره ی مائده ، آیه ی ٦۲.

۳۱۲- نهج الفصاحه ، ٦۲٤.

۳۱۳- مجمع البیان ، در تفسیر آیه ی ٦۲ سوره ی مائده .

۳۱٤- ب ٦۷، ح ٦، ص ۱۱۷٦.

۳۱۵- بحار، ج ۹۳، ح ۲٦، ص ۳۱۹.

۳۱٦- سید بن الطاووس ، فلاح السائل .

۳۱۷- سوره ی بقره ، آیه ی ۲۱۹.

۳۱۸- وسائل الشیعه .

۳۱۹- کافی و مستدرک ، باب ۷۸ - وسائل الشیعه ، ج ۱۲، ص ۲۲۵ - ۲۳۰.

۳۲۰- سوره ی آل عمران ، آیه ی ۱۸۵.

۳۲۱- غررالحکم ، ص ۱۵۰.

۳۲۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، حدیث ۲۰.

۳۲۳- سوره ی بقره ، آیه ی ۲٦٤.

۳۲٤- تفسیر برهان ، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱.

۳۲۵- دیلمی ، ارشاد القلوب .

۳۲٦- بحار الانوار، ج ۷٤، ص ۸۰.

۳۲۷- بحار الانوار، ج ۷٤، ص ٦۱.

۳۲۸- مجلی ، شرح کافی .

۳۲۹- المراقبات ، ص ۲۲۷.

۳۳۰- معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

۳۳۱- گنج های معنوی .

۳۳۲- سوره ی بقره ، آیه ی ۲۱٦.

۳۳۳- سوره ی یونس ، آیه ی ۱۱.

۳۳٤- دیلمی ، ارشاد القلوب ، ص ۱۷۸.

۳۳۵- گفتار فلسفی جوان .

۳۳٦- دیلمی ، ارشاد القلوب ، ص ۱۷۸.

۳۳۷- دیلمی ، ارشاد القلوب ، ص ۱۷۹.

۳۳۸- وسائل الشیعه ، ج ۱۵، ص ۱۰۲ - اخلاق در خانه .

۳۳۹- دیلمی ، ارشاد القلوب ، ص ۱۸۰.

۳٤۰- روضۀ الکافی ، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳٤۱- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲٤۷.

۳٤۲- اخلاق در خانه .

۳٤۳- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲٤٦.

۳٤٤- بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۵.

۳٤۵- امالی ، صدوق ، ص ۲۹۷ - بحار، ج ١٦، ص ۲٤۸.

۳٤٦- نهج البلاغه ، نامه ی ۳۱.

۳٤۷- گناهان کبیره ، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳٤۸- چون در آن زمان قافله از اصفهان تا شیراز، هفده روز، و از شیراز تا بوشهر ده روز در راه بود.

۳٤۹- دستغیب ، داستان های شگفت ، ص ۱۱۲.

۳۵۰- کیمیای محبت ، ص ۲۲۲.

۳۵۱- میزان الحکمه ، ج ۱، ص ۲٦۸.

۳۵۲- ب ۳۱، ح ۹، ص ۱۱۲۸.

۳۵۳- بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۵.

۳۵٤- دوستان ، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳۵۵- از مسمومات حاج حسین نصیری ، از علمای نوکنده .

۳۵٦- مجمع البیان ، ذیل آیه ی ۱۵٦.

۳۵۷- نهج البلاغه .

۳۵۸- بحار، ج ۱۲، ص ۱۰، ح ۱۳.

۳۵۹- سوره ی یوسف ، آیه ی ۳۳.

۳٦۰- سوره ی یوسف ، آیه ی ۳۳.

۳٦۱- بحار الانوار، ج ۹۰، ۳۲۵.

۳٦۲- سیدالشهداء.

۳٦۳- تاج لنگرودی ، پاداش ها و کیفرها، ص ۱۰۷.

۳٦٤- بحار، ج ٤٤، ص ۱۳۹.

۳٦٥- سیمای فرزانگان ، ص ۱۰۲.

۳٦٦- حلیۀ المتقین .

۳٦۷- مجموعه ورام ، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳٦۸- الحیاۀ ، ج ٤، ص ۱٥، ح ۲٤.

۳٦۹- غررالحکم ، ج ۲، ص ۹.

۳۷۰- الحیاۀ ، ج ٤، ص ۲۸٤.

۳۷۱- غررالحکم ، ج ٤، ص ۲٦٦.

۳۷۲- غررالحکم ، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳۷۳- حکمت ، ۳.

۳۷٤- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ٤۷.

۳۷٥- حکمت ۳.

۳۷٦- حکمت ۳۱۱.

۳۷۷- ب ٦۰، ح ۱، ص ۱۱۷۰.

۳۷۸- ب ٦۰، ح ۲، ص ۱۱۷۰.

۳۷۹- نهج الفصاحه ، ٥۲٤.

۳۸۰- بحار، ج ۷۰، ص ۲٤۲.

۳۸۱- مفاتیح الجنان .

۳۸۲- برای توضیح این مطلب ، به بحث ضرورت دعا در حق امام زمان (عج) رجوع شود.

۳۸۳- دوستان ، ج ٤، ص ۸۹.

۳۸٤- محمد مهدی تاج لنگرودی ، کشکول ممتاز، ص ٤٤۸.

۳۸٥- کشکول ممتاز، ص ٤٦۳.

۳۸٦- بحار، ج ۱۹.

۳۸۷- ب ۲٤، ج ۱، ص ۱۱۱٦ - مرحوم مجلسی ، عین الحیات ، ص ۱۳۲.

۳۸۸- عین الحیات ، ص ۱۳۳.

۳۸۹- نصایح .

۳۹۰- ب ۳۱، ج ۱، ص ۲٦۳، ج ٥.

۳۹۱- ب ۳۱، ح ۳، ج ٥، ص ۲٦۳.

۳۹۲- بحار، ج ۹۲، ص ۲٤۲.

۳۹۳- ب ۳۱، ج ۱، ص ۱۱۲٦.

۳۹٤- ب ۳۱، ج ۲، ص ۱۱۲٦.

۳۹٥- ب ۳۱، ح ٥، ص ۱۱۲۷.

۳۹٦- ب ۳۱، ح ٦، ص ۱۱۲۷.

۳۹۷- ب ۳۱، ح ۷، ص ۱۱۲۷.

۳۹۸- ب ۳۱، ح ٤، ص ۱۱۲۷.

۳۹۹- محمد فاضل ، دعا و نیایش .

٤۰۰- ب ۳۳، ج ٤، ح ۱، ص ۱۱۳۰.

٤۰۱- ح ۱۲، ب ۳۳، ص ۱۱۳۲.

٤۰۲- ح ۲۲، ب ۲۳، ص ۱۱۳۳.

٤۰۳- ب ۳۳، ح ۱۰، ص ۱۱۳۱.

٤۰٤- ح ٤، ب ۳۳، ص ۱۱۳۰.

٤۰٥- ح ۸، ب ۳۳، ص ۱۱۳۱.

٤۰٦- ح ۹، ب ۳۳، ص ۱۱۳۱.

٤۰۷- ح ۱٥، ب ۳۳، ص ۱۱۳۱.

٤۰۸- ح ۱٦، ب ۳۳، ص ۱۱۳۲.

٤۰۹- ح ۱۸، ب ۳۳، ص ۱۱۳۲.

٤۱۰- حلیة المتقین ، ص ۳۲.

٤١١- حلیهٔ المتقین ، ص ٣٣.

٤١٢- سوره ی احزاب ، آیه ی ٥٦.

٤١٣- ترجمه و شرح و اصول کافی ، کتاب دعا.

٤١٤- عین الحیات .

٤١٥- ژرفای نماز، ص ٦٠.

٤١٦- دیار عاشقان ، ج ٦، ص ١٨٩.

٤١٧- دیار عاشقان ، ج ٦، ص ١٨٩.

٤١٨- بحار، ج ٩٤، ص ٥٦.

٤١٩- بحار، ج ٩٤، ص ٥٦.

٤٢٠- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٤٨.

٤٢١- عین الحیات ، ص ١٣٤ - عدهٔ الداعی ، ص ١٦٥.

٤٢٢- بحار، ج ٩٠، ص ٣١٧.

٤٢٣- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٥٢.

٤٢٤- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٩٠.

٤٢٥- - ب ٧، ج ٢، ص ١٠٩٣.

٤٢٦- ب ٧، ح ١، ص ١٠٩٢.

٤٢٧- ب ٧، ح ٧، ص ١٠٩٣.

٤٢٨- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٢٠.

٤٢٩- اصول کافی ، ج ٣، ص ١٣٢.

٤٣٠- سفینهٔ البحار، ج ١، ص ٤٩٩.

٤٣١- میزان الحکمه - اسرار الصلوهٔ ، ص ٢٢٦.

٤٣٢- اصول کافی ، ج ٣، ص ١٣٣.

٤٣٣- حقایق فیض ، ص ٢٤٤ (از کتاب خودسازی ابراهیم امینی ، ص ٢٩٥).

٤٣٤- عدهٔ الداعی - کافی ، ج ٤، ص ٢٢٢.

٤٣٥- ب ١٦، ح ٢، ص ١١٠٥.

٤٣٦- ب ١٦، ح ١، ص ١١٠٥.

٤٣٧- ب ١٦، ح ٣، ص ١١٠٦.

٤٣٨- ب ٢٨، ح ٥، ص ١١٢١.

٤٣٩- ب ١٥، ح ١، ص ١١٠٤.

٤٤٠- بحار الانوار، ج ٢٦، ص ٣٥٠.

٤٤١- شرح غررالحکم ، ج ٥، ص ٤٣٦.

٤٤٢- بحار الانوار، ج ٧٤، ص ١٩٦.

٤٤٣- بحار، ج ١، ص ٢٠٧.

٤٤٤- شرح غررالحکم ، ج ٤، ص ٣٤١.

٤٤٥- نهج البلاغه ، خطبه ی ١٤٧.

٤٤٦- بحار، ج ٧٠، ص ١٢٣.

٤٤٧- شرح غررالحكم ، ج ٥، ص ٣٤٥.

٤٤٨- بحار، ج ٣، ص ١٤.

٤٤٩- بحار، ج ٥١، ص ١٤٨.

٤٥٠- تفسير نور الثقلين ، ج ٥، ص ١٣٢.

٤٥١- ميزان الحكمة ، ج ٣، ص ٢٦٨.

٤٥٢- اصول كافى ، ج ٤، ص ٢٢٥.

٤٥٣- سوره ى آل عمران ، آيه ى ١٣٥.

٤٥٤- سفينة البحار، ج ١، ص ٤٤٩.

٤٥٥- اصول كافى ، ج ٤، ص ٢٢٦.

٤٥٦- منازل الآخره .

٤٥٧- ب ٤، ح ١، ص ١٠٨٩.

٤٥٨- بحار، ج ٧٧، ص ١٧٣.

٤٥٩- اصول كافى ، ج ٤، ص ٢٣٣.

٤٦٠- ب ٢٩، ح ١، ص ١١٢١.

٤٦١- ب ٢٩، ح ٣، ص ١١٢٢.

٤٦٢- ب ٢٩، ح ٤، ص ١١٢٢.

٤٦٣- اصول كافى ، ج ٤، ص ٢٢٥.

٤٦٤- نصایح ، ص ١٣٦.

٤٦٥- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٦٩.

٤٦٦- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٧١.

٤٦٧- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٧١.

٤٦٨- ح ١، ب ١٨، ص ١١٠٧.

٤٦٩- میزان الحکمۀ ، ج ٢، ص ٥٢٧.

٤٧٠- میزان الحکمۀ ، ج ٢، ص ٥٧٢.

٤٧١- میزان الحکمه ، ج ٢، ص ٥٧٢.

٤٧٢- ب ٣٩، ج ٣، ص ١٤٤.

٤٧٣- ب ٣٩، ح ٤، ج ١١٤٤.

٤٧٤- ب ٣٨، ح ٢، ص ١١٤٣.

٤٧٥- بحار، ج ٩٠، ص ٣١٤.

٤٧٦- بحار، ج ٩٠، ص ٣٠٥.

٤٧٧- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٤٣.

٤٧٨- ب ٤٣، ح ١، ص ١١٥١.

٤٧٩- ب ٤٣، ج ٣، ص ١١٥٢.

٤٨٠- ب ٤٣، ح ٦، ص ١١٥٢.

٤٨١- ب ٤٠، ح ٢، ص ١١٤٥.

٤٨٢- بحار، ج ٩٠، ص ٣٨٠.

٤٨٣- ب ١٢، ح ٣، ص ١١٠٠.

٤٨٤- ب ١٢، ح ٤، ص ١١٠٠.

٤٨٥- عدة الداعی ، ب ١٤، ح ١، ص ١١٠٤ - اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٧٤.

٤٨٦- نهج الفصاحه ، ص ٥٧٦.

٤٨٧- ب ١٢، ح ١، ص ١١٠٢.

٤٨٨- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٣٣.

٤٨٩- مجموعه ورام ، ج ١، ص ٥٠.

٤٩٠- بحار، ج ١٣، ص ٤٢٩.

٤٩١- عدة الداعی .

٤٩٢- سوره ی مائده ، آیه ی ٣٥.

٤٩٣- ح ٦، ب ٣٧، ص ١١٤٠.

٤٩٤- ح ٨، ب ٣٧، ص ١١٤١.

٤٩٥- ح ١، ب ٣٧، ص ١١٣٩.

٤٩٦- عدة الداعی ، ص ٢٠٢.

٤٩٧- ب ٢، ح ٣، ص ١٠٨٥.

٤٩٨- بحار، ج ٧٧، ص ١٧٣ - اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٢٤.

٤٩٩- اصول کافی ، ج ٤، ص ٣١٦.

٥٠٠- نهج الفصاحه ، ص ٦٣٠.

٥٠١- ب ٢، ح ١٥، ص ١٠٨٧.

٥٠٢- ب ٢٠، ح ٤، ص ١١٠٩.

٥٠٣- ب ٢٠، ج ٥، ص ١١٠٩.

٥٠٤- ناسخ التواريخ .

٥٠٥- ب ١٧، ح ٣، ص ١١٠٧.

٥٠٦- ب ٥، ح ٣، ص ١٠٩١.

٥٠٧- ب ١٩، ح ١، ص ١١٠٧.

٥٠٨- سوره ی یوسف ، آیه ی ١٠٦.

٥٠٩- ب ١٢، ح ٢، ج ١١، ص ١٦٩.

٥١٠- بحار، ج ٩٣، ص ٣٠٣.

٥١١- عدۀ الداعی ، ص ٩٧ - وسائل الشیعه .

٥١٢- از مسموعات .

٥١٣- بحار، ج ٥٣، ص ١٧٨.

٥١٤- وسائل الشیعه - کتاب الصلوۀ ، باب دعا - اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٨٩.

٥١٥- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٩٠.

٥١٦- سوره ی ابراهیم ، آیه ی ٤٠.

٥١٧- ب ٣٠، ح ٤، ص ١١٢٥.

٥١٨- بحار، ج ٩٠، ص ٣٤٨.

٥١٩- بحار، ج ٩٠، ص ٣٤٨.

٥٢٠- نهج الفصاحه ، ص ٣٨٧.

٥٢١- احتجاج طبرسی ، ج ٢، ص ٤٨٧.

٥٢٢- شیخ صدوق ، عیون اخبار الرضا.

٥٢٣- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٢٨.

٥٢٤- ب ٢٧، ح ٢، ص ١١١٩.

٥٢٥- ب ٢٧، ح ٣، ص ١١١٩.

٥٢٦- ب ٢٧، ح ٤، ص ١١٢٠.

٥٢٧- اصول کافی ، ج ٤، ص ٢٢٦.

٥٢٨- ب ٣٠، ح ٢، ص ١١٢٤.

٥٢٩- ب ٣٠، ج ١، ص ١١٢٤.

٥٣٠- ب ٢٥، ج ١، ص ١١١٧.

٥٣١- ب ٢٥، ح ٢، ص ١١١٧.

٥٣٢- ب ٢٥، ح ٢، ص ١١١٧.

٥٣٣- سوره ی سجده ، آیه ی ١٧.

٥٣٤- ب ٢٣، ح ٣، ص ١١١٤.

٥٣٥- ب ٢٣، ح ٧، ص ١١١٥.

٥٣٦- ب ٢٣، ح ٨، ص ١١١٥.

٥٣٧- نهج البلاغه ، حكمت ١٠٤.

٥٣٨- نهج الفصاحه ، ص ٣٨٨.

٥٣٩- بحار، ج ت ص ٣٤٣.

٥٤٠- نهج الفصاحه .

٥٤١- نهج الفصاحه ، ص ٥٤٧.

٥٤٢- بحار، ج ٩٦، ص ٢٥٣.

٥٤٣- تحف العقوصلوات

٥٤٤- ب ٢٨، ج ١، ص ١١٢٠.

٥٤٥- عده الداعى ، ص ٥٥.

٥٤٦- عده الداعى ص ٥٥.

٥٤٧- عده الداعى ص ٥٦.

٥٤٨- سيد الشهدا.

٥٤٩- معراج السعاده .

٥٥٠- معراج السعاده .

١-٥٥١ب ٦٨، ح ١، ص ١١٧٦..

۵۵۲-! ٦٨، ح ۲ ، ص ۱۱۷٦.

۵۵۳- بلبل بوستان حضرت مهدی علیه السلام ، مجموعه سخنرانی های حاج شیخ احمد کافی خراسانی ، ج ۱، ص ۱۸٤.

۵۵٤- وسائل الشیعه ، ج ٤، ص ۱۰۳۷.

۵۵۵- وافی ، ج ۲، ص ۱۲۱.

۵۵٦- اصول کافی ، ج ٤، ص ۳۹۹.

۵۵۷- اصول کافی ، ج ٤، ص ۳۹۹.

۵۵۸- سوره ی بقره ، آیه ی ۱٦۱.

۵۵۹- فقه الرضا (ع) - اللمعۀ الدمشقیه .

٥٦۰- نهج البلاغۀ - خطبه ٦۹.

٥٦۱- از جانب خلفای عباسی حاکم مدینه بود.

٥٦۲- اصول کافی ، ج ٤، ص ۲۷۹.

٥٦۳- رجال ما مقامی ، ص ۳۳۱.

٥٦٤- قصص العلماء.

٥٦٥- قصص العلماء، فوائد الرضویۀ - ۱۱.

٥٦٦- نقایسی ، ص ۳۲۲.

٥٦۷- حقوق والدین ، ج ۳۰۷.

٥٦۸- مقام پدر و مادر، ج ۹۰ - مجالس المفید، ص ۱٦۸.

٥٦٩- وسائل الشيعه .

٥٧٠- انوار نعمانيه ، ج ٣، ص ٩٢، ٩١، به نقل از داستان های شگفت .

٥٧١- وسائل الشيعه - جهاد، ب ٥٩، ص ٤٣٦.

٥٧٢- صحيفه ی سجاديه ، دعای ٣٨.

٥٧٣- سفيه البحار، ج ٢.

٥٧٤- صحيفه ی سجاديه ، دعای ٢٧ برای مرزداران .

٥٧٥- اصول كافی ، ج ٤ ص ٢٧٧.

٥٧٦- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢٧٧.

٥٧٧- سوره ی نساء، آيه ی ٥٩.

٥٧٨- سوره ی مائده ، آيه ی ٥٥.

٥٧٩- سوره ی شوری ، آيه ی ٢٣.

٥٨٠- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢٨٠.

٥٨١- اصول كافی ، ج ٤، ص ٢٨٠.

٥٨٢- سوره ی آل عمران ، آيه ی ٥٩.

٥٨٣- سوره ی آل عمران ، آيه ی ٦١.

٥٨٤- المراقبات .